



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

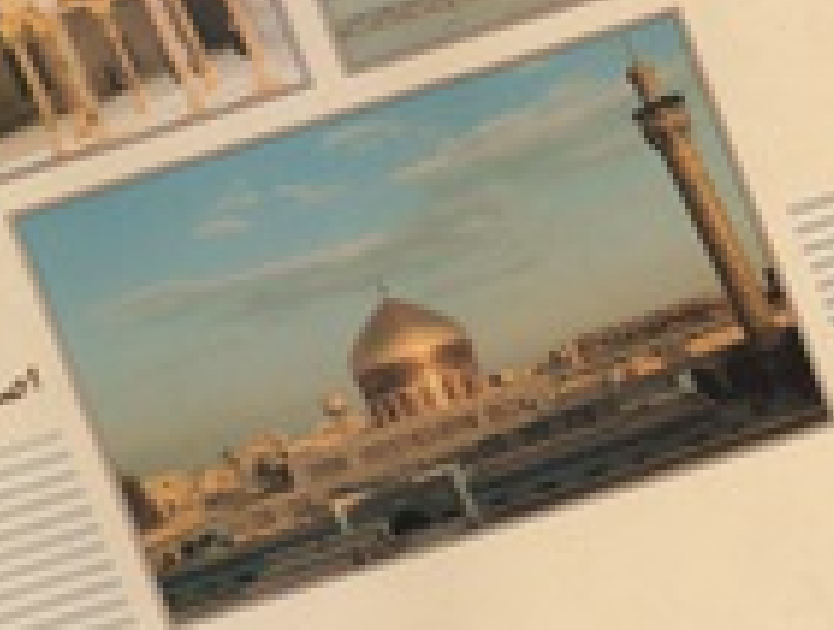
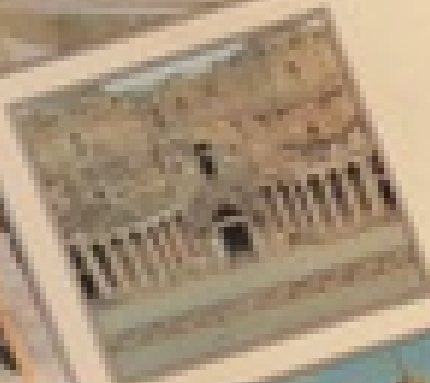
گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تاریخ وامان سیاحتی وزارتی سوریہ



اصغر فاندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه

نویسنده:

اصغر قائدان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه
۱۸	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۳۳	مقدمه
۳۷	مقدمه چاپ جدید
۳۸	فصل اول: آشنایی با موقعیت جغرافیایی، تاریخی و مذهبی سوریه
۳۸	اشاره
۴۰	۱- موقعیت جغرافیایی و طبیعی سوریه
۴۰	اشاره
۴۱	وجه تسمیه شام و سوریه
۴۳	۲- موقعیت تاریخی و سیاسی شام و سوریه
۴۳	الف) قبل از اسلام
۴۴	ب) پس از اسلام
۴۷	ج) دوران معاصر
۵۰	۳- مذاهب و گروه های مذهبی در سوریه
۵۶	فصل دوم: آثار سیاحتی زیارتی دمشق
۵۶	اشاره
۵۸	۱- دمشق در گذر تاریخ
۶۴	۲- مرقد و مزار عقيله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام
۶۴	اشاره
۶۸	نظریه مورخان و پژوهشگران در مورد محل دفن زینب کبری علیها السلام
۷۳	۳- مقام و مقبره حضرت رقیه علیها السلام
۷۷	۴- مسجد اموی دمشق در بستر تاریخ

۷۷ اشاره
۸۱ ۱- قبه ها و گنبد
۸۱ اشاره
۸۱ ۱ / ۱ . قبه المال
۸۱ ۱ / ۲ . قبه الغواره
۸۲ ۱ / ۳ . قبه الساعات
۸۲ ۱ / ۴ . قبه النسر يا عقاب
۸۳ ۲- درهای مسجد اموی
۸۴ ۳- مآذنه های جامع اموی
۸۵ ۴- آثار و مقام انبیا در جامع اموی
۸۵ ۱ / ۴ . قبر و مقام هود عليه السلام
۸۵ ۲ / ۴ . مقام حضرت خضر عليه السلام
۸۶ ۳ / ۴ . مکان نزول عیسی عليه السلام
۸۶ ۴ / ۴ . مقام و محل دفن سر یحیی عليه السلام
۸۷ ۵- شبستان جامع اموی
۸۷ اشاره
۸۸ ۱ / ۵ . محراب های چهار گانه
۸۹ ۲ / ۵ . مصحف عثمانی
۸۹ ۳ / ۵ . منبر مسجد
۸۹ ۴ / ۵ . جایگاه اسیران کربلا
۸۹ ۵ / ۵ . محل غسل تعمید مسیحیان
۹۰ ۶- مقام رأس الحسین عليه السلام
۹۲ ۷- محراب و مقام حضرت زین العابدین عليه السلام
۹۲ ۸- مشاهد خلفای راشدین
۹۳ آتش سوزی های جامع اموی و بازسازی های آن
۹۵ سیر تاریخی توسعه و بازسازی جامع اموی

۵- سایر مساجد تاریخی و مشهور دمشق ۹۷

اشاره ۹۷

۱. مسجد الشادات ۹۷

۲. جامع باب المصلى ۹۷

۳. مسجد الاقصاب: القصب ۹۸

۴. مسجد ابى بن كعب انصارى ۹۸

۵. جامع قیمریه ۹۹

۶. جامع ابى دردا ۹۹

۷. جامع هشام ۹۹

۸. جامع جزاح ۹۹

۹. جامع درویشیه ۱۰۰

۱۰. جامع سیبیه ۱۰۰

۱۱. جامع نقشبندیه ۱۰۰

۱۲. جامع احمدیه ۱۰۱

۱۳. جامع سنانیه ۱۰۱

۶- مدارس و دار القرآن های تاریخی دمشق ۱۰۲

اشاره ۱۰۲

الف) مدارس ۱۰۳

۱. مدرسه نوریه کبری ۱۰۳

۲. مدرسه عادلیه کبری ۱۰۳

۳. مدرسه ظاهریه کبری ۱۰۴

۴. مدرسه عزیزیه ۱۰۵

۵. مدرسه سمیسطیه ۱۰۵

۶. مدرسه جوزیه ۱۰۶

۷. مدرسه جُمُقیه ۱۰۶

۸. مدرسه شامیه ۱۰۷

- (ب) دار القرآن ها ۱۰۷
۱. دارالقرآن الرشائیه ۱۰۷
۲. دارالقرآن صابونیه ۱۰۷
۳. دارالقرآن افریدونیه ۱۰۸
۴. دارالقرآن تنکزیه ۱۰۸
۵. دارالقرآن الاسعریه ۱۰۸
۶. دارالقرآن تفتازانیه ۱۰۸
- ۷- قبرستان باب الصغیر ۱۰۹
- اشاره ۱۰۹
- (الف) قبور فرزندان گرامی ائمه اطهار علیهم السلام ۱۰۹
۱. قبر سکینه دختر امام حسین علیه السلام ۱۰۹
۲. قبر ام کلثوم، دختر امام علی علیه السلام ۱۱۰
۳. قبر منسوب به فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام ۱۱۱
۴. قبر عبدالله بن جعفر الصادق علیه السلام ۱۱۳
۵. قبر عبدالله بن سجاد علیه السلام ۱۱۳
- (ب) مدفن سرهای شهدای کربلا در باب الصغیر ۱۱۴
- (ج) مقابر صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۱۱۶
۱. قبر منسوب به بلال حبشی ۱۱۶
۲. قبر منسوب به عبدالله بن جعفر بن ابوطالب علیها السلام ۱۱۷
۳. قبر منسوب به عبدالله بن ام مکتوم ۱۱۸
۴. قبر اوس بن اوس ۱۱۹
۵. وائله بن اسقع ۱۱۹
۶. قبر منسوب به ابان بن عثمان ۱۱۹
۷. فضاله بن عبید ۱۲۰
۸. ابو دردا و ام دردا ۱۲۰
۹. سهل بن ربیع انصاری ۱۲۰

- (د) مقابر زنان بنی هاشم و منسوبان به خاندان رسالت ۱۲۱
۱. قبر فضه، خادمه بزرگوار فاطمه علیها السلام ۱۲۱
۲. اسماء بنت عمیس «۴» ۱۲۱
۳. میمونه دختر امام حسن علیه السلام ۱۲۳
۴. حمیده دختر مسلم بن عقیل ۱۲۳
- ۵ و ۶. قبور منسوب به ام سلمه و ام حبیبه، همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۱۲۳
- (ه) قبور علما و دانشمندان و زهاد معروف دمشق ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
۱. شمس الدین الذهبی (ف. ۷۴۸ ق.) ۱۲۳
۲. ابن هشام نحوی ۱۲۴
۳. ابن رجب حنبلی ۱۲۴
۴. ابن قیم جوزی (۶۹۱-۷۵۱ ق.) ۱۲۴
۵. ابن عساکر (ف. ۵۷۱ ق.) ۱۲۴
۶. ابن حورانی دمشقی (ف. ۵۵۱ ق.) ۱۲۴
۷. بهلول (م. ۱۵۱ ق.) ۱۲۵
۸. ابن مالک نحوی (م ۶۸۶ ق.) ۱۲۵
- (و) قبور سایر بزرگان تابعین و بازماندگان ائمه اطهار علیهم السلام ۱۲۵
- ۸- سایر قبرستان های معروف دمشق ۱۲۸
- الف) قبرستان صوفیه و قبور عارفان دمشق ۱۲۸
- اشاره ۱۲۸
۱. ابراهیم قونوی (۶۵۲-۷۳۲ ق.) ۱۲۸
۲. احمد بن بدرالدین (م ۹۳۴ ق.) ۱۲۸
۳. ابو عمرو بن صلاح (م ۶۳۴ ق.) ۱۲۸
۴. ابن المحدث (۶۴۲-۶۹۵ ق.) ۱۲۹
۵. عبدالرحمان بن نوح (م ۶۵۴ ق.) ۱۲۹
۶. قطب الدین نیشابوری (م ۵۷۸ ق.) ۱۲۹

٧. فخر بن عساكر (م ٦٢٠ ق.) ١٢٩
٨. ابن كثير دمشقى (م ٧٧٤ ق.) ١٢٩
٩. ابن تيميه ١٣٠
- (ب) قبرستان باب توما و باب شرقى ١٣١
- اشاره ١٣١
١. شرحبيل بن حسنه ١٣١
٢. ضرار بن ازور اسدى ١٣١
٣. معاذ بن جبل ١٣١
٤. شيخ ارسلان دمشقى (ف. ٥٤٠ ق.) ١٣٢
- (ج) قبور سلاطين مشهور دمشق ١٣٢
١. معاويه بن ابى سفيان ١٣٢
٢. معاويه بن يزيد بن معاويه (معاويه ثانى) ١٣٣
٣. وليد بن عبدالملك بن مروان ١٣٤
٤. صلاح الدين ايوبي (م ٥٨٩ ق.) ١٣٥
٥. ملك عادل ايوبي (٥٣٤-٦١٦ ق.) ١٣٥
٦. نورالدين محمود زنگى شهيد (٥١١-٥٦٠ ق.) ١٣٦
٧. ملك ظاهر بيبؤس (ف. م. ٦٧٦ ق.) ١٣٧
٨. ملك اشرف موسى (ت. ٥٧٦ ق.) ١٣٧
٩. سيف الدين جقمق (م. ٨٢٤ ق.) ١٣٧
١٠. درويش پاشا ١٣٨
١١. شاهنشاه بن ايوبي (م. ٥٣٤ ق.) ١٣٨
١٢. تورانشاه بن ايوبي (م. ٥٧٦ ق.) ١٣٨
١٣. اسدالدين محمد شيره كوه ١٣٨
- ٩- ساير آثار تاريخى دمشق ١٣٩
- (الف) ابواب تاريخى دمشق ١٣٩
- اشاره ١٣٩

۱. باب توما: ۱۴۰
۲. باب شرقی: ۱۴۰
۳. باب الفرادیس: ۱۴۱
۴. باب الصغیر: ۱۴۱
۵. باب السلام: ۱۴۱
۶. باب الفرج: ۱۴۲
۷. باب کیسان: ۱۴۲
۸. باب الجناز: ۱۴۲
۹. باب الحديد: ۱۴۲
۱۰. باب الجابیه: ۱۴۲
- (ب) بازارهای تاریخی و مشهور دمشق ۱۴۳
- اشاره ۱۴۳
۱. بازار حمیدیه ۱۴۴
۲. بازار مدحت پاشا ۱۴۵
۳. بازار درویشیه ۱۴۵
۴. سوق العماره: بازار نطافین ۱۴۶
- (ج) قصرهای تاریخی ۱۴۶
- اشاره ۱۴۶
۱. قصر العظم: قصر اسعد پاشا ۱۴۶
۲. قصر الأبلق ۱۴۷
- (د) - تکایا ۱۴۷
۱. تکیه سلیمانیه ۱۴۷
۲. تکیه سلیمیه ۱۴۸
۳. تکیه شمس احمد پاشا ۱۴۸
۴. تکیه مولویه ۱۴۸
- (ه) قلعه تاریخی، نظامی دمشق ۱۴۸

- ۱۵۰ (و) حمام های تاریخی
- ۱۵۰ اشاره
- ۱۵۱ ۱. حمام نورالدین شهید
- ۱۵۱ ۲. حمام ظاهریه
- ۱۵۱ (ز) بیمارستان های تاریخی دمشق
- ۱۵۱ اشاره
- ۱۵۲ ۱. بیمارستان ولید بن عبدالملک
- ۱۵۲ ۲. بیمارستان نوریه
- ۱۵۳ ۳. بیمارستان قیمری
- ۱۵۳ ۴. بیمارستان عسکری (نظامی)
- ۱۵۳ ۵. مدرسه پزشکی دخواریه
- ۱۵۳ ۶. مدرسه الدینسریه
- ۱۵۴ ۷. مدرسه اللبودیه
- ۱۵۴ (ح) آثار تاریخی مسیحیان
- ۱۵۵ (ط) معبد ژوپیتر
- ۱۵۸ فصل سوم: کوه قاسیون و منطقه صالحیه
- ۱۵۸ قاسیون در گذر تاریخ
- ۱۵۸ اشاره
- ۱۶۲ الف- آثار تاریخی قاسیون (صالحیه)
- ۱۶۲ ۱. مغاره الدّم:
- ۱۶۴ ۲. مغاره الجوع: الاربعین
- ۱۶۴ ۳. غار منسوب به اصحاب کهف
- ۱۶۵ ب- آثار اسلامی قاسیون (صالحیه)
- ۱۶۵ ۱. جامع و مقبره محیی الدین ابن عربی (۵۶۰ - ۶۳۸)
- ۱۶۷ ۲. تکیه سلیمیه
- ۱۶۸ ۳. بیمارستان قیمریه

۴. مقام سيف الدين قيمرى ۱۶۸
- ج- مدارس و مساجد صالحيه ۱۶۹
- ۱- دار الحديث الاشرفيه البرانيه ۱۶۹
- ۲- دار الحديث القلانسيه ۱۶۹
- ۳- دار الحديث الناصريه ۱۶۹
- ۴- مدرسه شركسيه ۱۶۹
- ۵- مدرسه العمريه ۱۶۹
- ۶- مدرسه ماردينيّه ۱۶۹
- ۷- جامع حنابله ۱۷۰
- ۸- جامع شيخ عبدالغنى نابلسى ۱۷۰
- فصل چهارم: آثار اطراف دمشق ۱۷۵
- اشاره ۱۷۵
- الف- آثار و مقابر انبياء در حومه دمشق ۱۷۵
۱. قبر حضرت هابيل عليه السلام ۱۷۵
۲. قبر منسوب به حضرت موسى عليه السلام در قريه نَيْرَب ۱۷۶
۳. محل سکونت حضرت مريم و عيسى عليه السلام در رُبُوه ۱۷۷
۴. مکان تولّد يا حضور ابراهيم عليه السلام در بَزْزَه ۱۷۷
- ب- آثار و مقابر صحابه و تابعين در حومه دمشق ۱۷۸
۱. مَرَج غَدراء: مرقد حجر بن عَدَى و يارانش ۱۷۸
۲. المِرّه و قبور صحابه ۱۸۲
۳. دَارِيَا و آثار آن ۱۸۴
۴. قريه المَنِيحَه: قبر سعد بن عُباده خزرجى ۱۸۵
۵. قريه بيت أَرانس: قبر كَناز صحابى ۱۸۶
۶. قريه دير مُرّان: قبر تميم الدارى انصارى ۱۸۶
۷. قريه البجدليه: مقام بايزيد بسطامى ۱۸۶
۸. شهرک صيدنايا: دير صيدنايا ۱۸۶

- ج- قنيطره و جولان ----- ۱۸۷
- فصل پنجم: استان حلب ----- ۱۹۰
- اشاره ----- ۱۹۰
- موقعیت جغرافیایی و تاریخی حلب ----- ۱۹۲
- الف- اماکن زیارتی و مذهبی حلب ----- ۱۹۳
۱. مشهد الحسین علیه السلام: مسجد النقطه ----- ۱۹۳
۲. مشهد المحسن بن الحسین علیه السلام ----- ۱۹۸
۳. مقبره ابن شهر آشوب، و قبور علمای بنی زهره ----- ۱۹۹
۴. مقبره شهید شیخ شهاب الدین سهروردی ----- ۲۰۰
۵. آرامگاه حضرت زکریای نبی علیه السلام ----- ۲۰۱
۶. قبر معروف بن جمر از نوادگان امام صادق علیه السلام ----- ۲۰۱
- ب- اماکن سیاحتی و تاریخی حلب ----- ۲۰۲
- قلعه تاریخی و نظامی حلب ----- ۲۰۲
- ج- مساجد تاریخی حلب ----- ۲۰۵
۱. مسجد اموی یا جامع الکبیر ----- ۲۰۵
۲. جامع توته ----- ۲۰۶
۳. سایر مساجد حلب ----- ۲۰۷
- د- بیمارستان ها و حمام های تاریخی حلب ----- ۲۰۷
- ه- مدارس و کتابخانه های حلب ----- ۲۰۸
- و- آثار تاریخی اطراف حلب ----- ۲۰۹
- فصل ششم: استان رقه: منطقه صفین ----- ۲۱۴
- اشاره ----- ۲۱۴
- ۱- باب علی علیه السلام و دیوار قدیمی رقه ----- ۲۱۷
- ۲- مزار و مقبره عمار بن یاسر ----- ۲۱۸
- ۳- مرقد و مزار اویس قرنی ----- ۲۱۹
- ۴- مزار و مرقد منسوب به ایتّ بن کعب ----- ۲۲۰

- ۵- آثار تاریخی اطراف رقه و صفین ۲۲۰
۱. شهر زُصافه ۲۲۰
۲. شهرک عین دیوار ۲۲۱
۳. قلعه جُغَبِر ۲۲۱
- فصل هفتم: استان خَماه ۲۲۴
- اشاره ۲۲۴
- الف- مساجد تاریخی حماه ۲۲۷
- ب- قلعه های خَماه ۲۲۷
- ج- قصرهای حماه ۲۲۹
- د- سایر آثار تاریخی حماه ۲۳۰
۱. دیر الصلیب ۲۳۰
۲. آسیاب های آبی ۲۳۰
۳. بیمارستان نوریه ۲۳۰
- ه. شهر باستانی افامیه: فامیه ۲۳۰
- فصل هشتم: استان حمص ۲۳۲
- اشاره ۲۳۲
- الف: جامع و مقبره خالد بن ولید ۲۳۵
- ب: جامع و قبور فرزندان جعفر طیار ۲۳۶
- ج: جامع و مقبره عمر بن عبدالعزیز ۲۳۶
- د: سایر صحابه مدفون در حمص ۲۳۶
- فصل نهم: استان های ساحلی ۲۳۸
- اشاره ۲۳۸
- ۱- استان طَرطوس ۲۳۸
- اشاره ۲۳۸
- الف- قلاع طرطوس ۲۳۸
- ب- سایر آثار طرطوس ۲۴۱

- ۱- ارادوس: ۲۴۱
- ۲- تل الكزل: ۲۴۱
- ۳- موزه طرطوس: ۲۴۱
- ۲- استان لاذقیه ۲۴۲
- اشاره ۲۴۲
- الف: قلعه صلاح الدین ۲۴۲
- ب: سایر قلاع لاذقیه ۲۴۳
- فصل دهم: استان تدمر: پالمیرا ۲۴۵
- اشاره ۲۴۵
- تدمر و آثار تاریخی آن ۲۴۶
- اشاره ۲۴۶
- قوس النصر: باب النصر ۲۴۷
- معبد بل ۲۴۷
- معبد نبو ۲۴۸
- حمام های تدمر ۲۴۸
- فصل یازدهم: استان سویدا ۲۵۲
- اشاره ۲۵۲
- الف- بصری و آثار اسلامی و تاریخی آن ۲۵۴
- اشاره ۲۵۴
۱. دروازه اصلی و تاریخی شهر ۲۵۵
۲. قلعه و تئاتر بصری ۲۵۵
۳. بازار، حمام ها و معابد بصری ۲۵۶
۴. جامع عمّری ۲۵۷
۵. دیر و کلیسای بحیرای راهب ۲۵۷
۶. جامع میرک یا ناقه ۲۵۸
- ب- شهر تاریخی سویدا ۲۵۸

- ج- شه‌اء: فیلو‌ولیس و آثار تاریخی آن ۲۵۹
- د- شهرک ضلُخُد یا ضُرُخُد ۲۵۹
- فهرست منابع ۲۶۰
- اشاره ۲۶۰
- الف. منابع عربی ۲۶۲
- ب. منابع فارسی ۲۷۶
- ج. منابع انگلیسی ۲۷۷
- فهرست اعلام ۲۷۸
- اشاره ۲۷۸
- ۱- فهرست اشخاص ۲۷۹
- ۱- فهرست اماکن ۳۳۷
- درباره مرکز ۳۹۵

سرشناسه: قائدان اصغر، - ۱۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه تألیف اصغر قائدان مشخصات نشر: تهران نشر مشعر، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری: [۳۸۹]ص مصور، نقشه شایک: ۹۶۴-۶۲۹۳-۱۱-۵۱۳۰۰۰ریال؛ ۹۶۴-۶۲۹۳-۱۱-۵۱۳۰۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: عنوان روی جلد: تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه

یادداشت: کتابنامهص [۳۵۵] - ۳۶۸

عنوان روی جلد: تاریخ و اماکن سیاحتی و زیارتی سوریه

موضوع: زیارتگاههای اسلامی -- سوریه موضوع: سوریه -- راهنماها

رده بندی کنگره: BP۲۶۳/۶ ق ۲ ت ۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۵۴۸۷

ص: ۱

اشاره

ص: ١٦

مقدمه

سوریه کنونی که در گذشته، با کشورهای اردن، لبنان و فلسطین اشغالی بخشی از سرزمین شام شمرده می شد، سابقه ای بس دراز در تاریخ دارد که مورخان، این قدمت را به حدود پنج هزار سال پیش می رسانند. از آنجا که این سرزمین در مدت یاد شده، از فرهنگ و تمدن درخشانی برخوردار بوده، آثار و نشانه هایی از تمدن خود بر جا گذاشته است. پیش از فتح این کشور به دست مسلمانان، اقوام مختلفی؛ از جمله اقوام سامی آموری، آرامی، مصری، آشوری، بابلی، یونانی، رومی و ایرانی که هر از چند گاهی این کشور را سکونت گاه خویش ساخته و یا آن را در معرض تاخت و تاز قرار داده اند، نشانه هایی از تمدن خاص خویش را برای اعصار بعدی به یادگار گذاشته اند.

با فتح شام، در سال سیزده یا شانزده هجری به وسیله سپاه اسلام، فرهنگ غنی این دین جدید، بر تمدن های چندین سده اقوام یاد شده چیره شد. از این پس، آثار تاریخی این منطقه، صبغه ای اسلامی یافت و رنگ و بویی دیگر به خود گرفت. از یک سو علاقه ساکنان تازه مسلمان و حاکمان اسلامی آن، به این دعوت جدید و از سوی دیگر پویایی تمدن اسلام، نیروی محرکه و فعالی در میان آنان پدید آورد تا برای تثبیت و تحکیم این دین، به ساخت و احداث مساجد، ابنیه مذهبی، مدارس، دارالقرآن ها و ... پردازند که امروزه صدها اثر تاریخی در این خصوص زینت بخش آن سرزمین است. حضور ده ها تن از صحابه و تعدادی از بازماندگان اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و مهاجرت ایشان به این ناحیه برای نشر عقاید اسلام و سرانجام خاکسپاری آنان در آن جا، ناخودآگاه انبوه مقابر و مشاهد متبرکه ای را به وجود آورد که امروزه پس از گذشت قرن ها، بسیاری از مسلمانان، مشتاقان و ارادتمندان اهل بیت را برای زیارت این قبور، به ویژه مرقد

مطهر زینب کبری و رقیه بنت الحسین علیها السلام از اقصی نقاط عالم و نیز ایران اسلامی به سوی خود می کشاند.

حادثه جانفزا و مصیبت بار کربلا و ورود کاروان اسیران اهل بیت و نیز سرهای مقدس شهدای واقعه عاشورا به دمشق، مظلومیت شیعه در این سرزمین را به تصویر کشانیده است. آثار مرتبط با آن واقعه دردناک در این کشور، دل هر مسلمانی را به درد می آورد و چشم هر بیننده ای را پر از اشک می سازد؛ گویی آن حادثه، دوباره پا به عرصه وجود نهاده است.

در قرن های پنجم و ششم هجری، که مقارن با جنگ های صلیبی بود، حکام بسیار مقتدر و دینداری در این کشور بر اریکه سلطنت نشستند و پرچم جهاد بر ضد صلیبی ها و رومیان را بر افراشتند. کسانی چون نورالدین محمود زنگی شهید، سلطانصلاح الدین ایوبی، ملک عادل ایوبی، ملک ظاهر بیبرس، سیف الدوله حمدانی و ... از افتخارات عالم اسلام بودند که نه تنها امور جنگی و نظامی را در رأس اقدامات خود قرار دادند و به ایجاد پایگاه های نظامی، ساخت قلعه ها، حفر خندق ها و ... پرداختند، بلکه به خاطر عشق وافر و گسترش و تحکیم اسلام و تمدن افتخار آفرین آن داشتند، نسبت به ایجاد بناهای مذهبی و فرهنگی؛ اعم از مساجد، مدارس و ... اهتمام ورزیدند که امروزه وجود صدها اثر تاریخی، از آن دوران، بیانگر این مدعاست.

در قرون بعد، ممالیک و سرانجام ترکان عثمانی، پس از استیلا بر این سرزمین، سیاست پیشگامان خود را تداوم بخشیده و ضمن حفاظت و بازسازی آن آثار اسلامی، به احداث بناهای دیگری نیز پرداختند.

امروزه هر انسانی که به این کشور گام می نهد، در جای جای آن، آثاری از قرن ها فرهنگ و تمدن درخشان مشاهده می کند و از اهل علم کمتر کسی است که از این همه اعجاب، غرق در حیرت و شگفتی نشود. صدها و هزاران اثر تاریخی، از دوران قبل و بعد از اسلام، در دمشق و دیگر استان های سوریه، با سکوت خویش، از هزاره ها و سده ها سخن می گویند و راست گفته اند که «تاریخ، پرونده ملی ملت ها و عامل بقا و سند مالکیت آنان است» و باید گفت: آثار و اماکن تاریخی نیز اوراق این پرونده و مهر سند این مالکیت است.

مورخان عرب و به ویژه تاریخ نگاران شام، منابع و تألیفات ارزشمندی در مورد این سرزمین برجای گذاشته اند، لیکن هر یک به ابعاد خاصی از تاریخ و یا مقطع و دوره ای خاص و یا شهری معین از آن توجه داشته اند و کمتر تمامی ابعاد و دوره های تاریخی و یا تمامی کشور را مورد تشریح قرار داده اند. در عصر حاضر نیز محققان آن خطه، در باره پیشینه تاریخی خود قلم ها برگرفته و اثرها به تحریر درآورده اند ولی آنان نیز به همان راه رفته و اثری جامع و مانع ارائه نکرده اند و یا بعضی نیز بر اساس سلايق مذهبی و اعتقادی خود، از شرح و توصیف آثار مرتبط با شیعه طفره رفته و یا به عمد آن ها را نادیده گرفته اند.

در سال های اخیر نیز بعضی از محققان شیعه در ایران، دست به تألیفاتی در این باره زده اند لیکن آنان توجه خود را بیشتر به اماکن منسوب به شیعه و یا شهر دمشق معطوف ساخته اند. خلل و کاستی هایی که در این مورد وجود داشت ضروری می نمود تا تحقیقی عمیق، علمی، همه جانبه و مستند در باره آثار تاریخی و اسلامی تمام نواحی این کشور ارائه گردد تا دانش پژوهان و علاقمندان به مسائل تاریخی و هنری، از تمامی ابعاد و جوانب مورد نظر بهره مند گردند و سیاحان، به ویژه زائران مرقد منور زینب کبری، عقيله بنی هاشم و رقيه بنت الحسين علیهما السلام با بینشی کافی و وافی به این کشور گام نهند.

گفتنی است، نگارنده تمامی آثار توصیف شده را از نزدیک و به طور مستقیم دیده و به تشریح آن پرداخته است.

در پایان، بر خود فرض می دانم از معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، که به چاپ این اثر اهتمام ورزیده اند، سپاسگزاری کرده و توفیق دیگر دست اندرکاران را که در نشر آن کوشیده اند، از خداوند منان مسألت کنم.

اصغر قائدان

پنجم جمادی الاول ۱۴۱۵ هجری قمری

سالروز ولادت زینب کبری علیها السلام

مقدمه چاپ جدید

حامداً علی نعمه و مصلياً علی نبیه و آله

هم اکنون که نزدیک به پانزده سال از نخستین چاپ این اثر می گذرد، تغییرات و تحولات در آثار تاریخی این سرزمین، اگر چه روند پرشتایی ندارد، با این حال تلاشهای سازمانهای فرهنگی سوریه برای حفظ، توسعه و بازسازی اماکن و آثار قابل تقدیر است که البته در این راه حمایتهای مادی و معنوی جمهوری اسلامی بویژه برای بازسازی اماکن مذهبی متعلق به جهان تشیع نیز بر سرعت این روند تاثیر گذار بوده است. بر این اساس نگارنده بر آن شد که چاپ جدید این اثر را با تجدید نظر کلی همراه با اصلاحات و اضافات، اطلاعات و آمارها و تصاویر جدید به راهیان حرم عقيله بنی هاشم تقدیم کند در این راه از همکاری جانب آقای سید علی علوی در انتخاب و تنظیم عکسها و طراحی اثر برخوردار بوده ام. هم چنین آقای سیدصلاح موسوی نیز زحمت حرفچینی مجدد آن را بر عهده داشته اند که از خداوند توفیق ایشان را خواهانم. در پایان بر خود لازم می دانم از معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری در سازمان حج و زیارت و همکاران محترمشان در نشر مشعر که به چاپ این اثر در گذشته و حال اهتمام ورزیدند سپاسگذاری کنم.

با آرزوی سلامتی و توفیق همه آنان

والسلام علی عباد الله الصالحین

اصغر قائدان

پاییز ۱۳۸۶

فصل اول: آشنایی با موقعیت جغرافیایی، تاریخی و مذهبی سوریه

اشاره

۱- موقعیت جغرافیایی و طبیعی سوریه

۲- موقعیت تاریخی و سیاسی شام و سوریه

۳- مذاهب و گروه های مذهبی در سوریه

۱- موقعیت جغرافیایی و طبیعی سوریه

اشاره

مساحت: سوریه با ۱۸۰، ۱۸۵ کیلومتر مربع وسعت، هشتاد و سومین کشور جهان است و در جنوب غربی قاره آسیا، کنار دریای مدیترانه قرار دارد.

همسایگان: سوریه با کشورهای ترکیه (در شمال)، عراق (در شرق و جنوب شرقی)، اردن (در جنوب)، فلسطین اشغالی (در جنوب غربی) و لبنان (در غرب) مرز مشترک دارد.

آب و هوا: این کشور در کناره ها و نواحی جنوب غربی، آب و هوایی معتدل و مرطوب (مدیترانه ای) دارد و در دیگر نقاط، گرم و خشک است.

ارتفاع: بلندترین نقطه سوریه از دریا، جبل شیخ با ۲۸۱۴ متر ارتفاع است و مهمترین ارتفاعات آن عبارت اند از: کوه های لبنان شرقی، علویین، جبل الدروز، بشری، عبدالعزیز و قاسیون.

جلگه ها: بیشتر جلگه های سوریه، در کناره ها و نواحی جنوب غربی واقع شده اند.

قسمت اعظم آن را بیابان ها پوشانده و در جنوب شرقی آنصحرای سوریه (بادیه الشام) واقع شده است.

رودها: از مهم ترین رودهای سوریه، می توان به فرات، خابور، عاصی، عفرین، قویق و دجله اشاره کرد. رود فرات با ۲ / ۶۹۶ کیلومتر طولانی ترین آن ها است که حدود نیمی از آن در ترکیه و عراق جاری است.

جمعیت: طبق آخرین آمار (سال ۲۰۰۲ م.) سوریه بالغ بر ۱۸، ۸۶۶، ۰۰۰ نفر جمعیت دارد و شصت و سومین کشور جهان محسوب می شود. از این تعداد، ۵۰٪ آن

شهر نشین اند. پر جمعیت ترین شهرهای آن عبارت اند از: حلب، دمشق، حمص، حماه و لاذقیه.

بنادر: از بنادر مهم سوریه می توان به لاذقیه، طرطوس و بانیا س اشاره کرد که در کنار دریای مدیترانه واقع شده اند.

صنایع: صنایع مهم این کشور، عبارت اند از پالایش نفت، نساجی، سیمان، شیشه، مواد غذایی، صابون سازی، پوشاک و صنایع دستی.

معادن و منابع: گاز طبیعی و نفت، فسفات، گچ، کرم، نیکل، منگنز، سرب، سنگ نمک و «(۱)» ... از منابع با ارزش سوریه به شمار می رود.

استان ها و شهرهای مهم: بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، سوریه از ۱۳ استان تشکیل شده که زیر نظر فرماندار و یک شورای منتخب اداره می شود و استان های آن به ترتیب وسعت عبارت اند از:

۱. حُصص ۲. دَیر الزُّور ۳. حَسْکَه ۴. رِقَّه ۵. حَلَب ۶. دَمَشَق ۷. حَمَاه ۸. سُویدا ۹. دَرعا ۱۰. اذلب ۱۱. لاذقیه ۱۲. قَیْطَره ۱۳. طَرسوس.

وجه تسمیه شام و سوریه

در دوران گذشته، سوریه کنونی، بخش عمده ای از شام بوده و در واقع سرزمین شام، شامل کشورهای کنونی سوریه، لبنان، فلسطین و اردن می شده است. «(۲)» «الشَّامُ وَ الشَّامُ وَ الشَّامُ» در واقع «(۳)» نامی بوده که جغرافی دانان عرب بر این منطقه نهاده اند. منطقه ای که از یک سو به دریای روم و بیابان ممتد- از ایله تا فرات- و از سوی دیگر- از فرات تا مرز روم- منتهی می شود. بدین صورت، سرزمین های روم در شمال، مرز مصر و بیابان بنی اسرائیل در جنوب آن واقع شده و آخرین محدوده آن- در سمت مصر «رَفَّح» و

۱- محمود محبوب، فرامرز زیارودی، گیتاشناسی کشورها، ص ۱۸۴؛ المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱، ص ۲۳
 ۲- تقسیم این سرزمین به چهار کشور کنونی، به دنبال جنگ جهانی اول و در پی اهداف استعماری کشورهای سلطه گر انجام گردیده است.

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۱۱

سمت روم «الثغور» است. [\(۱\)](#)

در دوران های گذشته، به سرزمین شام، سوریه نیز می گفتند. بکری گوید: «سوریه» (به ضم اول و کسر الراء و تخفیف الیاء) نامی برای شام است. [\(۲\)](#)

ارنست هرتز فیلد گوید: سوریه نامی «آشوری» است که هنگام غلبه آشوریان بر این کشور اطلاق می شده و سین و شین در زبان سامی، به طور یکسان به کار می رفته است. نام سوریه برای نخستین بار در اثر «هرودوت» به شکل «shryn»، در خط «میخی» و «siryon» در زبان «عبری» استعمال می شده که بر لبنان شرقی اطلاق می شده است. [\(۳\)](#)

در دوران یونانی ها و بعد از آن، استعمال این نام گسترش یافت و بر همه منطقه نهاده شد و تا پایان جنگ جهانی اول به همین معنا به کار می رفت. [\(۴\)](#) بنابراین، سوریه نامی است برگرفته از قوم آسوری یا آشوری.

در اثر هرودوت، فلسطین قسمتی از سوریه بوده و مورخان جنگ های صلیبی، فلسطین را جزئی از سوریه دانسته اند. اصطلاح «syrian»- در زبان انگلیسی- در عصر حاضر، برای این کشور استفاده می شود که البته منظور کشور جمهوری عربی سوریه است و گاهی به پیروان کنیسه قدیم سوریه یا کنیسه سریانیه کاتولیک نیز گفته شده است. [\(۵\)](#)

در حقیقت اسم سریانی «syriac» مفهومی لغوی و دینی و «syrian» نیز برای اعراب مفهومی جغرافیایی و وطنی دارد. [\(۶\)](#)

جغرافی دانان و زبان دانان، هر یک در مورد وجه تسمیه شام چیزی گفته اند. بعضی معتقدند آن را بدین سبب شام نامیده اند که قومی از کنعان در این سرزمین ساکن شده اند؛ «فَتَشَاءُ مُوَا إِلَيْهَا» برخی دیگر گویند: بدین علت که اهل یمن در آن «تَشَاءُ» کرده اند؛

۱- اصطخری، المسالك و الممالک، ص ۵۵

۲- محمد کرد علی، خطط الشام، ج ۱، ص ۴۷

۳- محمد کرد علی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۷؛ عقیف البهنسی، الشام الحضاره، صص ۲۳- ۲۲

۴- نجدت خماس، الشام فیصدر الاسلام، ص ۴۰ به نقل از: «The modern encyclopedia of syria history» Article

۵- ۲۲۹- ۹۱۹ .p ۵۱ th . Encyclopedia britannica , Syria religeouse groups

۶- نجدت خماس، همان کتاب، ص ۴۰

یعنی به آنجا رو آورده اند. گروهی نیز گفته اند: به علت کثرت و فراوانی قریه ها و دهات آن، که نزدیک به یکدیگرند، یا این که سرزمین شام به رنگ های مختلفی مثل سرخ، سفید و سیاه است، همان طور که خال بدن انسان را شام گویند. «(۱)»

مجموع سرزمین های این منطقه را شامات گویند. گاهی دمشق را نیز از باب اطلاق کل بر جزء، شام گفته اند و عرب شهرها را اغلب به اسم سرزمین های آن می نامیده است. «(۲)»

فضایل فراوانی در مورد شام گفته اند. بعضی از مورخان احادیثی از پیامبر خداصلی الله علیه و آله در مورد فضایل آن نقل کرده اند «(۳)» که به نظر می رسد این احادیث را وابستگان و محدثان اموی ساخته اند تا به گونه ای سرزمین شام را در مقابل شهر پیامبر؛ یعنی مدینه النبصلی الله علیه و آله مطرح کنند؛ زیرا این سرزمین، مقر حکومتی بنی امیه بوده است.

۲- موقعیت تاریخی و سیاسی شام و سوریه

الف) قبل از اسلام

شام و سوریه کنونی، از قدیمی ترین مناطق مسکونی آسیا بوده و در هزاره سوم قبل از میلاد، قوم «سامی آموری» در این سرزمین ساکن و حکومتی در آن تشکیل دادند که تا سال ۱۷۰۰ قبل از میلاد پایدار بود. در اواخر قرن یازدهم قبل از میلاد، قوم دیگری به نام «آرامی» نیز در این کشور مستقر شدند.

سوریه در پیش از میلاد، بارها به تصرف مصریان، آشوریان، بابلیان و ایرانیان در آمد و هر یک از آنان، این سرزمین را در زمانی کوتاه یا طولانی در دست داشتند. «(۴)» ۲ کندر مقدونی، ۲ اسکندر مقدونی نیز آن را تصرف کرد و سپس این سرزمین با مرگ وی، جزو

۱- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ص ۱۴۰؛ نجدت خماس، همان کتاب، ص ۴۰

۲- محمد کرد علی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۸

۳- نک: ابی البقاء عبدالله البدری، نزهه الأنام فی محاسن الشام، بیروت، دارالرائد ۱۹۸۰؛ ابن طولون، بهجهالأنام فی فضل دمشق الشام

۴- ر. ک. به: احسان عباس، تاریخ بلاد الشام، ص ۵۰ به بعد؛ عقیف البهنسی، همان کتاب، صص ۱۴۰-۱۲۰. نجدت خماس، همان کتاب، ص ۴۵ به بعد.

قلمرو سلوکیان شد. در سال ۶۳ میلادی، حکومت سلوکی ها بر این سرزمین به وسیله امپراتوری روم پایان یافت. در طی دوره تسلط روم، جنگ های فراوانی با دولت اشکانی در سوریه به وقوع پیوست. دولت ساسانی نیز مدتی بخش هایی از آن را به تصرف در آورد. در سال ۳۹۵ میلادی، پس از تجزیه دولت روم، به شرقی و غربی، این کشور جزو قلمرو امپراتوری روم شرقی (بیزانس) گردید. ^(۱) سرانجام استیلای بیزانس بر سوریه، به تدریج روبه ضعف نهاد تا این که در قرن اول هجری (هفتم میلادی) در زمان خلافت ابوبکر، خالد بن ولید مأمور فتح شامات گردید.

(ب) پس از اسلام

پیامبر خداصلی الله علیه و آله در مدت حیات خویش، دو بار به مرزهای امپراتوری روم در سرزمین شام حمله کرد. سپاه اسلام نخستین بار در غزوه «مؤته» با سپاه انبوه و تا دندان مسلح رومیان روبه رو شد. این غزوه بود که مقدمات نفوذ به سرزمین شام را برای مسلمانان فراهم ساخت. پیامبر خداصلی الله علیه و آله در زمانی دیگر، خود همراه لشکریانش به «تبوک» رفت و به مرزهای روم یورش برد. آن حضرت در واپسین روزهای حیات خود (سال یازدهم هجری)، سپاهی به فرماندهی اسامه بن زید برای هجوم به سرزمین شام تدارک دید، لیکن خود به ملکوت اعلی پیوست و ابوبکر اعزام آن سپاه را دنبال کرد.

سپاه اسامه در یک درگیری با رومیان به پیروزی رسید و موفق شد نتیجه تلخ شکست مؤته را به یک پیروزی تبدیل کند. پس از اندکی، خلیفه اول، هجوم به مناطق تحت سلطه روم؛ از جمله شامات را در استراتژی نظامی خویش قرار داد.

او در این جنگ، با فراخوانی مسلمانان از نقاط مختلف، سپاهی در مدینه فراهم آورد و آن را چهار گروه کرد؛ گروهی را به فرماندهی «ابوعبیده بن جراح» به سوی «حمص»، دسته دیگر را به فرماندهی «عمرو بن عاص» راهی فلسطین و دسته سوم را به فرماندهی «یزید بن ابی سفیان» به سوی «دمشق» و دسته چهارم را به سرپرستی

۱- المعجم القطر العربی السوری، ج ۱، ص ۲۴ به بعد.

«شرحبیل بن حسنہ» عازم «اردن» کرد. اندکی بعد، از شام خبر رسید که ابو عبیده، از عهده مقابله با رومیان برنیامده است، از این رو خلیفه نامه ای به خالد بن ولید نوشت که به کمک سپاه شام بشتابد و به جای ابو عبیده فرماندهی سپاه را به عهده گیرد. خالد به سوی شام رفت. او ابتدا «بُصری» را فتح کرد و سپس به مصاف با رومیان شتافت. این جنگ در تاریخ اسلام به «یرموک» معروف شد، «(۱)» زیرا در کنار رودی به همین نام، که امروزه در کشور اردن جاری است، صورت گرفت.

رومیان در این نبرد، ۱۴۰ هزار نفر تلفات دادند و سه هزار تن از مسلمانان نیز کشته شدند. آنان رومی ها را تعقیب و «ماهان» سردار آنان را کشتند و سپس به طرف دمشق رفتند؛ پس از آن که یک ماه بر دروازه آن شهر متوقف شدند، خبر وفات ابوبکر و خلافت عمر به ایشان رسید. «(۲)»

«هَرَقْل» (: هراکلیوس، امپراتور روم) در بیت المقدس از فتح مسلمانان در یرموک خبر یافت و با شتاب به سوی حمص روانه شد تا آن جا را مرکز جنگی خود قرار دهد.

ابو عبیده نیز با سپاه حرکت کرد تا به «مرج الصفر» رسید و از خلیفه کسب تکلیف کرد که اول دمشق را فتح کند یا به فحل هجوم برد؟ عمر نیز باصحابه مشورت کرد. در این میان امام علی علیه السلام نظر داد، اول دمشق را بگشایید که قلعه شام است و سپس سپاهی برای جلوگیری از سپاه فحل و مردم فلسطین و حمص بفرستید. خلیفه نیز به همین گونه فرمان داد.

محاصره دمشق هفتاد روز طول کشید؛ مسلمانان راه آذوقه و کمک رسانی ساکنان شهر را بستند. چون دیوارها و خندق های اطراف مانع نفوذ مسلمین می شد، چاره ای جز ادامه محاصره نداشتند. مردم دمشق که از محاصره به تنگ آمده بودند، از در صلح درآمدند؛ بعضی از دروازه های دمشق به صلح باز شد و مسلمین بدان راه یافتند و شهر را

۱- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، صص ۱۱۹-۸۰؛ واقدی، فتوح الشام، ص ۲۰ به بعد؛ محمد بن عبدالله ازدی، تاریخ فتوح

الشام، تحقیق عبدالمنعم عبدالله عامر، صص ۷۳-۲۱

۲- .۹. Muir, William, The Coliphate its rise, Dcline and fall, p.

فتح کردند. مورخان در تاریخ فتح دمشق اختلاف دارند؛ بعضی سال سیزده هجری و بعضی سال چهارده و یا هفده هجری گفته اند.

پس از فتح شام، «یزید بن ابی سفیان»، که یکی از چهار فرمانده فاتح دمشق بود، از سوی عمر به حکومت این شهر منصوب شد. وقتی او مرد، عمر قلمرو او را به معاویه سپرد و وی مالک مطلق العنان این سرزمین گشت. ^(۱)

در فتح شام بیشتر مهاجران و انصار حضور داشتند. به گفته ابن سعد، ۱۱۳ صحابه در آن شرکت کردند. ^(۲) شهر «حمص» - در جنوب دمشق - محل ملاقات و الحاق اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یکدیگر بود. «ابو مسلم خولانی» وقتی داخل مسجد حمص شد، سی تن از ریش سفیدان اصحاب را در آن دید و کثیر بن مره حضرمی نیز هفتاد بدری، از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در آن جا ملاقات کرد. آنان مقدمه لشکر اسلام بودند که آموزش فقه و قرآن در سپاه اسلام بر عهده آنان بود. بسیاری از تابعین در شام به دست عباده بنصامت، ابو دردا و معاذ بن جبل فقه آموختند. این کار به سبب درخواست یزید پسر ابوسفیان صورت گرفت که به عمر نوشته بود مردم شام فراوان اند و به تعلیم قرآن و فقه نیاز دارند. بدین سان حمص پایگاه عباده شد، ابو دردا به دمشق رفت و معاذ نیز عازم فلسطین گردید. ^(۳)

معاویه پس از آن که از سوی عمر به جای برادرش یزید بن ابوسفیان به حکومت دمشق منصوب شد، به فتح سایر شهرهای شام اقدام کرد. وی در دوران خلافت عثمان قدرت بلامنازعی یافت و علاوه بر شام به حکومت «جزیره» نیز دست یافت. او تمامی ولایات شام را به قیسی ها سپرد و همین قیسی ها و بعد کلبی ها بودند که او را در مقابل امام علی علیه السلام تقویت کردند. معاویه پیراهن خونین عثمان را بر منبر مسجدی، که بعدها، جامع اموی به جای آن ساخته شد، گذاشت و رؤسا، اشراف و قبایل را فراخواند. آنان نیز

۱- نک: واقدی، همان کتاب، ص ۵۰ به بعد؛ ابن اعثم کوفی، همان کتاب، ج ۱، صص ۱۳۰ - ۸۰؛ نویری، همان کتاب، ج

۳، ص ۸۰ - ۱۴۰؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی الاسلام، ج ۱، صص ۲۸۱ - ۲۷۶

۲- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۷، صص ۱۵۱ - ۱۱۱

۳- نجدت خماس، همان کتاب، صص ۹۸ - ۹۷؛ احسان عباس، همان کتاب، صص ۲۴۳ - ۲۲۲

سوگند خوردند که کشندگان عثمان را قصاص کنند. «(۱)» سپس جنگ‌سفین را علیه امام به راه انداختند. در این جنگ تمامی مردم شام جز «ابو درد» و «ابو امامه باهلی» حضور یافتند. «(۲)»

ج) دوران معاصر

سوریه در ۱۷۹۹ م، پس از فتح مصر، توسط ناپلئون بناپارت، به اشغال فرانسه در آمد. پس از چندی با استقلال نسبی مصر، سوریه نیز بار دیگر به عثمانی واگذار گردید.

آزار مسیحیان و سرکوبی شورش‌های آنان در این شهر، راه مداخله دولت‌های اروپایی را بیش از پیش به این کشور باز کرد و سرانجام در ۱۸۶۰ م. فرانسه به عنوان کمک به سلطان عثمانی در اداره سوریه، نیروهای نظامی خود را در بیروت (که آن زمان جزو سوریه بود) پیاده کرد. «(۳)» با ورود دولت عثمانی به جنگ جهانی اول (در ۱۹۱۴ م)، ملی‌گرایان عرب، زمینه را برای اجرای مقاصد استقلال طلبانه خود مساعد دیدند و آغاز به فعالیت کردند. در همین زمان‌ها بود که زمینه برای ایجاد یک دولت یهودی در فلسطین نیز آغاز شده بود. با پایان یافتن جنگ اول جهانی و شکست دولت عثمانی، امیر فیصل بن حسین (که بعدها پادشاه عراق شد) از سوی کنگره مردم سوریه به پادشاهی این کشور برگزیده شد. «(۴)»

در ۱۹۱۸ م. با حکومت وی، موقعیت و مرکزیت سیاسی دمشق تثبیت شد و با رهایی از یوغ ترکان عثمانی می‌رفت تا اهمیت خود را مثل دوران ایوبی‌ها و صلاح‌الدین ایوبی باز یابد اما زمان این آزادی اندک شد؛ زیرا در سال ۱۹۲۰ م، سوریه و لبنان با رأی جامعه ملل، تحت قیمومت و سلطه فرانسه قرار گرفت.

۱- طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۵۶۲

۲- منطقه‌سفین، در شمال شرقی سوریه کنونی قرار داشته است. برای آگاهی بیشتر در خصوص این منطقه، نک: بحث مربوط به استان رقه در همین کتاب.

۳- «A. H. Hourani syria and lebanon under french mandate oxford university by press. stephen hemsley . ۸۶۹۱»

۴- نک: علی سلطان، تاریخ السوریه ۱۹۱۸-۱۹۰۸ دارطلاس ۱۹۸۷

در ۱۹۲۶ م لبنان از سوریه تجزیه و کشوری جداگانه شد. پس از مذاکرات طولانی در ۱۹۳۰ م و ۱۹۳۲ م توافق هایی برای تأسیس سوریه خود مختار به عمل آمد.

با واگذاری ناحیه اسکندرون از سوریه به ترکیه در ۱۹۳۲ م. احساسات ضدّ فرانسوی شدت یافت. «(۱)» فرانسوی ها در اوایل جنگ جهانی دوم، پایگاه هایی در سوریه مستقر کردند که پس از شکست فرانسه در سال ۱۹۴۰ م. به دست آلمان هیتلری- نسبت به دولت دست نشانده نازی ها اعلام وفاداری کردند.

در ۱۹۱۴ م نیروهای انگلیس و فرانسه آزاد، سوریه را به اشغال خود در آوردند.

ژنرال کاترو، فرمانده نیروهای فرانسه آزاد، استقلال و سپس تأسیس جمهوری سوریه را در شانزدهم سپتامبر ۱۹۴۱ م. اعلام کرد و «شیخ تاج الدین حسنی» رییس جمهور شد.

در سال ۱۹۴۳ م نیز «شکری الغوتلی» به عنوان رییس جمهور این کشور انتخاب و از این سال استقلال کامل سوریه با خروج سربازان خارجی آغاز شد. این کشور در ۱۹۴۸ م در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد. «(۲)» از ۱۹۴۹ م تا ۱۹۵۳ م چند کودتا در سوریه به وقوع پیوست که طی آن در ۱۹۵۴ م «هاشم الاتاسی» قدرت خود را باز یافت. در این زمان حزب سوسیالیست بعث با ائتلاف با ملیون محافظه کار، درصدد اتحاد با مصر در دوران ناصر بود و سوریه با انعقاد پیمانی با شوروی به دول سوسیالیستی پیوست. «(۳)» در این هنگام (۱۹۵۸ م) اتحاد با مصر محقق شد و سوریه و مصر جمهوری متحد عرب را تشکیل دادند که ریاست این جمهوری به عهده جمال عبدالناصر بود.

از ۱۹۶۱ م تا ۱۹۶۶ م چند کودتای دیگر در این کشور صورت گرفت و مخالفان اتحاد با مصر در این سال ها به حکومت رسیدند. در همین دوران روابط سوریه با عراق

۱- برای اطلاع از چگونگی تسلط فرانسه بر سوریه و لبنان نک: longrig Stephen hemsley syria and lebanon under french monde, oxford university press, ۱۹۹۱.

۲- نک: هیشم گیلانی، الاستراتیجیات العسکریه الحروب العربیه الاسلامیه، مرکز دارسات الوحده العربیه، بیروت ۱۹۹۱ م.

۳- بشار الجعفری، السیاسه الخارجیه السوریه، ص ۱۴۱؛ عدنان الملوحي، الطريق الی دمشق، ص ۴۳، ۱۹۹۱ م.

رو به تیرگی نهاد. «(۱)» در ۱۹۶۷ م پس از جنگ با اسرائیل، قسمتی از خاک سوریه- از جمله ارتفاعات جولان و بخشی از قنیطره- اشغال شد. سرانجام در ۱۹۷۰ م ژنرال حافظ اسد با کودتایی قدرت را به دست گرفت و به ریاست جمهوری مادام‌العمر برگزیده شد.

در ۱۹۷۳ م سوریه بار دیگر در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد و خسارات زیادی بر اسرائیل وارد آورد. «(۲)» در ۱۹۷۶ م سوریه به سبب خیانت سادات به اعراب و انعقاد پیمان کمپ دیوید، روابط خود را با مصر قطع کرد و با شرکت چند کشور مترقی عربی «جبهه پایداری» را بنیان نهاد. در ۱۳۵۹ ش، پس از به قدرت رسیدن صدام حسین در عراق و جنگ آن کشور با ایران، روابط سوریه با عراق نیز کاملاً قطع شد. از آن هنگام، سوریه متحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران گردید که این اتحاد و اتفاق همچنان ادامه دارد.

در ۱۹۸۲ م. سوریه به دنبال هجوم صهیونیست‌ها به جنوب لبنان، تا حدی درگیر نبرد لبنان بود. «(۳)» از آن هنگام، سوریه و لبنان در کنار یکدیگر، در برابر اسرائیل به عنوان دو متحد قدرتمند به پایداری و مقاومت پرداختند. نیروهای نظامی سوریه در مناطق غربی و جنوبی لبنان از این کشور در برابر تهاجم اسرائیل ایستاد و در مقاومت مردم مسلمان و حزب الله لبنان در برابر اشغال جنوب و تسلیح و حمایت مادی و معنوی از آنان سهم مؤثری ایفا کردند تا ناچار نیروهای اسرائیل خاک لبنان را ترک کردند. حافظ اسد رییس جمهور سوریه، تمامی تلاش‌های خود را مصروف تحقق این هدف ساخت. سرانجام وی پس از بیش از ۳۰ سال ریاست جمهوری، دارفانی را وداع گفت.

در ۱۹۹۴ م که ۲۴ سال از ریاست جمهوری حافظ اسد می‌گذشت، فرزند او ملقب به «اباباسل» که قرار بود بعد از پدر جانشین او شود، در یک تصادف کشته شد و لذا فرزند دیگر او بشار اسد به ریاست جمهوری رسید.

۱- همچنین پاتریک سیل، الصراع علی سوریه، تعریب سمیر عبده و محمود کلام، ص ۱۹۸ به بعد.

۲- اینامار رابینوویچ، جنگ برای لبنان ۱۹۸۵-۱۹۷۰ ترجمه صفایی و رجبی، صص ۶۴-۴۹

۳- نک: هیشم گیلانی، الاستراتیجیات العسکریه للحروب العربیه الاسلامیه ۱۹۹۱؛ پیشین، صص ۱۴۱ و ۱۵۰

قوه مقننه از یک مجلس قانونگذاری به نام «مجلس خلق»، با ۱۹۵ عضو تشکیل یافته است. مهم ترین احزاب در سوریه حزب سوسیالیستی عربی بعث، جنبش سوسیالیست های عرب، حزب کمونیست، اتحادیه سوسیالیست های عرب هستند. «(۱)»

۳- مذاهب و گروه های مذهبی در سوریه

مسلمانان ۸۶٪ جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و مسیحیان با ۱۳/۵٪ اقلیت نسبتاً قابل توجهی در این کشور هستند. حدود پنج هزار یهودی نیز در دمشق و پیرامون آن زندگی می کنند و اما در میان مسلمانان، فرقه های مذهبی گوناگون در سوریه وجود دارند که پس از اهل سنت، که اکثریت را تشکیل می دهند، عبارت اند از:

۱. دروزی ها

گروهی از غالیان شیعه هستند که بیش از دو میلیون نفر از جمعیت سوریه را تشکیل می دهند. اغلب دروزی ها در استان سویدا و «جبل دروز» واقع در جنوب لاذقیه ساکن اند. فرقه دروزیه ترکیبی از عقاید شیعه، زرتشت و مسیحیت دارند که «شیخ عقل» اکنون مرجع دینی آنان است.

۲. علویان

آنان خود را شیعه می دانند، بیش از سه میلیون نفر هستند و بیشتر در کوه های شمال غرب سوریه به موازات ساحل طرطوس تا انطاکیه پراکنده اند. علویان پست های حساس در سوریه را بر عهده داشته اند. حافظ اسد نیز خود یک علوی بوده است. گفتنی است علویان بیشتر صحابه اولیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ از جمله عمار بن یاسر، مقداد، سلمان و اباذر را قبول دارند و به آنان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله عشق می ورزند. از لحاظ عمل به دستورات دینی چندان تقید ندارند و آداب و احکام دینی را به جا نمی آورند.

۱- ماجد اللحام، دمشق فی نصف قرن، صص ۶۰-۱۴؛ تاریخ معاصر کشورهای عربی، گروه نویسندگان آکادمی علوم شوری ترجمه محمد حسین روحانی ۱۳۶۷ ش.

۳. شیعه امامیه یا اثنی عشریه

جمعیت ایشان بیش از هفتصد هزار نفر است. آنان در غرب «باب توما» در دمشق و در قریه داریا زندگی می کنند و اکنون نیز قریه راویه و اطراف مرقد مطهر حضرت زینب علیها السلام محل سکونت بیشتر آنان گردیده است. در گذشته مرحوم «محسن الأمین» صاحب دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه و «سید علی مکی» منشأ تلاش هایی برای انسجام اعتقادی و فکری شیعه شده اند.

ص: ۳۵

نقشه

ص: ۳۶

نقشه

ص: ۳۷

نقشه

ص: ۳۸

نقشه

فصل دوم: آثار سیاحتی زیارتی دمشق

اشاره

- ۱- دمشق در گذر تاریخ
- ۲- مرقد و مزار عقيله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام
- ۳- مقام و مقبره حضرت رقیه علیها السلام
- ۴- مسجد اموی دمشق در بستر تاریخ
- ۵- سایر مساجد تاریخی و مشهور دمشق
- ۶- مدارس و دارالقرآن های تاریخی دمشق
- ۷- قبرستان باب الصغیر
- ۸- سایر قبرستان های معروف دمشق
- ۹- سایر آثار تاریخی دمشق

۱- دمشق در گذر تاریخ

واژه «دمشق» یا «دماسکو» (Demascus)، در اصل، آرامی، کلدانی یا سریانی قدیم بوده است. در نوشته ای «هیروگلیفی»، که از پانزده قرن قبل از میلاد به دست آمده، نام «تمسکو» یا «دماسکو» در آن دیده شده است. همچنین نام دماسکو در آثار معبد «کرنک» متعلق به ۱۸ قرن قبل از میلاد نیز به چشم می خورد. ^(۱)

برای دمشق اسامی بسیار گفته اند. نخستین نام آن «جَلِقُ» و سپس به علت انتساب به جیرون بن سعد بن عاد بن ارم بن سام بن نوح «جیرون» بوده است. «ارم ذات العماد» که در قرآن کریم آمده است و همچنین عذراء، بیت رامون، عین الشرق، باب الکعبه، فسطاط المسلمین نیز از نام های دیگر آن است. ^(۲)

دمشق از قدیمی ترین شهرهای آباد جهان و از مهم ترین پایتخت های تمدنی قدیم محسوب می شود و پیشینه تاریخی آن، به حدود پنج هزار سال قبل می رسد و از لحاظ قدمت، بعد از «اریحا» (در قدس) است. امت ها و ملت های زیادی در این شهر ساکن شده اند؛ مانند: لودی ها، آرامی ها، فینیقی ها، حیثون، عبرانیان، آشوریان، بابلی ها، میدیون، (مادها- ایرانیان) یونانی ها، رومی ها، اعراب و اقوام دیگری چون ترک ها، کردها و ... ^(۳)

۱- یوسف جمیل نعیشه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، ص ۶۷، دمشق به معنای سرعت نیز آمده است.

۲- پیشین، همان جا؛ ماجد اللحام، دمشق، ص ۲۲

۳- برای آگاهی بیشتر از دولت های عرب شام قبل از اسلام نک: احسان عباس، تاریخ بلاد الشام، چاپ عمان ۱۹۹۱، ص ۵۳ به بعد.

در مورد بانی این شهر در منابع، اختلاف فراوانی وجود دارد که هر یک آن را به کسی نسبت داده اند؛ بعضی گفته اند: دماشق بن قالی بن مالک بن ارفخشد بن سام بن نوح و یا یقطان بن عامر بوده است و برخی دیگر بیوراسف را بانی آن دانسته اند. «(۱)»

گروهی برآنند، نخستین شهری که حضرت نوح، بعد از طوفان، احداث کرد، دمشق بوده است. عدّه ای براین باورند که ضحاک آن را بنا کرد و جمعی به کسان دیگری چون عاد بن عوض، اسکندر، غلام حضرت ابراهیم به نام دماشق، سلیمان بن داوود، دمشق بن قاین بن مالک بن ارفخشد بن سام بن نوح و دماشق بن نمرود بن کنعان نسبت داده اند. «(۲)»

به روایتی دیگر، آن را فرزند ارم بن سام بن نوح؛ یعنی دماشق که برادر فلسطین، ایلیا و حمص بود بنا کرد و هر یک از آنان ولایتی را آباد کرده و به اسم خویش نامیدند. «(۳)»

امّا بر اساس نظر بیشتر مورخان، اولین کسی که دمشق را بنا کرد «ارم بن سام بن نوح» بوده که در آن زمین باغی ساخت و طرح عمارت انداخت. چون بی نظیر و ضرب المثل بود، آن را باغ ارم گفتند، آنگاه «شداد بن عاد» در آنجا بناهای فراوان ساخت و چنانکه گویند، طرح بهشت و دوزخی در آن محل ریخت که خداوند در قرآن کریم از آن یاد کرده است؛ *إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ* الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ*. «(۴)»

پس از آنکه اسکندر مقدونی این شهر را ویران کرد، تاریخ، که او را آذر نیز گویند (عموی حضرت ابراهیم علیه السلام) و به وزارت نمرود نیز اشتغال داشت، آن را تعمیر و ترمیم کرد.

گویند دمشق حدود ۳۱۴۵ سال پس از آفرینش زمین ساخته شد و بعضی گویند هفت هزار سال پس از آن بوده و حضرت ابراهیم علیه السلام پنجاه سال پس از بنای دمشق، در آن سرزمین متولد شد. «(۵)» آثار تاریخی فراوانی؛ از جمله کتیبه های متعلق به هزاره های اول

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۱؛ نویری، منتهی الارب فی فنون الادب، ج ۴، صص ۱۳۶-۱۳۵

۲- زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۱، ص ۴۱۷؛ مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۳

۳- شیروانی، همان کتاب، ج ۱، ص ۴۱۹

۴- فجر: ۷ و ۸

۵- مسعودی، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۱۳، همچنین برای اطلاع از شام در دوران قبل از اسلام نک: محمداحمد باسمیل، العرب فی الشام قبل الاسلام، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۸

و دوم قبل از میلاد مسیح در این شهر به دست آمده است که دکتر عفیف البهنسی این کتیبه ها و مجسمه های الهه های شام و ظروف متعلق به آن دوران را با تصاویر تشریح کرده است.^(۱)

دمشق پس از اسلام

در سال ۴۱ هجری، معاویه پس از صلح با امام حسن علیه السلام، دمشق را مرکز خلافت قرار داد. او ۲۰ سال امیر و ۲۰ سال نیز خلیفه بود. پس از مرگ معاویه دوم، که چهل روز بیشتر خلافت نکرد، حکومت دمشق و در حقیقت خلافت به خاندان مروانین انتقال یافت.

مروان بن حکم نخستین خلیفه اموی بود. در میان خلفای اموی، «ولید بن عبدالملک» و «عمر بن عبدالعزیز» همواره برای توسعه بناهای فرهنگی و تاریخی شام می کوشیدند. دمشق تا سال ۱۳۳ هجری - که عباسیان به خلافت رسیدند - همچنان پایتخت خلافت اسلامی بود تا این که در این سال مرکز خلافت به عراق منتقل شد.^(۲)

از این سال، خلفای عباسی از جانب خود والیانی به دمشق می فرستادند. احمد بن طولون پس از تشکیل سلسله طولونیان در مصر، در ۲۶۴ هجری، دمشق را از دست عباسیان خارج ساخت.^(۳)

در قرن چهارم هجری، پس از آن که اخشیدیون در مصر به حکومت رسیدند، دمشق را جزئی از ولایت خود قرار دادند. پس از انقراض دولت اخشیدی ها به وسیله فاطمیان (۳۵۸ هجری)، دمشق به سلطه آنان در آمد.

در سال ۲۸۲ و ۳۶۰ هجری، قرامطه دوبار به دمشق هجوم بردند و فجایع فراوانی نسبت به مردم انجام دادند.^(۴)

۱- همو، الشام الحضاره، ص ۱۷ تا ۱۵۰

۲- ۲۳۹. ynnateaC. enoel, malsI'leD YLANNA. V. ۲. p.

۳- صلاح الدین ایبکصفدی، تحفه ذوی الألباب فیمن حکم بدمشق من الخلفاء و...، ج ۱، صص ۳۱۷-۳۱۳

۴- حمزه ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشق، صص ۳- ۱؛ یوسف نعیه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، ص ۶۸؛ صلاح الدین ایبکصفدی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۷

در سال ۴۶۸ هجری سلجوقیان این شهر را از دست فاطمیان بیرون ساختند ^(۱) تا این که در طی سال های (۵۴۳-۵۲۳) برابر با (۱۱۴۸-۱۱۲۸ م.) صلیبی ها بر سرزمین های شام هجوم آورده و بارها دمشق را ویران کردند. در ۵۴۹ هجری نورالدین محمود زنگی (حاکم حلب) توانست صلیبی ها را از شهر اخراج سازد. دوران محمود زنگی و صلاح الدین ایوبی اعتلای دمشق را به دنبال داشت ولی متأسفانه فرزندان صلاح الدین؛ یعنی ملک عادل، افضل و عزیز برای تسلط بر شهر، درگیری هایی داشتند و این شهر را دچار ویرانی ساختند.

با این وجود دمشق در ایام «ملک عادل» فرزند صلاح الدین رشد چشمگیری یافت و ابنیه و آثار تاریخی فراوانی در آن ساخته شد. در سال ۶۵۸ هجری هلاکو خان مغول، به این شهر حمله کرد و حاکمان ایوبی آن را برانداخت. پس از نیم قرن، ممالیک مصر از جمله «ملک ظاهر بیبرس» دمشق را به تصرف خود در آوردند که دوباره، این شهر رو به رشد و آبادانی رفت. ^(۲)

دمشق در دوران ممالیک پایتخت دوم آنان بود. چون این شهر راه اصلی قافله های حجاج و یا کسانی بود که به سوی پایتخت ایشان؛ یعنی قاهره می رفتند، اعتبار فراوانی کسب کرد و بازارهای آن در این دوران گسترش یافت. ممالیک به ساخت مساجد و اماکن فراوانی همت گماشتند و ویرانی های دوران مغول را تا حدودی ترمیم کردند. ^(۳) امروزه در جای جای شهرهای سوریه آثار ایوبیان و ممالیک حکایت از این امر دارد.

۱- صلاح الدین ایبک صفدی، همان کتاب، ج ۲، صص ۵۶-۵۴. همچنین نک: ابن طولون، اعلام الوری بمن ولی نائباً من الاتراک بدمشق الشام الکبری، تحقیق احمد دهقان ۱۳۸۳ ق.

۲- یوسف نعیشه، همان کتاب، ج ۱، صص ۶۹-۶۸؛ همچنین نک: به جوزیف نسیم یوسف، العدوان الصلیبی علی بلاد الشام، دارالمعرفه. مصر [بی تا] و نیز نک: Cambridge. The History of Islam. V. ۲. p. ۱۲۳.

۳- اکرم العلی، دمشق، ص ۱۷؛ همچنین برای اطلاع از تاریخ قرون میانه دمشق و شام و همچنین ممالیک مصر و والیان مصری در شام رک به لطیفه محمد سالم، الحکم المصری فی الشام قاهره، مکتبه مدبولی ۱۴۱۰ ق.

در ۶۹۹ هجری این شهر باز دچار هجوم سپاه مغول به فرماندهی غازان خان شد و سرانجام در ۸۰۳ هجری به دست تیمور ویران گردید تا این که در نبرد «مرج دابق» در ۹۲۳ هجری به تسلط عثمانی ها در آمد. «(۱)»

عثمانی ها این شهر را به پاشا نشین هایی تبدیل کردند و به آبادانی و ترقی آن همت گماشتند. «(۲)» در این زمان مساجد، تکایا، خان ها، زوایا، کاروانسراها، قصرها و مدارس فراوانی در این شهر ساخته شد که تمامی آن ها امروزه زینت بخش این شهر تاریخی است.

این شهر هم اکنون در تقسیمات استانی به عنوان یک شهر مستقل محسوب می شود و بر اساس آمار ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ ش) با ۳،۸۰۰،۰۰۰ نفر دومین شهر پر جمعیت سوریه بعد از شهر حلب است.

۱- دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۹، ص ۲۶۴ ماده دمشق؛ محمد محمد نرسی الشیخ، الامارات العربیه فی بلاد الشام مصر ۱۹۸۰

۲- نک: احمد البدیری، سعید القاسمی، حوادث دمشق الیومیه، ص ۱۵۰ به بعد.

ص: ۴۶

نقشه

۲- مرقد و مزار عقيله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام

اشاره

یکی از زیارتگاه های بسیار مهم و مورد توجه همه مذاهب اسلامی در دمشق، مرقد و آرامگاه زینب کبری، دختر امیر مؤمنان علیه السلام است که همواره خیل مشتاقان و ارادتمندان آن بانوی فداکار و بزرگوار، از سرزمین های اسلامی به ویژه ایران، برای زیارت قبر او عازم این سرزمین هستند.

امیرالمومنین، علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام دو دختر و از سایر زنان نیز چندین دختر داشتند که چند تن از آنان نام زینب داشته و یا ملقب به امّ کلثوم بوده اند. بر اساس گفته «مصعب بن عبدالله زبیری»، نسب شناس مشهور عرب، زینب کبری که به همسری عبدالله بن جعفر در آمد و امّ کلثوم کبری (زینبصغری) که همسر عمر بن خطاب شد؛ «(۱)» هر دو از

۱- در مورد ازدواج امّ کلثوم با عمر بن خطاب اختلافات فراوانی در منابع تاریخی بوده و علما و مورخان شیعه نیز نسبت به آن مواضعی مختلف دارند. بعضی چون شیخ مفید، عبدالرزاق مقرر و شیخ محمد جواد بلاغی، این مسأله را انکار کرده و نمی پذیرند. در حالی که کسانی چون قزوینی رازی، ابن شهر آشوب، سید محسن امین و محمد هاشم خراسانی آن را پذیرفته اند. در این میان عدّه ای چون شیخ طوسی، کلینی، و طبرسی از اجله علما و محدثان و فقهای شیعه ضمن پذیرش آن، ازدواج را امری اجباری دانسته و اظهار می دارند که علی علیه السلام در قلب به این امر راضی نبوده است. از سوی دیگر، مورخان اهل سنت، بالاتفاق به این مطلب اشاره داشته، می گویند عمر می خواست به وسیله این ازدواج با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق فاطمه علیها السلام ارتباط نسبی و سببی برقرار کند؛ زیرا خود گفته است: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده ام که «كُلُّ نَسَبٍ وَ سَبَبٍ مُنْقَطِعٌ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اِلَّا نَسَبِي وَ سَبَبِي» لذا امّ کلثوم کبری را که فرزند فاطمه علیها السلام بود، از علی علیه السلام خواستگاری کرد و چون عباس واسطه شد علی علیه السلام پذیرفت. در این میان مورخان و محققان اهل سنت متمایل به شیعه؛ از جمله محمد بن جریر بن رستم طبری، ابن صباغ مالکی، محب الدین طبری، ابن عنبه، گنجی شافعی و ... نیز آن را به تشریح، مورد بررسی و پذیرش قرار داده اند. در هر حال در متون تاریخی به زید و رقیه به عنوان دو فرزند حاصل از این ازدواج اشاره شده است. زید و مادرش زینبصغری در یک روز در مدینه وفات یافتند و به گفته حرّ عاملی در وسائل الشیعه بر هر دو در یک زمان نماز گزار شدند. برای اطلاع بیشتر نک: سید محسن امین اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵؛ محب طبری، ذخائرالعقبی، صص ۱۶۷ تا ۱۷۱؛ قزوینی رازی، النقض، ص ۲۷۸؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۸۱؛ شریف مرتضی، نکاح علی ابنه عمر، رساله خطی ش ۲۱، ص ۲۷- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

فاطمه زهرا علیها السلام بوده اند. وی دختران معروف دیگر ایشان را، که از غیر فاطمه علیها السلام بوده اند، چنین نام برده است: رقیه دختر صیهب، که همسر مسلم بن عقیل شد، زینبصغری به ازدواج محمد بن عقیل درآمد و امّ کلثومصغری که نامش نفیسه بود و همسر عبدالله اکبر بن عقیل گردید. «(۱)»

مرحوم محسن امین، تعداد دختران علی علیه السلام، که لقب ام کلثوم داشته اند را چهار تن دانسته است: ۱. همسر مسلم بن عقیل ۲. همسر عبدالله اصغر بن عقیل ۳. همسر عمر بن خطاب ۴. همسر عبدالله بن جعفر. «(۲)»

با توجه به تعداد دختران امام علی علیه السلام که هجده تن بوده و برخی القاب مشابه داشته اند، بدیهی است مورخان و نسب شناسان و همچنین محققان تاریخ اسلام و شیعه در مورد آنان و نیز محل دفن ایشان، تا حدودی دچار اشتباه و یا تناقض و سرگردانی شوند. این اختلاف در مورد دفن زینب کبری، امّ کلثوم کبری و زینبصغری شدت بیشتری می یابد لیکن با نقد و بررسی این اختلافات می توان به یک نتیجه ترجیحی دست یافت که در ادامه به ذکر اقوال مختصری در این خصوص خواهیم پرداخت.

از آنجا که محققان و پژوهندگان شیعه و سنی، پژوهش گسترده ای در مورد محل

۱- کتاب نسب قریشصص ۴۷-۴۳؛ وی نام هفت دختر دیگر از علی علیه السلام که فرزندان همسران آن حضرت، غیر از فاطمه علیها السلام بوده اند را برشمرده و ابن عنبه، نسابی معروف و مشهور نیز بنقل از ابوالحسن العمری در المجدی، تعداد دختران علی علیه السلام را هیجده تن ذکر کرده است عمده الطالب فی انساب آل ابی طالبصص ۸۳ همچنین ابنصباع به نقل از روایات مختلف در مورد تعداد دختران و پسران علی علیه السلام پرداخته است الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمة، صص

۱۳۴ و ۱۳۵

۲- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵

دفن زینب کبری علیها السلام به عمل آورده اند و ما نیز اشاره ای به آن ها خواهیم داشت؛ با یک بررسی و تدقیق علمی، به نظر می رسد روایت دفن زینب کبری علیها السلام در شهرک راویه ۱ شق، ۲ دمشق بهصحت نزدیکتر باشد. در این مبحث کوتاه ابتدا به شمه ای مجمل از دوران حیات پرافتخار آن بانوی فداکار پرداخته و سپس نظریات و آرای مختلف در مورد محل دفن ایشان را تشریح خواهیم ساخت.

زینب کبری، ملقب به امّ کلثوم، در سال ششم هجرت- پس از صلح حدیبیه- و دو سال بعد از تولد حسین بن علی علیهما السلام پا به عرصه وجود گذاشت. محیطی که او در آن رشد کرد، مهبط جبرئیل امین و جایگاه وحی سرمدی بود. روزی که خداوند به رسولش فرمان داد تا تمامی درهایی را که به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله گشوده می شدند مسدود کند، زادگاه او را مستثنی ساخت. مادرش پاره تن رسول اللّه صلی الله علیه و آله، پدرش بهترین صحابه و نخستین مسلمان در اسلام؛ و خاندان او افضل خاندان عالم بود که خداوند متعال رجس و پلیدی را از آنان دور کرده و تحت «کساء» رسولش، در ظلّ حمایت خویش وارد ساخت.

زینب علیها السلام تحت تربیت چنین خاندان استثنایی رشد کرد. از همان ابتدا با مصیبت های فراوانی روبه رو شد که تحمل آن بر بسیاری امکان پذیر نبوده و نخواهد بود. هنوز پنج سال از تولد او نگذشته بود که- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پدر بزرگ گرامی وی- آن که همواره او و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام در آغوش پر مهر و محبت او روزگار می گذرانیدند، به سوی حق شتافت. این مصیبت عظیم برای او و به ویژه مادرش طاقت فرسا و گران بود.

او از همان ابتدا در کنار مادر بیمار خود که به دنبال ارتحال جانسوز پدر و مصیبت های وارده پس از آن، به بستر بیماری افتاده و روزهای آخر را می گذرانید، به پرستاری از او پرداخت و سرانجام شاهد مرگ او و بهترین پناه دوران کودکی خود شد. او شب هنگام، همراه برادرانش حسن و حسین علیهما السلام، پدرش علی علیه السلام و چند تن دیگر از محرمان اهل بیت، در مراسم خاک سپاری مادر حضور یافت و پس از آن تلاش می کرد تا برای دو برادر، مادری مهربان باشد.

زینب علیها السلام پس از آن که به سن ازدواج رسید، طبق گفته پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، که روزی به فرزندان علی علیه السلام و جعفر نگاه کرده و فرموده بود: «دختران ما برای پسران ما و پسران ما

برای دختران ما؛ از میان آن همه خواستگاران که داشت به همسری عموزاده اش، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام- که پنج سال از او بزرگتر بود- در آمد. وی نخستین نوزاد اسلام در حبشه بود (۱). پدر عبدالله؛ یعنی جعفر طیار در غزوه موته به شهادت رسید و مادر او، اسماء بنت عمیس، پس از شهادت همسر، به ازدواج ابوبکر در آمد. اسماء پس از مرگ او، همراه فرزند خردسال خود محمد بن ابی بکر و پس از پیمان همسری به خانه علی علیه السلام رفت و برای آن حضرت یحیی و محمد اصغر را به دنیا آورد. (۲)

نتیجه ازدواج زینب و عبدالله، چند پسر و دختر بود که در تعداد آنان اختلاف است.

مصعب بن عبدالله زبیری، فرزندان او را جعفر اکبر، عون اکبر، علی، ام کلثوم و ام عبدالله ذکر کرده است. (۳) علاوه بر این ها، فرزندان دیگری به نام عباس، عبدالله و محمد نیز به او نسبت داده اند. (۴) ابن عنبه، او را بدون فرزند دانسته است (۵) در حالی که عون، عبدالله و محمد در رکاب امام حسین علیه السلام- در کربلا- به شهادت رسیدند و ام کلثوم نیز به ازدواج قاسم بن محمد بن جعفر طیار در آمد. (۶)

در هر حال، اندک زمانی نگذشته بود که زینب کبری علیها السلام دوباره شاهد مصیبتی دیگر شد و آن، از دست دادن پدر بزرگوارش علی علیه السلام بود، که در سال چهارم هجری به شهادت رسید. پس از این مصیبت، زینب علیها السلام بیش از پیش تنها ماند و وظیفه او در قبال برادرانش سنگین تر شد.

از آنجا که او باید در آتش حوادث می سوخت و آبدیده تر می شد. هنوز از غم فقدان پدر فارغ نشده بود که پاره های جگر برادر، مقابل چشمان او ظاهر گشت. او با این

۱- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۸۷

۲- عایشه بنت الشاطی، السیده زینب، ص ۴۸؛ در مورد اسماء بنگرید به پاورقیصفحه ۱۰۴ از کتاب حاضر.

۳- کتاب نسب قریش، ص ۸۲

۴- محب الدین طبری، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القری، ص ۱۶۷؛ اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۶۹

۵- ابن عنبه، عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۵۵

۶- زبیر بن بکار، همان کتاب، ص ۸۲؛ عایشه بنت الشاطی، همان کتاب، ص ۴۸

همه مصیبت، آموخت که چگونه در کنار تنها برادر بازمانده اش، امام حسین علیه السلام، چون کوهی استوار بایستد و پذیرای مصیبت های بزرگتر باشد.

زینب علیها السلام در فاجعه کربلا ده ها تن از بهترین و عزیزترین کسانش را از دست داد.

سرانجام خود و سایر زنان اهل بیت به اسارت شامیان پلید و ننگین چهره درآمد و با آن همه مصیبت جان فزا، دلیرانه در مقابل عبیدالله بن زیاد در کوفه به خطبه ایستاد و چهره ننگین او را رسوا کرد. سپس، همین اقدام را در مقابل یزید در دمشق کرد و با خطبه های غزا و آتشین خود، به پاسداری از خون امام حسین علیه السلام و قیام او پرداخت. ^(۱)

آن معصومه فداکار، پس از چند روز توقف در دمشق، همراه دیگر زنان اهل بیت و کاروان اسرای کربلا به مدینه بازگشت و در سال ۶۲ هجری از دنیا رفت.

نظریه مورخان و پژوهشگران در مورد محل دفن زینب کبری علیها السلام

در جای دفن عقیده بنی هاشم، میان مورخان اختلاف است. برای دفن ایشان سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول

بعضی محل دفن آن بانوی بزرگوار را با استناد به کتاب «اخبار الزینبات» نوشته عبیدلی (متوفای ۲۲۱ هجری) در محلی به نام «قنطره السباع» در قاهره ذکر کرده اند. ^(۲) از جمله استاد حسن قاسم مصری در پاسخ به نظر شیخ بخیت المطیعی - که معتقد بود در «زینبیه» قاهره، زینب بنت یحیی بن زید بن علی علیه السلام مدفون است نه زینب کبری علیها السلام، به کتاب عبیدلی استناد جسته است. ^(۳)

- ۱- برای اطلاع از خطبه های کوبنده زینب علیها السلام نک: طبرسی، الاحتجاج، جلد دوم؛ مجلسی، بحار الأنوار، جزء ۴۵ از مجلد پانزدهم؛ ابن طیفور، بلاغات النساء؛ عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسين أو حدیث کربلاء.
- ۲- ابوالحسن یحیی بن الحسن عبیدلی، اخبار الزینبات، به اهتمام سید محمود مرعشی، ص ۱۱۰ به بعد.
- ۳- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل البيت بالقاهره، ص ۵۳ به بعد.

اما روایت دفن ایشان در مصر قطعاً نمی تواند صحیح باشد زیرا این روایت را تنها عبیدلی ذکر کرده است. عبیدلی می گوید چون زینب علیه بنی امیه در مدینه تحرکاتی داشت حاکم مدینه به یزید نامه نوشت و او دستور داد زینب را از مدینه دور سازد لذا او به همراه چند تن از زنان بنی هاشم به مصر رفت و مورد استقبال مسلم بن مخلد حاکم مصر قرار گرفت و او در بهترین مکانها جای داده شد. این روایت قابل قبول نیست زیرا: ۱- در آن زمان (سال ۶۲) بر اثر قیام ابن زبیر مدینه به دست عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه افتاده و از حاکمیت بنی امیه خارج شده بود. ۲- چگونه زینب حاضر است تنها بدون همسر و یا هیچ مردی با چند زن به یک سرزمین دور مسافرت کند. ۳- چگونه زینب مصر را انتخاب کرده در حالی که در این سرزمین کسی نسبت به بنی هاشم و اهل بیت چندان نظر خوشایندی نداشته و آنان بیشتر طرفدار عثمان و بنی امیه بوده اند. ۴- حاکم انتصابی یزید یعنی مسلم بن مخلد از محبان بنی امیه و عثمان است چگونه از زینب به خوبی استقبال کرده است مطلب دیگر که می تواند نظر عبیدلی را منتفی و بی اعتبار سازد اینکه چرا هیچ یک از مورخان مشهور مصری که در مورد مقابر صحابه در مصر، و زینب های مدفون در آن جا و کسانی که به مصر وارد شده اند، سخن گفته اند به زینب کبری دختر علی علیه السلام اشاره نداشته اند. این مورخان عبارت اند از: ۱. عبدالرحمان بن عبدالحکم مصری (م ۲۵۷ ق.) صاحب منهج السالک فی اخبار مصر والقری و الممالک ۲. ابو عمرو محمد بن یوسف کندی (م ۳۵۴ ق.) مؤلف و لاهمصر ۳. ابو محمد حسن بن ابراهیم بن ذولاق لیثی مصری (م ۳۸۷ ق.) «(۱)» صاحب و لاه مصر ۴. قاضی سلامه قضاعی (م ۴۵۳ ق.) صاحب انس الزائرین ۵. عبدالقادر مقریزی (م ۸۴۵ ق.) صاحب الخطط و الاعتبار ۶. شمس الدین انصاری مصری (م ۸۱۴ ق.) مؤلف الکواکب السیاره فی ترتیب الزیاره. «(۲)» ۷. شمس الدین سخاوی (م ۹۰۲ ق.) صاحب رساله زینیات. «(۳)» ۱۰. ابراهیم بن علی فخرومی مصری (م ۸۹۱ ق.) مؤلف الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره

۱- وی گوید: نخستین کس از اولاد علی علیه السلام که داخل مصر شد سکینه دختر امام سجاد علیه السلام بود.

۲- وی نیز گوید که یک نفر از فرزندان علی علیه السلام در مصر از دنیا نرفته است همان کتاب، ص ۳۴۲.

۳- سخاوی سخن مؤلف الکواکب السیاره را تأیید کرده است الخطط التوفیقیه، ج ۵، ص ۱۰.

۱۱. سخاوی حنفی مصری (م ۸۱۴ ق.) صاحب تحفه الاحباب ۱۲. عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱ ق.) صاحب حسن المحاضره فی تاریخ مصر و القاهره و نیز در السحابه فیمن دخل مصر من الصحابه «(۱)» ۱۳. ابن تغری بردی (م ۷۰۴ ق.) مؤلف النجوم الزاهره فی الخبار ملوک مصر و القاهره ۱۴. ابن دقماق (م ۷۹۲ ق.) صاحب الانتصار لواسطه عقد الامصار. در هر حال امروزه در شهر قاهره مقام و مرقد باشکوهی با نام سته زینب وجود دارد که مردم آن را به عنوان زینب کبری بنت علی می دانند و بسیار به آن احترام گذاشته و به زیارت آن می شتابند. به نظر نگارنده این قبر باید متعلق به زینب بنت یحیی بن متوج بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام باشد که واسطه های آن را حذف و آن را زینب بنت علی علیه السلام دانسته اند.

نظریه دوّم

مرحوم محسن امین، از دانشمندان شیعه، قول دیگری مطرح کرده و آن این که قبر ۲ نب، ۲ زینب علیه السلام در بقیع است. این نظر قطعاً صحیح نیست زیرا هیچ یک از مورّخان مدینه و حجاز به نام زینب کبری که در بقیع مدفون باشد، اشاره نکرده اند و زینبی که در بقیع به خاک سپرده شده، امّ کلثوم کبری- همسر عمر بن خطاب مادر زید- بوده که هر دو در یک روز از دنیا رفته اند. «(۲)»

نظریه سوّم

بیشتر محققان شیعه؛ از جمله علامه بحر العلوم، میرزا حسین نوری، محدث قمی، حسون بن زینی حسینی، علامه حسنین سابقی «(۳)» و برخی از مورّخان اهل سنت؛ از جمله ابن بطوطه «(۴)» ابن حورانی «(۵)» ابن جبیر «(۶)» عزالدین محمد صیادی شافعی و ... معتقدند که

۱- سیوطی در این کتاب به نام تمامی صحابه ای که به مصر آمده اند، اشاره کرده و از زینب بنت علی علیه السلام در رساله زینبات خود نامی نبرده است همان کتاب، ص ۱۹-۷.

۲- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۴؛ محب طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۷۱

۳- شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۹۷

۴- الرحله، همان جا.

۵- زیارات الشام، ص ۱۳۳

۶- الرحله، همان جا.

زینب علیها السلام در «قریه راویه دمشق» به خاک سپرده شده و علت سفر عقیده بنی هاشم را نیز واقعه حرّه (به سال ۶۳ هجری) «(۱)» یا قحطی در مدینه دانسته اند که زینب علیها السلام به همراه همسرش عبدالله به دمشق رفتند. عبدالله در آن شهرک زمین هایی داشته و به کشاورزی مشغول بوده است.

در این میان، بعضی چون ابن حورانی و محسن امین، قبر زینب در راویه دمشق را ام کلثومصغری، دختر علی علیه السلام و همسر عمر بن خطاب دانسته اند که این سخن در سطور گذشته مورد نقد و پاسخ قرار گرفت. این اشتباه بیشتر به خاطر لقب آن دو؛ یعنی ام کلثوم است؛ زیرا چنانکه گفتیم چهارتن از دختران علی علیه السلام لقب ام کلثوم داشته اند. در هر حال بر اساس شواهد و قرائن تاریخی این قول ترجیحاً مقرون بهصحت است.

قریه ای که حضرت زینب علیها السلام در آن مدفون هستند، در گذشته به «راویه» و اکنون به زینبیه مشهور است. در حال حاضر به شهر متصل و در هفت کیلومتری شرق دمشق قدیم به طرف فرودگاه واقع است.

در خیابان اصلی این شهرک، گنبد و مأذنه های مقبره آن بانوی گرامی از دور به چشم می خورد. گنبد این مرقد، طلایی است و در سمت شرقی و غربی آن دو مناره کاشی کاری شده قرار دارد.

در مدخل در غربی حرم و سمت راست آن- داخل اتاق کوچکی- سه قبر وجود دارد که یکی از آن ها قبر «آیهالله سید حسین یوسف مکی عاملی» متوفای ۱۳۹۷ هجری و دیگری مرحوم «محسن امین عاملی»، صاحب تألیف معروف اعیان الشیعه و سومین آن ها نیز دختر میرزا تقی بهبهانی است.

حرم حضرت زینب دارایصحن مربع مستطیل است که شبستان و گنبد و ضریح در

۱- در سال ۶۲ هجری، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، مردم مدینه برضد حاکم اموی این شهر شوریدند و یزید را از خلافت خلع کردند. آنان براساس دعوت عبدالله بن زبیر در مکه دست به چنین اقدامی زده و بسیاری نیز تحت تأثیر شدید حادثه شوم کربلا- واقع شده بودند. یزید نیز مسلم بن عقبه، یکی از خونخوارترین و سفاک ترین مأمورین خود را برای سرکوبی مردم مدینه فرستاد. وی چند شب و روز به کشتار بازماندگان پیامبر خداصلی الله علیه و آله سادات و ... پرداخت.

وسط آن قرار گرفته و چهار در ورودی دارد. سقف شبستان و حرم از سه قسمت تشکیل شده که به صورت پله ای بر روی هم قرار دارند و گنبد نیز در وسط آن است. بر روی این گنبد، آیاتی از قرآن به خط ثلث زیبا نوشته شده و طلاکاری آن نیز در دهه های اخیر توسط ایران انجام گردیده است.

در سمت شرق صحن مطهر، مصلاهی زینبیه به همت مرحوم آیه الله فهری زنجانی، نماینده ولی فقیه در سوریه ساخته شده و مراسم نماز جماعت، دعای کمیل و نماز جمعه در آن برقرار می گردد. این شبستان بسیار بزرگ است. مساحت کل صحن، حرم و سایر مراکز وابسته حدود ده هزار متر مربع است. در صحن ها جمعاً ۱۱۴ اتاق وجود دارد که ۶۴ اتاق آن در صحن بزرگ و بقیه در صحن دوم و حسینیه های اطراف است.

مقبره آن بانوی بزرگوار در میان حرم، با ضریحی نقره ای است و هشت ستون کاشی کاری شده، گنبد حرم را نگه داشته اند. دیوارهای حرم مطهر تا نصف آن سنگ سفید و بقیه آئینه کاری بوده و جلوه ای از هنر و معماری ایرانی-اسلامی است. بنای داخل و خارج حرم و همچنین مناره ها و گنبد، از حدود یکصد سال پیش است ولی توسعه های اطراف صحن و تزیینات آن ها همگی از سوی جمهوری اسلامی انجام شده است.

قبر نواده پیامبر خداصلی الله علیه و آله، فرزند بهترین حامی و یاور او و خواهر شهید مظلوم کربلا همواره مورد زیارت عامه مردم دمشق و کشورهای مختلف قرار می گیرد که به مقصد زیارت آن بانوی مظلوم و ستم دیده با هر گونه وابستگی و اعتقاد مذهبی فرسنگ ها راه پیموده و به این قریه کوچک می آیند. در میان اهل سنت نیز عقیده بنی هاشم از حرمت و وجاهت ویژه ای برخوردار است.

تصاویر شماره ۱ و ۱-۱ و ۲

قبر مرحوم محسن امین

محسن امین عاملی، از علمای برجسته شیعه در سوریه و صاحب کتاب معروف «اعیان الشیعه» در راهروی ورودی در غربی حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام، داخل

اتاقکی به خاک سپرده شده است. وی در تاریخ ۱۳۷۱ هجری وفات یافت. گسترش شیعه در سوریه مرهون زحمات اوست.

قبر مرحوم دکتر علی شریعتی

در مجاورت مرقد عقيله بنی هاشم، در کوچه کنار حرم، قبرستان کوچکی است که قبر مرحوم شریعتی در یک چهار دیواری قرار دارد که با دری آهنین آن را بسته اند و در داخل آن سنگ، قبر زیبایی است. عکس ها و سخنان و گفته های وی این چهار دیواری را زینت بخشیده است.

تصویر شماره ۳

۳- مقام و مقبره حضرت رقیه علیها السلام

از زیارتگاه هایی که پس از مقبره حضرت زینب علیها السلام مورد توجه شیعه قرار دارد، مقبره و حرم «رقیه علیها السلام»، دختر معصوم و کودک خردسال امام حسین علیه السلام است. بر اساس گزارش های منابع، سید الشهداء علیه السلام پنج پسر و دو دختر داشته اند. دختران آن حضرت عبارت بودند از: «سکینه» دختر رباب بنت امرء القیس و خواهر علی اصغر. «فاطمه» دختر ام اسحاق بنت طلحه بن عبیدالله. در برخی منابع نیز سه دختر گفته شده و طبق این نقل، سومین آن «زینب» است که او نیز خواهر فاطمه و هر دو از یک مادر بوده اند.

بیشتر نسب شناسان، به نام این سه دختر اشاره کرده اند. «(۱)» احتمال می رود رقیه لقب زینب باشد؛ و این که از زینب، بر خلاف فاطمه و سکینه، نقش مؤثر و فعالی در کربلا گزارش نشده، به نظر می رسد وی کودکی بیش نبوده است.

بر اساس آنچه مشهور است، او همراه سایر اهل بیت امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام به اسارت در آمد و در مکانی کنار «باب الفردیس»- که در آن زمان خرابه ای بود- استقرار یافت. رقیه در این زمان چهار ساله بود که چشم از جهان فرو بست.

آن کودک را، کنار آن مکان، که مقبره ای عمومی به نام «مقبره باب الفردیس» بود، به خاک سپردند. این مقبره در شمال غربی محله قدیمی دمشق و کنار باب الفردیس قرار داشت و امروزه به «العماره» معروف است. در ابتدا سلاطین ایوبی بر قبر او، که داخل

۱- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۷۴؛ ابنصبغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، ص ۱۸۸؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۹، ص ۱۷۴؛ سید حسن الامین، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء دومص ۲۵؛ مصعب بن زبیر، کتاب نسب قریش، ص ۵۹

مسجد «رأس الحسين» واقع بود، مقبره ای کوچک ولی زیبا ساختند؛ سنگ قبری که نهاده شد، از سنگ موزاییک تزئین شده به وسیله عاج و مرمر بود که اطراف آن را ضریح زیبایی احاطه کرده بود و بر فراز آن نیز گنبد و عمارتی بنا شد. مکان یاد شده که از همان ابتدا به صورت مسجد و مقبره بود، در سال ۱۱۲۵ ق بازسازی شد و در سال ۱۳۲۳ ق نیز (۱)

توسط میرزا علی اصغرخان امین السلطان، صدر اعظم ناصرالدین شاه دوباره ترمیم گردید. در آن زمان، سه کتیبه سنگی در داخل حرم، در سمت محراب شبستان بود. در کتیبه اول چند حدیث در فضایل اهل بیت و نام میرزا بابا مستوفی گیلانی به عنوان تعمیر کننده بقعه مقام رقیه، به تاریخ ۱۱۲۵ هجری دیده می شد. در کتیبه دوم به مکان دفن ملک کامل ناصرالدین محمد که در ۸۸۰ هجری در این مکان مدفون شده بود، اشاره و بر کتیبه سوم نیز چند بیت شعر نوشته شده بود. (۲)

امّا ساکنان محله الامین که رقیه در آن مدفون است نکته ای را متذکر می شوند و آن اینکه ایشان به خواب یکی از سادات علوی از خاندان مرتضی آمده که آب به داخل قبر ایشان نفوذ و آن را تخریب کرده است. این فرد رقیه علیها السلام را سه شب در خواب می بیند و لذا قبر را حفر و در آن جنازه دو کودک خردسال که ۵ سال بیشتر نداشتند را مشاهده می کند و آنگاه قبر را تعمیر و مرمت می کند و سپس خود از دنیا می رود.

چون فضای این مکان گنجایش زائران را نداشت، مرحوم شیخ نصرالله خلخالی در ۱۳۵۰ ش درصدد توسعه مقبره و حرم برآمد؛ لذا خانه های اطراف را با کمک مردم خیر محل خریداری کرد ولی عده ای راضی نشدند و به همین منوال باقی بود تا در سال ۱۳۶۳ ش به گفته جناب حجهالاسلام فهری زنجانی، نماینده وقت مقام معظم رهبری در سوریه، با خرید آن خانه ها و پرداخت چندین برابر قیمت آن ها، امر پی ریزی بنای جدید حرم از سوی جمهوری اسلامی و با حضور مقامات سوریه آغاز شد.

مساحت ساختمان حرم بیش از چهارهزار متر مربع است که ششصد متر مربع از آن، صحن و فضای باز است و بقیه را حرم و شبستان آن و مسجد دیگری که در مجاورت

۱- کتیبه شهابی، همان کتابص ۳۱۶؛ محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۴

۲- یوسف بن عبدالهادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۲۲۹

ضریح ساخته شد، تشکیل می دهند. در بازسازی های اخیر، اطراف ضریح و شبستان ها را توسعه فراوانی داده اند و صحن های جدیدی نیز در حال احداث است.

نوع معماری، که اکنون در بنای حرم به کار رفته، معماری ایرانی- اسلامی است.

صحن مسجد که گرداگرد آن به صورت ایوانی به اندازه یک و نیم متر مسقف است، با ستون های بسیار زیبای سنگی سفید و کنگره ای ساخته شده اند. گنبد آن به کلی تعویض و براساس معماری ایرانی ساخته شده و دوازده ستون مرمرین در داخل حرم آن را نگه داشته اند. گرداگرد سقف و دیواره ها نیز کاشی کاری است.

ضریح حرم که از دوران امین السلطان، صدراعظم ناصرالدین شاه مانده بود، در ۱۳۷۲ ش با ضریح دیگری که به وسیله چهل تن از هنرمندان برجسته اصفهانی، به صورتی زیبا ساخته شد، تعویض گردید. البته ضریح قبلی برداشته نشد بلکه در داخل ضریح جدید قرار گرفت. نگارنده خود در مراسم تعویض آن حضور داشته و تلاش های شبانه روزی سازندگان و عشق آنان به اهل بیت را شاهد بوده است. هر چند که این ضریح تقریباً ۱/۵ برابر ضریح قبلی است و به علت بزرگی زیاد با سن حضرت رقیه و کودکی وی تناسبی ندارد، لیکن از شاهکارهای هنر ایرانی و اسلامی است.

کنار حرم مطهر، بازاری است که در طول تاریخ اسلام به «سوق العماره» مشهور بوده است و باب الفردیس مذکور نیز در داخل این بازار و حدود بیست متری مقام حضرت رقیه قرار دارد. گفتنی است از شمال حرم به جامع اموی نیز راهی وجود دارد.

۴- مسجد اموی دمشق در بستر تاریخ

اشاره

جامع اموی، جلوه ای شگفت انگیز از تمدن و معماری اسلامی

مسجد اموی، از شاهکارهای درخشان تمدن و فرهنگ اسلامی است و پیشینه آن به دوران هزار و سیصد ساله اسلامی محدود نمی شود بلکه ریشه و بنیانی دیرینه، به بلندای چهار هزار سال در تاریخ بشریت دارد و در حقیقت بیانگر سیر و تاریخچه تحول و دگرگونی ادیان و مذاهب است.

مکان این مسجد در چهار هزار سال پیش معبد آتش پرستان بوده است؛ هنگامی که قبیله «حَدَد» آرامی به سرزمین شام آمدند، حدود هزار سال، این مکان را معبد خود قرار دادند. این بنا در طول چند قرن تسلط مصری ها بر این سرزمین، به معبد خدایان ایشان؛ یعنی «رامون» و «آمون» تبدیل شد. پس از چندی یونانیان با تصرف این سرزمین، آن را معبد خود قرار دادند و تا قرن اول میلاد حضرت مسیح علیه السلام در این مکان به عبادت خدایان خود می نشستند.

پس از یونانی ها، رومیان با حضور و سلطه بر این سرزمین، این معبد را توسعه داده و آن را به محل عبادت خدای خویش «ژوپیتر» تغییر دادند. با گسترش مسیحیت در جهان و به ویژه در شام، قسمت کوچکی از معبد ژوپیتر به کنیسه تبدیل گشت که به نام «قدیس یوحنا» یا «ماری یوحنا» خوانده می شد.

سرانجام در سال هفده هجری، با فتح دمشق به وسیله مسلمانان، این معبد و کلیسا، به مسجد و محل عبادت ذات باری تعالی و خدای واحد تبدیل شد که البته نیمی از آن بر اساس مصالحه ای که صورت پذیرفته بود، همچنان به صورت کلیسا باقی ماند. مساحت

اولیه آن براساس آنچه که ابن جبیر نقل کرده است از شرق به غرب؛ یعنی در طول دویست قدم (حدود ۱۵۰ متر) و از سمت جنوب به شمال؛ یعنی در عرض ۱۳۵ قدم (حدود صد متر) بوده و در مجموع به پانزده هزار متر مربع می رسیده است. «(۱)»

هنگامی که دمشق به وسیله سپاه اسلام محاصره شد، کلیساهای فراوانی در این شهر وجود داشت که بعضی از آن ها طبق معاهده صلح در مقابل نیمی از کلیسای اصلی شهر؛ یعنی مکانی که بعدها جامع اموی ساخته شد، در دست مسیحیان ماند و مسلمانان نیمه مذکور را تبدیل به مسجد کرده و در آن به نماز پرداختند. مسیحیان که نسبت به دین جدید با بی اعتنائی برخورد می کردند، با ایجاد سر و صدای عمدی در مراسم خود؛ از جمله صدای مهیب ناقوس به هنگام اقامه نماز جماعت، خواندن سرودها به صدای بلند، برای عبادت مسلمانان مزاحمت فراهم می کردند.

وقتی معاویه، در شام ولایت یافت، تصمیم گرفت نیمه باقی مانده کلیسا را به مسجد ملحق کند ولی مسیحیان نپذیرفتند. پس از وی عبدالملک بن مروان، اموال فراوانی به آنان داد تا اجازه دهند این قسمت نیز به مسجد ملحق شود ولی ایشان نپذیرفتند تا این که ولید، فرزندش مال فراوانی به مسیحیان داد و حتی گفت اگر نپذیرید، کنیسه باب تو ما را که با زور و این قسمت را با صلح گرفتیم، به جای آن تخریب خواهم کرد. (آن کلیسا بزرگتر و مهمتر بود)؛ لذا مسیحیان راضی شدند که نیمه باقی مانده نیز به مسجد افزوده شود. «(۲)»

بعضی گویند: آنان راضی نشدند و ولید تهدید کرد که اگر نپذیرید، خود آن را تخریب می کنم، سپس کلنگ به دست گرفت و دیوار آن را خراب و مسجد را بنا کرد.

بعضی نیز گفته اند، وی به جای آن چند کلیسای دیگر در داخل شهر به مسیحیان داد و آنان را راضی کرد. «(۳)»

ولید بن عبدالملک که علاقه فراوان به ساختن مساجد و بناهای مذهبی داشت، برای تبدیل این کلیسا به مسجد، مالیات هفت سال کشور خود را خرج آن کرد و گویند

۱- ابن جبیر، الجامع الأموی، تحقیق مطیع الحافظ، ص ۱۳

۲- نعیمی، السداس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۵؛ ابن بطوطه، الرحله «تحفه النظر فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، ص ۶۳

۳- نعیمی، الجامع الأموی، ص ۹۹؛ ابن العمری، الجامع الأموی، تحقیق مطیع الحافظ، ص ۵۱

وقتی اسنادِ مخارج آن را بر هیجده شتر بار کردند و برای تصویب نزد خلیفه بردند، وی بدون بررسی، همه آن‌ها را امضا کرد و گفت: این چیزی است که به راه خدا داده ایم و در مقابل آن حسابی نمی‌خواهیم.

جامع اموی یکی از شاهکارهای معماری اسلامی و البته تلفیق و ترکیبی از معماری اسلامی و رومی است؛ «(۱)» زیرا در ساخت آن از مهندسان رومی نیز کمک گرفته شد. ولید در ابتدا طرح اولیه بنای آن را به روم فرستاد و هزار نفر از معماران و مهندسان آن سرزمین را برای ساخت آن به دمشق دعوت کرد. عملیات احداث آن از ۸۶ ق آغاز شد «(۲)» و بهترین مصالح و سنگ‌های مرمر برای تزیین آن به کار رفت.

به گفته ابن معلی، پولی که خلیفه اموی در این راه خرج کرد، داخل یک صدصندوق قرار داشت که هر صندوق ۲۲۸ هزار دینار در آن بود و مجموع آن به بیش از ۲۲ / ۸۰۰ / ۰۰۰ دینار می‌رسید. «(۳)»

ولید دوازده هزار سنگ رخام و مرمر در آن به کار برد، که هزینه هر قطعه از آن ۱۴۴ قنطار دمشقی بود. هنگام بنای آن، کتیبه‌ای مربوط به هزاران سال پیش، به زبان‌های مختلف، در دیوار قبله و همچنین مناره شرقی یافت که بر آن پندها و اندرزهای اخلاقی نوشته شده بود. «(۴)»

بر فراز شبستان مسجد، گنبدی به نام «نسر» یا «عقاب» ساخت و ستون‌هایی در زیر آن قرار داد و آن را با طلا و جواهر و پوشش‌های حریر مزین ساخت. محراب مسجد را با قندیل‌های طلا و نقره، معزق‌های زیبا و زنجیرهای طلا آراست. مخارج ساختمان مسجد چندان زیاد بود که مردم ولید را به اسراف متهم کردند و گفتند: مسجد را از بیت المال ساخته و از آن به مسلمانان نفعی نمی‌رسد.

هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به حکومت رسید، چون معتقد بود مالی که در

۱- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی الاسلام، ج ۱، صص ۲۷۶ و ۲۷۷ همچنین نک: -V, Encyclopedia of Islame .p. ۲۳۲ .v.

۲- ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۳

۳- ابن جبیر، الجامع الأموی، ص ۱۳؛ ابن العمری، الجامع الأموی، ص ۵۲ و ۵۳

۴- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۸؛ نعیمی، الدرر فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۶

ساختمان مسجد صرف شد، اسراف بوده در صدد برآمد معرق ها و زینت های دیگر را بردارد ولی هنگامی که هیأتی رومی از این مسجد دیدن کردند و از عظمت و زیبایی آن در شگفت شدند، عمر بن عبدالعزیز از تصمیم خود منصرف شد. «(۱)» س در این زمان مسیحیان که عمر بن عبدالعزیز را با رأفت و نرمی یافتند، از سخت گیری هایی که ولید در حق آنان کرده بود، به وی شکایت بردند و خواستند کلیسای خود را، که در نیمی از مسجد اموی قرار داشت، بار دیگر بسازند. عمر بن عبدالعزیز نیز اگرچه به دادن چنین اجازه ای تمایل داشت ولی مسلمانان گفتند: مسجدی را که ما در آن اذان گفته و نماز گزارده ایم می خواهی تخریب کنی؟! در این هنگام فقها و علما نیز مخالفت کردند و نزد مسیحیان وساطت کرده، گفتند: هر کلیسایی که در داخل و اطراف دمشق هست و مسلمانان آن را به زور تصرف کرده اند، در اختیار مسیحیان قرار گیرد؛ لذا ایشان از کلیسای خود در مسجد اموی گذشتند و رضایت خود را به خلیفه اعلام داشتند. «(۲)»

گفتنی است گرچه ساخت مسجد در دوران ولید بن عبدالملک هفت سال (۶۸ تا ۷۵ ق.) طول کشید، ولی همچنان نیمه تمام ماند و بقیه قسمت ها را سلیمان ب عبدالملک به پایان رسانید. در طول قرون مختلف، تعمیرات و توسعه هایی در آن انجام شد، البته بر اثر چندین آتش سوزی، بسیاری از قسمت های آن در آتش سوخت که به شرح آن خواهیم پرداخت.

اکنون جامع اموی پس از مختصر تعمیراتی که در اواخر حکمرانی ممالیک؛ یعنی تا قرن هشتم در آن صورت گرفته به همان حال باقی مانده است. صحن حیاط و دیوارهای آن از سنگ های دوران ممالیک و از سنگ های بسیار بزرگ است. نیمی از دیواره های شمالی، شرقی و غربی از کلیسا و معبد باقی مانده از دوران قبل از اسلام است و نیمه فوقانی دیواره ها در دوره ولید و دوره های بعد افزوده شده است. ولید بر دیواره ها سقف بنا کرد و آن را بر ستون های سنگی به سبک گوتیک یا نعل اسبی استوار ساخت. در دوره

۱- حسن ابراهیم حسن، همان کتاب، ج ۱، ص ۵۲۵ به بعد.

۲- نعیمی، الجامع الأموی، ص ۹۹ و ۱۰۰؛ ابن عمری، همان کتاب، ص ۶۰ و ۶۱؛ در فضائل مسجد اموی گفته اند: منظور از «و التّین» در قرآن کریم مسجد دمشق است. چون تعدادی در این مسجد درختی از تین یا انجیر دیده بودند که قبل از بنای ولید وجود داشته است.

ممالیک سقف دیواره های غربی با نقاشی هایی به رنگ طلایی که در عربی آن را «فسیفساء» می گویند، تزیین گردید. متأسفانه فسیفساء بیشتر سقفها به مرور تخریب شده و اکنون جز بخشی از آن باقی نیست.

تصاویر شماره ۶ و ۷

۱- آثار داخل مسجد اموی

۱- قبه ها و گنبد

اشاره

در صحن سه قبه و گنبد کوچک ساخته شده است.

۱ / ۱. قبه المال

این قبه در ۱۷۲ هجری توسط امیر دمشق «فضل بن صالح بن علی العباس» پسر عموی منصور عباسی ساخته شد و چون اموال و ذخایر مسجد را در آن نگهداری می کردند، به «قبه المال» معروف گردید. «(۱)» این قبه در غرب صحن مسجد قرار دارد که بزرگتر از دو قبه دیگر است. هشت ستون مستطیل از مرمر بر زیر گنبد مذکور قرار دارد.

این قبه و یا مخزن دارای نقاشی های زیبا و مزین به فسیفساء است.

تصویر شماره ۸

۱ / ۲. قبه الغواره

این قبه در وسط صحن قرار دارد و در ۳۶۹ هجری ساخته شده است. در زلزله سال ۱۱۷۳ هجری تخریب گردید و عثمان پاشا به سال ۱۱۸۲ هجری آن را بازسازی کرد. این گنبد کوچک، بر شش ستون از سنگ مرمر قرار داد.

گنبد یاد شده به «صخره قربان» نیز معروف بوده است. گویند حضرت هابیل قربانی خویش را، که گوسفندی بود، بر این صخره قرار داد. چون مورد قبول حق قرار گرفت، به وسیله آتش سوخت و قربانی قابیل که گندم بود پذیرفته نشد و به همان حال باقی ماند، لذا به برادرش حسادت ورزید و او را در کوه قاسیون به قتل رسانید. از آن روز این مکان به

صخره قربان معروف شد. «(۱)»

۳ / ۱. قبه الساعات

این قبه در شرقصحن اموی و کنار «باب الساعات» قرار دارد که در قرن پنجم هجری ساخته شده و محل استقرار ساعت آبی مسجد بوده است. «(۲)»

این ساعت که دوازده استوانه پلاستیکی مدور داشت و بر محوری به سقف قبه الساعات تعبیه شده بود، به وسیله آب کار می کرد و پر شدن هر یک از این استوانه ها، نشانه یک ساعت بوده است. سازنده ساعت مذکور، محمد بن عبدالکریم، حارثی دمشقی بود که در بسیاری از علوم از جمله هندسه، ریاضی، نجوم و طب استاد بوده است. وی در سال ۵۵۹ هجری وفات یافت. «(۳)»

صفدی سازنده آن را رضوان خراسانی ساعاتی دانسته، که از خراسان به شام آمده است. «(۴)» گفتنی است که ساعت پیش گفته در زمان ملک عادل نورالدین محمود زنگی نصب شد و از آن هنگام، کسانی متولّی حفظ و اداره آن بوده اند. اکنون ساعت که در وسطصحن جامع اموی قرار دارد، از کار افتاده ولی ادوات آن همچنان بر جای مانده است.

تصویر شماره ۹

۴ / ۱. قبه النسر یا عقاب

قبه النسر یا گنبد عقاب بر فراز شبستان، از سنگ مرمر ساخته شده است؛ در زیر این گنبد، سه گنبد کوچک وجود دارد؛ گنبدی که به محراب و گنبدی دیگر به دیواری که در سمتصحن قرار دارد متصل است و سومین گنبد نیز زیر گنبد مرمر و بین آن دو است.

مجموع این گنبدها به همراه دو سقف پیرامونی بر فراز شبستان، شکل یک عقاب را تشکیل می دهند که گنبد بزرگ سر این پرنده و دو سقف شیب دار اطراف آن در شرق و

۱- مسعودی، مروج الذهب، حاشیه، ج ۲، ص ۱۱۲؛ نصرالدین البخره، دمشق الأسرار، ص ۱۲ به نقل از عبدالوهاب المقدسی.

۲- مطیع الحافظ، الجامع الأموی، ص ۱۸

۳- نعیمی، همان کتاب، ص ۱۱۴ و ۱۱۵

۴- پیشین همان جا؛ ابن عمری، همان کتاب، ص ۷۰

غرب، دوبال او هستند، گویی این پرنده میان آسمان در حال پرواز است. وجه تسمیه آن به نسر یا عقاب نیز به همین علت است.

تصویر شماره ۱۰

۲- درهای مسجد اموی

در دوران معاویه، پیش از آن که جامع اموی به شکلی که در دوران ولید ساخته شده تبدیل شود، چهار دروازه به نام های: ۱. المسکيه ۲. باب العماره ۳. باب النوفره ۴. باب الخلفا ساخته بودند. وجه نامگذاری آن ها بدین گونه است:

۱. «باب المسکيه» گفتند چون بوی مشکي که از سر حضرت ابا عبدالله عليه السلام- که بر این دروازه گذاشته بودند- به مشام می رسید.

۲. «باب العماره» محل ورود حضرت زینب و اسرای کربلا بوده است. گویند آن حضرت، از این دروازه تا مصلاً و محراب مسجد، شش مرتبه از فرط خستگی و شدت مصیبت بر زمین نشستند.

۳. «باب النوفره»، به محله قدیمی شام منتهی می شد و گویند سر شهدای کربلا از این دروازه وارد مسجد شده است.

۴. باب الخلفا خوانده شد، زیرا که راه ورود خلفای اموی به داخل مسجد بود.

درهای کنونی مسجد عبارتند از:

۱/ ۲. باب الزیاده؛ در سمت دیوار قبله و جنوب مسجد، که در دوره عثمانی به «باب العنبرانیین» و بعدها نیز به «باب القوافین» مشهور شد. کاخ معاویه معروف به «قصر الخضر» در کنار آن قرار داشته است. «(۱)» این در، از سمت قبله به داخل شبستان باز می شود. در بیرون آن نیز بازار طلا فروشان است.

۲/ ۲. باب الناطفین؛ در شمال مسجد قرار دارد که به «باب الفرادیس» و «باب العماره» نیز معروف است. «(۲)» در کنار دیوار خارجی این در، «مدرسه سمیساتیه» و «خانه

۱- ابن جبیر، الجامع الأموی، ص ۲۲

۲- پیشین، همان جا؛ ابن بطوطه، همان کتاب، ص ۶۶

عمر بن عبدالعزیز» قرار داشته که اکنون به «معهدالدراسات الشرعیه» تبدیل شده است.

۲/۳. باب الساعات؛ باب الساعات که در شرق مسجد قرار دارد. از آن رو، آن را «باب الساعات» گفته اند که در مقابل آن قبه الساعات را ساخته بودند.

۲/۴. باب الحمیدیه؛ این درب در مقابل بازار حمیدیه قرار دارد که در غرب مسجد واقع شده و در کنار این درب، غزالیه و محل تدریس امام محمد غزالی قرار داشته است.

۳- مأذنه های جامع اموی

این مسجد دارای سه مأذنه بزرگ است که از سنگ و به صورت مربع ساخته شده و در سمت شمال، جنوب غربی و جنوب شرقی قرار گرفته است.

۳/۱. مأذنه شرقی؛ این مئذنه به «مناره البیضاء» و «مناره عیسی» معروف است.

گویند حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان بر این مأذنه فرود خواهد آمد. در گذشته سنگی در کنار آن بوده که می پنداشتند قطعه ای از همان سنگ است که موسی با عصای خود بر آن زد و دوازده چشمه از آن جاری شد. «(۱)» نعیمی در قرن نهم کتیبه ای یونانی به تاریخ ۲۲۴ قبل از میلاد بر روی مئذنه شرقی مشاهده کرده است. «(۲)» بنابراین، روشن است این مناره متعلق به کلیسا و بنای قبلی آن بوده است.

۲. مأذنه شمالی؛ این مئذنه به «العروس» مشهور است. آن را بدین جهت عروس گفته اند که در زمان های قدیم، مردم به هنگام اجرای مراسم عروسی و جشن ها، با نصب چراغ و آویزان کردن دستمال ها و پارچه های رنگارنگ، آن را تزئین می کرده اند و معتقد بودند این عمل باعث برکت خواهد شد.

۳. مأذنه غربی؛ به مئذنه «آق بای» معروف است. «(۳)» زالیه یا محل تدریس امام محمد

۱- مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۸

۲- نعیمی، همان کتاب، ص ۲۸

۳- قتیبه شهابی، مأذن دمشق، صص ۵۷، ۶۵

غزالی در کنار این مأذنه بوده است. این محل که شبستانی کوچک است. امروزه در مجاورت در غربی؛ یعنی راه ورود به مسجد در انتهای بازار حمیدیه قرار دارد.

تصویر شماره ۱۱

۴- آثار و مقام انبیا در جامع اموی

۱/ ۴. قبر و مقام هود علیه السلام

در روضه الأنام آمده است که مقبره «حضرت هود» در دیوار جنوبی (دیوار قبله شبستان) مسجد اموی است. بسیاری از مورخان دمشق گفته اند که قبر هود در اینجا است و بعضی گفته اند در اینجا سنگ قبری بوده که بر آن نوشته شده بود: «من هود بن جلود بن عاد ... هستم که به رسالت نزد قوم خود آمدم و مدت عمرم را نزد آنان بودم، مرا تکذیب کردند و خداوند ایشان را به بادی شدید عذاب کرد.» (۱)

این مکان در سمت چپ «مقام رأس یحیی» یعنی در مقابل ستون چهارم، در دیوار قبله از سمت شرق شبستان قرار دارد و بر سنگ دیوار قبله به خطی زیبا در زمینه دایره ای سبز نوشته شده است: «هذا مقام هود النبی علیه السلام» در این مکان کتیبه ای در دوران ولید یافت شد که وقتی ترجمه کردند، پند و اندرزهایی از حضرت هود بوده است. (۲)

بعضی گویند: این جا معاویه اول مدفون شده است که ممکن است بنی امیه چون از خوارج وحشت داشته اند او را در دیواره قبله مسجد مدفون کرده باشند. (۳)

۲/ ۴. مقام حضرت خضر علیه السلام

گویند حضرت خضر بنی علیه السلام در مسجد اموی همواره عبادت می کرده است. (۴) مکان آن در سمت شرقی قبله (جنوب شرقی) نزدیک مأذنه شرقی بوده است. اکنون نزدیک به

۱- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت در شام، ص ۲۴

۲- ابن عمری، همان کتاب، ص ۴۷

۳- گفتنی است قبری نیز در پشت جامع اموی، در کوچه معاویه منسوب به معاویه است که ذکر خواهد شد. همچنین ابن بطوطه قبری در یمن که به حضرت هود منسوب بوده را دیده است الرحله، ص ۶۵

۴- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۱۴ و ۱۵

محراب اصلی مسجد و به موازات مقام هود بر دیوار قبله عنوان «هذا مقام خضر النبی» بر دایره ای سبزرنگ دیده می شود. گفتنی است مقام حضرت خضر در بسیاری از نقاط سوریه دیده می شود. آن حضرت بر اساس روایات، تا ظهور حضرت مهدی (عج) زنده هستند.

۴ / ۳. مکان نزول عیسی علیه السلام

مسلم از اوس بن اوس و او از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت عیسی بن مریم، کنار مناره شرقی دمشق؛ یعنی جامع اموی نزول خواهد کرد و کنار آن مناره، قطعه سنگی که حضرت موسی در «کوه طور» با عصای خود بر آن زد و دوازده چشمه جاری شد، وجود دارد. [\(۱\)](#)

۴ / ۴. مقام و محل دفن سر یحیی علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام، به قدرت الهی، از پدر و مادر پیری است که امید به فرزند نداشتند. خداوند یحیی را در کودکی علم و حکمت عنایت کرد؛ **وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا**... وی از دوران جوانی با عفت و با تقوی بود. همواره در «مسجد الاقصی» به عبادت و ریاضت مشغول بود و از اختلاط با اهل دنیا پرهیز می کرد. او به هنگام بعثت عیسی علیه السلام نبوت ایشان را شهادت داد و در همین دوران بود که به دستور پادشاه بنی اسرائیل به قتل رسید.

قتل وی بدین سبب بود که در میان قوم بنی اسرائیل پادشاهی به نام «سردوس» از همسرش، دختری به غایت زیبا داشت. این زن که بسیار مفسد و پلید بود، همواره می کوشید تا مانع ازدواج شوهرش با زنی دیگر شود، لذا از او می خواست که دختر خود را به نکاح خویش درآورد! پادشاه خدمت حضرت یحیی علیه السلام رفت تا نظر شرع را در مورد ازدواج با دختر خود سؤال کند. یحیی علیه السلام آن را جایز ندانست، همسر پادشاه که بدین علت کینه یحیی علیه السلام را به دل گرفته بود، شوهرش را به قتل حضرت یحیی علیه السلام تحریک کرد. پادشاه نیز دستور داد تا سر یحیی را از بدن جدا سازند.

بر اساس روایتی، پس از شهادت او، خداوند فردی بی رحم را بر بنی اسرائیل مسلط

ساخت و او در بیت المقدس هفتاد هزار نفر از بنی اسرائیل را کشت. «(۱)»

از «زید بن واقد» که سرپرست ساختمان و بنای جامع اموی در دوره ولید بود، نقل شده است که: من به هنگام کار در جامع اموی شکافی در دیوار یافتیم و به ولید بن عبدالملک گزارش دادم. وی آمد و آن را بررسی کرد. در داخل آن شکاف، صندوقی بود، وقتی آن را گشودیم، در داخل سبدي سري بریده یافتیم. بر روی آن سبد نوشته شده بود: «هذا رأس یحیی بن زکریا». ولید فرمان داد آن را بر جای خود گذاشته، ستون هایی بر آن قرار دادیم. «(۲)» از «ولید بن مسلم» نقل شده که آن سر را از زیر گوشه ای از زوایای دیوار قبله به دست آوردیم که پوست و مو داشت و هنوز تغییر نیافته بود.

گویند سر یحیی علیه السلام در ابتدا از دمشق به «بعلبک» منتقل شد و پس از آن به حمص و آنگاه در قلعه حلب قرار داده شد. هنگام تسلط مغول بر حلب و قلعه آن، این سر به مکان جامع دمشق منتقل گردید. «(۳)»

اکنون مدفن رأس یحیی علیه السلام در داخل شبستان جامع اموی و نیمه شرقی آن - که پیش تر کلیسا بوده و بعد به مسجد اضافه شده - قرار گرفته است. مقام به صورت مربع با ۲۲ ستون سنگی سفید ساخته شده که حد فاصل میان آن ها پنجره هایی ضریح مانند قرار گرفته است. بر بالای این مقام، گنبدی کوچک میان دو ستون، که با رنگ سبز تزیین شده، استقرار یافته است. داخل مقام، سنگ قبر بزرگی است که با پارچه ای سبز رنگ پوشانیده شده و فاصله مقام تا دیوار قبله، حدود ده متر است.

تصویر شماره ۱۲

۵- شبستان جامع اموی

اشاره

شبستان مسجد، بیست ستون در سمت شرق و بیست ستون در سمت غرب دارد و

۱- زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ج ۲، صص ۴۷۸ و ۴۷۹

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۱۶ و ۱۷؛ نعیمی، المدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۸۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۱۰؛ ابن عمری، همان کتاب، صص ۵۸ و ۹۷

۳- نعیمی، الجامع الأموی، صص ۹۷ و ۹۸

چهار ستون اصلی و بزرگ به ابعاد ۳*۲ متر در وسط آن قرار یافته که پایه های گنبد بزرگ مسجد؛ یعنی «قبة النسر» را تشکیل می دهد. ارتفاع داخلی این گنبد بیش از سی متر است و همه از سنگ و با گچ سفید تزیین و بازسازی شده است. بر روی چهل ستون مذکور، چهل ستون کوچک دیگر قرار دارد. این ستون ها به صورت هلالی شکل هستند که سقف مسجد را- که شاید بتوان گفت بلندترین سقف موجود در میان مساجد جهان است- نگه داشته اند.

شبستان جامع، همانند صحن و سایر قسمت های دیگر، از معماری بسیار عالی برخوردار است. شبستان سه در دارد. در جنوبی آن یکی از ابواب اصلی مسجد است به خارج از مسجد؛ یعنی سوق الصاغه و بازار طلافروشان کنونی باز می شود.

تصویر شماره ۱۳

۱/ ۵. محراب های چهار گانه

شبستان مسجد اموی، چهار محراب دارد که مخصوص گروه های چهار گانه اهل سنت است. یکی از آن ها در وسط و دو محراب دیگر در سمت راست آن و محرابی نیز در سمت چپ آن قرار دارد. محراب وسط، که اصلی و بزرگتر از بقیه است، مخصوص مالکی ها است. محراب های سمت راست از حنفی ها و حنبلی ها و محراب سمت چپ نیز از آن شافعی ها است. در عصر ممالیک، در هر چهار محراب نماز می گزاردند. «(۱)»

محراب مالکی ها کنار منبر واقع شده و به محراب الصحابه نیز معروف است. این نخستین محراب مسلمانان در صدر اسلام بوده که در بنای آغازین مسجد ساخته شده و مالکی ها تا قرن هشتم در آن نماز می گزاردند. گفتنی است هریک از این محراب ها مؤذن، مدرس، امام و جماعتی از فقها داشته اند که در کنار آن به تدریس و خطابه می نشستند. «(۲)»

تصویر شماره ۱۴

۱- اکرم العلی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی، ص ۱۶۶

۲- ابن عمری، همان کتاب، ص ۶۷؛ ابن بطوطه، همان کتاب، ص ۶۴

۲ / ۵. مصحف عثمانی

در گوشه شرقی محراب اصلی مسجد، مخزنی است کههصندوق بزرگی داخل آن قرار دارد و در اینصندوق یکی از قرآن های عثمان- خلیفه سوم- نگه داری می شود.

این قرآن در دوران وی به شام فرستاده شده بود. در روزهای جمعه این مخزن باز و مردم آن قرآن را تبرک می کنند. «(۱)» البته به نظر نمی رسد این قرآن همان قرآن دوران خلیفه سوم باشد؛ زیرا چنانکه در شرح آتش سوزی های جامع اموی خواهیم گفت، آن قرآن در آتش سوخته است.

۳ / ۵. منبر مسجد

در کنار محراب اصلی، منبری بسیار زیبا و بی مانند و یکپارچه از سنگ مرمر ساخته شده است. این منبر که درصدر اسلام از چوب بوده، در سمت راست محراب کنونی مسجد قرار دارد و بربالای آن قبه کوچکی موجود است. منبر مذکور، از آثار معماری دوره عثمانی هاست.

۴ / ۵. جایگاه اسیران کربلا

در مقابل محراب و منبر اصلی مسجد اموی در شبستان،- بین دو ستون اصلی مسجد- جایگاهی از سنگ با نرده های چوبین ساخته شده است. این مکان بهصورت مربع مستطیل با ابعاد ۱۲*۶ متر و ارتفاع چهل سانتی متر است. گویند این جا مکان نشستن اسرای اهل بیت و نماز گزاردن امام سجاد علیه السلام بوده است.

۵ / ۵. محل غسل تعمید مسیحیان

همانگونه که در شرح تاریخ جامع اموی گفته شد، نیمی از آن (نیمه شرقی) کلیسا بود و سپس توسط ولید به نیمه دیگر آن الحاق و کلیسای مذکور تخریب شد. دراین نیمه و کنار در ورودی شرقی شبستان به فاصله بیست متری، بقایای استوانه و چاهی است که

۱- مطیع الحافظ، الجامع الاموی، ص ۲۲؛ العلی، همان کتاب، ص ۱۶۶؛ نعیمی، الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۳۰۷؛ ابن بطوطه، همان کتاب، ص ۶۴

مسیحیان فرزندان خود را در آن غسل تعمید می داده اند. این مکان نزد آنان از ارزش خاصی برخوردار بوده است. اکنون این چاه و استوانه های آن، که از مرمر ساخته شده، موجود ولی چاه آن پوشیده شده است. گویند سر مبارک حضرت یحیی را در این چاه شستشو و غسل داده اند.

۶- مقام رأس الحسین علیه السلام

هنگامی که کاروان اسرا و سرهای بریده شهدا را به سمت دمشق می بردند، سر مبارک امام حسین علیه السلام در پایان همه سرها و مقابل زنان و اهل بیت حرکت داده می شد.

پس از ورود کاروان، یزید (لعنه الله علیه)، سر مبارک را طلبید، آن را در حالی که در تشتی از طلا بود، در مقابل او گذاشتند، زنان در پشت آن نشسته، سکینه و فاطمه به آن می نگریستند و می گریستند. سپس مردم به داخل مسجد آمدند، یزید با چوب بر دندان های مبارک می زد «(۱)» و می گفت: امروز در مقابل روز بدر! «(۲)»

ابو برزه اسلمی به یزید می گفت: این چوب را از لب ها بردار که پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم بر این لب ها بوسه می زد. «(۳)» آنگاه به فرمان یزید سر مبارک را از مجلس بیرون برده و به همراه سایر سرهای شهدا، سه روز بر باب القصر آویزان کردند. «(۴)» پس از آن مدت، سر مبارک امام حسین علیه السلام را پایین آورده و در گوشه شمال شرقی مسجد در اتاقکی قرار دادند. این سر چند روز در این مکان قرار داشت. بعدها در آن جا به یاد بود این حادثه غم انگیز بقعه ای ساختند که به «رأس الحسین علیه السلام» مشهور شد. «(۵)»

۱- طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۲۶۷؛ ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، ج ۴، ص ۳۵؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۹۲
 ۲- در روز بدر بسیاری از بزرگان بنی امیه به دست علی علیه السلام و سپاه اسلام کشته شدند و این کینه ای بود که آل ابی سفیان و بنی امیه همواره از بنی هاشم به دل داشتند. سخن وی که بیانگر کینه های جاهلی است بدین معنی است که انتقام روز بدر را امروز گرفته ایم.

۳- طبری، همان کتاب، ج ۶، ص ۲۶۷؛ ابنصبغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمة، ص ۱۸۳؛ باقر شریف القرشی، حیاه الامام حسین، ج ۳، ص ۳۷۴

۴- خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۷۵؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۸، ص ۲۰۴

۵- نویری، نهایه الارب فی فنون الادب، ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۷، صص ۲۰۵-۲۰۳؛ ابن بطوطه، الرحله ص ۶۵

این مکان در کنار محراب و مسجد «امام زین العابدین علیه السلام» در داخل اتاقی به ابعاد ۴*۳ متر قرار دارد و در جدار داخلی گنبد آن، اسامی ائمه نقش بسته است. در داخل شبستان مقام امام سجاد علیه السلام قابی از نقره و بسیار کوچک به اندازه سر یک انسان در داخل دیوار به یاد محل قرار دادن سر مبارک حضرت جاسازی شده است. در سمت چپ این قاب نقره ای، شبستان و یا اتاقی که از آن یاد کردیم به وسیله دری آهنین جدا می شود. در سمت چپ آن ضریحی کوچک از نقره و به صورت مستطیل با ابعاد ۵/۱*۱ متر دیده می شود. داخل این ضریح، پایه ای مستقر شده و بالای آن سنگی با پوشش قرمز رنگ که قرار داده شده است.

در باره محل دفن سر نواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اختلاف است. مورخان شیعه معتقدند که سر مبارک آن حضرت به وسیله حضرت سجاد علیه السلام به کربلا باز گردانیده و کنار جسد مطهر آن حضرت به خاک سپرده شده است. «(۱)» بعضی از آنان نیز معتقدند که در کنار بدن مقبره حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون شده و لذا در بالای سر امام علی علیه السلام زیارت امام حسین علیه السلام نیز سفارش شده است. «(۲)»

در این میان، کسانی چون ابن جوزی، ابن ایاس، قلقشندی، مقریزی و سایر مورخان اهل سنت گفته اند سر مبارک در خزانه یزید بود، سپس او را کفن کرده و در باب الفردیس (نزدیک حرم حضرت رقیه) به خاک سپردند. بعدها خلفای فاطمی آن را از باب الفردیس به عسقلان مصر و سپس به قاهره منتقل کردند و در قصر زمرد به خاک سپردند که اکنون مقام رأس الحسین علیه السلام در آنجا معروف است. «(۳)»

- ۱- ابن شهر آشوب، المناقب الاثمه، ج ۲، ص ۲۰۰؛ سبط بن جوزی، تذکره خواص الامه فی معرفه الاثمه، ص ۱۵۰؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۱۶۵؛ ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۱۲
- ۲- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸ و ج ۱۰۰، صص ۲۹۳-۲۵۷؛ عباس قمی، سفینة البحار، ج ۱، ص ۴۹۲
- ۳- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل بیت بالقاهره، صص ۴۵-۲۷؛ رأس الحسین در قاهره یکی از اماکن زیارتی و مقدس مردم است که در داخل مسجدی قرار دارد و ضریحی پیرامون آن را احاطه کرده است. از اول تا ۱۵ شعبان هر سال در رأس الحسین قاهره مردم که از اهل سنت و شافعی هستند، تولد امام حسین علیه السلام را جشن می گیرند.

روایت دیگری حاکی است که سر مبارک تا دوران سلیمان بن عبدالملک در خزانه بنی امیه بود و او دستور داد سر را آوردند، در حالی که تنها استخوان سفیدی از آن باقی بود و داخل کیسه ای قرار داشت. پس از معطر ساختن، آن را کفن کرده و در قبرستان مسلمانان (احتمالاً باب الصغیر) به خاک سپردند. پس از آن که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، از محل دفن سر جویا شد و آن محل را شکافت و سر را برداشت و کسی نمی داند چه کرد؟ بعضی معتقدند به کربلا فرستاد تا در کنار بدن مطهر به خاک سپرده شود. ^(۱) در هر حال، این مکان یکی از شریف ترین اماکن است.

۷- محراب و مقام حضرت زین العابدین علیه السلام

هنگامی که امام سجاد علیه السلام در مسجد اموی، در حال اسارت بودند، در شمال شرقی جامع و کنار در شرقی آن، در مکانی به تهجد و عبادت می پرداختند.

ابن عساکر گوید آن حضرت هر شب و روز در این مکان هزار رکعت نماز می گزاردند. ^(۲) نمازگاه امام سجاد علیه السلام که پس از شبستان بزرگی قرار داشته و دارای محرابی زیبا از سنگ به وسیله محفظه ای شیشه ای حفاظت می شود. این محراب در مجاورت رأس الحسین علیه السلام قرار دارد.

۸- مشاهد خلفای راشدین

در زوایای چهارگانه مسجد، چهارمشهد به نام سه خلیفه و امام علی علیه السلام موجود است:

۸/۱. مشهد ابی بکر؛ در شرق دیوار قبله، که در آن تعدادی کتب و خزائن وقف بوده است.

۸/۲. مشهد علی علیه السلام؛ در شمال شرقی مسجد، همان جا که اکنون مقام رأس

۱- نویری همان کتاب، ج ۷، صص ۲۱۳-۲۰۸

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۲۱-۲۰

الحسین علیه السلام قرار دارد. در داخل مشهد علی علیه السلام مکانی به نام «السجن» بوده است. گویند امام سجاد علیه السلام هنگامی که بر ضدّ یزید سخنانی ارائه کردند، در آن جا محبوس شدند.

۸/۳. مشهد عمر؛ در غرب دیوار قبله مسجد بوده و اکنون به مشهد عروه معروف است. در این مکان جماعتی از علما به درس نشسته و کتب و خزائن در آن داشته اند.

۸/۴. مشهد عثمان؛ در سمت شمال مسجد بوده و نایب سلطان، بر سمت پنجره آن و حاکم شافعی به سمت راست آن نماز می گزاردند. به این مکان کلاسه نیز گفته می شد که به مدرسه کلاسه در پشت جامع اموی راه داشت.

در این مشاهد، علمای مذاهب اسلامی به تدریس پرداخته و یا برای حل مشکلات به والیان مشاوره می رسانده اند.

آتش سوزی های جامع اموی و بازسازی های آن

جامع اموی در دوران های مختلف دچار آتش سوزی شده و قسمت های عمده ای از آن از میان رفته، ولی دوباره بازسازی شده است.

۱. نخستین آتش سوزی

در نیمه شعبان ۴۶۱ هجری رخ داد. علت آن درگیری میان سپاهیان امیر سپاه مصر؛ یعنی بدرالجمالی در دمشق بوده است. دسته ای از آنان خانه ای در مجاورت جامع اموی را به آتش کشیدند و لذا آتش به مسجد سرایت کرد. مردم بلافاصله به خاموش کردن آن اقدام کردند ولی آتش از صحن گذشت و به شبستان و محراب و بالای قبه رسید. «(۱)»

۲. دوّمین آتش سوزی

در ۷۴۰ هجری به واسطه آتش سوزی که در بازار «طرائفین» در مجاورت جامع رخ داد، آتش به دیوار قسمت معروف به مشهد ابی بکر سرایت کرد و به مناره شرقی

۱- ابن عمری، همان کتاب، ص ۷۱؛ اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۲۸۸؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۱۲، ص ۹۷ و ۹۸؛ نعیمی،

رسید. «(۱)» البته نسبت به نخستین آتش سوزی، خسارات و خرابی کمتری داشت و بلافاصله مناره آن نیز مرمت شد.

۳. سومین آتش سوزی

در شعبان ۸۰۳ هجری رخ داد ولی خسارت فراوانی ببار نیاورد «(۲)» که علت آن روشن نیست.

۴. چهارمین آتش سوزی

در سال ۸۸۴ هجری، باز جامع اموی دچار حریق گردید، «(۳)» که علت آن نیز روشن نشد.

۵. پنجمین آتش سوزی

در روز شنبه چهارم ربیع الثانی ۱۳۱۱ هجری حریق بزرگی در مسجد رخ داد و علت آن نیز تعمیر سقفصحن غربی بود که به وسیله جرقه ای سقف آتش گرفت؛ و شبستان غربی به کلی سوخت ولی در ۱۳۱۶ هجری دوباره تعمیر شد؛ رأس یحیی علیه السلام و رأس الحسین علیه السلام نیز که دچار حریق شده بود تعمیر گشت. گویند در این آتش سوزی مصحف عثمان که به خط کوفی بوده و از مسجد عقیق در بصری آورده شده بود، سوخت.

در ۱۳۱۷ هجری نیز قسمت شرقی مسجد و در سال ۱۳۲۰ هجری قسمت غربی آن تعمیر گردید. از بنای قدیم این قسمت ها جز دو دیوار و بعضی از کتیبه های سلاجقه، و ایوبیان و ممالیک چیزی باقی نماند. به جای منبر و محراب آن که سوخته بود محراب جدیدی ساختند. تمامی این تعمیرات به دستور سلطان عبدالمجید عثمانی انجام گردید. «(۴)»

تصویر شماره ۱۶

۱- ابن عمری، همان کتاب، ص ۱۳۵ و همچنین الدراس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۳۰۲

۲- اکرم العلی، همان کتاب، ص ۲۸۸

۳- پیشین، همان جا.

۴- مطیع الحافظ، حریق الجامع الأموی، صص ۱۳ و ۵۹؛ اکرم العلی، همان کتاب، ص ۲۸۸

سیر تاریخی توسعه و بازسازی جامع اموی

از هنگام بنای جامع اموی، در قرون مختلف، تعمیرات و اصلاحاتی در آن انجام گرفته و گاهی نیز توسعه یافته است. از جمله:

۱. سال ۱۶۰ ه. ق. - ساخت گنبد شرقی در صحن (صخره قربان).
۲. سال ۱۷۲ ه. ق. - ساخت گنبد غربی به نام قبه المال.
۳. سال ۳۹۶ ه. ق. - ساخت گنبد نوفره مقابل باب جیرون (باب ساعات).
۴. سال ۴۷۵ ه. ق. - تعمیر گنبدها و طاق ها در ایام پادشاه سلجوقی تتش بن آلب ارسلان.
۵. سال ۵۰۳ ه. ق. - تعمیر رواق شمالی.
۶. سال ۵۵۵ ه. ق. - تجدید مناره عروس.
۷. سال ۵۶۵ ه. ق. - اصلاح و تجدید داخل.
۸. سال ۶۰۲ ه. ق. - سنگفرش مرمر کف مسجد.
۹. سال ۶۰۷ ه. ق. - تعمیر درهای جامع اموی.
۱۰. سال ۶۰۷ ه. ق. - فواره مسجد.
۱۱. سال ۶۱۳ ه. ق. - ترمیم قبه نسر (عقاب).
۱۲. سال ۶۱۴ ه. ق. - اتمام شبستان های داخلی.
۱۳. سال ۶۱۷ ه. ق. - ساخت محرابی برای حنبلی ها در رواق سوم (غربی) در داخل شبستان، که اکنون موجود است.
۱۴. سال ۶۶۸ ه. ق. - تعمیر و سنگ مرمر ستون ها و دیوارها.
۱۵. سال ۷۲۷ ه. ق. - تزیین دیوار شمالی جامع با سنگ مرمر.
۱۶. سال ۷۲۹ ه. ق. - تزیین دیوار قبله جامع با سنگ مرمر. [\(۱\)](#)

ص: ٧٩

نقشه

۵- سایر مساجد تاریخی و مشهور دمشق

اشاره

پس از فتح دمشق، حکام اسلامی و بزرگان شهر در طی قرون مختلف، اهمی و ویژه به بنای مساجد داشتند و اکنون هزاران مسجد در این کشور بیانگر سیر تحولات فرهنگی و تمدن اسلامی در آن است که در این جا پس از جامع اموی به چند مسجد مشهور و تاریخی اشاره می گردد:

۱. مسجد السادات

از کهن ترین مساجد دمشق، پس از جامع اموی، «مسجد السادات» است.

مکان آن قبل از اسلام همانند جامع اموی کلیسا بوده و پس از فتح دمشق به مسجد تبدیل شد. این مسجد در قرن سیزدهم هجری بازسازی شده است.

«مسجد الصغیر» و «جامع الحمادی» از اسامی دیگر آن است، «(۱)» دارای مناره ای کوچک بوده و در نزدیکی «باب توما»- در محله مسیحی نشین دمشق- قرار دارد و دیر لاتین نیز کنار آن واقع است.

۲. جامع باب المصلی

یکی از مساجد بسیار قدیمی دمشق، که هم زمان با مسجد السادات و پس از جامع اموی ساخته شده، جامع باب المصلی است. بنای کنونی آن از عصر سلجوقی و سال ۴۹۷

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۲۸۷

هجری است. این مسجد در «سوق المصلی» یعنی بین السویقه و میدان یرموک در مسیر باب الصغیر ساخته شده است. (۱)

۳. مسجد الاقصاب: القصب

این مسجد در سمت «باب الفرادیس» و خیابان اصلی مسیر حرم حضرت رقیه و حدود پانصد متر پایین تر از «سوق العماره» قرار دارد. در این مکان سرهای شهدای «مرج عذراء» یعنی حجر بن عدی و یارانش را به خاک سپرده اند. (۲) اسامی هفت تن از شهدا بر کتیبه ای در بالای اتاقکی، که در سمت راست راهروی مسجد است، دیده می شود. این مسجد امروزه به «جامع منجک» نیز معروف است. بنای آن را به امیر ناصر الدین بن منجک نسبت می دهند که وی مکان آن را تخریب و جامع بزرگی در سال ۷۲۱ به جای آن ساخت. (۳) گفتنی است بدن های این شهدا در مرج عذراء کنونی، در ۳۶ کیلومتری دمشق قرار دارد. (۴)

۴. مسجد ابی بن کعب انصاری

مسجد ابی بن کعب انصاری به سال پانصد هجری ساخته شده است و دارای دو گنبد سبز و یک مناره کوچک است. دیوارهایش کوتاه و با سنگ های سفید و سیاه که گویا در دوره عثمانی ترمیم گشته است. مکان آن در یکصد متری باب شرقی و کنار میدان باب شرقی است. (۵) امروزه در آن نمازهای پنجگانه اقامه می گردد.

۱- پیشین، ص ۴۳۴

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۲۶۴؛ حجر بن عدی و یارانش از شیعیان خاص امام علی علیه السلام بودند که توسط زیاد بن امیه به شهادت رسیدند.

۳- پیشین، ج ۲، ص ۳۳۲

۴- بنگرید بهص ۱۶۰ از کتاب حاضر.

۵- یوسف بن عبدالهادی، ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۱۹۱

۵. جامع قیمریه

این جامع که ابتدا مدرسه بوده، در ۶۶۵ هجری به وسیله امیر «سیف بن فوارس قیمری»، حاکم دمشق ساخته شده است. اکنون مدرسه ای برای طلاب و مسجدی برای عامه است. مکان آن در سوق القیمریه، حدود ده متر بالاتر از جامع فتحیه است. بازار قیمریه در سمت شرق جامع اموی و در کوچه «رابعه العدویه» قرار دارد که از در شرقی جامع اموی می توان به آن بازار راه یافت.

۶. جامع ابی دردا

مسجد ابی دردا در داخل قلعه دمشق (کنار بازار حمیدیه) است. «(۱)» مسجدی است بسیار کوچک که در گوشه شمال شرقی آن مقامصحابی پیامبر خداصلی الله علیه و آله قرار دارد. بر دیواره این مسجد کتیبه ای با تاریخ ۳۳۳ هجری و به خط کوفی است که اشعاری در مورد ابو دردا بر آن حک شده است. اکنون از پشت دیوار بیرونی قلعه، مقام ابو دردا را می توان زیارت کرد.

۷. جامع هشام

این مسجد به وسیله «قاضی بدرالدین بن هرمز» به سال ۸۳۱ ساخته شد. «(۲)» مناره آن از زیباترین مناره های دوران ممالیک بوده است که اکنون به علت وجود سقف بازار به سختی دیده می شود. مکان مسجد هشام در سوق مدحت پاشا (اول بازار) در پشت «خان الدکه و سوق الصدف» قرار دارد.

۸. جامع جراح

این مسجد به وسیله «ملک اشرف موسی ایوبی» به سال ۶۳۱ هجری ساخته شده

۱- احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۸۰؛ یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۱۹۰

۲- قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۲۶۰

است. «(۱)» جامع جراح دارای گنبد و مناره ای است و بر سر در ورودی، کتیبه ای به خط کوفی دیده می شود که از قرن هفتم هجری است. مکان آن در خیابان منتهی به «باب الصغیر» (شارع جراح) واقع و در قبرستان مجاور باب الصغیر نیز در کنار آن باز می شود.

۹. جامع درویشیه

این مسجد به وسیله «درویش احمد پاشا» والی عثمانی دمشق در قرن دهم هجری ساخته شد. «(۲)» جامع بزرگی است که دارای صحن مستطیل شکلی بوده و مقبره درویش پاشا نیز در آن قرار دارد. مکان جامع درویشیه در محله «درویشیه» و «شارع المستقیم» و حدود دویست متر بالاتر از مدخل بازار حمیدیه در نبش خیابان قرار دارد. در سمت راست محراب آن کتیبه ای به تاریخ ۴۸۸ هجری دیده می شود.

تصویر شماره ۱۷

۱۰. جامع سیبایه

ساخته «امیر سیبای بن بختجا» آخرین نایب السلطنه عهد مملوکی سال ۹۱۹ هجری است. «(۳)» این مسجد در پایان جنوب شرقی بازار درویشیه در شارع مستقیم و پشت مدخل بازار مدحت پاشا بوده و جامع درویشیه نیز کمی بالاتر از آن است.

۱۱. جامع نقشبندیه

این مسجد در ۹۸۱ هجری به وسیله «مراد پاشا» والی عثمانی دمشق برای فرقه نقشبندیه ساخته شد. «(۴)» روبه روی این مسجد «مقبره شیخ حسن جباوی» (متوفای ۹۱۴ ق.) است که از اقطاب و بزرگان «فرقه سعیدیه» بوده است. مکان جامع نقشبندیه در خیابان

۱- کتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۲۶۰

۲- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۲۱۶؛ کتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۳۵۴

۳- کتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۳۷۳

۴- کتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۴۱۷

«میدان» و کمی بالاتر از درب غربی مقبره باب الصغیر و در مدخل سوق الساروجیه است.

۱۲. جامع احمدیه

ساخته «شمس احمد پاشا» والی عثمانی دمشق در ۱۲۶۰ هجری است [\(۱\)](#). این مسجد در سمت غربی «سوق الحمیدیه» پشت دیوار جنوبی قلعه دمشق قرار دارد که امروزه به جامع حمیدیه- مدرسه احمدیه و خانقاه احمدیه نیز معروف است.

۱۳. جامع سنانیه

جامع سنانیه از بناهای عثمانی است که توسط سنان پاشا، والی دمشق در ۹۹۹ هجری ساخته شد. [\(۲\)](#) جامع مذکور در سوق الجاییه و شارع سعد زغلول کمی بالاتر از مدخل سوق الحمیدیه قرار دارد و جامع درویشیه نیز پایین تر از آن است.

تصویر شماره ۱۸

۱- پیشین، ص ۷

۲- پیشین، ص ۳۸۱

۶- مدارس و دارالقرآن های تاریخی دمشق

اشاره

به علت اهمیت و اعتباری که اسلام نسبت به علم و آموزش علوم، به ویژه علوم اسلامی و در مجموع تعلیم و تربیت قائل است، از هنگام نفوذ اسلام در شام و از جمله در دمشق برای تعلیم قرآن، حدیث و علوم شرعی، مدارس ساخته شد. ساخت مدارس از سوی حکام، امرا و علما به ویژه در قرون چهارم تا هفتم هجری به اوج خود رسید. در این مدارس، دارالقرآن ها و دارالحدیث ها، جوانان و نوجوانان به کسب علوم شرعی و فراگیری قرآن و حدیث اشتغال یافتند. انبوه این مدارس در دمشق و سایر شهرهای شام، دلیلی بر اهمیت فراوان قرآن و حدیث و امر تعلّم در این سرزمین است. طلابی در آن مدارس به کسب علم پرداختند که پس از چندی، خود عالم بزرگی شده و نقش بسزایی در پیشرفت و توسعه علوم اسلامی داشتند. قدیمی ترین مدرسه یا دارالقرآنی که در دمشق ساخته شد، «مدرسه الرشائیه» بود که در ۴۴۴ هجری توسط «رشاء بن نظیف بن ماشاء الله» احداث گردید (۱) و به زودی یکی پس از دیگری دارالقرآن ها و دارالحدیث ها در دمشق ساختند که در مجموع به بیش از پانصد عدد می رسید.

هر یک از فرقه های اهل سنت؛ برای خود مدرسه ای ساخته و به تعلیم و آموزش فقه مذهب خویش می پرداختند که نام این مدارس و تاریخچه آن در منابع اختصاصی آن آمده (۲) و ذکر هر یک از آن ها از محدوده مبحث ما خارج است. در این جا تنها به چند

۱- محمد کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۲۴؛ نعیمی، دورالقرآن بدمشق، تحقیق صلاح الدین المنجد، ص ۱۵ به بعد.

۲- نک: نعیمی، الدّراس فی تاریخ المدارس و همچنین دورالقرآن بدمشق؛ یوسف بن عبدالهادی، ثمارالمقاصد فی ذکر المساجد.

نمونه از مدارس مشهور و تاریخی دمشق اشاره می‌گردد که بنیانگذاران آن از سلاطین و علمای بزرگ «(۱)» بوده و خود بعدها در آن مدارس مدفون شده‌اند.

الف) مدارس

۱. مدرسه نوریه کبری

از قدیمی‌ترین مدارس دمشق است که به دستور «نورالدین محمود زنگی» (ملقب به شهید) یکی از امرای بزرگ شام و از فاتحین جنگ هایصلیبی در ۵۵۶ هجری ساخته شد. این مدرسه که از آن به عنوان دارالحدیث استفاده می‌شد، اولین دارالحدیث بر روی زمین بوده است. «(۲)» اکنون پس از گذشت بیش از هشت قرن، همچنان محل تدریس طلاب است. مدرسه مذکور در دو طبقه با حجره‌های فراوان و دو شبستان بزرگ - که در یکی از آن‌ها نماز جماعت برگزار می‌شود - ساخته شده است. مقبره بانی آن؛ یعنی نورالدین شهید نیز در آن جا است که از طریق پنجره‌ای در بازار خیاطهای سابق آن را زیارت می‌کنند. مکان مدرسه نوریه در پشت جامع اموی، در سمت چپ، انتهای بازار حمیدیه و در شارع «(۳)» نورالدین واقع است. این شارع به «سوق الخیاطین و سوق العصرونیه» نیز معروف است.

۲. مدرسه عادلیه کبری

یکی دیگر از مدارس مشهور و قدیمی دمشق توسط «ملک عادل سیف الدین ابی بکر بن ایوب» برادر سلطانصلاح الدین ایوبی، فاتح جنگ هایصلیبی در ۶۱۲ هجری ساخته شده است. این مدرسه نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه علوم شرعی و اسلامی داشته است. در این مکان ابوشامه الروضتین خویش را تألیف کرده و مورخ و

۱- برای اطلاع از بیوگرافی بانیان این مدارس به بخش قبور سلاطین شام از کتاب حاضر مراجعه شود.

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۲۶

۳- منظور از شارع در این مباحث کوچه است؛ زیرا بسیاری از کوچه‌های باریک و کوچک دمشق نام شارع یعنی خیابان بر آن نهاده شده است.

نَسَاب معروف «ابن خلکان»، کتاب و فیات الاعیان را به رشته تحریر در آورده است. ابن خلدون جامعه شناس بزرگ اسلامی و ابن مالک صاحب الفیه نیز در این مدرسه به تدریس پرداخته اند. «(۱)»

ملک عادل، بانی مدرسه، که به سال ۶۱۵ هجری وفات یافت، در حجره و اتاق سمت چپ مدرسه مدفون شد. در یکی از شبستان های مدرسه، کرسی و کتابخانه استاد شهیر معاصر دمشق مرحوم «محمد کرد علی» صاحب کتاب خطط الشام و غوطه دمشق قرار دارد. مدرسه در دو طبقه و چندین حجره برای طلاب ساخته شده است. در قرون بعدی و در عصر حاضر آن را بازسازی کرده اند.

در ۱۹۱۹ م. مدرسه مذکور محل موزه ملی دمشق و سپس محل فرهنگستان شد و اکنون به عنوان مدرسه علمیه از آن استفاده می شود. نمای بیرونی آن، از سنگ است و گنبدی با رنگ قرمز دارد. مکان آن در سمت راست در شرقی جامع اموی- که به سوی بازار حمیدیه باز می شود- و در نبش «شارع الکلاسه و سبع طوالع» قرار دارد. مدرسه ظاهریه نیز مقابل آن است.

۳. مدرسه ظاهریه کبری

یکی دیگر از مدارس قدیمی و مشهور دمشق است که توسط «ملک ظاهر بیبرس بُندقداری» یکی از امرای بزرگ شام و از فرمانروایان و فاتحان جنگ های صلیبی به سال ۶۷۶ هجری ساخته شده است. «(۲)» مدرسه ظاهریه بعدها به بزرگترین کتابخانه دمشق به نام «دارالکتب الظاهریه» تبدیل شد که در آن هزاران نسخه خطی و نفیس نگهداری شده و هم اکنون نیز پا برجاست. تمامی نسخ خطی آن فهرست نویسی شده و فهرست آن به چاپ سپرده شده است.

تعمیرات اندکی در این مدرسه صورت گرفته و قرار است به موزه ملی دمشق تبدیل شود. داخل مدرسه مذکور- در سمت راست در ورودی- قبر ملک ظاهر بیبرس بانی آن

۱- اکرم العلی، خطط دمشق، ص ۱۴۱؛ احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۹۲

۲- احمد دهمان، همان کتاب، ص ۱۱۲؛ نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۱، ص ۲۵۷

قرار دارد که در آن محراب و گنبدی از سنگ و گچ ساخته و دیوارهای آن نقاشی شده است. مدرسه از دو طبقه تشکیل شده و علاوه بر محل کتابخانه، مکانی برای تدریس طلاب نیز در آن وجود دارد.

مکان مدرسه ظاهریه در مقابل مدرسه عادلیه؛ یعنی در شمال غربی جامع اموی و نبش شارع کلاسه و سبع طوالع است. در سمت راست آن نیز حمام ظاهریه - یکی از قدیمی ترین حمام های دمشق - واقع شده است.

تصویر شماره ۱۹

۴. مدرسه عزیزیه

این مدرسه به فرمان ملک عزیز، فرزند سلطانصلاح الدین ایوبی ساخته شد (۱) و مقبرهصلاح الدین نیز در آن قرار دارد. اکنون مردم از مقبره و محل دفنصلاح الدین که در اتاقک کوچکی است، دیدار می کنند و قرن هاست از حالت مدرسه خارج شده است.

این مدرسه که کوچک و دارای گنبدی قرمز است. در خارج باب شمالی جامع اموی و سمت چپ آن واقع شده و تقریباً حدود پنجاه متر با در شمالی جامع فاصله دارد. در صحن و حیاط مدرسه قبر سه افسر از دوره عثمانی ها است که در سقوط هواپیما کشته شده اند. قبر دکتر صالح شهبندی یکی از مقامات سوریه نیز که در ۱۳۵۹ هجری به شهادت رسیده در کنار آن ها است.

۵. مدرسه سمیساطیه

این مدرسه خانه «عمر بن عبدالعزیز» حاکم اموی بوده که به دست ابوالقاسم علی بن محمد معروف به «سمیساطی»، از بزرگان و رؤسای دمشق به مدرسه و خانقاه تبدیل شد. وی در ۴۵۳ هجری وفات یافت و در خانقاه خود مدفون گشت. این خانقاه برای فقرا یصوفی وقف شده بود. (۲) کتیبه ای به خط کوفی،

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۱، ص ۲۹۰

۲- ابن عماد، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۹۵؛ نعیمی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۸؛ مطیع الحافظ، الجامع الأموی، ص ۲۸

که بر بالای این مدرسه نصب گردیده، از بانی و مالک آن یاد کرده است. در این مدرسه علمای اهل تصوّف به زاویه و تهذیب می نشستند.

مدرسه سمیسطیه در کنار درِ شمالی جامع اموی معروف به «باب الناطفین» و سمت راست کسی است که از جامع خارج می شود. مدرسه یاد شده اکنون به «معهد الدراسات الشرعیه» تبدیل شده و جوانان در آن به تدریس مشغول اند.

تصویر شماره ۲۰

۶. مدرسه جوزیه

این مدرسه توسط «محمّد بن ابوالفرج یوسف بن عبدالرحمان بن جوزی»، معروف به سبط بن جوزی، مورخ مشهور در قرن هفتم هجری بنا شده است. و خود در این مدرسه تدریس می کرده است. این مورخ به همراه «المستعصم» آخرین خلیفه عباسی به دست هلاکو خان مغول کشته شد. (۱)

اکنون این مکان که به جامع و مسجد الجوزیه معروف است، در خیابان اصلی مسیر حرم حضرت رقیه (جنوب آن)، کمی پایین تر از بازار العماره قرار دارد. این مدرسه در ۸۴۰ ق. به مسجد تبدیل شد و مناره آن در ۱۰۷۸ ق. تعمیر گردید.

۷. مدرسه جُقمَیَهِ

این مدرسه که به فرمان «امیر سیف الدین جقمق»، از امرای شام به سال ۸۲۲ ق. بنا شد، تیمور لنگ آن را به آتش کشید ولی بار دیگر ترمیم گردید. (۲)

مدرسه یاد شده، در سمت شمال جامع اموی، در «شارع الکلاسه و باب البرید» واقع است که در شمالی جامع اموی به آن گشوده می شود. مدرسه جُقمَیَهِ مدفن «امیر سیف الدین جقمق» است و مدرسه ای است بزرگ که اکنون به «معهد العلوم الشرعیه للجمعیه القراء» تبدیل شده است که تابلو در ورودی آن از این امر حکایت می کند و

۱- پیشین، ج ۲، صص ۴۰-۲۳

۲- نعیمی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۷۴

تاریخ تأسیس آن، سال ۱۳۵۶ ق. می باشد. در کنار مدرسه جقمقیه بقایای ستون های معبد ژوپیتر دیده می شود.

۸. مدرسه شامیه

به وسیله «دختر نجم الدین ایوب» و خواهر توران شاه ایوبی به سال ۵۸۷ هجری بنا شده است. «(۱)» در صحن این مدرسه، قبور فرزندش حسام الدین و همسرش محمد بن شیرکوه و برادرش توران شاه نیز قرار دارد. مکان آن در خیابان یوسف العظمه و نزدیکی هتل های محل استقرار ایرانیان و زیر پل هوایی است. که انتهای این پل به قلعه و بازار حمیدیه منتهی می شود.

ب) دارالقرآن ها

۱. دارالقرآن الرشائیه

از قدیمی ترین دارالقرآن هایی که در دمشق ساخته شد، دارالقرآن الرشائیه است که به سال ۴۰۰ یا ۴۴۴ ق. به وسیله «شیخ رشا بن نظیف بن ماشاءالله» بنا گردید. «(۲)» این مدرسه از ابتدا برای تعلیم قرآن در نظر گرفته شد و بعدها در ۸۲۰ هجری مدرسه اخنائیه به جای آن احداث گردید که اکنون موجود و در خارج باب شمالی جامع اموی و کنار مدرسه سمیساطیه است. قاضی القضاة اخنائی شافعی نیز در این مکان مدفون است.

۲. دارالقرآن صابونیه

این دارالقرآن به وسیله «احمد بن سلیمان بن محمد البکری الصابونی» به سال ۸۶۸ هجری ساخته شد. و آن دارای گنبد و مناره بوده و دیواره هایش از سنگ است. «(۳)» اکنون علاوه بر تعلیم قرآن، نماز جماعت نیز در آن بر پا می شود. دارالقرآن صابونیه در خارج

۱- پیشین، ج ۱، ص ۲۲۷

۲- نعیمی، همان کتاب، ج ۱، ص ۹؛ اکرم العلی، خطط دمشق، ص ۶۶

۳- محمد کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۲۴

«باب الجایبه» در شارع میدان و روبه روی درِ غربی مقبره باب الصغیر است.

۳. دارالقرآن افریدونیه

این مکان به دست فریدون العجمی ایرانی، از تجار خیر و مشهور دمشق در ۷۴۹ ق.

بنا شد و خود نیز در آن مدفون گشته است. این دارالقرآن در خارج باب الجایبه و نرسیده به دارالقرآنصابونیه، و در غرب باب الصغیر است. «(۱)».

۴. دارالقرآن تنکزیه

در ۷۲۸ هجری به فرمان «امیر تنکز» نایب مملوکی دمشق ساخته شد و در ۱۳۲۹ ق.

«شیخ کامل القصاب» آن را مرمت کرد. «(۲)» مقبره امیر تنکز نیز در همین مکان است. این مدرسه در شرق بازار «البزوریه» در شارع مستقیم است.

۵. دارالقرآن الاسعریه

«خواجه ابراهیم اسعری»، از تاجران بزرگ دمشق به سال ۸۱۷ ق. آن را ساخته است. بعدها بانی این مدرسه در همان مکان مدفون گردید. «(۳)» این دارالقرآن در کنار «جامع ماردانیه» به سمت محله محی الدین ساخته شده و اکنون نیز جوانان در آن به تعلیم قرآن مشغول اند.

۶. دارالقرآن تفتازانیه

«شریف تفتازانی» از علمای معروف دمشق در سال ۷۶۷ ق. آن را بنا کرده و تاج الدین سبکی در این مدرسه مشغول به تدریس بوده است. مدرسه مذکور در شمال «مدرسه بادرائیه» در محله بادرائیه است. «(۴)»

۱- اکرم العلی، همان کتاب، ص ۶۰

۲- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۲۳۹

۳- اکرم العلی، همان کتاب، ص ۵۶

۴- پیشین، ص ۶۱

۷- قبرستان باب الصغیر

اشاره

قبرستان باب الصغیر، از قبرستان های بسیار مهم و تاریخی دمشق است. این گورستان در نزدیکی «باب الصغیر»، واقع است که از دروازه های اصلی شهر قدیمی دمشق به شمار می رود. این مکان مدفن ده ها نفر از امام زادگان، صحابه گرانقدر پیامبر خداصلی الله علیه و آله، سرهای شهدای کربلا، علمای بزرگ اسلام و شیعه، سادات جلیل القدر، مورخان و محدثان و صدها تن از بزرگان و رجال اسلامی است. در این مبحث به مشهورترین قبور آن اشاره می گردد.

الف) قبور فرزندان گرامی ائمه اطهار علیهم السلام

۱. قبر سکینه دختر امام حسین علیه السلام

«آمنه»، ملقب به «سکینه» یکی از دختران حضرت امام حسین علیه السلام بود که در حادثه جان فزای کربلا حضور داشت. مادر وی «رباب بنت امرء القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن علیم بن جناب» بوده است. [\(۱\)](#) «سکینه با عبدالله بن حسن علیه السلام یا حسن بن حسن علیه السلام ازدواج کرد، لیکن همسرش قبل از زناشویی با او در کربلا به شهادت رسید. [\(۲\)](#)» او

-
- ۱- مصعب بن زبیر، کتاب نسب قریش، ص ۵۹؛ ابنصبغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، ص ۱۸۵؛ مجلسی، بحار الانوار ج ۱۵، ص ۳۲۹؛ حسن الامین، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۲، ص ۲۵
- ۲- ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۲۰، ص ۳۵۹

به همراه خواهرش فاطمه و عمه اش زینب و سایر اهل بیت امام حسین علیه السلام به اسارت در آمده و به دمشق وارد شد. او در سال ۱۱۷ هجری؛ یعنی در سن هفتاد و چند سالگی وفات یافت. ^(۱)

مرحوم محسن امین محلّ دفن او را مدینه دانسته است. و این قبر را از آن سکینه دختر یکی از امرای دمشق می داند که البته باید گفت هیچ منبعی به دفن سکینه دختر امام حسین در بقیع اشاره نکرده است. ^(۲)

مقبره آن بانو، گنبدی بزرگ به رنگ سبز دارد که دو گنبد دیگر نیز اطراف آن هستند. مناره ای به رنگ سبز نیز جلوه ای زیبا به این قبرستان بخشیده است. در این زیارتگاه، دختر امام حسین علیه السلام و نیز امّ کلثوم، زینبصغری دختر امام علی علیه السلام دفن هستند.

ساختمان کنونی این مرقد، مربوط به سده پیش است که به احتمال زیاد در آن دوران تجدید بنا شده و بر اساس تابلویی که بر در ورودی نصب گردیده، در سال ۱۳۳۰ ق. نیز مرمت شده است. در داخل شبستان و حجره مذکور- و سمت راست- ضریحی از چوب و پوشیده از پارچه سبز رنگی دیده می شود که به سکینه علیها السلام تعلق دارد.

سمت چپ آن نیز ضریح دیگری به همان شکل از امّ کلثومصغری است. در کنار دیوار پلکانی است که به زیر زمین باز می شود. در آن جا ضریح و تابوت هر دو قبر در دو اتاقک بسیار کوچک، با سقفی کوتاه قرار دارند. قبر سکینه علیها السلام به وسیله محفظه ای شیشه ای احاطه شده و سنگ قبری از قرن پنجم هجری، که مزین به آیاتی از قرآن به خط کوفی عصر سلجوقی و فاطمی است، دیده می شود.

۲. قبر امّ کلثوم، دختر امام علی علیه السلام

در کنار مرقد سکینه- دختر امام حسین علیه السلام- قبر امّ کلثوم، دختر امام علی علیه السلام است.

چنانکه در فصل اوّل گفته شد، امام علی علیه السلام چهار دختر با لقب امّ کلثوم داشت: ۱. زینب

۱- محسن الأمین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۷۴؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء انباء الزمان، ج ۱، ص ۲۹۷

۲- محسن الأمین، همان جا، برای اطلاع بیشتر از زندگانی این بانوی فداکار نک: عایشه بنت الشاطی، سکینه بنت الحسین، بیروت ۱۴۰۶ ق.

کبری علیها السلام ۲. رقیه، امّ کلثوم کبری نیز که از فاطمه علیها السلام بود و در مدینه - هنگام حیات امام حسن مجتبی علیها السلام - همراه فرزندش زید بن عمر در یک روز از دنیا رفت و در بقیع مدفون شد. «(۱)» ۳- نفیسه (امّ کلثومصغری)، همسر عبدالله اکبر بن عقیل ۴. زینبصغری، همسر محمد بن عقیل. «(۲)» این مرقد متعلق به نفیسه و ملقب به ام کلثومصغری است.

این بانو در حادثه کربلا، حضور داشته و به هنگام اسارت، با خطبه های غزا و کوبنده، پاسدار خون آن شهدا بوده است. «(۳)»

امّ کلثوم وقتی همراه کاروان اسرا وارد کوفه شد، چون مردم به زنان اهل بیت نگاه می کردند، فریاد زد: آیا از خدا و رسولش شرم ندارید که این گونه به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه می کنید؟ ایشان همچنین قبل از ورود به دمشق، نزد عمر بن سعد رفت و از وی خواست تا زنان حرم را از دری که مردم کمتری حضور داشته باشند وارد شهر کنند، ولی او نپذیرفته بود. «(۴)»

گفتنی است در قریه داریا، در اطراف دمشق، آرامگاهی نیز به نام سکینه دختر امام علی علیه السلام وجود دارد که مردم محل، او را از فاطمه علیها السلام دانسته اند که این انتساب به یقینصحیح نیست و حتی امام علی علیه السلام دختری به نام سکینه نداشته اند.

تصاویر شماره ۲۱ و ۲۲

۳. قبر منسوب به فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام

فاطمهصغری - دختر امام حسین علیه السلام - از «امّ اسحاق، بنت طلحه بن عبیدالله بن تیمی» بوده است. «(۵)» وی در سی ام هجری به دنیا آمد و در واقعه کربلا نیز سی سال سن

۱- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۴؛ محب طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۷۱. یعنی در حقیقت ام کلثوم کبری در واقعه کربلا در قید حیات نبوده است.

۲- مصعب بن عبدالله زبیری، کتاب نسب قریش، ص ۴۴

۳- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۱۲؛ ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۶۹؛ همچنین نک: الاحتجاج طبرسی، بلاغات النساء ابن طیفور و ...

۴- عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء، صص ۴۰۰ و ۴۷۷

۵- زبیر بن بکار، کتاب نسب قریش، ص ۵۹؛ مجلسی، همان کتاب، ج ۴۵، ص ۳۳۱؛ حسن الامین، دائرهالمعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱، جزء دوم، ص ۲۵

داشته است. «(۱)» لذا می توان گفت: فرزند ارشد امام حسین علیه السلام بوده است.

فاطمه‌صغری زنی بزرگوار و دارای مقام عالی دینی و علمی و ادبی بود. به طوری که پدرش سیدالشهدا به این امر شهادت داده است و آن هنگامی بود که حسن مثنیٰ؛ یعنی برادر زاده او برای خواستگاری یکی از دختران امام حسین علیه السلام آمد، حضرت به او فرمود:

من فاطمه را برای تو برمی‌گزینم که در ظاهر، به مادرم فاطمه دختر رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله بسیار شبیه؛ و در عبادت، تمام شب در نماز و روزها روزه دار و در شکل، مشابه حورالعین است. «(۲)»

او از پدر و برادرش - زین العابدین علیه السلام - و عمّه اش - زینب - و نیز عبدالله بن عباس و اسماء بنت عمیس حدیث روایت می‌کرده و امّ جعفر، ابوالمقدام و زهیر بن معاویه نیز از او حدیث نقل کرده‌اند. احادیث او در کتب حدیثی اهل سنت از جمله در سنن ترمذی، ابوداود، ابن ماجه، نسائی و تألیفات ابن حجر آمده است. فاطمه‌صغری ابتدا در منزل فاطمه علیها السلام - مادر بزرگش - در جوار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله می‌زیست. وقتی ولید دستور تخریب خانه های کنار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را صادر کرد، او به خارج مسجد رفت و در آن جا خانه ای ساخت و چاهی حفر کرد که برکت فراوانی داشت. مردم این چاه را زمزم می‌خواندند و از آن تبرک می‌جستند. «(۳)»

فاطمه همانند زینب، در حوادث کربلا - مأمن و پناهگاه اهل بیت بود و در بارگاه عبیدالله ابن زیاد و یزید خطبه های غراء خواند. «(۴)» او به سال ۱۱۰ هجری، در هشتاد سالگی وفات یافت.

در قبرستان باب الصغیر، پشت قبر سکینه و امّ کلثوم علیهما السلام قبری منسوب به ایشان است

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۵؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۲

۲- عبدالرزاق مقرر، همان کتاب، ص ۴۰۵ بنقل از اسعاف الراغبین، ص ۲۰۲

۳- سمهودی، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، ج ۳، ص ۹۰۹

۴- مجلسی، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۳۳۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۲؛ سید عبدالکریم سیدعلیخان، مقتل الحسین بن

که در داخل یک حجره و اتاقک کوچکی قرار دارد. گنبد آن به رنگ سبز و دیواره های آن به وسیله سنگ های سیاه و سفید بر پا شده است. در داخل آن تابوتی چوبین، که به وسیله پارچه ای سبز پوشیده، دیده می شود و در کنار اتاق پلکانی است که به زیر زمین باز می شود. در آن جا بر سنگ قبر او آبهالکرسی با خط کوفی حجاری شده است.

در پایین این کتیبه جمله ای با عنوان «هَذَا قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و تاریخ ۴۳۹ هجری به چشم می خورد. این امر ما را در این که قبر یاد شده به فاطمه بنت الحسین تعلّق داشته باشد با تردید مواجه می سازد، اگرچه عبارت کوفی نیز صحیح نیست؛ زیرا امام حسین علیه السلام فرزند پسری به نام احمد نداشته است. البته در میان فرزندان ایشان به محمّد نامی نیز اشاره شده که شاید این احمد فرزند او یا یکی از نوادگان امام حسین علیه السلام باشد که واسطه های آن حذف شده است.

از سوی دیگر، بیشتر منابع روایت می کنند که فاطمه صغری در منزل خود؛ یعنی در پشت مسجد النبی صلی الله علیه و آله وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. «(۱)» پس به احتمال زیاد، چون روایتی هم مبنی بر سکونت فاطمه صغری در دمشق نداریم، قبر مذکور باید متعلق به نواده امام حسین علیه السلام - نه دختر او - باشد، واللّٰه العالم.

۴. قبر عبدالله بن جعفر الصادق علیه السلام

قبر فرزند گرامی امام صادق علیه السلام، کمی بالاتر از قبر فاطمه صغری و در سمت چپ آن است که گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و داخل آن تابوتی چوبین با محفظه ای فلزی دیده می شود.

۵. قبر عبدالله بن سجاد علیه السلام

قبر عبدالله بن امام زین العابدین علیه السلام - معروف به عبدالله باهر - در کنار دیواره شرقی باب الصغیر، البته در بیرون از قبرستان و پس از در اصلی قرار دارد. این مزار دارای صحن

۱- برای تحقیق بیشتر در این مورد نک: به تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تألیف نگارنده این سطور، چاپ سازمان حج و زیارت، نشر مشعر ۱۳۷۲، ص ۲۶۰

و گنبد سبز و شبستان نسبتاً بزرگی است. اطراف مقبره و مرقد او که در ۱۳۳۰ ه. بازسازی شده است «(۱)» دیواری کشیده اند که آن را از قبرستان جدا ساخته اند.

(ب) مدفن سرهای شهدای کربلا در باب الصغیر

پس از آن که اهل بیت پیامبر علیهم السلام را در کربلا به خاک و خون کشیدند، عمر بن سعد دستور داد سرهای شهدا را قطع کنند. پس از این اقدام شنیع، سرها را میان قبایل تقسیم کرد تا آنان بدین وسیله به ابن زیاد تقرّب جویند. قبیله کنده سیزده سر، به ریاست محمد بن اشعث کندی. قبیله هوازن دوازده سر، به ریاست شمر بن ذی الجوشن. تمیم هفت سر. بنی اسد شانزده سر و بقیه قبایل تعدادی را (که در مجموع به ۷۱ سر بریده می رسید) حمل کردند و وارد کوفه شدند. «(۲)» عبیدالله دستور داد تمامی سرها را از جلوی کاروان اسرا حرکت دهند و به شام ببرند. در شب اول ماه صفر، کاروان به دمشق رسید.

قبل از ورود آن، به دستور حکومت یزید، شهر را آراستند. زنان و مردان، هلله کنان ایستاده و سرهای مقدس را بر نیزه ها و کاروان مصیبت دیدگان اهل بیت را به دنبال آن می نگریستند. سر مقدس عباس بن علی علیه السلام جلوتر از همه و سر مقدس امام حسین علیه السلام در آخر سرها و در جلو زنان بر نیزه افراشته بود «(۳)»؛ گویی هنوز عباس بن علی علیهما السلام جلو دار و علمدار کربلا بود.

امّ کلثوم از رییس قافله خواسته بود سرها را جلوتر از کاروان وارد شهر کنند تا مردم متوجه سرها شده و به حرم اهل بیت نگاه نکنند. هنگام طلوع آفتاب سرهای مقدس شهدا و کاروان اسرا از «باب الساعات» وارد مسجد اموی شد. آنگاه به دستور یزید لعنه الله، تمامی سرها به مدت سه روز بر دروازه های شهر و مسجد اموی آویزان گردید. امام

۱- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۲۵۲

۲- عبد الرزاق موسوی المقمم، مقتل الحسین أو حدیث کربلاء، ص ۳۹۱؛ ابنصباغ مالکی، همان کتاب، ص ۱۹۷

۳- ابوالحسن شعرانی، دمع السجود، ص ۲۴۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، همان کتاب، ج ۴۵، صص ۱۲۸-۱۲۴؛ باقر شریف القرشی، حیا الامام الحسین علیه السلام، ج ۳، صص ۳۶۹-۳۶۸

زین العابدین علیه السلام پس از چندی، موافقت یزید را گرفت تا سرها را به بدن ها ملحق سازد و لذا سر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا را به کربلا برد و به اجساد مطهرشان ملحق کرد. [\(۱\)](#)

در عین حال، چند سر از شهدا را در پیرامون «باب الصغیر» به خاک سپردند. امروز این مکان که حدود پنجاه متر بالاتر از در اصلی قبرستان باب الصغیر و سمت چپ کوچه و در حقیقت خارج از قبرستان است، دارای محوطه ای بزرگ است که در وسط آن حجره ای کوچک بوده و سرهای مقدس در این حجره دفن شده اند.

بر اساس کتیبه سنگی بالای حجره، ضریح قبلی آن را که از نقره بوده، فرمانده سپاه فاطمی مصر؛ یعنی جوهر صقلی ساخته که متعلق به قرن چهارم است. اما در سال های اخیر به جای آن، ضریحی از نقره ساخته اند. هر چند که بر سقف این حجره، اسامی شانزده تن از شهدای کربلا نوشته شده، لیکن به احتمال قوی تنها سر سه تن از شهدای کربلا در این مکان به خاک سپرده شده اند. این سرها عبارت اند از: ۱. سر مقدس حضرت ابوالفضل العباس علیها السلام ۲. سر مقدس حضرت علی اکبر علیها السلام ۳. سر مقدس حبیب بن مظاهر علیها السلام.

سید محسن امین، در ۱۳۲۱ ق. کتیبه ای بر بالای در ورودی این مقام، با این عبارت دیده است: «هَذَا رَأْسُ عَبَّاسٍ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ حَبِيبِ بْنِ مَظَاهِرٍ». بعدها که ضریحی بر روی این محل گذاشته شد، نام شانزده تن ذکر گردید. [\(۲\)](#) با توجه به این که منابع تاریخی شیعه اذعان دارند سرهای شهدای کربلا به بدن های آنان ملحق شده است، به نظر نمی رسد در این مکان بیش از سه سر به خاک سپرده شده باشد. وَاللَّهِ اعْلَمُ بِالصَّوَابِ.

نام سرهایی که بر سقف گنبد این مکان ثبت شده، عبارت اند از:

۱. عباس ۲. علی اکبر ۳. حبیب بن مظاهر ۴. قاسم بن الحسن ۵. عبدالله بن علی

۱- . مجلسی، همان کتاب، ج ۴۵، ص ۱۲۸-۱۲۴؛ ابوالحسن شعرانی، همان کتاب، ص ۲۵۳؛ همچنین حسن الأمین، در دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه، جزء دوم، ص ۳۲ و هاشم معروف الحسینی در سیره الائمة الاثنی عشریه، ج ۲، ص ۸۰، به نقل روایت های مختلف در مورد محل دفن سر مقدس امام حسین علیه السلام پرداخته اند.

۲- سید محسن امین، اعیان الشیعیه، ج ۱، ص ۶۲۷؛ حسن الامین، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۲

۶. عمر بن علی ۷. حرّ ریاحی ۸. محمد بن علی ۹. عبدالله بن عون ۱۰. علی بن ابی بکر ۱۱. عثمان بن علی ۱۲. جعفر بن علی ۱۳. جعفر بن عقیل ۱۴. محمد بن مسلم ۱۵. عبدالله بن عقیل ۱۶. حسین بن عبدالله.

تصویر شماره ۲۳

ج) مقابر صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱. قبر منسوب به بلال حبشی

بلال بن رباح، از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و مؤذن آن حضرت، از بردگان سیاه پوست خریداری شده از حبشه بود که به خدمت امّیه بن خلف در آمد و سال ها زیر ستم وی به زندگی خویش ادامه داد تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث گردید. چون برابری و مساوات از شعارهای اصلی اسلام بود، بسیاری از بندگان و بردگان، از آن استقبال کردند تا خود را از ستم و ظلم اربابان و بی عدالتی در جامعه رهایی بخشند. یکی از این بردگان سیاه، بلال حبشی بود. او به رغم شکنجه های طاقت فرسایی که از مشرکان و به ویژه ارباب خود؛ امّیه می دید، باز از اسلام و آیین خود دست نکشید. ابوبکر او را از صاحبش خرید و آزاد ساخت.

بلال پس از هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کرد و آن حضرت او را مؤذن خود گردانید. هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وفات یافت، خلیفه (ابوبکر)، از بلال خواست تا همچنان اذان بگوید ولی او نپذیرفت و گفت: سوگند خورده ام که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله برای هیچ کس اذان نگویم.

وقتی لشکر اسلام در مدینه آماده عزیمت برای فتح شام شد، بلال از ابوبکر اجازه عزیمت خواست. ابوبکر گفت: هر آنچه خواهی کن ولی دوست داشتم نزد من در مدینه می ماندی و اذان می گفتی، بلال نپذیرفت و وارد لشکر شد. «(۱)»

او به دمشق آمد و در «داریا»، یکی از قریه های اطراف دمشق ساکن شد و سرانجام در سال بیست هجری «(۱)» یا به روایتی هفده هجری «(۲)» در دوران خلافت عمر بن خطاب - در سن ۶۳ سالگی - وفات یافت. «(۳)»

در محل دفن بلال اختلاف است. ابن کثیر قبری که در باب الصغیر به او منسوب است راصحیح ندانسته و محل دفن وی را همان قریه «داریا» می داند. او قبری که اکنون در باب الصغیر است، را از «بلال بن ابی الدرداء» قاضی دمشق دانسته که فردی عابد و زاهد بوده است. «(۴)» در هر حال، قبری که اکنون به نام بلال در باب الصغیر معروف است، کمی بالاتر از قبور سکینه و ام کلثوم قرار دارد؛ و با قبر منسوب به عبدالله بن جعفر طیار در یک بقعه هستند.

قبر بلال بزرگترین قبر داخل این بقعه است که در میان قبور دیگر متمایز و اطراف آن نیز با محفظه ای از شیشه پوشانیده شده است. تاریخ سنگ قبر وی ۶۳۵ هجری است.

بر بنای مقبره بلال گنبدی است به رنگ سبز و سؤمین گنبد از در ورودی قبرستان باب الصغیر است. این گنبد، در ۱۰۰۷ هجری و ۱۲۸۹ هجری مرمت شد. در ۱۳۶۱ هجری در آتش سوخت و اداره اوقاف آن را بازسازی کرد. «(۵)»

۲. قبر منسوب به عبدالله بن جعفر بن ابوطالب علیها السلام

کنار قبر بلال قبری منسوب به عبدالله بن جعفر، همسر حضرت زینب علیها السلام است که به قطع و یقینصحت ندارد؛ زیرا عبدالله در سال جحاف، در مکه وفات یافت «(۶)» و در

۱- کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۱۴

۲- ابن حورانی، زیارات الشام، صص ۴۴ و ۴۵

۳- پیشین، همان جا.

۴- کرد علی، همان کتاب، ص ۱۱۵

۵- یوسف بن عبدالهادی، همان کتاب، ص ۱۹۸

۶- سال جحاف سال هشتاد هجری است که سیلی به مکه آمد و حاجیان را در خود فرو برد. در این واقعه عبدالله نود سال داشته است، ابن حجر، الاصابه، ج ۳، ص ۴۷؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۱۲، ص ۷۲؛ محب طبری، ذخائر العقبی، ص ۲۲۱

قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. «(۱)» عبدالله اولین نوزادی بود که در حبشه به دنیا آمد و هنگام وفات پیامبر خداصلی الله علیه و آله ده سال داشت. پدرش - ملقب به «ذوالجناحین» - در غزوه مؤته به شهادت رسید.

پیامبرصلی الله علیه و آله، عبدالله بن جعفر را از لحاظ شکل ظاهری و اخلاق، شبیه خود خوانده اند. «(۲)» بعضی وی را در بخشندگی، هم شأن شمرده اند. «(۳)» او فردی بسیار عابد و با کرامت بود و همواره به همراه همسرش حضرت زینب، در خدمت امام علی علیه السلام حاضر و سه تن از فرزندان او به نام های عبدالله، عون و محمد، در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند. قبر وی بسیار کوچک و بر بالای آن دو کتیبه به خط کوفی دیده می شود که به راحتی قابل خواندن نیست.

۳. قبر منسوب به عبدالله بن ام مکتوم

عبدالله بن ام مکتومصحابی جلیل القدر پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از مسلمانان نخستین است. وی کاتب و حافظ قرآن بود و در موارد بسیار، به هنگام غزوات پیامبرصلی الله علیه و آله جانشینی آن حضرت در مدینه را بر عهده می گرفت. در کنار دیواره شرقی باب الصغیر؛ یعنی در دوم آن و به موازات قبور سکینه و ام کلثوم - به فاصله دویست متری - اتاق کوچکی، بدون گنبد و با سنگ های سیاه دیده می شود، که بر آن نوشته شده: «هذا قبر ام مکتومصحابی رسول الله علیه و آله».

گفتنی است که تنها «کمونّه حسینی» در تألیف خویش، به نام وی در قبرستان باب الصغیر اشاره کرده است. «(۴)» پ و او باید در مدینه دفن شده باشد.

۱- ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، ص ۱۳۵. همچنین نک: تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اثر نگارنده این سطور، ص ۳۲۶

۲- محب طبری، همان کتاب، ص ۲۲۱

۳- ابن حجر، همان کتاب، ج ۳، ص ۴۷؛ ابن منظور، همان کتاب، ج ۱۲، صص ۷۸-۷۷؛ ابن اثیر، همان کتاب، ج ۳، ص ۱۳۳

۴- کمونّه حسینی، آرامگاه های خاندان پاک پیامبر و ائمه علیهم السلام و صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلیصاحبی، ص ۱۱۱

۴. قبر اوس بن اوس

اوس بن اوس از دیگر اصحاب پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از اهلصّفه است که همواره در مسجد پیامبر مشغول تهجد و عبادت بود. اوس به شام هجرت کرد و پس از وفات (در دوران خلافت عثمان)، در باب الصغیر دفن گردید. «(۱)» مقبره او اکنون در مقابل مدرسهصابونیه، در سمت دیواره غربی مقبره باب الصغیر است.

۵. واثله بن اسقع

واثله نیز همراه اوس بن اوس و عمار بن یاسر و دیگران، در ایوانصفه در مسجد النبیصلی الله علیه و آله روزگار می گذراند. وی عمری طولانی داشت و گویند در سن ۱۵۰ سالگی - در دوران خلافت عبدالملک مروان (سال ۸۳ هجری) - در دمشق از دنیا رفت و در باب الصغیر دفن گردید. او آخرینصحابی بود که در این شهر وفات یافت. «(۲)» واثله پس از شهادت امام حسین علیه السلام به شدت خشمگین بود و همواره به نقل آیه تطهیر، که در شأن خاندان پیامبرصلی الله علیه و آله نازل شده، می پرداخت. «(۳)»

۶. قبر منسوب به ابان بن عثمان

ابان بن عثمان، فرزند خلیفه سوم و از تابعین است. وی و سه تن دیگر از محدّثان و مورّخان مشهور مدینه در قرن اول هجری، پدران تاریخ نگاری اسلامی محسوب شده و بیشتر محدّثان و تاریخ نگاران از نسل تابعین و دیگران به روایات آنان استناد می کرده اند.

ابان نزد خلفای اموی به ویژه معاویه احترامی ویژه داشت و به دستگاه خلافت بنی امیه نزدیک بود.

او در سال ۷۶ هجری، از سوی عبدالملک بن مروان به حکومت مدینه منصوب شد و به مدت هفت سال در این سمت باقی ماند. «(۴)» سرانجام به سال ۱۰۵ هجری در دوران

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۴۳

۲- پیشین، ص ۴۹

۳- باقر شریف القرشی، همان کتاب، ج ۳، ص ۳۹۷

۴- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۵۱

خلافت یزید بن عبدالملک از دنیا رفت.

در منابع تاریخی، نام وی جزو مدفونین در باب الصغیر دیده نمی شود ولی در سمت چپ مقابر سکینه و عبدالله و حدود دویست متر بالاتر از آنان؛ یعنی پشت مقبره فضّه، حجره کوچکی است با گنبدی سبز رنگ که بر دیوار آن نام ابان بن عثمان دیده می شود.

۷. فضاله بن عبید

او از صحابه ای بود که پس از فتح دمشق به این شهر آمد و در آن جا سکونت گزید.

در دوران معاویه، کرسی قضاوت در این شهر را بر عهده داشت و در سال ۵۳ هجری در گذشت. وی را در کنار ابی دردا و امّ دردا دفن کردند. «(۱)»

۸. ابو دردا و امّ دردا

«ابو دردا» عویمر بن مالک بن زید نیز از صحابه بود. پیامبر صلی الله علیه و آله میان او و سلمان پیمان برادری بست و در مورد او فرمود: «عویمر حکیم امت من است» «(۲)» وی که در تمامی غزوه های پس از احد حضور داشت، پس از فتح دمشق برای تبلیغ اسلام به این شهر مهاجرت کرد. ابو دردا در عصر خلیفه دوم و نیز حکومت معاویه قاضی دمشق بود.

سرانجام در ۳۰ هجری، در خلافت عثمان وفات یافت و در باب الصغیر، کنار مادرش «ام دردا» مدفون شد. وی در قلعه دمشق مسجد و معبدی داشت که به معبد ابی دردا معروف بود و همواره در آن جا به عبادت می نشست. «(۳)»

۹. سهل بن ربیع انصاری

وی نیز از صحابی بزرگوار و از قبیله اوس بود که در دمشق ساکن شد و در اوایل خلافت معاویه از دنیا رفت. او را در جنوب قبرستان باب الصغیر به خاک سپردند. «(۴)»

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۵۰.

۲- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۱۸۵.

۳- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۳۱؛ همچنین نک: مبحث مساجد دمشق در کتاب حاضر.

۴- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۵۱.

د) مقابر زنان بنی هاشم و منسوبان به خاندان رسالت**۱. قبر فضه، خادمه بزرگوار فاطمه علیها السلام**

«فضه نوبیه» را دختر یکی از پادشاهان حبشه و یا هند دانسته اند. [\(۱\)](#) این بانوی بزرگوار سال ها در خدمت حضرت فاطمه علیها السلام بود و گفته اند که بیست سال سخنی جز کلمات قرآن از وی شنیده نشده است. طبق نقل مفسران در تفسیر آیه «هَلْ أَتَى» فضه، به خاطر شرکت در ایثار اهل بیت در دادن غذای خود به مسکین و یتیم، مشمول این آیه قرار گرفته است.

علی علیه السلام در باره اش دعا کرد: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي فَضَّتِنَا».

این بانو همواره اهل عبادت، زهد و علم بود و محرم اسرار خاندان رسالت به شمار می رفت؛ چنانکه علی علیه السلام در باره او می فرمود: «فاطمه از من پیمان گرفت آنگاه که از دنیا رفت، هیچ کس را بر مرگ او آگاه نکنم، جز ام سلمه، ام ایمن و فضه را و از مردان...». [\(۲\)](#)

بدین گونه فضه تا پایان عمر فاطمه علیها السلام خدمتگزار آن حضرت و پس از ایشان در خدمت حسن، حسین و زینب علیهم السلام بود. او خاندان نبوت را در کربلا- همراهی می کرد و پس از بازگشت به مدینه، به احتمال زیاد همراه حضرت زینب علیها السلام به شام بازگشت و پس از وفات، در باب الصغیر به خاک سپرده شد. [\(۳\)](#) قبر وی کمی بالاتر از مرقد عبدالله بن جعفر صادق علیه السلام و حدود یکصد متری سمت چپ آن؛ یعنی در انتهای دیوار غرب قبرستان واقع است. حجره و مرقد او گنبدی کوچک به رنگ سبز دارد و دیواره های آن از سنگ سیاه است.

۲. اسماء بنت عمیس «۴»[\(۴\)](#)

۱- ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۳۸۷.

۲- فهری زنجانی، مرقد اهل بیت، ص ۴۱.

۳- پیشین، همان جا.

۴- اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابی طالب یکی از مسلمانان فداکار همراه همسرش به حبشه هجرت کرد و در آن جا عبدالله را به دنیا آورد. در سال هفتم هجری به مدینه برگشت. جعفر طیار، در غزوه موته به شهادت رسید و لذا اسماء با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر را به دنیا آورد. پس از مرگ ابوبکر به همسری امام علی علیه السلام درآمد و یحیی و عون از او تولد یافت. محمد بن ابی بکر در سایه تعلیم و تربیت علی علیه السلام یکی از انسان های کامل و شجاع و از شیعیان خاص او شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اسماء فرمودند «او از زنان بهشتی است» نک: ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن اثیر، اسدالغابه ۵/ ۳۹۵؛ ابن عبدالبر الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۳۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۴. او در حدود سال ۴۰

هجری از دنیا رفت.

۳. میمونه دختر امام حسن علیه السلام**۴. حمیده دختر مسلم بن عقیل**

این سه بانوی بزرگوار، در یک حجره و مقبره آرمیده اند که در پشت مقابر سکینه و ام کلثوم و در سمت چپ قبر عبدالله بن جعفر صادق علیه السلام واقع است. بر روی حجره آنان، گنبدی به رنگ سبز و در داخل آن تابوتی بزرگ و چوبین دیده می شود. حجره مذکور در ۱۳۳۰ ه. بازسازی شده و به وسیله پلکانی، به زیر زمین داخل آن راه است.

قبر اول از «حمیده دختر مسلم بن عقیل» (متوفای سال هفتاد هجری) قبر دوم از «اسماء بنت عمیس» (متوفای سال ۶۵ هجری) و سومین قبر از میمونه دختر امام حسن علیه السلام است.

۵ و ۶. قبور منسوب به ام سلمه و ام حبیبه، همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

در انتهای دیواره شرقی، کمی بالاتر از در اصلی قبرستان، پس از قبر عبدالله بن سجاد علیه السلام حجره ای است مستقل، که در آن، دو قبر به نام های ام حبیبه و ام سلمه، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشته است. به یقین می توان گفت: ام سلمه و ام حبیبه در قبرستان بقیع، در مدینه، مدفون اند و این انتساب درست نیست.

ه) قبور علما و دانشمندان و زهاد معروف دمشق**اشاره**

در قبرستان «باب الصغیر» ده ها تن از علمای بزرگ اسلام، زهاد، فقها، محدثان، ادیبان و ... آرمیده اند.

۱. شمس الدین الذهبی (ف. ۷۴۸ ق.)

شمس الدین عثمان الذهبی، از مورخان و محدثان بزرگ اسلام و صاحب ده ها اثر تاریخی و حدیثی است. مشهورترین اثر او با نام «تاریخ الاسلام»، در ۳۰ جلد به چاپ رسیده است.

۲. ابن هشام نحوی

احمد بن عبدالرحمان بن هشام الأنصاری - دانشمند بزرگ علم نحو و ادیب مشهور - در مصر به دنیا آمد و در دمشق وفات یافت. وی در کنار قبر بلال حبشی، در باب الصغیر مدفون است.

۳. ابن رجب حنبلی

از محدثان بزرگ و فقهای دمشق بوده که ده ها تألیف در حدیث و فقه حنابله به رشته تحریر در آورد؛ «شرح صحیح بخاری»، «شرح اربعین النوویه» و «طبقات الحنابله» از تألیفات مشهور و مهم اوست.

۴. ابن قیم جوزی (۶۹۱-۷۵۱ ق.)

ابن قیم جوزی، صاحب کتاب مشهور «زاد المعاد فی هدی خیر العباد»، از فقهای اسلام است که در رو به روی «مدرسه صابونیه»، کنار در غربی باب الصغیر الأولى، که به «شارع الميدان» باز می شود، به خاک سپرده شده و بر روی سنگ قبر زیبای او، اشعار و احادیثی حجاری گردیده است.

۵. ابن عساکر (ف. ۵۷۱ ق.)

علی بن حسین بن هبه الله بن عبدالله، معروف به ابن عساکر شافعی دمشقی، صاحب کتاب معروف «تاریخ دمشق»، از بزرگترین نویسندگان و مورخان دمشق بود. [\(۱\)](#)

۶. ابن حورانی دمشقی (ف. ۵۵۱ ق.)

شیخ ابوالبیان محمد بن محفوظ القرشی - شیخ الطائفه بیانیه - معروف به «ابن حورانی» صاحب کتاب «زیارات الشام»، یکی از علما و فقهای بزرگ دمشق است. که در کتاب مشهور خود به شرح و توصیف مقابر دمشق به ویژه باب الصغیر پرداخته و بخشی از اطلاعاتی را که در تحقیق حاضر استفاده کرده ایم، از تألیف او برگرفته شده است.

۷. بهلول (م. ۱۵۱ ق.)

در شارع میدان و کمی نرسیده به درب غربی باب الصغیر- در داخل محوطه کوچکی- تعدادی قبر وجود دارد. یکی از قبور آن، که کمی جلوتر از سایرین است، سنگ نبشته ای بهصورت استوانه بر آن قرار داده شده و عبارت هذا قبر بهلول متوفی ۱۵۱ هجری بر آن دیده می شود.

۸. ابن مالک نحوی (م ۶۸۶ ق)

بدرالدین بن جمال الدین مشهور به «ابن مالک»، از علما و ادبای بزرگ در علم نحو و ادبیات عرب بود. الفیه او شهرت خاص دارد و همواره در حوزه های علمیه تدریس می گردد. «(۱)»

(و) قبور سایر بزرگان تابعین و بازماندگان ائمه اطهار علیهم السلام

۱. خدیجه دختر امام زین العابدین علیه السلام.
۲. محسن بن جعفر بن هادی علیه السلام که در دوران خلافت عباسی، با شکنجه به قتل رسید.
۳. عبدالله بن محمد بن اطرف، فرزند امام علی علیه السلام.
۴. ابوالحسن بن علی بن ... امام زین العابدین علیه السلام.
۵. حسن بن عبدالله بن ... عمر بن علی علیه السلام.
۶. عبدالله بن امام محمد باقر علیه السلام.

۷. محمد بن ابو حذیفه عتبه بن ربیعہ بن عبد شمس، والی مصر در دوران علی علیه السلام و از شیعیان خاص آن حضرت.

۸. عبدالرحمان بن عباس بن عبدالمطلب.

۹. عبدالمطلب بن ربیعہ بن حارث بن عبدالمطلب.

۱۰. رأس محمد بن ابی بکر (به روایتی دیگر در قاهره است). «(۱)»

۱۱. امّ الحسن، دختر حمزه بن جعفر الصادق علیه السلام.

۱۲. علی بن عبدالله بن عباس.

۱۳. سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس و همسرش. «(۲)»

۱- محمد زکی ابراهیم، مراقد اهل بیت در قاهره، ص ۱۰۵

۲- کمونه حسینی، همان کتاب، صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ ابن حورانی، همان جا؛ مسعودی، همان کتاب، حاشیه، ج ۲، ص ۱۱۸

ص: ۱۰۹

نقشه

۸- سایر قبرستان های معروف دمشق

الف) قبرستان صوفیه و قبور عارفان دمشق

اشاره

در غرب شهر قدیمی دمشق، که محل زندگی بسیاری از زهاد و متصوفه بوده است، قبرستانی وجود دارد که تنها اهل تصوف و بزرگان ایشان در آن به خاک سپرده شده اند.

قبرستان یاد شده در غرب باب الصغیر واقع شده و فاصله زیادی با آن ندارد. مشهورترین این متصوفه عبارت اند از:

۱. ابراهیم قونوی (۶۵۲-۷۳۲ ق.)

ابراهیم بن سلیمان الحموی، از علمای بزرگ حنفیه و از زهاد و متصوفه مشهور قرن هفتم هجری بود، تألیفات فراوانی؛ از جمله «شرح جامع الکبیر فی الفروع الشیبانی» و «شرح منظومه نسفی» از او به جای مانده است.

۲. احمد بن بدرالدین (م ۹۳۴ ق.)

احمد بن بدرالدین الحنفی، از متصوفه بزرگ حنفی دمشق بود که در محله شویکه مدفون شد.

۳. ابو عمرو بن صلاح (م ۶۳۴ ق.)

تقی الدین بنصلاح، مفتی صلاح الدین ایوبی، فقیه، محدث و مفسر بزرگ، در

سمت غربی قبرستان صوفیه مدفون شد. «(۱)» نگارنده این سطور در شهر حلب قبری در کنار مشهد الحسین دیده که به عمرو بنصلاح منسوب بوده است.

۴. ابن المحدث (۶۴۲-۶۹۵ ق.)

ابراهیم بن عبدالرزاق حنفی، معروف به ابن المحدث، در موصل به دنیا آمد و در دمشق درگذشت. وی یکی از فضلا و شعرای بزرگ متصوفه بود.

۵. عبدالرحمان بن نوح (م ۶۵۴ ق.)

از شیوخ بزرگ فرقه نوری بود. در دمشق فتوا می داد و از عرفا و زهاد متقی محسوب می شد. «(۲)»

۶. قطب الدین نیشابوری (م ۵۷۸ ق.)

مسعود بن محمد بن مسعود، قطب الدین ابوالمعالی نیشابوری امام شافعی، از متصوفه، بلغا و ادبای بزرگ دمشق بود، که در شرق مقابر صوفیه مدفون شد.

۷. فخر بن عساکر (م ۶۲۰ ق.)

وی شیخ الشافعیه شام و از زهاد و عباد بود، که گویند هیچ گاه زبانش از ذکر نام خدا باز نمی ایستاد. از فضایل وی بسیار سخن گفته اند. او در شرق مقابر صوفیه و در مقابل قبر عمرو بنصلاح مدفون گشت. «(۳)»

۸. ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق.)

عمادالدین ابن کثیر قرشی الدمشقی - از مورخان و سیره نویسان بزرگ اسلام - و

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۴۰

۲- پیشین، ص ۳۶

۳- پیشین ص ۳۵. فخر بن عساکر با ابن عساکر مورخ مشهور دمشق تفاوت دارد.

صاحب کتاب مشهور «البدایه والنهایه» از شاگردان ابن تیمیه بود، که در کنار قبر استادش ابن تیمیه در مقابر صوفیه مدفون گشت. ^(۱)

۹. ابن تیمیه

تقی الدین ابوالعباس احمد بن شهاب الدین عبدالحمیم دمشقی حنبلی، در شهر حرّان، از توابع ترکیه کنونی به دنیا آمد. در دوران حیات او، مغولان به شهرهای اسلامی هجوم آوردند و همه جا را در معرض ویرانی و کشتار قرار دادند. ابن تیمیه به علت تهاجم مغول به حرّان، به دمشق آمد. در سایه تعلیمات پدر، در علوم متداول زمان خود؛ از فقه، حدیث، اصول، کلام، ریاضیات، ملل و نحل و ادیان دیگر خبره شد و در فقه حنبلی به درجه اجتهاد رسید. در فقه فتاویی داد که با فتاویی مذاهب اربعه اختلاف داشت.

وی در دارالقرآن تنکزیه دمشق به تدریس می پرداخت. هنگام فتح این شهر از سوی مغول، مردم را به مقابله بر ضد آنان فرا خواند و خود نیز در جهاد عمومی علیه آنان حضور یافت. پس از آنکه در دمشق میان عقاید وی و سایر مذاهب اربعه اختلافات و درگیری هایی پدید آمد، او را بارها محاکمه و به زندان انداختند ولی از عقاید خود دست برداشت. ابن تیمیه سفر برای زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه را حرام می دانست و می گفت تنها برای اقامه نماز در مسجد النبوی صلی الله علیه و آله به آن جا مسافرت کرد. او به حدیثی استناد می کرد که «لَمَّا تَشَدَّ الرَّحَالُ إِلَّا ثَلَاثَةَ مَسَاجِدَ...» و یا توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر بزرگان دین را جایز نمی دانست. خواندن نماز کنار قبور و ساختن بقعه و گنبد بر روی آن را شرک می شمرد. همچنین او به تجسیم خداوند قائل بود و در تفاسیر آیات الهی که از ذات احدیت سخن می رفت، برای خداوند دست و پا و زبان و ... تصوّر می کرد. این اعتقادات باعث برانگیختن خشم بسیاری از علمای اهل سنت شد. ^(۲)

حکام دمشق یا مصر نیز گاهی از عقاید او دفاع و یا بر ضد او دست به اقدام می زدند تا این که در نهایت، وی در زندان قلعه دمشق از دنیا رفت. او را در مقابر صوفیه - کنار قبر برادرش شرف الدین عبیدالله - دفن کردند. ^(۳) عقاید انحرافی ابن تیمیه به ویژه تعارض و

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۳۵

۲- محمد زکی ابراهیم، نویسنده مشهور اهل سنت مصر، مبحثی بسیار علمی و مستدل در ردّ احادیث شدّالرحال ابن تیمیه ارائه کرده و در تألیف خود به نام مراقده اهل بیت در قاهره، ده ها تن از علمای بزرگ اهل سنت که علیه ابن تیمیه موضع گرفته اند را معرفی کرده است همان کتابصص ۱۵۰ تا ۱۸۵.

۳- نک: ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۱۴، صص ۱۳۵ و ۱۳۶، ابن رجب حنبلی، طبقات الحنابله، ج ۲، ص ۳۸۸ به بعد، ابن شاکر، فوات الوفيات، ج ۱، ص ۷۰ به بعد.

خصومت وی با شیعه، از طریق شاگردان متعصب او؛ یعنی شمس الدین ابن قیم جوزی صاحب «زاد المعاد فی هدی خیر العباد» و ابن کثیر، صاحب «البدایه والنهایه» در عالم اسلام گسترش یافت و سرانجام محمد بن عبدالوهاب با استفاده از تعالیم او، مکتب جدیدی به نام «وهابیه» پدید آورد و پیروان او از جمله ابن سعود و فرزندانش (آل سعود)

پس از تسخیر شهرهای مقدس مکه و مدینه، بر اساس اعتقادات ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، بسیاری از اماکن مقدس و مورد توجه عالم اسلام در این دو شهر، به ویژه قبور ائمه بقیع را تخریب کردند.

ب) قبرستان باب توما و باب شرقی

اشاره

قبرستان باب توما در شرق منطقه قدیمی دمشق، منطقه مسیحی نشین قرار دارد. در این مقبره چند تن از صحابه و علمای اسلام مدفون اند؛ از جمله:

۱. شرحبیل بن حسنه

شرحبیل بن حسنه، یکی از چهار فرمانده اسلام است که دمشق را فتح کردند. وی از صحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله و کاتب وحی بود. در دمشق وفات یافت و در نزدیکی باب توما به خاک سپرده شد. [\(۱\)](#)

۲. ضرار بن ازور اسدی

از صحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله است که در فتح دمشق حضور داشت. وی در «خارج باب شرقی» در محله الجزماء مدفون شد. قبر او دارای ضریح و بارگاه است. [\(۲\)](#) قبر شیخ ارسلان دمشقی در نزدیکی او است.

۳. معاذ بن جبل

معاذ بن جبل، صحابی مشهور و رئیس طایفه اوس، در مقبره باب شرقی مدفون

۱- نصرالدین البخره، دمشق الأسرار، ص ۱۲

۲- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۸۵

است. «(۱)» این مطلب تنها در کتاب «زیارات الشام» ذکر شده است. و او باید قطعاً در مدینه دفن شده باشد.

۴. شیخ ارسلان دمشقی (ف. ۵۴۰ ق.)

عارف بزرگ و مشهور دمشق، ابی یعقوب بن عبدالرحمان عبداللّه الجعبری معروف به «شیخ ارسلان»، در مقبره باب شرقی مدفون است. «(۲)» وی از اکابر علما، زهاد و عرفا است که کرامات زیادی از او نقل کرده اند.

او در مسجد کوچکی - داخل باب توما - روزها و شب ها به عبادت می گذرانید که اکنون به مقام شیخ ارسلان معروف است. گویند در نهایت زهد می زیست و بیست سال تمام نجاری می کرد و یک سوم از درآمد آن را صدقه و یک سوم را برای لباس و زندگی خود و یک سوم آن را به رییس و پیشوای خود می داد. «(۳)»

ج) قبور سلاطین مشهور دمشق

۱. معاویه بن ابی سفیان

معاویه پسر ابوسفیان بن حرب بن امیه، تنها حاکمی است که چهل سال در دمشق بر مسند خلافت نشست و حکمرانی کرد. در مکان قبر وی اختلاف است؛ بعضی چون ابن حورانی گویند وی در باب الصغیر مدفون شد و دیواری بر گرد قبر وی کشیده بودند. «(۴)»

ابن طولون گوید: قبر معاویه همان قبری است که اکنون به قبر و مقام هود معروف است و در دیوار قبله جامع اموی قرار دارد؛ زیرا به اتفاق علما، هود به دمشق نیامده است. «(۵)»

۱- پیشین، همان جا.

۲- نصرالدین البجره، همان کتاب، ص ۱۳

۳- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۸۷

۴- پیشین، همان کتاب صص ۴۶ و ۴۷

۵- پیشین، همان جا.

و اما در باب الصغیر، قبری بدین وصف نیست و شاید نظر دومصحیح باشد؛ زیرا کاخ معاویه (قصر الخضر) در پشت دیوار قبله جامع اموی قرار داشته و بعدها خراب شده است. احتمال می رود معاویه را از ترس خوارج در دیوار جامع مدفون ساخته باشند و مکانی که امروز به عنوان قبر هود معروف است، تنها مقام هود باشد که در گذشته از آن سخن گفته ایم (۱) و در آن جا کتیبه ای از پند و اندرزهای هود یافت شده است.

امّا در پشت جامع اموی (در زقاق معاویه) که از سمت شرق جامع اموی بدان راه است، مقبره ای وجود دارد که به معاویه منسوب است. این مقبره حالتی نیمه مخروبه دارد و گنبدی نیز بر فراز آن به رنگ قرمز کم رنگ دیده می شود. در این قبه و مقبره که در داخل محوطه ای کوچک و در آخر کوچه بسیار باریکی است، خانواده ای زندگی کرده و از آن محافظت می کنند. متأسفانه آنان اجازه دیدار از داخل مقبره را به نگارنده ندادند.

تصویر شماره ۲۴

۲. معاویه بن یزید بن معاویه (معاویه ثانی)

معاویه بن یزید بن معاویه بن ابوسفیان، معروف به معاویه صغیر و معاویه دوم فردی زاهد و پارسا و گوشه گیر بوده است. پس از مرگ یزید، با او به عنوان خلیفه مسلمین بیعت شد ولی با اکراه پذیرفت و بیش از چهل یا بیست روز نیز خلافت نکرد و در عزلت و گوشه گیری در سن ۲۲ سالگی از دنیا رفت و به نقلی مسموم شد. وی آخرین حکمران و خلیفه اموی از نسل ابوسفیان است؛ که پس از وی خلافت به خاندان مروانیان - شعبه ای دیگر از بنی امیه - از فرزندان عاص و در رأس آن ها مروان بن حکم رسید.

مسعودی گوید: هنگام وفات وی، بنی امیه اطراف او را گرفتند و گفتند: خلافت را به هر کس از خاندانت می خواهی واگذار کن. او گفت: به خدا سوگند که شیرینی خلافت بر شما را نچشیدم، چگونه بار آن را بر گردن خود (پس از مرگم) بیندازم؟ حال که برای شیرینی آن می شتابید، آیا برای تلخی آن نیز چنین می کنید؟ خداوندا! من از تعیین خلیفه

بر مردم بیزارم و از آن کناره می گیرم. خدایا! من کسی همانند اهل شوری (در هنگام مرگ عمر بن خطاب) را نمی یابم. پس خود کسی که اهلیت آن را داشته باشد، بر این امر نصب کن. ای کاش این کار را بر عهده نمی گرفتم. آیا من بنی امیه را به شیرینی آن برسانم و بار آن را برگردن خود بگیرم و کسی که شایسته آن است از آن باز دارم؟ هرگز چنین نمی کنم.

ولید بن عتبه بن ابی سفیان بر او نماز گزارد به امید این که خلافت به او برسد، ولی هنگامی که تکبیر دوم را می گفت، کشته شد. «(۱)» ابن کثیر گوید: معاویه دوم در خارج باب الصغیر مدفون است و ابن طولون نیز چنین گوید؛ و ابن حورانی نیز می نویسد: قبر وی در گوشه مقبره باب الصغیر جنوبی است. «(۲)» با کاوش فراوان در داخل باب الصغیر، مقبره ای بدین نام یافت نشد.

اما در جنوب مسجد اموی، هنگامی که از باب جنوبی و شبستان بیرون می رویم در سمت چپ در داخل کوچه ای باریک امروزه قبری به نام او وجود دارد که مردم به زیارتش می روند و معتقدند از او حاجت می گیرند.

تصویر شماره ۲۵

۳. ولید بن عبدالملک بن مروان

ولید بن عبدالملک بن مروان در سال ۸۶ ق. به خلافت رسید حکومتش نه سال و هشت ماه به طول انجامید. ولید در سن ۴۳ سالگی مرد. او در امر بنا و ترمیم مساجد و بناهای مذهبی اهتمام داشت و جامع اموی در دمشق نیز از ساخته های اوست که تاکنون در جهان بی نظیر و مایه اعجاب است. ولید نسبت به تعمیر و توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد الحرام نیز توجهی خاص داشت. گویند در باب الصغیر، شمال قبر معاویه دوم مدفون است. «(۳)» البته آثاری از قبر او امروزه وجود ندارد.

۱- مسعودی همان کتاب، ج ۳، صص ۷۶ و ۷۷

۲- ابن حورانی، همان کتابص ۴۹؛ ابن کثیر، همان کتاب، ج ۸، ص ۲۳۷

۳- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۷۵

۴. صلاح الدین ایوبی (م ۵۸۹ ق.)

صلاح الدین بن ایوب بن محمد بن شاذی بن مروان بن یعقوب تکریتی «(۱)»، یکی از فرماندهان بزرگ سپاه اسلام در مقابل صلیبی ها و فاتح بیت المقدس است. وی در ۵۳۲ هجری در تکریت عراق به دنیا آمد. ابتدا به خدمت نورالدین محمود زنگی شهید و سپس در دولت فاطمی نفوذ یافت و آن خلافت را مضمحل ساخت و به ایجاد دولت بزرگی بنام «ایوبیان» دست زد. جنگ های متعدد او با صلیبی ها برخاسته از روح سلحشوری و علاقه فراوان وی به «قُدس» بود. تنها او بود که توانست بیت المقدس را با تلاش فراوان دوباره از تصرف مسیحیان و متجاوزان در آورد و به دامن اسلام بازگرداند. «(۲)»

قبر او در «مدرسه عزیزیه» و پشت جامع اموی؛ یعنی حدود بیست متری در شمالی جامع و سمت چپ کسی است که از مسجد خارج می شود. مدرسه عزیزیه اکنون فقط محل مقبره صلاح الدین است.

در صحن حیاط مدرسه، قبر سه شهید از دوره عثمانی ها است و پس از آن حجره ای قرار دارد که بر فراز آن گنبدی با رنگ قرمز ساخته اند. در وسط این حجره قبر صلاح الدین ایوبی واقع است. سنگ قبر بزرگی داشته که با پارچه ای سبز پوشانیده شده و بر بالای آن نیز سرپوش و یا عمامه ای به رنگ سبز قرار داده اند.

تصویر شماره ۲۶

۵. ملک عادل ایوبی (۵۳۴-۶۱۶ ق.)

ملک عادل ابوبکر بن ایوب، برادر سلطان صلاح الدین ایوبی، در بعلبک به دنیا آمد. وی دو سال از برادرش صلاح الدین کوچکتر بود. ابتدا به همراه پدر و برادرش در خدمت نورالدین زنگی شهید وارد شد و در جنگ های صلیبی همراه برادرش

۱- برای آگاهی بیشتر از شرح زندگانی وی، نک: زبیدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب، تحقیق صلاح الدین المنجد، بیروت، دارالکتاب الجدید ۱۹۸۳ م.

۲- صلاح الدین صمدی، تحفه ذوی الالباب، ج ۲، صص ۹۲-۸۰

صلاح الدین شرکت کرد. ملک عادل پس از برادر بر مسند حکومت نشست. وی از کرج تا همدان، جزیره، شام، مصر، حجاز، یمن و حضرموت حکم می‌راند. فردی بردبار، مجاهد، صابر و آمر به معروف و ناهی از منکر بود. در قلب مردم جای داشت و به انصاف و عدالت حکومت می‌کرد. «(۱)» ملک عادل را پس از مرگ، ابتدا در قلعه دمشق مدفون ساختند و سپس به داخل مدرسه ای که خود ساخته بود منتقل کردند؛ یعنی مدرسه عادلیه که در سمت شمال غربی جامع اموی و در شارع کلاسه، مقابل مدرسه ظاهریه است. در داخل مدرسه و در راهروی ورودی سمت چپ، حجره ای است که قبر ملک عادل در وسط آن واقع شده و این بقعه در حال ترمیم است. وی در دمشق آثار و بناهای تاریخی فراوانی از خود بر جای گذاشته است.

۶. نورالدین محمود زنگی شهید (۵۱۱-۵۶۰ ق)

سلطان نورالدین محمود بن ابی سعید زنگی بن سیف الدین، از سلحشوران و مجاهدان اسلامی است که فداکاری‌ها و مجاهدت‌های فراوانی از خود در تاریخ جنگ‌های صلیبی به ثبت رسانیده است. وی پس از مرگ پدر، به ولایت شام رسید «(۲)» و نخستین کسی است که در دمشق دارالحدیث ساخت و اکنون نیز دارالحدیث نوریه، پابرجاست. در امور خیریه و بنای مدارس، مساجد و نشر علم و مذهب اهل سنت کوشا بود. او قناعت می‌ورزید و کمتر می‌خورد و می‌آشامید. از غنایم جنگ استفاده نمی‌کرد و آن را صدقه می‌داد و خرید و فروش شراب را در سرتاسر قلمرو خود ممنوع کرده بود.

قلعه‌هایی در حلب، حمص، حماه و بیمارستانی در دمشق ساخت و آن را وقف مسلمین کرد. نورالدین را پس از شهادت، در مدرسه خود مدفون ساختند. «(۳)» مدرسه نوریه که از بناهای او به سال ۵۵۶ قمری است، در بازار خیاطین سابق و «سوق العصرونیه» کنونی در سمت چپ انتهای بازار حمیدیه قرار دارد. مدفن وی در سمت چپ راهروی

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۰۸؛ همچنین نک: زبیدی، ترویج القلوب فی ذکر الملوک بنی ایوب.

۲- صلاح الدین الصفدی، تحفه ذوی الألباب، ج ۲، ص ۷۲

۳- ابن حورانی، زیارات الشام، ص ۲۶

مدرسه است که حجره ای کوچک؛ محراب و گنبدی دارد و پنجره ای از این مقبره به بازار باز کرده اند که مردم آن را از بیرون زیارت می کنند. در کرامات وی مطالبی گفته شده و بعضی او را مستجاب الدعوه دانسته اند.

۷. ملک ظاهر بَبَرَس (ف. م. ۶۷۶ ق.)

ملک ظاهر بَبَرَس بُنْدُقَداری، از سلاطین ممالیک است. «(۱)» او از سلاطین پرکار در زمینه ساخت بناها و مساجد و آثار اسلامی در شام و دمشق است. بناهای فراوانی به نام او ثبت شده است. یکی از آن ها مدرسه ظاهریه است که خودش را نیز در آن به خاک سپرده اند. این مدرسه مقابل مدرسه عادلیه- در شمال غربی جامع اموی- در شارع کلاسه است که قبر او در راهروی ورودی مدرسه- در سمت راست- داخل حجره بزرگی است.

این مقبره دارای محراب بوده و گنبدی نیز بر فراز آن قرار دارد.

۸. ملک اشرف موسی (ت. ۵۷۶ ق.)

ملک اشرف موسی، پسر ملک عادل ایوبی، جوانی خود را در بیت المقدس گذرانید و آنگاه در جنگ های صلیبی، در خدمت پدر و عمویش صلاح الدین حضور یافت و نقش مهمی ایفا کرد. «(۲)» وی برای شافعی ها مدرسه ای بنا کرد و خود نیز در فقه شافعی و حدیث، صاحب نظر بود.

مدرسه معروف «دارالحدیث الأشرفیه» از بناهای اوست که خود در آن به خاک سپرده شده است. «(۳)» دارالحدیث الأشرفیه در سمت غرب جامع اموی و نزدیک قلعه دمشق است.

۹. سیف الدین جقمق (م. ۸۲۴ ق.)

امیر سیف الدین جقمق از والیان دوره ممالیک دمشق «(۴)» و بانی مدرسه ای به نام

۱- صلاح الدین الصفدی، همان کتاب، ج ۲۰، صص ۲۴۶-۲۴۴

۲- صلاح الدین صفدی، همان کتاب، ج ۲، صص ۱۲۹-۱۲۳

۳- نعیمی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۲۴

۴- صلاح الدین صفدی، همان کتاب، ج ۲، صص ۲۰۰-۱۹۵

جقمقیه است. این مدرسه که مدفن او نیز هست، در پایان کوچه ای است که در شمالی جامع اموی به سوی آن گشوده می شود.

۱۰. درویش پاشا

یکی از والیان معروف دوره عثمانی در دمشق است که در ۹۷۹ ق. در این شهر به حکومت رسید. وی در کنار جامع درویشیه، که ساخته خود بود، به خاک سپرده شد.

مقبره وی در کنار خیابان درویشیه و حدود یکصد متر بالاتر از مدخل بازار حمیدیه است که دارای قبه و دیواری هشت ضلعی است.

۱۱. شاهنشاه بن ایوب (م. ۵۳۴ ق.)

وی برادر صلاح الدین و یکی از امرای بزرگ ایوبی بود، که در یکی از جنگ های مسلمانان با رومی ها شهید شد. مقبره او در کنار مدرسه شامیه قرار دارد. این مدرسه در پایان خیابان یوسف العظمه، کنار پل هوایی است و هتل های محل اقامت زائران ایرانی نیز معمولاً در نزدیکی آن قرار دارد. آرامگاه او در کنار مدرسه و به صورت مستقل با گنبدی قرمز رنگ است که قبر او نیز از داخل خیابان دیده می شود.

۱۲. تورانشاه بن ایوب (م. ۵۷۶ ق.)

وی یکی دیگر از برادران صلاح الدین ایوبی و از والیان دمشق و قاهره بود. «(۱)» آرامگاه او که جنب مقبره شاهنشاه بن ایوب برادرش و در کنار مدرسه شامیه قرار دارد، دارای گنبدی به رنگ قرمز است.

۱۳. اسدالدین محمد شیره کوه

وی شوهر خواهر صلاح الدین ایوبی است که از طرف او به استانداری حمص گماشته شد. او کنار تورانشاه و شاهنشاه بن ایوب و در مجاورت مدرسه شامیه

۹- سایر آثار تاریخی دمشق**الف) ابواب تاریخی دمشق****اشاره**

در قرون و ازمنه بسیار دور، شهرهایی که موقعیت خاص نظامی و جغرافیایی داشتند، به وسیله دیوارهایی، که گرداگرد آن کشیده شده بود، حفاظت می شدند. از آنجا که دمشق همواره در معرض هجوم ها و تاخت و تازهای پی در پی بود، گرداگرد آن، دو حصار کشیده بودند. ارتفاع دیوار اول حدود یک متر و نیم و ارتفاع دیوار دوم نزدیک به دو متر و در فاصله هفت متری دیوار اول قرار داشته است.

برای استحکام و تقویت بیشتر موضع دفاعی آن، خندقی میان آن دو حصار حفر کرده بودند. برای دیوارها، برج های دایره ای به ابعاد دو متر و نیم، برای نگهبانی ساخته شده بود و خندقی نیز در خارج دیوارها حفر و به این وسیله شهر به سختی و شدت محافظت می گردید.

حاکمان ممالیک دیوارهای یاد شده را ساختند تا در مقابل تیمور لنگ نقش مهمی در حفاظت از شهر ایفا کند و در نتیجه، وی ناگزیر شد با خدعه و فریب وارد شهر شود. «(۲)» در این دوران شهر به شکل مستطیل بود که از شرق به غرب آن؛ یعنی از باب الجابیه تا باب الشرقی ۱۵۰۰ متر و از شمال تا جنوب آن؛ یعنی از باب الفرادیس تا باب الصغیر

۱- ابی یعلی حمزه ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشق ص ۳۱۶؛ صلاح الدین الصفدی، همان کتاب، ج ۲، ص ۷۹

۲- اکرم العلی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی ص ۴۹؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک المصر و القاهره، ج

حدود ۷۵۰ متر مساحت داشت. چون این ابعاد با دیوار به طور کامل محصور گشته بود؛ لذا برای ورود و خروج مردم ابواب و درهایی قرار داده بودند. قسمت هایی از این دیوارها در دوره رومی ها ساخته شده و ابواب آن نیز متعلق به آن دوران بود که تا کنون نیز باقی مانده و قسمت هایی از آن نیز به دوران های اسلامی تعلق دارد. ابواب اصلی شهر عبارت اند از:

۱. باب توما:

این دروازه در سمت شمال شرقی شهر واقع شده و از بناهای دوران رومی ها است.

باب توما را به یکی از سرداران رومی، به نام «توما» نسبت می دهند که از قریه «دومه» یا «دوما» بود. «(۱)» باب توما در دوره اسلامی نیز پا برجا؛ و در قرن ششم هجری به وسیله ایوبی ها تعمیر و تجدید بنا شد؛ سپس امیر تنکر از ممالیک، دوباره آن را مرمت کرد. «(۲)» این اثر اکنون پس از چند هزار سال، همچنان در وسط میدان باب توما، در خیابانی به همین نام قرار دارد. قسمتی از دیوار شهر در فاصله اندکی با این دروازه دیده می شود. بر بالای این دروازه، کتیبه ای وجود دارد که متعلق به دوران ایوبی است. محله باب توما سکونتگاه مسیحیان است و بیشتر ساختمان های آن را در دوران تسلط فرانسوی ها (۱۹۲۰-۱۹۴۵ م.) ساخته اند.

تصویر شماره ۲۷

۲. باب شرقی:

یکی دیگر از ابواب اصلی بازمانده از دوران رومی ها است که در سمت شرق شهر قرار دارد و دارای سه دهانه است. «(۳)» دهانه بزرگ در وسط و دو دهانه کوچک نیز در دو طرف آن واقع شده است. «باب شرقی» در نزدیکی باب توما بوده و دارای یک مناره و دیواره ای بزرگ است که تا میدان مجاور نیز کشیده شده است. این منطقه نیز همانند باب

۱- محمد کرد علی، غوطه دمشق، ص ۱۶۶

۲- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۲۸۴ تعمیر این دروازه در دوران امیر تنکر به سال ۱۲۲۷ میلادی انجام شده است.

۳- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق، تعریب اکرم حسن العلی، ص ۱۶

توما مسیحی نشین است و چند کلیسا نیز در آن قرار دارد.

تصویر شماره ۲۸

۳. باب الفرادیس:

از دیگر دروازه های اصلی است که در سمت شمال دمشق قرار دارد و به باب العماره نیز معروف است. «باب الفرادیس» در کنار حرم حضرت رقیه (شمال غربی) و در مدخل سوق «العماره» است. دیوارهای سنگی این دروازه به سختی قابل دیدن است؛ زیرا در داخل بازار و دکان ها محو شده است. این دروازه نیز به دوره رومی ها تعلق داشته و در دوره ملک عادل ایوبی (۶۱۳ هـ.) ترمیم و بازسازی شده است. «(۱)» قابل گفتن است که «فرادیس» در زبان عربی به معنای بساتین و باغ ها است. بر بالای آن کتیبه ای به خط نسخ کوفی و مربوط به قرن هفتم هجری دیده می شود که از سلطان ملک عادل ایوبی است ولی بیشتر خطوط آن ناخوانا است و از بین رفته اند. در سمت چپ آن نیز بر روی در کوچکی کتیبه دیگری از قرن هفتم وجود دارد.

۴. باب الصغیر:

این دروازه چون از سایر ابواب دمشق کوچک تر بوده به «باب الصغیر» معروف گشته است. «(۲)» باب الصغیر در جنوب شهر قدیم دمشق واقع شده و از آثار دوران رومی ها است که به وسیله نورالدین شهید در قرن دوازدهم میلادی تجدید بنا شده است. «(۳)» قبرستان باب الصغیر نیز در نزدیکی آن است.

۵. باب السلام:

در شمال دمشق و حدود پانصد متر پایین تر از «باب توما» یعنی انتهای دیواره شمال غربی آن قرار دارد و در جوار نهری کوچک است. این دروازه به وسیله «ملکصالح

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۳۱۴

۲- اکرم العلی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی، ص ۵۰، مقبره باب الصغیر در مبحث دیگر تشریح خواهد شد.

۳- جان سوفاجیه، الآثار التاریخیه فی دمشق، ص ۱۷

نجم الدین ایوب» در ۶۴۱ ق. ترمیم شده است. باب السلام نیز یکی از ابواب اصلی دمشق در دوره رومی ها بوده است.

۶. باب الفرج:

کمی پایین تر از باب الفرادیس (در شمال شهر) و در داخل بازار «المناخلیه» قرار دارد. از این دروازه، به جامع اموی و همچنین حرم حضرت رقیه راه است. «باب الفرج» در دوران اسلامی و به وسیله نورالدین زنگی شهید بنا شده است. این نام بدین علت بود که ساکنان شهر با گشودن آن در مقابل دشمن فرجی یافتند. «(۱)»

۷. باب کیسان:

این دروازه در جنوب شرقی شهر و در غرب باب شرقی بود که در بسیاری مواقع آن را می بستند. مقبره ای نیز به همین نام در کنار آن قرار دارد. البته این باب تخریب شده و کنیسه قدیس پطرس را در جای آن ساخته اند. «(۲)»

۸. باب الجناز:

در غرب دمشق قرار داشت و به باب النصر و باب دارالسعاده نیز معروف بود. که اکنون اثری از آن نیست.

۹. باب الحديد:

این دروازه مخصوص قلعه دمشق است که آن را از آهن خالص ساخته اند و لذا نام «باب الحديد» بر خود گرفت.

۱۰. باب الجایه:

آین دروازه همانند باب شرقی سه دهانه دارد که در گذشته دوتای آن بسته

۱- اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۵۰

۲- جان سوفاجیه، همان کتاب، ص ۵۹

می شد. «(۱)» باب الجایبه در غرب شهر قرار دارد و به شارع مستقیم (بازار مدحت پاشا) متصل است.

هنگامی که لشکر ابراهیم پاشا خواست شهر را بگشاید، به علت وجود دیوارها و درهای مذکور، با مشکلات جدی روبه رو شد. وی تنها زمانی توانست به شهر راه یابد که مردم شهر کلیدهای درهای دمشق را به او دادند. دیواری که شهر را محصور ساخته بود از غرب به شرق، به موازات جنوب «قلعه» و «بازار الاروم» کشیده شده و سپس از سمت شمال تا «باب السلام» و از آن جا به «باب توما» و در شرق تا «باب الشرقي» امتداد می یافت. در این دوران؛ یعنی پس از تسلط ابراهیم پاشای مصری (قرن سیزدهم) قسمت های جنوبی و غربی دیوار از بین رفت و حتی اهمیت سیاسی- نظامی خود را نیز از دست داد. «(۲)»

ب) بازارهای تاریخی و مشهور دمشق

اشاره

از آنجا که دمشق در قبل و بعد از اسلام یکی از مراکز تجاری و اقتصادی مهم بوده، همه ساله بسیاری از تجار و کاروان های تجارتي از شبه جزیره و سایر نقاط مجاور به آنجا می آمدند و در بازارهای مختلف آن به خرید و فروش و تجارت می پرداختند. در دوران جاهلیت، سفرهای تجارتي قریش از مکه به شام و به ویژه سفرهای تجارتي پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران جوانی- که با اموال حضرت خدیجه به سوی این سرزمین آمده بودند- مشهور است و در قرآن کریم به این امر اشاره شده است: لِيَبْلَغَ قُرَيْشٍ اِيْلَيْهِمْ رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ.

ایوبی ها و ممالیک (قرن ششم و هفتم هجری) حدود ۱۴۰ بازار (بازارچه) در

۱- پیشین، همان جا.

۲- یوسف جمیل نعيسه، همان کتاب، ج ۱، صص ۷۷ و ۷۸؛ همچنین نک: جان سوفاجیه، همان کتاب، صص ۱۶، ۵۷ و ۵۹

دمشق ساختند که هر یک مخصوص حرفه ای خاص بود و بسیاری از آن‌ها با تغییرات و بازسازی‌هایی همچنان موجود است. [\(۱\)](#)

در این بخش، به چند بازار تاریخی دمشق اشاره می‌شود که اکنون از شهرت و معروفیت ویژه برخوردار هستند:

۱. بازار حمیدیه

از مشهورترین و بزرگترین بازارهای دمشق «سوق الحمیدیه» است. پیشینه آن به طور دقیق مشخص نیست لیکن مسلم است این بازار، به نام سلطان عبدالحمید عثمانی معروف است که او آن را بازسازی کرده است و در دوران‌های مختلف نیز تعمیرات و بازسازی‌هایی بر آن انجام شده است.

بیشترین سهم در ترمیم و بازسازی آن، به محمد پاشا بن مصطفی العظم، والی عثمانی اختصاص دارد که در ۱۱۸۵ ق. در دمشق حکومت می‌کرد. او بازار را از نزدیک خانه خود در کنار مدرسه احمدیه؛ یعنی در اواسط سوق الحمیدیه به سال ۱۱۹۵ هجری گسترش داد و به طور کامل از نو بازسازی کرد. تعداد دکان‌های آن به ۱۲۰ باب می‌رسید.

رشدی پاشا نیز در ۱۳۲۳ ق. تعمیراتی بر آن انجام داد. در ۱۳۲۹ و ۱۳۳۸ ق. این بازار در آتش سوخت و محله‌های بسیاری را در خود فرو برد که تا ۱۴۰۹ ق. همواره تعمیر و مرمت می‌شد. [\(۲\)](#)

در داخل سوق الحمیدیه «خانقاه» یا «مدرسه احمدیه» قرار داشت که بعدها «جامع الحمیدیه» در مکان آن ساخته شد و امروزه در همان بازار موجود است. طول بازار ششصد متر و عرض آن پانزده متر است که از شارع حمیدیه و کنار قلعه دمشق آغاز و تا در غربی جامع اموی امتداد می‌یابد. امروزه بقایای ستون‌های معبد ژوپیترا از دوران روم، در انتهای بازار حمیدیه دیده می‌شود.

۱- اکرم العلبی، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی، ص ۲۵۱؛ یوسف جمیل نعیشه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، صص ۱۱۵-۹۸

۲- اکرم العلبی، دمشق، صص ۴۵۹ و ۴۶۰؛ قیته شهابی، اسواق دمشق، ص ۶۲

۲. بازار مدحت پاشا

یکی دیگر از بازارهای بزرگ و مشهور کنونی دمشق «سوق مدحت پاشا» است. این بازار جزو قسمت غربی «شارع مستقیم» است که در عهد رومی ها ساخته شده و در میان مردم دمشق به «سوق الطویل» یا «الطویل» معروف است.

بازار مدحت پاشا از غرب به شرق، بین شارع «درویشیه» و «سوق البزوریه» امتداد یافته و از سمت جنوب موازی «سوق الحمیدیه» است. در عصر ممالیک به نام «سوق الجقمق» برگرفته از نام نایب شام امیر سیف الدین جقمق (متوفای ۸۲۲ هـ) مشهور بوده است.

مدحت پاشا، والی عثمانی دمشق (۱۲۹۵ ق.) این بازار را گسترش داد و از این رو به «سوق مدحت پاشا» تغییر نام یافت. این بازار نیز یک بار دچار آتش سوزی شد ولی بار دیگر ترمیم گردید. «(۱)» از بناهای تاریخی در آن می توان به: ۱. جامع هشام ۲. مناره ۳.

خان الدکه ۴. خان الزيت ۵. خان جقمق ۶. خان سلیمان پاشا اشاره کرد که در دوران عثمانی ساخته اند. گفتنی است مدخل سوق مدحت پاشا، کمی بالاتر از آغاز سوق الحمیدیه است و قسمتی از بازار در داخل شارع المستقیم قرار می گیرد و انتهای آن نیز به نزدیکی باب شرقی می رسد.

۳. بازار درویشیه

این بازار میان دو مدخل غربی بازار حمیدیه و بازار مدحت پاشا قرار دارد. پیشینه آن، همانند بازار مدحت پاشا به دوران ایوبی ها می رسد، که البته توسط «درویش پاشا» والی عثمانی دمشق تجدید بنا و بازسازی شده است. در این بازار بناهای زیر قرار دارد: ۱.

جامع درویش پاشا ۲. جامع خراطین یا مدرسه سیبائیه ۳. جامع سیبائیه ۴. مرقد درویش پاشا. گفتنی است بازار درویشیه پیاده روهای دو طرف خیابان هستند. «(۲)»

۱- قتیبه شهابی، همان کتاب، ص ۲۴۶

۲- پیشین، ص ۳۵۴

۴. سوق العماره: بازار نطافین

این بازار نزدیک مقام و مرقد حضرت رقیه و در مدخل جنوبی آن قرار دارد و از داخل خیابان ملک فیصل آغاز می شود. سابقه تاریخی سوق العماره شاید به قبل از دوران ممالیک برسد. «(۱)» آثار تاریخی که در آن وجود دارند: ۱. باب الفرادیس (یکی از دروازه های اصلی شهر قدیمی دمشق) ۲. مرقد حضرت رقیه علیها السلام ۳. مسجد السادات ۴. جامع العمریه ۵. جامع النطافین.

ج) قصرهای تاریخی**اشاره**

در دوره های مختلف، قصرهای فراوانی در دمشق ساخته شده که بعضی از آن ها در طول زمان رو به تخریب و ویرانی رفته است. قدیمی ترین و مشهورترین قصرهای دمشق، «قصر الخضراء» (قصر الأموی) است که دارالاماره معاویه و سپس یزید بوده است. عباسیان این قصر را، که در سمت قبله جامع اموی و به دیوار آن متصل بوده، تخریب کردند که امروزه مکان آن تبدیل به بازار شده است. «(۲)» از این قصر، در دیوار قبله جامع، دری گشوده می شده که «باب الحديد» نام داشته و معاویه از قصر خود به داخل مسجد و محراب وارد می شده است. بقایای قصر خضراء در حریق مسجد اموی سوخت و از میان رفت. قصر معروف دیگر؛ مانند قصر عاتکه دختر یزید و همسر عبدالملک نیز از بین رفته است. قصرهای موجود دمشق عبارت اند از:

۱. قصر العظم: قصر اسعد پاشا

این قصر که ابتدا خانه «امیر تنکز»، از امیران ممالیک دمشق در قرن هشتم بوده، در ۱۱۶۳ هجری توسط «امیر اسعد پاشا العظم» والی عثمانی دمشق «(۳)» ساخته شده و بنای آن در ۱۱۷۴ ق. پایان پذیرفته است. قصر اسعد پاشا بر قسمتی از معبد ژوپیتر رومی واقع و به

۱- پیشین، ص ۳۱۰

۲- ابن بطوطه، الرحله، ص ۶۵؛ جان سوفاجیه، الآثار التاريخیه فی دمشق ص ۱۰۸

۳- برای آگاهی بیشتر، از حکمرانی اسعد پاشا در دمشق نک: به احمد البدیری و سعید القاسمی، حوادث دمشق الیومیه، ص ۸۵ به بعد.

احتمال زیاد قسمتی از قصر معاویه؛ یعنی قصر الخضراء را نیز در برمی گرفته است. «(۱)» این قصر در ۱۹۲۵ میلادی دچار آتش سوزی شد و بار دیگر بازسازی گردید. مکان آن در سوق البزوریه (در جنوب جامع اموی) است. امروزه این قصر را، که یکی از زیباترین قصرهای موجود دمشق است. به موزه ملی تبدیل کرده اند. قصر العظم حیاطی بسیار بزرگ با ۳۶ اتاق دارد که اکنون هر کدام بخشی از موزه های مردم شناسی، سلاح و البسه و ... را تشکیل می دهند.

تصویر شماره ۳۰

۲. قصر الأبلق

در تکیه سلیمانیه کنونی است و برای ضیافت میهمانان و مأمورین کشورهای دیگر ساخته شده است. این قصر را که ملک ظاهر بیبرس ساخته بود، به دستور امیر تیمور لنگ تخریب کردند. «(۲)» سپس سلطان سلیمان قانونی بر مخروبه آن «تکیه سلیمانیه» کنونی را ساخت. گفتنی است قصر الأبلق نیز بر مکان قصر دارالاماره فاطمی ها ساخته شده بود.

(د) - تکایا

۱. تکیه سلیمانیه

این تکیه به فرمان سلطان سلیمان قانونی، در ۹۶۶ قمری به جای قصر ابلق ساخته شد که در دوره تیمور لنگ تخریب گشته بود. «(۳)» این تکیه از دو عمارت غربی و شرقی ساخته شده و در بنای آن از معماری اسلامی، رومی بهره برده شده است.

تکیه مذکور که نبش خیابان اصلی دمشق پس از پل روگذر اصلی یوسف العظمه قرار دارد، سه در اصلی و چندین گنبد کوچک و بزرگ دارد. قسمت مسقف داخلی آن، به وسیله ستون هایی از سنگ برپاست و گنبدی بزرگ نیز بر فراز آن است. دو مناره نیز در

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق ص ۲۴۱؛ یوسف نعیشه مجتمع مدینه دمشق، ج ۲، ص ۵۰۴

۲- نصرالدین البخره، دمشق الاسرار صص ۱۶۸-۱۶۵

۳- یوسف نعیشه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۶۰

سمت شرقی و غربی آن ساخته اند.

تکیه سلیمانیه در زلزله دمشق ویران شد و در ۱۱۵۹ قمری ترمیم گردید که از آن هنگام، سربازان عثمانی در آن ساکن می شدند. اکنون نیز به عنوان موزه نظامی و یک اثر تاریخی زیبا برای بازدید سیاحان است.

تصویر شماره ۳۱

۲. تکیه سلیمیه

به فرمان سلطان سلیم عثمانی در «صالحیه» ساخته شد که در ذکر آثار تاریخی صالحیه به آن خواهیم پرداخت. «(۱)»

۳. تکیه شمس احمد پاشا

سلطان سلیمان شمس احمد پاشا، والی عثمانی دمشق، آن را در پشت قلعه دمشق - سمت جنوب آن - و کنار خندق ساخته است. در داخل این تکیه حجره هایی برای صوفیه قرار دارد. «(۲)»

۴. تکیه مولویه

در ۹۹۳ قمری برای «فرقه مولویه»، که به جلال الدین رومی صاحب مثنوی منسوب بودند، ساخته شد. این مولوی خانه، در غرب جامع و دارالقرآن تنکز واقع است. «(۳)»

گفتنی است به علت کثرت صوفیه در داخل دمشق، تکیه ها و خانقاه های مربوط به فرقه ها، فراوان است که برخی از آنها هنوز پابرجا مانده است.

ه) قلعه تاریخی، نظامی دمشق

از آنجا که شهر دمشق در طول تاریخ حیات خود، از موقعیت خاص نظامی و

۱- نک: ص ۱۴۹ از کتاب حاضر.

۲- یوسف نعیشه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۶۲

۳- پیشین، همان جا.

سوق الجیشی برخوردار بوده، بنای قلعه ای مستحکم برای حفاظت و امنیت آن و استقرار فرماندهی نظامی جنگ ها، به ویژه هنگام جنگ های صلیبی، امری ضروری بوده است.

این قلعه در دوران رومی ها ساخته شده و برای محافظت از شهر، حالت دژ ماندی داشته است. قلعه دمشق تنها در دوران سلاجقه (قرن پنجم) به صورت یک قلعه کامل و پایگاهی نظامی در آمده است.

این قلعه در دوران صلاح الدین ایوبی - به سال ۵۷۰ هجری - پایگاه نظامی وی در جنگ های صلیبی بود، لذا وی به امر توسعه آن همت گماشت. «(۱)» قلعه یاد شده، در ۶۱۰ هجری. نیز به وسیله ملک عادل - برادرش - توسعه یافت. وی که از رزمندگان و فرماندهان بزرگ سپاه اسلام در نبرد با صلیبی ها بود، این قلعه را وسعت بسیار بخشید و حتی به احداث کارخانه سلاح سازی، ضرب سکه، بیت المال، زندان، حمام، مسجد و بازاری در آن پرداخت و در حقیقت آن را به یک شهر کوچک نظامی تبدیل کرد.

قلعه دمشق که به صورت مستطیل و دارای ابعاد ۲۲۰*۱۶۰ متر است، به وسیله خندقی که اطراف آن حفر شده بود محافظت می شد. چهار برج دیده بانی مرتفع نیز در اطراف آن قرار داشت. عمق خندق یکصد ذرع (برابر با پنجاه متر) و مملو از آب بود.

بر در اصلی قلعه و روی خندق، پلی متحرک ساختند که هنگام ورود یا خروج افراد، باز و بسته می شد.

در این قلعه، براحتی حدود بیست هزار مرد جنگی با اسبان خویش جای می گرفتند.

قلعه، دری به نام «باب السرّ» داشته است که مخفی بود و به وسیله پلی که از چوب بر روی خندق نهاده می شد - می توانستند به آن راه یابند. «(۲)» در کنار قلعه دمشق بازاری به نام «الخیل» قرار داشت که در آن نیروهای نظامی به تعمیر سلاح و رسیدگی به اسب های خود می پرداختند.

قلعه دمشق در هجوم تیمور لنگ دچار حریق و ویرانی گردید و دوباره بازسازی

۱- ابن کثیر، همان کتاب، ج ۱۳، ص ۳۲۶

۲- اکرم العلی، دمشق بین العصر الممالیک و العثمانيين، صص ۵۲ و ۵۳

شد. «(۱)» قلعه مذکور اکنون در کنار بازار و میدان حمیدیه، جلوه ای تاریخی و نظامی به شهر بخشیده است. دیواره های آن از سنگ های بزرگ است و هنوز برج های آن در هر چهار سمت سالم بر جای مانده است. بر دیوار پشت قلعه که از طرف جامع اموی به آن راه است، دو کتیبه به خط نسخ و کوفی دیده می شود که از ترمیم و تجدید بنای آن در دوره ملک عادل یاد می کند. قلعه در دهه گذشته پایگاه پلیس بوده ولی اکنون پس از تعمیر به موزه ای نظامی تبدیل شده است.

تصویر شماره ۳۲

(و) حمام های تاریخی

اشاره

نظافت و حفظ بهداشت، همواره میان مسلمانان جایگاه و اهمیت ویژه ای داشته است. یکی از افتخارات دین اسلام این است که ملت های مسلمان در قرون مختلف اسلامی از نظیف ترین و بهداشتی ترین ملتها محسوب می شده اند. در قرون وسطی که کشورهای غربی و صاحب تمدن امروزی از نظافت و بهداشت چیزی نمی دانستند، در سراسر کشورهای اسلامی، برای حفظ بهداشت و سلامت مردم حمام هایی وجود داشته است. معرفی و بررسی تاریخی این حمام ها می تواند بیانگر این سابقه تمدنی باشد.

سرزمین شام و بویژه شهر دمشق به عنوان یکی از مناطق اسلامی، از همان آغاز ورود اسلام و نیز در قرون چهارم و پنجم هجری دارای حمام های فراوانی بوده است. به طوری که العلی می نویسد: «در اوایل عصر ممالیک (قرن پنجم و ششم) در دمشق حدود ۸۵ باب حمام وجود داشته و در اواخر آن عصر به دهها برابر رسیده که هنوز آمار کاملی از آنها به دست نیامده است» (۲).

این حمام ها نیمی از روز مخصوص زنان و نیمی دیگر مخصوص مردان بوده است.

امروزه بعضی از آنها موجود و مورد استفاده هستند که به دو باب از معروف ترین

۱- جال سوفاجیه، همان کتاب، صص ۶۴-۵۸

۲- . اکرم العلی، همان کتاب، ص ۱۱۸

آنها اشاره می گردد.

۱. حمام نورالدین شهید

این حمام در «سوق البزوریه»- در جنوب جامع اموی و نزدیکی قصر العظم- توسط سلطان نورالدین محمود زنگی در سال ۵۶۵ هجری ساخته شده است (۱). حمام نورالدین پس از اینکه چند قرن مورد استفاده بود، تعطیل و دوباره در ۱۴۰۰ هجری بازسازی شد.

اکنون روزانه صدها نفر از این حمام که بسیار زیبا بازسازی شده استفاده می کنند.

بر در ورودی حمام، نام ملک نورالدین شهید و سال احداث و بازسازی آن دیده می شود. داخل آن دو ایوان شرقی غربی و دوش هایی وجود دارد. این حمام به رغم تجدید بنا و تعمیراتی که در آن انجام شده، معماری قدیمی و سنتی خود را حفظ کرده است.

تصویر شماره ۳۳

۲. حمام ظاهریه

در کنار مدرسه «ظاهریه»- در سمت شمال غربی جامع اموی- یعنی در شارع کلاسه، که از حرم حضرت رقیه نیز بدان راه دارد ملک ظاهر بیبرس در قرن ششم حمای ساخته است (۲). که پس از بازسازی همچنان مورد استفاده اهالی است.

(ز) بیمارستان های تاریخی دمشق

اشاره

در قرون چهارم و پنجم هجری- در بسیاری از سرزمین های اسلامی از جمله شام، علم پزشکی همانند سایر علوم اسلامی پیشرفت قابل ملاحظه ای کرد. اطبا و حکیمان اسلامی در نقاط مختلف این سرزمین به طبابت و تدریس علوم پزشکی می پرداخته و به علت حمایت حکام و امرای دمشق از آنان، بسیاری از اطبای بزرگ اسلامی از جمله ابن سینا، ابن نفیس، دخواریه، نجم الدین لبودی را به سوی خود کشانیده است.

۱- اکرم العلبی، همان کتاب، ص ۵۳۶

۲- پیشین، ص ۵۳۲

برای نخستین بار در جهان اسلام، بیمارستان های تخصصی در دمشق ساخته شد.

بعضی از آنها مخصوص جذامی ها و بعضی مخصوص مسلولین و ... بوده است. نخستین کسی که در این شهر بیمارستان ساخت ولید بن عبدالملک بود در دوران های بعد نیز از جمله توسط نورالدین شهید و سیف الدین قیمری بیمارستانهایی ساخته شد. در کنار این بیمارستانها برای آموزش و تدریس علوم پزشکی، مدارس طبی نیز تاسیس شده و پزشکان به تدریس در آن می پرداختند. مشهورترین آنها که اکنون در دمشق باقی مانده اند عبارتند از:

۱. بیمارستان ولید بن عبدالملک

یکی از بیمارستان های بسیار قدیمی دمشق، بیمارستانی است که خلیفه ولید بن عبدالملک برای جذامی ها ساخت تا آنان را در این مکان نگهداری و از انتقال مرض جذام به سایر مردم جلوگیری کنند «(۱)». بنای مخروبه آن در محله «اعاطله»، نزدیک باب شرقی همچنان موجود است.

۲. بیمارستان نوریه

این بیمارستان نیز یکی از بیمارستان های قدیمی دمشق است که توسط نورالدین شهید در ۵۴۹ هجری ساخته شد. در آن مدرسه ای به نام «دینسریه» وجود داشته که علمای طب در آن جا به تدریس می پرداخته اند. از بزرگانی که نام آنان به عنوان استاد طب در این بیمارستان ذکر شده می توان به ابن سینا، پزشک و فیلسوف شهیر ایرانی و زهراوی اشاره داشت.

بیمارستان نوریه توسط «بدرالدین طیب» در قرن هفتم توسعه یافت و تا سال ۱۳۱۷ هجری نیز از آن استفاده می شد ولی از آن تاریخ به موزه پزشکی تبدیل شده است «(۲)».

اکنون بیمارستان نوریه در غرب سوق الخیاطین و جنوب غربی مسجد اموی است

۱- احمد عیسی بک، تاریخ البیمارستانات فی الاسلام، ص ۲۰۳؛ یوسف جمیل نعیشه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

۲- همان، ص ۲۰۳؛ یوسف جمیل نعیشه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

که از داخل بازار حمیدیه نیز به آن راه است. کوچه ای که از بازار حمیدیه بدان منتهی می شود در سمت چپ کسی است که از جامع اموی وارد بازار می شود. بیمارستان در حدود یکصد متری این کوچه و در سمت چپ قرار دارد. گنبدی کوچک به رنگ قرمز و با ابعاد هندسی برفراز آن استوار است. داخل آنصحن بزرگ و دو ایوان و چند غرفه و حجره است که اکنون لوازم پزشکی و سیر پیشرفتهای پزشکی در طول تاریخ اسلام در این غرفه ها به نمایش گذاشته شده است.

تصویر شماره ۳۴

۳. بیمارستان قیمری

این بیمارستان توسط «سیف الدین قیمری» به سال ۶۵۳ هجری در محله صالحیه ساخته شده است که در مبحث آثار تاریخی صالحیه شرح کاملی از آن ارائه خواهد شد.

۴. بیمارستان عسکری (نظامی)

این بیمارستان مخصوص نیروهای نظامی بوده که توسط «ابراهیم پاشای عثمانی» در ۱۸۳۱ م ساخته شده است. مکان آن در نزدیکی مقابر صوفیه در غرب دمشق است «(۱)».

۵. مدرسه پزشکی دخواریه

این مدرسه در نزدیکی قصر العظم - یعنی در سمت قبله و جنوب جامع اموی به فاصله یکصد متری - آن است که مهذب الدین عبدالرحیم بن علی بن حامد معروف به «الدخوار» به سال ۶۲۱ هجری ساخته است. دخواریه خود از علمای بزرگ طب در دمشق بود که به لقب «شیخ الاطباء» مفتخر گردیده است. ساختمان آن اکنون بلااستفاده است «(۲)».

۶. مدرسه الدینسریه

در داخل بیمارستان نوریه و سمت چپ در ورودی - جنوب بیمارستان -

۱- یوسف نعیمه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۰۰؛ احمد عیسی بک، همان کتاب، ص ۴۵

«عمادالدین ابو عبدالله دینسری» به سال ۶۸۶ هجری مدرسه ای ساخته است «(۱)» که اکنون مکان آن در داخل موزه پزشکی بیمارستان نوریه واقع شده است.

۷. مدرسه اللبودیه

به وسیله «نجم الدین اللبودی»- در ۶۶۴ هجری- در خارج از شهر قدیمی دمشق ساخته شده است. وی از اطباء حاذق دمشق بوده و قبر وی نیز در داخل آن قرار گرفته است. از این مدرسه متأسفانه جز قبر داخل آن چیزی نمانده است «(۲)».

ح آثار تاریخی مسیحیان

چنانکه در گذشته گفته شد تا قبل از ظهور اسلام، سرزمین شام- در قرن های متمادی- به رومیها متعلق و دین مسیحیت در آن جا رایج بود. به این لحاظ، مسیحیان از هر طایفه ای- برای انجام عبادات خویش- کلیساهایی ساخته و آثاری تاریخی از خود بر جای گذاشتند که تاکنون نیز بعضی از آنها باقی است. و برخی نیز به مسجد تبدیل شد قدیمی ترین آثار و اماکنی که اکنون از مسیحیان باقی است عبارتند از:

۱. قبر جرجس حواری

وی که یکی از حواریون حضرت مسیح علیه السلام بود به فرار «بُولُس حواری» کمک کرد و خود نیز به خاطر این امر به قتل رسید. جرجس حواری را در پشت باب کیسان به فاصله ۳۶ متری آن مدفون ساختند «(۳)».

۲. کنیسه حوبریا الیاهو

در نیم فرسخی خارج دمشق قدیم صخره و یا غاری است که گویند «الیاس نبی» به هنگام فرار از ایزابل در آن مخفی شده است. بعدها کنیسه زیبایی به نام «جوبریا الیاهو» به

۱- نعیمی، همان کتاب، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۰۰

۲- پیشین، همان جا، کردعلی، غوطه دمشق، ص ۱۲۸

۳- فارس دارقیو، وصف دمشق، صص ۹۸-۹۲

جای آن ساختند. این کنیسه از قدیمی ترین کنایس دمشق است. در کنار آن نیز مسجدی به نام محمدصلی الله علیه و آله ساخته شده که تاریخ بنای آن به قرن اول هجری می رسد. «(۱)»

۳. کنیسه مریم عذراء

در نیم فرسخی مقام ابراهیم در «قریه برزه» «(۲)» - در شرق کوه قاسیون (صالحیه) ساخته شده است. اسم این محل قریه «صیدنایا» است که امروزه نیز به همان نام مشهور است «(۳)».

۴. کنیسه بولس حواری

این کنیسه که در مشرق دمشق، نزدیک مقبره مسیحیان و کنار «مدخل باب کیسان» است، در ۱۹۳۹ م توسط فرانسویها ترمیم و تجدید بنا شد «(۴)».

۵. کنیسه قدیس حانیا

یکی دیگر از قدیمی ترین کنیسه های دمشق است که در ۱۹۲۱ میلادی آثار مخروبه آن در حفاری ها به دست آمده است. بر مکان این کلیسا- در دوران نورالدین زنگی - مسجدی ساخته شده بود. این کنیسه در «شارع مستقیم» قرار داشته است. «(۵)»

ط) معبد ژوپیتر

این معبد به خدای رومیها یعنی «حَدَد» تعلق داشته است که آرامی ها آن را در هزاره اول قبل از میلاد ساخته اند و ابتدا معبد اله آرامی بوده است «(۶)». بعدها با تسلط رومیان، به پرستش اله آنان یعنی ژوپیتر اختصاص یافت.

۱- پیشین، صص ۵۹-۵۶

۲- بنگرید: ص ۱۵۹ از کتاب حاضر.

۳- فارس دارقیو، همان جا.

۴- پیشین، همان جا.

۵- جان سوفاجیه، الآثار التاريخیه فی دمشق، ص ۲۳

۶- نک: جان سوفاجیه، همان کتاب، صص ۲۲-۱۷؛ نصر الدین البجره، دمشق الاسرار، ص ۵۹

متأسفانه این اثر مهم تاریخی به مرور زمان از بین رفته و بخشی از آن در دوره رومیها به کنیسه بزرگ دمشق که بعدها نیمی از آن داخل جامع اموی شد تبدیل گشته است. اکنون بعضی از دیوارها و ستون های سنگی آن که اغلب از بین رفته اند دیده می شوند. از جمله در پایان بازار حمیدیه و در پیرامون مسجد اموی. چنانکه از بقایای ستون های آن در باب شمالی مسجد اموی و باب غربی و شرقی آشکار است، این معبد دارای مساحتی بسیار زیاد بوده که شاید به دو برابر جامع اموی کنونی می رسیده است؛ زیرا قسمتهایی از این ستون ها در فاصله دویست متری و گاهی سیصد متری جامع اموی دیده می شود و قسمتهای دیگر آن نیز از طرفی به جامع اموی متصل است. مساحت آن را ۳۸۰ م * ۳۱۰ متر ذکر کرده اند.

درب اصلی و ورودی معبد به نظر می رسد در سمت پایان بازار حمیدیه بوده است؛ زیرا ستون های راهروی ورودی و سنگهای یک پارچه ای که به عنوان مدخل و سردر استفاده شده بخوبی حاکی از این امر و شباهت کامل به معبد بل در شهر تدمر سوریه دارد. بسیاری از قسمتهای باقی مانده دیوارها در بازارها و کوچه های اطراف از دید پنهان شده و به سختی می توان آنها را دید. در داخل محوطه، دیوار دیگری به طول ۱۵۶ متر و عرض ۹۷ متر بوده و داخل آن، مکان اصلی معبد، قربانگاه و سایر اماکن قرار داشته است.

ص: ۱۳۹

نقشه

ص: ۱۴۰

سفید

فصل سوم: کوه قاسیون و منطقه صالحیه

قاسیون در گذر تاریخ

اشاره

الف- آثار تاریخی قاسیون (صالحیه)

ب- آثار اسلامی قاسیون (صالحیه)

ج- مدارس و مساجد صالحیه

یکی از مناطقی که قدمت و سابقه آن بر شهر دمشق نیز فزونی دارد «قاسیون» است، قبل از آنکه شهر دمشق ساخته شود، مردم بر دامنه کوه قاسیون که امروز به صالحیه معروف است زندگی می کردند و سالها بر همین منوال می گذشت تا اینکه به دنبال افزایش جمعیت خود، به بنای شهر دمشق پرداختند «(۱)»؛ بنابراین آثاری که در دامنه این کوه قرار دارد گاهی از آثار داخل شهر دمشق قدمت بیشتری دارد. این کوه نزد مردم دمشق از تقدس خاصی برخوردار است، زیرا شاهد حضور انبیاء الهی بوده و حتی بعضی از آنان را در دامن خود مدفون ساخته است.

روایاتی در فضل این کوه نقل شده است از جمله اینکه: ابوقتاده گوید: «منظور از تین در قرآن کریم [والتین والزیتون کوه دمشق (قاسیون) است «(۲)»».

گویند در پایین این کوه، آدم ابوالبشر سکونت داشته، و در بالای آن قابیل، برادرش هابیل را کشته در شرق آن (در منطقه برزه) حضرت ابراهیم علیه السلام به دنیا آمده، در سمت غرب آن حضرت مسیح و مادرش مریم پناه گرفته اند و ام حنه، مادر مریم در دامنه آن ساکن بوده است.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که بر این کوه، حضرت ابراهیم علیه السلام، لوط علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و ایوب نبی علیه السلام نماز گزارده اند؛ لذا از دعا در کنار آن غافل نشوید «(۳)». همچنین آن

۱- ابن طولون، القلائد الجوهریه فی تاریخ الصالحیه، تحقیق محمد احمد همان، ص ۱۰ به بعد.

۲- ابن حورانی، زیارات الشامص ۹۶؛ نصرالدین البحره، همان کتاب، ص ۱۳

۳- محمد احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۹

حضرت فرموده اند: در دمشق کوهی است که در پایین آن ابی ابراهیم متولد شده است [\(۱\)](#).

گویند خداوند بر کوه قاسیون وحی کرد که سایه و برکت خود را بر بیت المقدس گسترده بدار. در این کوه چهل پیامبر یا-چهل تن از اولیاء خدا به غاری پناه برده و در آن جا وفات یافته اند که امروزه به «الاربعین» معروف است.

کوه قاسیون از سمت مغرب به سلسله جبال لبنان و از شمال و شرق به سلسله جبال قلمون و منطقه حمص متصل است. شهر دمشق- از سمت شمال- در دامنه آن قرار گرفته و در حقیقت، این کوه در جنوب آن واقع شده است. اکنون قاسیون- به علت گسترش شهر- جزو دمشق است و هیچ فاصله ای بین شهر و کوه نیست. صالحیه یعنی محله ای که در دامنه کوه قاسیون قرار گرفته بسیار بزرگ و شاید باندازه نیمی از دمشق قدیم است که اکثر خانه های آن در دامنه کوه واقع شده و گاهی تا نزدیکی قله آن نیز می رسد. اشتها این منطقه به صالحیه، از قرن ششم هجری و به خاطر سکونت «خاندان بنی قدامه» در آن بوده است.

الف- آثار تاریخی قاسیون (صالحیه)

۱. مغاره الدّم:

در کوه قاسیون، در محله الاربعین، غاری است که گویند حضرت هابیل در آن جا توسط برادرش قابیل کشته شد [\(۲\)](#). هنگامی که حضرت هابیل علیه السلام در مکان جامع اموی و بر صخره ای به نام صخره قربان، گوسفندی را برای قربانی به درگاه خداوند تقدیم داشت، آتشی فرود آمد و آن را برگرفت، بدین معنا که قربانی او پذیرفته شد؛ در این هنگام، قابیل نیز شاخه هایی از گندم را بر این صخره قرار داد ولی مورد قبول خداوند قرار نگرفت و همانند هابیل، آتشی، قربانی او را شعله ور ساخت لذا او کینه برادر را به دل گرفت.

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۹۶

۲- مسعودی، مروح الذهب حاشیه، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۱۸؛ زین العابدین شیروانی، ریاض السياحه، ج ۲، ص ۴۲۱

وی به دنبال هابیل علیه السلام در دامنه کوه قاسیون روان شد و کینه و حسد، در او همچنان شعله ور و به دنبال راهی برای از بین بردن برادر بود. در این حال شیطان بر او ظاهر شد و وی را به این امر تعلیم داد. قایل نیز در نزدیکی قله کوه، در یک فرصت مناسب با سنگی بر سر برادر زد و او را بقتل رسانید «(۱)». خون هابیل بر صخره و سنگی در آن جا ریخت، سپس نعش برادر را برداشت و همواره سرگردان بود تا اینکه چند فرسخ آن طرف تر به وسیله آموزشی که از دفن یک کلاغ دیده بود او را مدفون ساخت. اکنون قبر هابیل در آن مکان معروف است که شرح آن در جای خود خواهد آمد «(۲)». مکانی که خون هابیل در آن ریخته شد به «مغاره الدم» معروف شده است. گویند دعا در آن جا مستجاب است.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده: «در دمشق کوهی است که به آن قاسیون گویند، در آن، فرزند آدم برادرش را کشته و خداوند عیسی و مادرش مریم را از خطر یهود پناه داده است؛ پس اگر به آن مکان رفتید از دعا در آن غافل نشوید» «(۳)». گفته می شود بعضی در این غار به استسقاء می نشستند و دعایشان مستجاب می شده است و اگر مردم دعایی داشتند به این مکان می رفتند. همچنین گویند یحیی بن زکریا و مادرش چهل روز در این غار اعتکاف کرده اند «(۴)».

مکان مغاره الدم کمی پایین تر از غار معروف اصحاب کهف و کنار مغاره الجوع است. امروزه این محل به «الاربعین» یا «جوعیه» معروف و نزد مردم دمشق شهرت دارد.

از آخر محله اربعین تا مغاره الدم حدود بیست دقیقه در دامنه کوه راه است که به وسیله پلکانهایی که از سنگ و سیمان ساخته شده صعود بر آن آسان گشته است. در این مکان قبه و مسجد کوچکی با گنبدی از گچ و سیمان و به رنگ سبز ساخته شده که مغاره الدم و مغاره الجوع هر دو در این مسجد قرار دارند و تنها در بعضی از روزهای هفته از جمله

۱- مسعودی، همان جا؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۶

۲- نک: ص ۱۵۷ از کتاب حاضر.

۳- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۱۸

۴- پیشین، همان جا، ابن حورانی گویند: حضرت عیسی بن مریم و حواریون نیز در این غار نماز گزارده اند. ابن بطوطه نیز گویند: حضرت ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و لوط علیهم السلام در آن نماز گزارده اند.

جمعه ها باز و مورد زیارت قرار می گیرد.

این مسجد را احمد پاشای عثمانی در ۱۰۸۱ ق ساخته است. «(۱)»

۲. مغاره الجوع: الاربعین

در کوه قاسیون و در محله الاربعین، کنار مغاره الدم، مغاره الجوع قرار دارد. گفته می شود در این مکان چهل پیامبر و یا به روایتی چهل تن از صالحان و اولیاء خدا از گرسنگی وفات یافته اند. «(۲)» این پیامبران که از سوی حکومت های ستمگر مورد تعقیب بوده اند به کوه قاسیون پناه آورده و در آن جا روزگار می گذرانیدند، ایشان یکی پس از دیگری از فرط گرسنگی و سختی وفات یافته اند.

۳. غار منسوب به اصحاب کهف

در کوه قاسیون و در غرب مغاره الدم و مغاره الجوع، غار و مقامی به نام اصحاب کهف وجود دارد. هر چند که این امر از لحاظ تاریخی مستند نیست ولی مورد توجه مردم منطقه است، شایان گفتن است، مکان و غار اصحاب کهف در چند منطقه از جمله افسوس - از شهرهای روم، «(۳)» طرسوس و رجیب (در هشت کیلومتری عمان پایتخت اردن) احتمال داده شده است «(۴)» که مورد آخریصحیح تر است.

در هر صورت، این غار در دامنه کوه و در محله محی الدین قرار دارد. کوچه های بسیار تنگ، باریک، پریچ و خم دارد. عبور و مرور با ماشین در آن به سختی امکان پذیر است و مهارت زیادی لازم دارد. بر مکان اصحاب کهف، مسجدی بود که به مرور از بین رفته است و اکنون مدرسه ای به جای آن به نام «مدرسه فرقان» برای طلاب خارجی

۱- یوسف بن عبدالهادی، ثمار القاصد فی ذکر المساجد، ص ۱۹۲؛ مسجد مغاره الجوع و مغاره الدم بوسیله احمد پاشای وزیر در سال ۱۰۱۸ ساخته شده است همان جا.

۲- شیروانی، همان کتاب، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ابن بطوطه گوید چهل یا هفتاد پیامبر الرحلهص ۷۲

۳- مسعودی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۰۲

۴- رومی ها گویند در کوهی در افسوس نزدیک طرسوس ترکیه است و محققین معاصر نیز آن را در اردن می دانند عظیمی حلبی، تاریخ حلبص ۶۶

ساخته شده است. داخل این مدرسه و در طبقه بالای آن، داخل سالنی غاری به طول پنج متر و ارتفاع ۲/۵ متر دیده می شود که به وسیله دری آهنین از این سالن جدا می شود.

تصویر شماره ۳۶

ب- آثار اسلامی قاسیون (صالحیه)

۱. جامع و مقبره محیی الدین ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸)

ابوعبدالله محمد بن علی بن محمد حاتمی طائی اندلسی مکی شامی معروف به «ابن عربی» و مشهور به، از عرفا و زهاد قرن ششم هجری و صاحب تألیف مشهور فتوحات مکیه و الفصوص الحکم است. او از نویسندگان فعال و پرکار بود، که حدود ۳۰۰ اثر تألیف داشته است. ابن عربی از خاندان فضل بزرگی بوده و قبله قائلان به وحدت وجود محسوب می گشته است.

شیخ علاء الدین سمنانی از عرفا و متصوفه قرن هفتم هجری در بسیاری از حواشی فتوحات وی، به عظمت شأن او اعتراف کرده و او را با این عبارات مورد خطاب قرار داده است. «أَيُّهَا الصَّادِقُ وَأَيُّهَا الْمُقَرَّبُ، أَيُّهَا الْوَلِيُّ وَأَيُّهَا الْعَارِفُ الْحَقَّانِي» (۱).

او در علم تصوف و عرفان سرآمد علمای عصر خود بوده است و او را می توان بزرگترین و برجسته ترین بنیانگذار فلسفه عرفانی در تاریخ اسلام دانست که تا قرنهای بعد تمامی عارفان و اندیشمندان عارف مسلک تحت تأثیر اندیشه های او بوده اند. حتی اندیشمندان غربی نیز از او بسیار الهام گرفته اند. دانت، فیلسوف و متفکر فرانسوی در اثر خود کمدی الهی، به طور کامل تحت تأثیر اندیشه های ابن عربی بوده و تألیف او تقلید و اقتباسی کامل از تألیف ابن عربی یعنی الفصوص الحکم است. در مورد وی علما و اهل علم مواضع مختلفی داشته اند که می توان بدین گونه تقسیم کرد:

۱- گروهی بویژه علمای دمشق مثل تفتازانی، ۲، سخاوی و ... او را تکفیر کرده اند.

۱- شیروانی، همان کتاب، ج ۲، صص ۴۵۶-۴۵۳

۲- عده ای مثل فیروزآبادی، نابلسی، کورانی و ... او را از بزرگان اولیاء، عرفاء، علما و مجتهدین دانسته اند.

۳- کسانی چون جلال الدین سیوطی، حصکفی و ... معتقد به ولایت او هستند ولی نگاه کردن به کتابهای او را حرام می دانند «(۱)».

۴- کسانی چون قاضی نورالله شوشتری (از علمای معروف شیعه) وی را از جمله شیعیان علی علیه السلام و مخلصان ائمه معصومین می دانند.

شایان گفتن است، در میان کتب و تألیفات محیی الدین به رسالاتی بر می خوریم که می تواند تمایلات شیعی او را آشکار سازد. او در مورد حضرت مهدی (عج)، ائمه معصومین و ... چند رساله دارد.

مرحوم استاد مطهری او را چنین توصیف کرده اند:

«محمی الدین بن عربی عرفان را بصورت یک مکتب در آورد و در مقابل فلاسفه عرضه داشته، و آنان را تحقیر کرد. بدون شک پدر عرفان نظری در اسلام، محمی الدین بن عربی، این اعجوبه روزگار است. او هم در عرفان عملی قدم راسخ داشته و هم در عرفان نظری بی نظیر بوده است. محیی الدین غوغایی عرفانی در جهان اسلام- از اندلس گرفته تا مصر و شام و ایران و هند- برانگیخت. صدرالدین قونوی، فخر الدین عراقی، ابن فارض مصری، داود قیصری، عبدالرزاق کاشانی، مولوی بلخی، محمود شبستری، حافظ، جامی همه از شاگردان مکتب او هستند» «(۲)».

حضرت امام (قدس الله نفسه الزکیه) نیز در نامه سرنوشت ساز و تاریخی خویش به گورباچف و دعوت او به اسلام و مطالعه در علوم و فلسفه و عرفان اسلامی، مطالعه کتب محیی الدین ابن عربی و بویژه فتوحات مکینه او را سفارش کردند. این امر برای کسانی که با حربه تکفیر در مقابل محیی الدین ابن عربی ظاهر شده بودند بسیار گران آمد.

مکان جامع و مدرسه محیی الدین بن عربی در صالحیه- محله محیی الدین کنونی-

۱- فهری زنجانی، مراقد اهل بیت، ص ۸۸

۲- . تماشاگه راز، ص ۳۰ به بعد.

و در دامنه کوه قاسیون قرار دارد. این محله دارای کوچه های پر پیچ و خم و بازاری قدیمی است که حدود هشت قرن به همین نام مشهور بوده است.

جامع محیی الدین که بر مزار این عارف قرار دارد به دست سلطان سلیم عثمانی در ۹۱۳ هجری ساخته شده و کتیبه ای نیز بر بالای در ورودی آن، تاریخ و بانی این بنا را نشان می دهد. به نظر می رسد بنای جامع پس از دوره عثمانی تعمیر و ترمیم شده و گنبد و نمای آن بسیار ساده و از سیمان و گچ است. در جنوبصحن و سمت چپ شبستان جامع پلکانی است کهصحن را به زیر زمین متصل می سازد و قبر محیی الدین نیز در این زیر زمین است. بر دیواره سمت راست پلکان ورودی کتیبه ای به خط زیبا از دوران عثمانی است که چند بیت شعر به زبان ترکی بر زمینه سبز نوشته شده است. در این زیر زمین که به ابعاد ۳*۶ متر است، قبر محیی الدین در وسط قرار گرفته و محفظه ای از شیشه بهصورت ضریح مانندی قبر او را احاطه کرده است. بر روی سنگ قبر مذکور که مرمرین است شرحی از زندگی محی الدین حجاری شده است. در کنار مقبره وی سه قبر دیگر دیده می شود. قبر اول از شیخ حسن جزایری، قبر دوم از محمود خربوطلی (احتمالاً برادر امین خربوطلی مؤلف مشهور سوریه) و امام جماعت مسجد و قبر سوم نیز از داماد اسد پاشای عثمانی است.

در بیرون جامع و سمت چپ یعنی کنار مناره، قبرستان کوچکی است که چند تن از والیان و امرای دوره عثمانی در آن مدفون هستند.

۲. تکیه سلیمیه

این تکیه روبروی جامع و مقبره شیخ محی الدین ابن عربی قرار دارد که سلطان سلیم اول پادشاه عثمانی آن را به سال ۹۲۴ هجری بنا کرده است «(۱)». این بنا که بسیار زیبا بوده اکنون مسدود و به حالتی نیمه مخروبه در آمده است. بر فراز تکیه، دو گنبد بزرگ به رنگ سفید قرار دارد. بر بالای در ورودی این تکیه، کتیبه ای به خط نسخ دیده می شود

۱- محمد کرد علی، خطط الشام، ج ۶، ص ۱۳۸؛ یوسف نعیمه، مجتمع مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۶۰

که به مؤسس و بانی آن یعنی سلطان سلیم اول اشاره دارد. شایان گفتن این مکان برای تدریس و اجتماعات اسلامی ساخته شده بود.

۳. بیمارستان قیمریه

یکی دیگر از بیمارستان های مهم و قدیمی دمشق است که توسط «امیر سیف الدین قیمری کردی»- از امرای ایوبی در ایام سلطان نجم الدین ایوب- در ۶۵۳ هجری بنا شده است «(۱)». این بیمارستان در غرب جامع و مقبره محی الدین بن عربی قرار دارد و گویند تا آن زمان بیمارستانی بهتر از آن در دنیا ساخته نشده بود. بنای آن از لحاظ هندسی بسیار زیبا است و شاید این ادعا نامعقول نباشد. گفته اند وقتی تیمور لنگ به دمشق آمد دو ادار خویش را به داخل این شهر فرستاد و او نیز بیمارستانی بهتر از آن نیافت.

قسمتی از بیمارستان، مخصوص زنان و قسمتی مخصوص مردان و هر یک از بخشها به یک بیماری و تخصص ویژه ای مربوط بوده و در زیر آن نهری با آب بسیار زلالی می گذشته که آب آن را تأمین می کرده است. این بیمارستان تا قرن سیزدهم هجری دایر بوده است «(۲)» ولی اکنون مسدود است. داخل آن حیاط بزرگی است که چهار ایوان بزرگ در اطراف و اتاقهای فراوانی دارد. درب آن چوبی است و بالای آن کتیبه ای دیده می شود که از بانی و مؤسس آن یعنی سیف الدین قیمری سخن می گوید. به علت وجود بازار و دستفروش ها در مقابل آن، این ساختمان به سختی دیده می شود.

۴. مقام سیف الدین قیمری

در مقابل بیمارستان قیمری قبه و مقبره ای به نام سیف الدین قیمری وجود دارد که مؤسس بیمارستان قیمریه در آن مدفون است. این مکان از دوران ممالیک بوده و نمای آن از سنگ و دارای گنبدی قرمز رنگ است. این حجره اکنون بسته و مورد توجه کسی واقع نمی شود.

۱- قتیبه شهابی، اسواق دمشق، ص ۵۱۳

۲- احمد عیسی بک، تاریخ بیمارستانات فی الاسلام، ص ۲۲۵، یوسف جمیل نعیشه، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۳

ج- مدارس و مساجد صالحیه

۱- دار الحدیث الاشرفیه البرانیه

ساخته ملک اشرف موسی به سال ۶۳۴ هجری است که در دامنه کوه قاسیون- در کنار رودخانه یزید- ساخته شده است.

۲- دار الحدیث القلانسیه

به وسیله حمزه بن اسد بن قلانسی در ۷۲۰ هجری در نزدیکی نهر یزید- و کنار حمام زهور- کنونی قرار دارد «(۱)». این دار الحدیث اکنون نیز مورد استفاده بوده و در غرب مدرسه العمریه است.

۳- دار الحدیث الناصریه

در جنوب جامع الافرم کنونی است که توسط ملک ناصر بن ملک العزیز در سال ۶۴۵ هجری ساخته شده است.

۴- مدرسه شرکسیه

توسط چرکسیان در دوره ایوبی (سده هشتم هجری) ساخته شده است. دارای دو گنبد بزرگ به رنگ قرمز است. این بنا امروزه به عنوان جامع و مسجد محله محی الدین بن عربی استفاده می شود و مکان آن نیز کمی پایین تر از جامع محی الدین- در داخل همان بازار- و در سمت راست است.

۵- مدرسه العمریه

هنگام ورود احمد بن قدامه به این منطقه در حدود ۵۵۰ هجری ساخته شد. این مدرسه کتابخانه ای بزرگ دارد و در پایین دامنه کوه قاسیون واقع شده است «(۲)».

۶- مدرسه ماردینیّه

۱- کردعلی، غوطه دمشق، ص ۱۲۵

۲- احمد دهمان، فی رحاب دمشق، ص ۷۳

این مدرسه در حوالی جسر الابيض کنونی است و توسط عزیزه الدین خاتون- دختر ملک قطب الدین ماردینی ظ- در قرن هفتم هجری بنا شده است.

۷- جامع حنابله

یکی از مساجد مهم عصر ایوبیان است که توسط شیخ ابو عمر بن قدامه مقدسی- از بزرگان حنابله- در قرن ششم هجری ساخته شده است. چون مظفر الدین کوبوری- داماد صلاح الدین- هزینه فراوانی برای آن مصرف کرد به جامع مظفریه نیز معروف شد.

۸- جامع شیخ عبدالغنی نابلسی

جایگاه و محل سکونت محدث و عالم بزرگ اهل سنت در قرن یازدهم هجری- یعنی شیخ عبدالغنی نابلسی- بوده که این مسجد را نوه اش شیخ مصطفی ساخته است. در صحن مسجد مقبره آن دو قرار دارد.

ص: ۱۵۳

نقشه

ص: ۱۵۴

سفید

فصل چهارم: آثار اطراف دمشق

اشاره

الف- آثار و مقابر انبیاء در حومه دمشق

ب- آثار و مقابر صحابه و تابعین در حومه دمشق

ج- قنطره و جولان

الف- آثار و مقابر انبیاء در حومه دمشق

۱. قبر حضرت هابیل علیه السلام

هنگامی که قابیل در کوه قاسیون- مغاره الدم کنونی- برادرش هابیل علیه السلام را کشت، مسافت زیادی را پیمود و او را به خاک سپرد. در منابع تاریخی مکان دفن هابیل علیه السلام در کوه قاسیون ذکر شده است ولی اینکه در کجای آن قرار دارد به طور دقیق چیزی ذکر نشده است. با این حال امروزه قبری در دامنه کوه (در غرب دمشق) به هابیل منسوب است. این مکان نزدیک قریه «زبدانی» و در مسیر دمشق- بیروت در ۴۵ کیلومتری دمشق است. مسیر آن از طریق ساحه الاموین و خیابان المزه به سوی بیروت است و پس از دو راهی قنطره و زبدانی- به سمت زبدانی- در سمت راست مسیر، تابلویی با عنوان «نبی هابیل علیه السلام» دیده می شود. از این جا جاده ای خاکی و باریک در دامنه های کوه است که تا مقبره هابیل علیه السلام حدود ۴/۵ کیلومتر فاصله دارد.

منطقه مذکور نظامی است و در ابتدای راه نیز دژبانی نظامی قرار دارد پس از طی مسافت مذکور مسجد و مقبره ای بزرگ با گنبدی سفید نمایان می گردد. این مقبره هابیل نبی علیه السلام است که از دو قسمت تشکیل شده و قسمتی از آن در سالهای اخیر ساخته شده است.

در یک قسمت، شبستان جامع آن است و در قسمت دیگر نیز «مقبره هابیل علیه السلام» قرار دارد که از بناهای دوره عثمانی است. در داخل حجره، سنگ قبری به طول هفت متر و عرض یک متر قرار دارد که با پارچه ای قرمز پوشیده شده است. در مورد طول

اعجاب انگیز این قبر باید گفت سازندگان این سنگ قبر، می پنداشته اند انسان های نخستین قد بسیار بلندی دارند. که البته از لحاظ علمی ثابت شده است آنها کوتاهتر هم بوده اند. این امر برای برخی دیگر از قبور پیامبران در شام نیز دیده می شود. قبر شیث بن آدم در بعلبک نیز بیست متر طول دارد.

گویند نخستین کسی که عمارت و مقبره ای بر این قبر ساخت، اسکندر مقدونی بود.

سپس در دوره های اسلامی نیز تجدید بنا گشت. در دوره عثمانی ها گنبدی بر فراز آن ساختند و بعدها نیز قسمتهایی بدان اضافه گردید. بیرون حجره و مرقد، صحن بزرگی است که در سده اخیر ساخته شده و جامع آن نیز در کنار آن قرار دارد.

تصاویر شماره ۳۷ و ۳۸

۲. قبر منسوب به حضرت موسی علیه السلام در قریه نَیْرَب

در قریه «نَیْرَب» یکی از قرای شرق دمشق- در نزدیکی ربوه- به روایتی قبر حضرت موسی علیه السلام و به روایتی دیگر قبر ام حنه مادر مریم قرار دارد. این قریه در چهار کیلومتری دمشق و در دامنه کوه قاسیون بوده و مسجد بزرگی در آن به نام «جامع القدم» ساخته شده است. وجه تسمیه آن بخاطر جای پاهایی است که بر روی سنگی دیده می شود و گویند جای قدم های حضرت موسی علیه السلام است «(۱)». در این مسجد یک چهار دیواری کوچکی است که بر آن نوشته است: «بعضی از صلحا، پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیده اند که می فرمود: این جا قبر برادرم موسی است.

گویند در آن جا حضرت خضر نیز نماز گزارده است. مسجد مذکور در ۱۰۴۴ هجری به وسیله سلطان سلیمان عثمانی و احمد پاشا تجدید بنا شد. مقبره نیز توسط شیخ صالح البرکه ساخته شده و مورد زیارت و تبرک مردم و اهالی قرار دارد «(۲)».

بنای کنونی آن از همان دوره عثمانی است.

۱- ابن بطوطه، الرحله، ص ۷۰؛ نَیْرَب امروزه دو قسمت است «النیرب الاعلی» و «النیرب الادنی» که داخل شهر شده و نزدیکی ساحه الاموین کنونی است.

۲- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج ۲، ص ۳۳۹، ابن حورانی، همان کتاب، صص ۹۶ و ۸۲

۳. محل سکونت حضرت مریم و عیسی علیه السلام در رُبُوه

در دامنه کوه قاسیون- سمت مغرب آن- (انتهای قاسیون) قریه «رُبُوه» محل سکونت حضرت عیسی علیه السلام و مادرش مریم بوده که بدان پناه برده اند. در قرآن کریم نام این محل نیز آمده است «وَأَوَيْنَا هُمَا إِلَى رُبُوه ذاتِ قرارٍ ومَعین» (۱).

در این مکان مسجدی قرار دارد که کتیبه ای به خط کوفی از دوران فاطمی ها بر بالای آن دیده می شود. کمی پایین تر از آن، قریه «نیرب» و در جنوب آن، قریه «الْمَزَه» قرار دارد. مکان رُبُوه چون در دامنه کوه است و از زیر آن نیز نهر معروف «بُرْدی» می گذرد بسیار زیبا و باصفاست. در کنار مسجد مذکور غار کوچکی است که مردم می پندارند عیسی در آن به دنیا آمده است (۲).

۴. مکان تولد یا حضور ابراهیم علیه السلام در بَرزَه

در دامنه کوه قاسیون و در شرق آن، قریه ای به نام «البرزه» است که به عبدالعزیز بن محمد البرزی منسوب است (۳). در آن قریه مسجدی ساخته اند که گویند حضرت ابراهیم علیه السلام در آن مکان کوب یا ستاره زهره را- که در قرآن کریم از آن یاد شده- دیده است. «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّیْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ...» (۴). و برخی گفته اند در آنجا متولد شده است. (۵).

در نزدیکی این مسجد، حضرت لوط علیه السلام و سایر انبیا حضور یافته و بزرگان و شیوخ نیز در آن اقامت کرده یا اعتکاف نموده اند. مسجد مذکور امروزه به «جامع ابراهیم علیه السلام» معروف است و روایات زیادی نیز در فضیلت آن نقل شده است. در خارج باب آن مسجد، مکانی است که ابراهیم از نمرود در آن مخفی شده است.

۱- محمد احمد دهمان، همان کتاب، ص ۹؛ ابن بطوطه همان کتاب، ص ۷۲

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۳، ص ۲۶

۳- پیشین، ج ۱، ص ۳۸۲

۴- انعام: ۷۶

۵- مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۳؛ یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۸۳. در مکان تولد ابراهیم علیه السلام اختلاف است اما بیشتر روایات حاکی است در شهر اور، در فلسطین کنونی به دنیا آمده است.

همچنین روایت شده است کسی که در این مکان چهار رکعت نماز بخواند گناهایش همانند روزی که از مادر متولد شده پاک خواهد شد «(۱)».

ب- آثار و مقابر صحابه و تابعین در حومه دمشق

۱. مَرَجِ عَدْرَاءِ: مَرَقْدُحَجْرِ بْنِ عَدَى وَ يَارَانَشِ

در ۵۳ هجری، حجر بن عدی یکی از صحابه و شیعیان فداکار و عالی مقام حضرت علی علیه السلام، به دستور معاویه بن ابی سفیان در «مرج عذراء» در ۳۶ کیلومتری شرق دمشق که امروزه در زبان محلی به «عَدْرَاءِ» معروف است. به شهادت رسید. مرج عذراء نخست توسط حجر بن عدی فتح و مردم آن به اسلام گرویدند و سرانجام نیز خود به علت آزادگی و استواری در اعتقادات خود در این مکان شهید شد. مزار اینصحابی راستین پیامبر خداصلی الله علیه و آله و پیرو حقیقی علی علیه السلام همواره از سوی مسلمانان و بویژه شیعیان زیارت می شود.

حجر بن عدی بن معاویه بن جبلة به رغم کمی سن، جزو کبار و فضلائصحابه محسوب می شد. وی محضر پیامبر خداصلی الله علیه و آله را جز چند سال درک نکرد و پس از رحلت آن حضرت به علت اعتقادی که به نص و ولایت امام علی علیه السلام داشت، همراه قبیله خود «کنده» از بیعت با خلیفه وقت سرپیچید. در دوران سه خلیفه نیز چندان نقش و اثری از او در حیات سیاسی اجتماعی اسلام جز یک مورد- در لشکر کشی به جلولا- که فرماندهی جناح چپ سپاه مسلمین را بر عهده داشت و نیز فتح مرج عذراء در شام گزارشی نیست «(۲)».

حجر در دوران خلافت علی علیه السلام نقش مؤثری در حکومت آن حضرت داشت. در جنگهای جمل و صفین امیر و فرمانده نیروهای قبیله کنده بود و در رکاب امیرالمؤمنین فداکاری ها و جانفشانی های فراوانی کرد. در جنگ نهروان نیز فرماندهی جناح چپ سپاه امام را بر عهده داشت. در دوران خلافت معاویه، اینصحابی شجاع همواره به عنوان

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۱۵

۲- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۶۴؛ ابن حجر، الاصابه، ج ۱، ص ۳۱۳

یکی از شیعیان علی علیه السلام از اعتبار ویژه ای برخوردار و به علت کثرت عبادت و نماز و زهد و تقوی زبانه زد خاص و عام بود. اعتبار و احترام دینی و مذهبی حجر در جامعه از یک طرف و اعتراض جدی و تعرض او به معاویه و بویژه والی فاسق وی در کوفه - مغیره بن شعبه - از طرف دیگر، برای معاویه و والی انتسابی او خطر ساز بود. هنگامی که مغیره با ناجوانمردی تمام در مسجد کوفه به علی علیه السلام دشنام می داد و کسی را یارای اعتراض نبود؛ حجر بن عدی با صلابت و شجاعت تمام به او پرخاش کرد.

هنگامی که زیاد بن ابیه یا به عبارتی زیاد بن سفیان ^(۱) به حکومت کوفه رسید و دشمنی خود با شیعیان علی علیه السلام را آشکار کرد، حجر همچنان حمایت خود از امام را ادامه می داد.

او همواره از خطری که حجر، خلافت بنی امیه را تهدید می کرد در هراس بود، ابتدا سعی کرد تا به وسیله مصلحان و یا متمایلان به شیعه با تطمیع و تهدید، حجر و یارانش را آرام سازد. ولی نتیجه ای نگرفت سرانجام، زیاد، حجر را به همراه تعدادی دیگر از شیعیان سرسخت دستگیر کرد و سایر پیروانش را نیز مورد تهدید قرار داد که همگی آنان حجر را رها کردند.

دستگیری حجر بن عدی با توجه به اعتبار مذهبی و سیاسی که در جامعه داشت کاری سهل نبود و باید زیاد، مستمسکی قوی برای دستگیری و حتی قتل او می یافت لذا بزرگان کوفه را جمع کرده و از آنان خواست تا اتهاماتی علیه او ارائه کنند؛ ایشان نیز نامه ای به معاویه تنظیم کرده و اتهاماتی را به حجر بستند که نظر زیاد را تأمین نکرد لذا زیاد اتهامات زیر را شخصاً تنظیم کرد:

۱- حجر پیمان خود با خلیفه را شکسته است.

۱- زیاد بن ابیه فرزند سمیه از ابوسفیان است. سمیه زنی بدکاره بود که ابوسفیان در شبی میان راه مکه با او خلوت کرد و حاصل این عمل زشت فرزندی بود که او را زیاد نامیدند. معاویه نیز برای آنکه زیاد را به سوی خود متمایل سازد وی را فرزند پدرش یعنی زیاد بن ابوسفیان خواند و او را برادر ناتنی خویش دانست. زیاد در ابتدا به علی علیه السلام تمایل داشت ولی با این عمل به سوی معاویه گروید و در محو و نابودی شیعیان علی علیه السلام دست به جنایاتی زد. عبیدالله قاتل امام حسین علیه السلام نیز فرزند او بود.

۲- به خلیفه دشنام می دهد.

۳- مردم را به خلع خلیفه و پیمان شکنی با او تحریک می کند.

۴- باعث ایجاد اختلاف در جامعه شده است.

۵- حجر به خدا اعتقاد ندارد «(۱)».

زیاد سرانجام حجر و چهارده تن از یاران او را به همراه این شهادت نامه کذایی و مجعول که کفر حجر و یارانش را ثابت می کرد به شام فرستاد. هفت نفر به وساطت بزرگان و مصلحان قوم خویش مورد شفاعت قرار گرفته و آزاد شدند. به حجر و هفت تن باقیمانده گفته شد تا با دشنام دادن به علی علیه السلام- در ملاء عام- جان خود را نجات دهند.

به روایت مسعودی، حجر و یارانش گفتند به خدا سوگند! ضربه های شمشیر از آنچه که ما را بدان می خوانید گواراتر و دیدار و لقاء خدا و رسول صلی الله علیه و آله و وصی او بر ما از داخل شدن در آتش بهتر است.

آنگاه مأمور معاویه آنان را یکی پس از دیگری گردن زد «(۲)». حضرت علی علیه السلام به حجر فرموده بود: تو را چه می شود اگر به بیزاری و دشنام نسبت به من دعوت کنند؟ حجر پاسخ داد: به خدا سوگند! اگر با شمشیر قطعه قطعه ام کنند و بسوزانند آن را بر این کار ترجیح می دهم «(۳)». افرادی که به شهادت رسیدند عبارت بودند از:

۱- حجر بن عدی.

۲- شریک بن شداد حضرمی.

۳- صیفی بن شبل شیبانی.

۴- قبیصه بنصیبه عیسی.

۵- محرز بن شهاب فهری.

۶- کدام بن حیان.

۷- عبدالرحمان بن حسان.

۱- طبری، همان جا.

۲- مسعودی، همان کتاب، ج ۳، ص ۱۹

٣- شيخ عباس قمي، نفس المهموم، ترجمه شعرانی، ص ٦٤ به بعد.

بدن های مبارک این عده، امروزه در مکانی که ذکر شد یعنی «عذراء» مورد زیارت قرار می گیرند. و سرهای آنان در «مسجد الاقصا» نزدیکی مقام حضرت رقیه مدفون است «(۱)». مقبره آنان دارای ضریحی فلزی برنگ زرد است. بر روی ضریح از بانی آن حاج عبدالنبی عبدالله القطان کویتی - به سال ۱۴۱۳ ق - یاد شده است. فضای مقبره حدود ۲۵ * ۲۵ متر مربع بوده و محرابی بسیار ساده دارد. در سمت چپ آن، جامع حجر است که از طرف جمهوری اسلامی در ساخت آن همکاری هایی به عمل آمده است.

شایان ذکر است کمی پایین تر از این مکان، منطقه ای به نام «مرج راهط» است که جنگ بین طرفداران عبدالله بن زبیر و مروان بن حکم در آن جا رخ داده است.

تصویر شماره ۳۹

۲. المِزّه و قبور صحابه

قریه «المِزّه» یکی از نواحی بسیار قدیمی دمشق است که روزگاری حدود سه کیلومتر با دمشق فاصله داشته ولی اکنون در داخل آن قرار گرفته است. المِزّه در سمت شمال شرقی دمشق و در خیابانی به همین نام واقع شده است. المِزّه در نزدیکی سفارت جمهوری اسلامی ایران است. چند تن از صحابه و امامزادگان در این قریه مدفون هستند از جمله:

دَحِيه کلبی

«دحیه کلبی» یکی از صحابه بزرگ پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از زهاد و عُبَّاد بود. گویند روزی جبرئیل علیه السلام در صورت وی بر پیامبرصلی الله علیه و آله ظاهر شد «(۲)». به خاطر وجود قبر او، این قریه به «مِزّه الکلب» نیز معروف است. قبر این صحابی بزرگوار در قبرستان عمومی محله - که حدود پانصد متری خیابان اصلی المِزّه و در کوچه های باریک و قدیمی است - قرار

۱- نک: ص ۸۱ از کتاب حاضر.

۲- این روز زمانی بود که پیامبر خداصلی الله علیه و آله برای محاصره بنی قریظه حرکت کردند؛ وقتی در آن مسیر بودند از صحابه پرسیدند آیا کسی را ندیدید از این جا بگذرد؟ گفتند آری دحیه بن کلبی را سوار بر استری دیدیم. پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود: اودحیه نبود بلکه جبرئیل بود که می رفت تا در میان خانه های بنی قریظه زلزله افکند ابن شهاب زهری،

دارد. این قبر در یک چهار دیواری و اتاقک کوچکی در وسط قبرستان است.

کتیبه ای به خط کوفی نیز بر سنگ قبر او نصب شده که این جمله بر آن دیده می شود «هَذَا قَبْرُ الصَّحَابِيِّ الْجَلِيلِ سَيْدِي دَحِيه كَلْبِي، الَّذِي كَانَ يَهْبِطُ الْوَحْيَ اِحْيَانًا بِصُورَتِهِ عَلَي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالسَّلَام» در پایین این کتیبه تاریخ ۱۷۴ هجری دیده می شود.

قبر منسوب به سعد بن ابی وقاص

در خیابان سعد بن ابی وقاص در قریه المَزّه و کوچه ای به همین نام، قبری منسوب به سعد بن ابی وقاص یکی از صحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله و عضو انتصابی شورای شش نفره خلافت- از سوی خلیفه دوم- قرار دارد.

در حدود ۱۰ متری کوچه، چهار دیواری بسیار کوچک و محقری است که توجه کسی را به خود جلب نمی کند. بر روی این حجره تابلویی دیده می شود که بر آن نوشته است «هَذَا مَقَامُ صَحَابِيِّ الْجَلِيلِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ». در داخل آن نیز قبری است که با پارچه ای سبز آن را پوشانیده اند. شایان گفتن است که به احتمال زیاد قبر وی در بقیع است.

قبر محمد بن حسن علیه السلام و ابوالقاسم بن محمد بن الحسن علیه السلام

در این قریه، قبر محمد- فرزند امام حسن علیه السلام- و ابوالقاسم بن محمد نوه آن حضرت قرار دارد که با کمال تأسف در میان کوچه های باریک قریه المَزّه- در یک چهار دیواری محقر و مخروبه- از دیدها پنهان است. از خیابان المَزّه، حدود سیصد متری داخل قریه مذکور، سمت چپ کوچه، دیواری است که روزنه و پنجره کوچکی از آن باز شده است. دو صورت قبر در آن دیده می شود که بر سنگ قبر آن دو به خط کوفی نام آنان نوشته شده است.

جامع یا مقبره اسامه بن زید

کمی پایین تر از قبور فرزند و نوه بزرگوار امام حسن علیه السلام در سمت چپ کوچه اصلی، کوچه فرعی و باریک دیگری است که جامع و مسجدی به نام «اسامه بن زید» در آن قرار دارد. ظاهراً وی در این مکان زندگی کرده و در آن جا فوت نموده است. مسجد مذکور بسیار کوچک و دارای مناره ای کوتاه است. مردم محل می گفتند اسامه بن زید در این جا

مدفون است ولی در منابع تاریخی چنین مطلبی ذکر نشده است.

۳. داریا و آثار آن

«داریا» یکی از قریه های بزرگ اطراف دمشق است که در حدود چهار کیلومتری غرب این شهر قرار دارد. این قریه منسوب به فردی به نام دارانی است. چند تن از صحابه، زهاد و عرفا در این قریه مدفون هستند از جمله:

ابی مسلم خولانی

«عبدالله بن ثوب خولانی» از بزرگان زهاد و تابعین بود. کرامات فراوانی از وی نقل کرده اند گویند: از روی آب رودخانه دجله راه می رفت. و نیز گفته اند. وقتی اسود عنسی کذاب در یمن ادعای پیامبری کرد، وی را احضار و به او گفت شهادت بده که من پیامبر خدایم، او نیز گفت محمد پیامبر خداست. اسود عنسی دستور داد آتش عظیمی برافروخته و ابی مسلم را در آتش انداختند. گویند آتش هیچ آسیبی به ابو مسلم نرسانید؛ لذا او را از یمن اخراج کردند. وی در قریه داریا ساکن و در همان جا وفات یافت. امروزه ضریح و مقبره او مورد زیارت مردم و اهالی قرار می گیرد (۱).

ابی سلیمان دارانی

عبدالرحمان بن احمد بن عطیه دارانی از اولیاء زهاد بزرگ قرن سوم هجری، اهل واسط و عراق بود که در ۲۳۵ هجری در این قریه وفات یافت. فرزند او یعنی سلیمان نیز از عباد و زهاد قرن سوم هجری در سال ۲۳۷ ق وفات یافت (۲). اکنون مقبره ابی سلیمان دارانی در آن جا مورد زیارت اهالی است (۳).

ضریح حزقیل

در قریه داریا ضریح «حزقیل، مؤمن آل فرعون» که در قرآن (سوره غافر) از آن یاد شده قرار دارد. بعضی گویند وی حزقیل بن بوری نبی است که خداوند قومش را به سبب

۱- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۲۵

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۳۱

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۳۱

نافرمانی به طاعون مبتلا کرد و آیات ۲۴۳ سوره بقره را در مورد آنان نازل فرمود «(۱)».

قبر بلال حبشی

در قریه داریا قبر بلال حبشی مؤذن پیامبر خداصلی الله علیه و آله است. همان گونه که در مبحث باب الصغیر و و قبر بلال حبشی گفته شد، ابن کثیر صاحب البدایه والنهایه قبر وی را در قریه داریا می داند؛ زیرا او پس از ورود به شام در این مکان اقامت گزید و از دنیا رفت.

ابن کثیر قبری که در باب الصغیر به او منسوب است را قبر «بلال بن ابی درداء» قاضی دمشق می داند.

قبر سکینه بنت علی علیه السلام

در داریا قبری منسوب به سکینه بنت علی است که امروزه بقعه و بارگاهی دارد اما این انتساب صحیح نیست زیرا امام علی علیه السلام دختری به نام سکینه نداشته است.

تصاویر شماره ۴۰ و ۴۱

۴. قریه المَنیحَه: قبر سعد بن عباده خزرجی

قریه «مَنیحَه» در شرق دمشق قرار دارد که در حدود چهار کیلومتری آن قبر سعد بن عباده خزرجی رئیس قبیله خزرج و صحابی بزرگ پیامبر خداصلی الله علیه و آله است. سعد بن عباده نخستین کاندیدای خلافت از انصار در سقیفه بنی ساعده بود «(۲)». او با ابوبکر بیعت نکرد لذا از مدینه تبعید شد و تاوان مخالفت خویش را در دوران خلافت عمر بن خطاب پس داد.

وی در این زمان در حُوران - یکی از استان های شام و سوریه کنونی - سکونت یافته؛ و به طرز مرموزی به قتل رسید «(۳)». بعدها قتل او را گردن جنیان انداختند. شعر معروفی نیز در مورد قتل او منسوب به جنیان در منابع مضبوط است «(۴)». مقبره او امروزه مورد زیارت اهالی قریه است. این قبر داخل مسجدی است و کتیبه ای نیز به خط کوفی دیده می شود که

۱- محمد بن علی العظیمی الحلبي، تاریخ حلب، ص ۶۳

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳۱؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۶۱۶

۳- ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۴

۴- پیشین، همان جا. قریه منیحه به «ابوالعباس ولید بن عبدالملک بن خالد بن یزید المنیحی» منسوب است یا قوت حموی،

معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۱۷

بر آن نوشته است «هذا قبر سعد بن عباده رئيس الخزرج».

۵. قریه بیت اُرانس: قبر کناز صحابی

یکی از قریه های اطراف دمشق است که اکنون به «بیت رانس» مشهور است. در این قریه، قبر ابی مرثد یکی از صحابه پیامبر خداصلی الله علیه و آله و معروف به «کناز الصحابی» قرار دارد [\(۱\)](#).

امروزه قبر او در شمال این قریه زیارت می شود.

۶. قریه دیر مُزان: قبر تمیم الداری انصاری

این قریه در خارج از دمشق در سمت غرب شهر قرار دارد و قبر «تمیم الداری بن حبیب الانصاری»، صحابی بزرگ پیامبر خداصلی الله علیه و آله در آن است. وی از اهلصَفَه و از زهاد و علماء و صحابه بوده، و کرامات زیادی از او نقل شده است [\(۲\)](#). قبر او بسیار معروف و گنبد و بارگاهی زینت بخش آن است.

۷. قریه البجدلیه: مقام بایزید بسطامی

در جنوب دمشق مقام «بایزید بسطامی»، عارف و صوفی مشهور واقع شده است.

وی در این مکان به ریاضت و عبادت می نشست است. اکنون جایگاه و عبادتگاه بایزید بسطامی مورد توجه مردم دمشق است [\(۳\)](#).

۸. شهرک صیدنایا: دیر صیدنایا

این شهرک در بیست کیلومتری شمال دمشق واقع است. «دیر صیدنایا» که محل حضور حضرت مریم بوده، اکنون با نام «کنیسه مریم عذراء» مورد توجه مسیحیان و حتی مسلمانان است [\(۴\)](#).

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۱، ص ۵۱۹؛ ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۳۷

۲- ابن حورانی، همان کتاب، ص ۱۳۲

۳- پیشین، ص ۱۳۷

۴- فارس داریو، وصف دمشق، ص ۶۶-۶۳

ج- قنيطرة و جولان

جولان منطقه ای است که در آخرین نقطه غرب و شمال غربی استان حوران قرار دارد و از لحاظ تقسیمات کنونی ایالتی سوریه، جزو استان قنيطرة است. جولان از مناطق مشهور و قدیمی شام بوده و در دوران قدیم به آن «تراکونیت» می گفتند. این منطقه در گذشته از دامنه جبل شیخ تا وادی یرموک امتداد می یافته و شهر کنونی قنيطرة یکی از شهرهای آن بوده است «(۱)». در عصر حاضر جولان تنها به تپه هایی اطلاق می شود که در این منطقه به اشغال اسرائیل درآمده است.

قبل از تجاوز اسرائیل، استان قنيطرة ۱۵۳ هزار نفر جمعیت داشته است. وقتی رژیم صهیونیستی به این مکان تجاوز کرد اهالی آن را به زور بیرون راند؛ تنها پنج روستا از این منطقه را گرفته بودند که نیروهای امت واحده رسیده و نگذاشتند اسرائیلی ها به پیشروی خود ادامه دهد. اکنون جمعیت این روستاها به شانزده الی بیست هزار نفر می رسد که همه آنان زیر فشار اسرائیلی ها هستند، زمین های زراعی آنان گرفته شده و محصولات ایشان را ارزان می خرند.

اگر اهالی این پنج روستا که امروزه در اشغال صهیونیستها قرار دارد به داخل سوریه بیایند دیگر اجازه برگشت ندارند. در یکی از روستاها تپه ای به نام «صراع» وجود دارد که تنها حدود پانصد متر با نیروهای اسرائیلی فاصله دارد. اقوام این طرف اگر بخواهند از مردم آن طرف خبردار شوند باید به کنار این تپه بروند. روستاهای اشغال شده عبارتند از:

القجر، عین قیناع، سعد، بقعات، مجدالشمس.

محله ها و روستاهایی که توسط اسرائیل از بین رفته ۱۴۲ روستا و شهر بوده، اکنون چهل محله و پنج روستا بانضمام تپه های جولان همچنان در اشغال صهیونیستها است.

با توجه به موقعیت جغرافیایی مطلوب و همچنین اشراف تپه جولان بر کل استان قنيطرة، اهداف شوم اسرائیل مبنی بر تجاوز و اشغال این اراضی بخوبی روشن و آشکار می گردد.

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۸؛ المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، ج ۱، ص ۵۰۶

متأسفانه اکنون شهر قنیطره به کلی خراب شده است. خانه هایی که با بتون آرمه و سنگ ساخته و بنایی بسیار مستحکم داشته اند، همگی با مواد انفجاری و بلدوزرهای اسرائیلی تخریب گشته اند. در وسط شهر، بیمارستان دو طبقه جولان است که متأسفانه از تخریب عمال جنایتکار رژیم صهیونیستی در امان نمانده و جز دیواره ها بقیه قسمت های آن تخریب شده است.

در نزدیکی مرز کنونی منطقه قنیطره با رژیم صهیونیستی، قبرستان شهدای این تجاوز ددمنشانه قرار دارد. این شهداء مربوط به سالهای ۱۹۷۲ م و ۱۹۷۴ م هستند که بسیاری از آنان غیر نظامی بوده و چند قبر متعلق به افراد مسیحی نیز در آن دیده می شود، چون نیمی از مردم آن منطقه مسیحی بوده اند.

ص: ١٧٠

سفید

ص: ١٧١

فصل پنجم: استان حلب

اشاره

الف- اماکن زیارتی و مذهبی حلب

ب- اماکن سیاحتی و تاریخی حلب

ج- مساجد تاریخی حلب

د- بیمارستان ها و حمام های تاریخی حلب

ه- مدارس و کتابخانه های حلب

و- آثار تاریخی اطراف حلب

موقعیت جغرافیایی و تاریخی حلب

«حلب» دوّمین شهر پر جمعیت سوریه پس از دمشق است که در شمال این کشور و به فاصله ۲۸۰ کیلومتری دمشق قرار دارد.

حَلَب در لغت به معنای شیر دوشیده و مترادف با حلیب است. وجه تسمیه آن نیز این است که چون ابراهیم علیه السلام در روزهای جمعه از گوسفندانش شیر دوشیده، به فقرا صدقه می داد، آنان می گفتند «حلب، حلب» و لذا رفته رفته، این نام بر شهر اطلاق شد [\(۱\)](#).

بعضی گویند حلب و حمص و بردعه برادرانی از عمالقی بوده اند که هر یک از آنان شهری ساخته و به نام خویش خوانده اند. حلب جزو اقلیم چهارم بوده و آن را از مشهورترین منطقه شام، که از سی قرن قبل از میلاد دارای تمدن بوده دانسته اند.

در ذکر بانی و پایه گذار حلب اختلاف است ولی بیشتر مورخان آن را به فرزندان عمالقی نسبت داده اند. بعضی نخستین ساکنان آن را فرزندان حام بن نوح دانسته اند [\(۲\)](#). این شهر شاهد سکونت اقوام حیثون، آشوری ها، مصری ها، یونانی ها و رومی ها بوده است [\(۳\)](#).

لذا هر یک از این اقوام آن را به نامی می خوانده اند، حیثون آن را «حلبا و حلباس»،

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب، ص ۲۶؛ تیودور بیشوف،

تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء ص ۸

۲- تیودور بیشوف، همان کتاب، ص ۸

۳- مآخذ پیشین، همان جا؛ ابن بطوطه، الرحله، ص ۵۳؛ ابن عدیم، زبده الحلب من تاریخ الحلب، ص ۱۵- ۱

آشوریان «حوان»، یونانیان «باروا» و مصریان آن را «حلب» خوانده اند.

در قرون اسلامی این شهر به «حلب الشهباء» معروف بوده و اکنون نیز گاهی این نام در تحقیقات جدید به کار می رود (۱). حلب در سال هفدهم هجری توسط اباعبیده بن جراح و به فرماندهی عیاض بن غنم فهری به صلح فتح شد. شهر، در آن زمان هفت دروازه داشت و پیرامون آن دیواری محکم کشیده شده بود (۲). پس از فتح این شهر به وسیله مسلمانان، مسیحیان به حفظ کلیساها و انجام آداب و رسوم خود مجاز شدند ولی بعضی از کنائس آنان با صلح، به مسجد تبدیل شد.

حلب در قرون چهارم و پنجم که در دست بنی مرداس از حمدانیان قرار گرفت، رونق بسزایی یافت. سیف الدوله حمدانی آن جا را پایتخت خویش قرار داد، به عمران و آبادانی آن همت گماشت. در این دوران شهر حلب، همواره مورد طمع رومیان بود قلعه بسیار مستحکم آن که به عنوان مقر فرماندهی سیف الدوله، موقعیت خاص نظامی و استراتژیک به حلب بخشیده بود و مانع عمده ای برای دستیابی رومیان به شهر محسوب می شد.

در دوران ایوبی ها، حلب یکی از پایگاههای مهم نظامی مسلمانان علیه صلیبی ها بود و حتی یک بار نیز از سوی آنان تسخیر گشت. در دوره مغول به تصرف آنان در آمد و بیشتر آن ویران و باقیمانده آن در دوران تیمور دستخوش تخریب و ویرانی شد (۳).

در دوران عثمانی این شهر دوباره رونق گرفته و یکی از مراکز نظامی و مهم آنان شد. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تقسیم سرزمین های تحت سلطه عثمانی، این شهر همانند سایر شهرهای سوریه، مستعمره فرانسه گردید. اکنون شهر حلب با آثار فراوان تاریخی خود یکی از مراکز توریستی و بسیار جذاب برای جهانگردان است. شایان گفتن است که حلب در گذشته یکی از مراکز شیعه بوده است. نفوذ تشیع در آن را باید به دوران

ابوذر غفاری و حضور وی در شام یا هجرت آل ابی شعبه از عراق به آن سرزمین باز گردانید. در دوره بنی حمدان و بنی مرداس تا حدودی فاطمی ها شیعه را در این شهر گسترش دادند. متأسفانه در طول تاریخ، جمعیت شیعه این شهر به خاطر قتل و عام آنان توسط حکومت های متعصب و نیز مهاجرت علمای شیعه منطقه به عراق و سایر نقاط از بین رفته (۴) و اکنون نیز بیشتر مردم آن سنی بوده و شیعه چندانی ندارد. حلب، مرکز استان حلب است که جمعیت آن بر اساس سرشماری ۲۰۰۲ میلادی برابر با ۱۳۸۱ ش، چهار میلیون نفر است.

الف- اماکن زیارتی و مذهبی حلب

۱. مشهد الحسین علیه السلام: مسجد النقطه

- ۱- نک: پیشین، ص ۱۰-۷؛ عقیف البهنسی، الشام الحضاره، صص ۱۵۳-۱۵۲
- ۲- نک: ابن عدیم، بغیه الطلب فی التاریخ الحلب، تحقیق سهیل زکار، ص ۱۱ به بعد.

- ٣- محمد راغب الطباخ الحلبي، اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء جلد دوم و سوم؛ تيودور بيشوف همان كتاب، ص ١٧ به بعد.
- ٤- شيخ ابراهيم نصرالله، حلب و التشيع، مؤسسه الوفاء، بيروت ١٤٠٣، ص ١٥٠ به بعد.

یکی از اماکنی که نزد شیعه اهمیت بسزائی دارد، مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد النقطه است. این مکان یادآور خاطره تلخی در تاریخ تشیع است. هنگامی که کاروان اسرا و سرهای شهدای کربلا از سرزمین عراق به حلب رسیدند، در کنار تپه یا کوهی به نام جوشن ^(۱) - در غرب حلب - و کنار معبدی به نام «مارت مروثا» کاروان یک شب متوقف شد تا لختی بیاساید و صبحگاهان حرکت به سوی دمشق را از سر گیرد. نگهبانان و حاملان سرهای مقدس نیز به استراحت نشستند. راهبی که در آن دیر بود با دادن مبلغی به نگهبانان کاروان، سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر صخره ای در داخل دیر قرار داد و تا صبح کنار سر مقدس بود. هنگام طلوع آفتاب که سر مقدس را برداشتند، چند قطره ای خون بر این صخره یا سنگ جاری گشته بود. پس از حرکت کاروان، مردم حلب از این مسأله خبر یافته و اطراف آن سنگ، جمع شده و به عزاداری و شیون و زاری بر کشتگان کربلا و نواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرداختند.

بر اساس روایات شیعه، همه ساله در روز عاشورا آن خون بر سنگ می جوشید و توجه بسیاری از مردم شام را به خود جلب کرده بود برخی گفته اند عبدالملک بن مروان اموی دستور انتقال سنگ را از آن نقطه داد و از آن پس اثری از آن دیده نشد ^(۲). اما نویسنده کتاب حلب و التشیع معتقد است این سنگ از ابتدا تا کنون برجای خود باقی بوده است مگر مدت کوتاهی در سال ۱۹۲۰ م که مشهد النقطه پایگاه ذخیره سلاح عثمانیها بوده و چون بخاطر انفجار در تسلیحات موجود، مشهد النقطه تخریب و دچار آسیب شد این سنگ موقتاً به مشهد المحسن در جوار آن منتقل و پس از بازسازی به سال ۱۹۶۰ م دوباره بر جای خود بازگشت داده شد. ^(۳) سیف الدوله حمدانی شیعه نخستین کسی است که بر مکان آن سنگ، یعنی دیر یاد شده حجره و جامعی به سال ۳۵۰ هجری ساخت و آن را مسجد النقطه نامید. او به این مکان اعتقاد ویژه ای داشت و همواره به زیارت آن می رفت. مشهد الحسین علیه السلام امروزه در شهر حلب معروف است و از سوی اهالی و زائران حضرت زینب علیها السلام - که از طریق ترکیه و مرز زمینی به سوریه می روند - زیارت می شود.

منطقه مشهد الحسین علیه السلام اکنون به «حی الانصاری» مشهور است. تپه جوشن نیز به رغم اینکه خانه های متعددی بر فراز آن ساخته شده است ولی همچنان باقی است. مکان مشهد الحسین علیه السلام سمت راست خیابان اصلی و حدود پنجاه متر بالاتر از پل هوایی است که صحن بزرگی داشته و بر در ورودی، نام این مکان بر روی سنگی حجاری شده است.

در انتهای صحن و حیاط درب دیگری است که به داخل شبستان و محل اصلی مشهد مرتبط است، بر در ورودی آن کتیبه ای به خط کوفی دیده می شود که بر آن نوشته شده است «هذا مقام و مشهد الحسین علیه السلام» و پایین آن نیز نام سیف الدوله حمدانی به عنوان سازنده این بنا به چشم می خورد. پس از ورود؛ به شبستان کوچک دیگری می رسیم که در انتهای آن ایوانی قرار دارد و کنار آن ضریحی کوچک به ابعاد ۱/۵ * ۱ متر و به رنگ زرد دیده می شود. در داخل آن سنگی بر روی استوانه ای قرار داده شده و این

۱- آن را بدین علت جوشن نامیده اند که شمر بن ذی الجوشن سر مبارک امام حسین علیه السلام را بر این تپه گذاشته بود ابن

- ٢- عبدالله حجاز، معالم حلب الاثريه، ص ١٣٦؛ كامل غزى، نهر الذهب فى تاريخ الحلب، ج ٢، ص ٢٠٩؛ خيرالدين اسدى،
احياء حلب و اسواقها، ص ١٧٦
- ٣- ابراهيم نصرالله، همان كتاب، ص ٣١

جا همان مکانی است که سر مقدس امام حسین علیه السلام بر آن گذاشته شده و قطره هایی از خون بر آن ریخته است. در سال ۱۹۶۰ م برای بازسازی مشهد الحسین مؤسسه بازسازی و احسان اسلامی جعفری تأسیس شد و از آن سال ضمن بازسازی این مکان، اقدامات عمرانی دیگری از جمله مسجد، مرکز پزشکی تخصصی، حوزه علمیه به ریاست شیخ ابراهیم نصرالله تا عصر حاضر انجام شده است. شیخ ابراهیم نصرالله نویسنده کتاب حلب و التشیع، خود امامت نماز در مشهد الحسین را امروزه بر عهده دارد.

تصاویر شماره ۴۲ و ۴۳

۲. مشهد المحسن بن الحسین علیه السلام

یکی دیگر از اماکن زیارتی شیعه در حلب، مشهد المحسن است که در سیصد متری مشهد الحسین یا مشهد النقطه قرار دارد. در این مکان، محسن فرزند امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شده است. هنگام استراحت کاروان در این مکان، همسر امام حسین علیه السلام - که به روایتی باردار بوده - بر اثر سختیهای راه و فشارهای جسمی و روحی، فرزندش سقط شده است. روایات دیگری حاکی است، محسن که طفلی شیر خواره بوده در این مکان وفات یافته است. «(۱)» به نظر می رسد روایت اول صحیح تر باشد. زیرا امام حسین علیه السلام فرزندی به نام محسن نداشته است و این که مادرش او را محسن نامیده است شاید به یاد فرزند سقط شده حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. در هر حال به گزارش ابن شحنه در ۳۵۱ هجری سیف الدوله حمدانی شبی در خواب دید که در یک نقطه شهر نوری به هوا برخاست، چون صبح شد به آن محل رفت و پس از حفاری آن مکان، سنگی یافت که بر آن نوشته شده بود «هذا قبر محسن بن الحسین بن علی علیه السلام» و لذا دستور داد تا مزار و مرقدی بر روی آن ساختند «(۲)». یاقوت حموی این مکان را «مشهد الدّکه» نیز نامیده است «(۳)».

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب، ص ۸۵؛ کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲، ص ۲۷۸

۳- همو، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۶. کمونه حسینی وی را کودکی دانسته که در آن جا از دنیا رفته است آرامگاههای پاک خاندان پیامبر و صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلیصاحبی، ص ۱۰۱؛ عبدالله حجاز، معالم حلب الاثریه، ص ۱۳۹

این مکان نیز در دامنه تپه یا کوه جوشن است و با عبور از پلکان طولی می توان بدان راه یافت. این مشهد دو گنبد کوچک و نمایی قدیمی دارد. بر سر در ورودی آن دو کتیبه به چشم می خورد، کتیبه بالاتر از سیف الدوله حمدانی است که از دستور وی برای احداث بنا در ۳۵۱ هجری و کتیبه دوم نیز از تجدید بنای این مکان توسط سلطان عبدالحمید عثمانی در تاریخ ۱۳۱۴ ق هجری خبر می دهد.

در سمت چپ دیوار بیرونی، کتیبه ای بسیار زیبا و خوانا به خط کوفی دیده می شود که به نورالدین زنگی شهید، از امرای ایوبی مشهور دمشق تعلق دارد. در داخل شبستان و صحن نیز کتیبه هایی با نام «ملک ظاهر الدین بیبرس» یکی دیگر از امرای ایوبی با تاریخ ۶۹۰ هجری و همچنین کتیبه ای با ذکر اسامی ۱۴ معصوم از سیف الدوله دیده می شود. در سمت چپ صحن یعنی در شبستان کوچکی قبر محسن بن الحسین علیه السلام با ضریحی از آهن و پوشش سبز قرار دارد.

تصویر شماره ۴۴

۳. مقبره ابن شهر آشوب، و قبور علمای بنی زهره

این مقبره که در بیست متری جنوب مشهد الحسین علیه السلام قرار دارد، بسیار کوچک و به وسیله نیم دیواره ای به ابعاد ۵*۵ متر احاطه شده است. در این جا علمای بزرگی مدفون شده اند. بر این قبور سنگ قبرهایی با خط کوفی از سده های سوم و چهارم هجری دیده می شوند که اغلب شکسته و منهدم شده و بر این کتیبه ها نام آنان ذکر شده است. یکی از علما و مورخان بزرگ شیعه یعنی ابن شهر آشوب صاحب کتاب معروف مناقب الائمه و «عمر بن صلاح حلبی» یکی از زهاد و فقهای بزرگ اسلام در این چهار دیواری متروک و مخروبه، که توجه هیچ کس را به خود جلب نمی کند مدفون هستند.

کمی پایین تر یعنی در پنجاه متری جنوب این مکان چهار دیواری کوتاه دیگری است که در آن علمای بنی زهره- از معروف ترین قبایل شیعه در قرن چهارم و پنجم

هجری- به خاک سپرده شده اند. در این جا نیز سنگهای قبور آنان که به خط کوفی آن سده هاست بسیار شکسته و منهدم شده و به طور پراکنده بر آن قبور ریخته شده اند. در این مقبره، «بهاء الدین بن زهره بن احمد حلبی»، «احمد حسین اسحاقی»- شاعر و ادیب و حافظ قرآن-، «ابن منیر طرابلسی»- شاعر مشهور شام- و ابوالمکارم حمزه بن زهره حلبیصاحب الغنیه- متوفی ۵۸۵ق- مدفون هستند. در توسعه اخیر مسجد النقطه که به همت شیخ ابراهیم نصرالله انجام شده است این قبور نیز در داخل محوطه مورد توسعه واقع گردیده است.

۴. مقبره شهید شیخ شهاب الدین سهروردی

شیخ شهاب الدین سهروردی، یحیی بن حبش بن امیرک، شیخ اشراق، حکیم الهی و بنیان گذار حکمت اشراق به سال ۵۴۹ هجری در سهرورد- از توابع زنجان- به دنیا آمد. وی در دوران کودکی به بیشتر علوم اسلامی و فلسفی احاطه یافت. در سالهای بعد با ابداع طریقه اشراقی در فلسفه، نسبت به بعضی از فلاسفه و قدما موضع گرفت؛ لذا از جانب کسانی که طریقه اشراقی او مورد پسند نبود، به الحاد و زندقه متهم شد و حتی بعضی از علمای حلب، خون او را مباح دانستند. شیخ شهاب الدین در بسط و تشریح مسلک جدید خود در فلسفه و حکمت یعنی مکتب اشراقی، دهها کتاب و رساله به رشته تحریر درآورد.

حکمایی چون ملاصدرا (صدرالمتهین) و ملاهادی سبزواری به پیروی و تشریح عقاید این فیلسوف بزرگ پرداختند. شیخ شهاب الدین از عرفا و حکمایی است که عده ای او را به شیعه منتسب کرده اند لذا باید گفت علت قتل او علاوه بر ایجاد مکتب جدیدی- بر اساس فلسفه افلاطونی و پیروی از فلاسفه ایران قبل از اسلام- می تواند همین گرایش های او به شیعه باشد. او بر اثر سعایت هایی که از وی نزد سلطانصلاح الدین ایوبی فرمانروای ایوبیان مصر و شام و سردمدار مبارزه علیهصلیبی ها شد به حبس افتاد و در ۵۸۷ ق به شهادت رسید.

اکنون مقبره این شهید در سمت شمال غربی میدان باب الفرج- داخل جامع

سهروردی قرار دارد. این جامع بسیار کوچک بوده و کمتر در معرض دید است. در داخل شبستان و سمت چپ آن مقبره سهروردی است که سنگ قبر کوچکی دارد. بر بالای این قبر شرحی مختصر از زندگی این فیلسوف ایرانی و مکان تولد و رشد او در ایران به نگارش در آمده است.

تصاویر شماره ۴۵ و ۴۶

۵. آرامگاه حضرت زکریای نبی علیه السلام

حضرت زکریای نبی علیه السلام یکی از پیامبران الهی و آخرین انبیای عهد قدیم بود.

حیات او را، شش قرن قبل از میلاد دانسته و گویند در دوران ترمیم هیکل اورشلیم - که به وسیله نبوکدنصر پادشاه بابل تخریب شده بود - می زیسته است. زکریا و همسرش که هر دو در پیری و کبر سن قرار داشتند به قدرت الهی صاحب فرزندی به نام یحیی شدند.

خداوند در قرآن کریم از این موضوع چنین یاد می کند. «یا زَكَرِيَّا انا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيٰى (۱)»... (ای زکریا ما تو را به فرزندی به نام یحیی بشارت می دهیم ...)

مرقد مطهر این پیامبر الهی در داخل شبستان جامع اموی حلب «(۲)» و در سمت چپ محراب قرار دارد. قبر او داخل ایوانی است که با ضریحی محصور شده و در آن تابوتی چوبین با پوشش سبز دیده می شود. ابتدا در این مکان صندوقی بوده که نام زکریا نیز بر آن دیده می شده است و بعدها در مکان آن، مقبره مذکور را ساخته اند. قبر حضرت زکریا امروزه از سوی مردم حلب و زائران زینب کبری علیها السلام زیارت می شود.

تصویر شماره ۴۷

۶. قبر معروف بن جمر از نوادگان امام صادق علیه السلام

معروف بن جمر یکی از نوادگان اسماعیل بن امام صادق علیه السلام است که در ۵۵۵ هجری به دنیا آمد. وی فردی شجاع، متهور و از فرماندهان سپاه «ملک ظاهر یبیرس» و از

۱- مریم: ۷

۲- نک: ص ۱۸۴ از کتاب حاضر.

مجاهدین فی سبیل اللّٰه بود که سالهایی از عمر خویش را در میدان جهاد علیه صلیبی ها سپری کرد. این مجاهد بزرگوار در ۶۴۰ هجری در نبرد انطاکیه به شهادت رسید.

قبر معروف بن جُمر در داخل «سوق الزرب» که بازاری بسیار طولانی است قرار دارد. بازار یاد شده از کمی بالاتر از درب قلعه حلب آغاز و به «جامع کبیر» حلب ختم می شود. قبر او در حدود دویست متری داخل بازار و سمت چپ آن است که پنجره ای از مرقد او به بیرون باز شده است. مدرسه ای که امروزه این قبر داخل آن است توسط ملک ظاهر بیبرس به سال ۵۹۰ هجری ساخته شده است. در کنار قبر او کلاهخود و لوازم و ابزارهای جنگی او نگهداری می شود.

تصویر شماره ۴۸

ب- اماکن سیاحتی و تاریخی حلب

قلعه تاریخی و نظامی حلب

در مرکز شهر حلب، در میدان اصلی شهر، قلعه ای بسیار عظیم و زیبا، که شاید از باشکوه ترین و زیباترین قلاع جهان باشد، چشم هر بیننده ای را مبهوت می سازد.

گرداگرد این قلعه، خندق و دره ای بزرگ است که عمق آن به حدود ده متر و عرض آن به بیست متر می رسد. قلعه بر روی تپه ای ساخته شده و مساحتی حدود ۳۷۵*۳۷۳ متر مربع دارد. ارتفاع بالای قلعه تا کف خندق حدود چهل متر است.

این قلعه را در اصل رومیان ساخته اند و سیف الدوله حمدانی - حاکم موصل، حلب و رقه - در سده چهارم آن را بازسازی کرده است.

بعضی گویند نخستین کسی که قلعه حلب را بنا کرد سلوکوس از سلاطین سلسله سلوکیه (یونانیان) بود (۱). در جنگهای مسلمانان و رومیان این قلعه یکی از استحکامات بسیار قوی و غیر قابل نفوذ مسلمانان بوده و به عنوان مقر فرماندهی سیف الدوله موقعیتی

۱- تیودور بیشوف، تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء، ص ۱۹۶؛ کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲، صص ۳۶ الی ۲۳؛ عبدالله حجاز، معالم الحلب الاثریه، ص ۱۳

استراتژیکی داشته است. ناکفور فوکاس فرمانده سپاهیان روم نیز یک بار قلعه را به آتش کشید پس از دوران سیف الدوله، سلاجقه شام و امرای ایوبی از این قلعه به عنوان دژی مستحکم در مقابل نیروهای صلیبی بهره برده و تعمیراتی نیز در آن انجام دادند.

متأسفانه در هجوم مغول به حلب این قلعه نیز تقریباً تخریب شد ولی اشرف بن قلاوون آن را تجدید بنا کرد. قلعه یاد شده برای بار دوم به دست تیمور لنگ خراب شد ولی بازسازی شد. آخرین تعمیراتی که بر آن صورت گرفت در قرن سیزدهم و پس از آسیب هایی بود که بر اثر زلزله به آن وارد آمد «(۱)». امروزه بر دیوارهای درب قلعه سوراخهای فراوانی دیده می شود که اثر گلوله و توپهایی است که در جنگ جهانی اول و درگیری های عثمانی با دولت های اروپایی به آن شلیک شده است.

هم اکنون قلعه حلب یکی از اماکن و آثار تاریخی و سیاحتی منحصر به فردی است که بسیاری از سیاحان و جهانگردان را به سوی خود جذب می کند. این قلعه به وسیله پلی که بر ستون ها و پله هایی از سنگ استوار است با خارج از آن مرتبط می گردد. در گذشته، این پل، چوبی و متحرک بوده و به هنگام لزوم باز یا بسته می شده است. طول آن حدود پنجاه متر و در انتهای آن، درب اصلی قلعه قرار دارد؛ که بسیار بزرگ با دو برج دیدبانی به ارتفاع دوازده متر و عرض چهار متر و دیواره های سنگی است.

بر سر در ورودی، کتیبه ای بسیار بزرگ و طولانی به خط کوفی قرن پنجم - از دوران سیف الدوله - و در کنار آن کتیبه ای دیگر که از تجدید بنای سلطان اشرف قلاوون خبر می دهد دیده می شود. شایان گفتن است قبل از این درب، برج کوچکی که در ۱۵۰۷ میلادی ساخته شده قرار دارد. پس از در اصلی، هر یک از راهروهای پرپیچ و خم و تاریک دارای دری هستند که اولین آن «باب الحیات» و دومین آن «باب الاسدین» (شعار دولت ایوبی) است. پس از طی مسافتی طولانی و پرپیچ و خم به داخل قلعه راه یافته و این آثار و ابنیه را در آن می بینیم:

۱. قصر و دارالاماره سلطان

در قسمت بالای قلعه، سالن بزرگی به ابعاد ۳۰ * ۳۰ متر و ارتفاع پانزده متر قرار دارد

۱- تیودور بیشوف؛ همان کتاب، ص ۱۹۶؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، ص ۹

که قصر الضیافه سیف الدوله بوده است. این عمارت تا حدودی شبیه سالن عالی قاپوی اصفهان است؛ دارای سقفی بسیار زیبا از فسفساء و منبت کاری شده از آثار هنری دوران ایوبی است.

۲. زندان قلعه

کمی بالاتر از دارالاماره و قصر الضیافه، در سمت راست، درب کوچکی است که پس از عبور از راهرویی به زیرزمین و در حقیقت به زندان مخوف قلعه راه می یابیم.

زندان از دو قسمت تشکیل شده است، اولی که زیر زمینی وسیع با دو سالن بزرگ است و قسمت دیگری که به وسیله پله ای بسیار باریک به آن راه است، این جا مکانی عمیق تر و بسیار وحشتناک و تاریک است که هیچ روزنه و نوری ندارد. گویا این زندان برای مجرمان و یا افراد خطرناک با جرائم سنگین تر بوده است.

۴. حمام های قلعه

پس از زندان قلعه- در سمت چپ- یک حمام عمومی است که تا حدودی سالم مانده است. این حمام برای استفاده سربازان در نظر گرفته شده و کمی بالاتر از آن- در سمت راست- حمام سلطنتی دیده می شود که مخصوص فرماندهان بوده و اکنون نیز سالم باقی مانده است.

۵. جامع کبیر و جامعصغیر قلعه

دو مسجد در قلعه وجود دارد. اولی جامع الصغیر و دومی جامع الکبیر ساخته نور الدین زنگی شهید است که در انتهای قلعه قرار دارد. بر بالای درب ورودی جامع کبیر کتیبه ای از ۶۱۰ ق به نامصلاح الدین ایوبی دیده می شود. این جامع که همزمان با جامع الصغیر ساخته شده دارایصحن، شبستان و محرابی است و اطراف آن نیز با ستون های سنگی مسقف و گنبدی نیمه مخروطی و مأذنه ای بزرگ بر فراز آن قرار یافته است. کتیبه دیگری نیز بر دیواره جنوبی جامع با این عنوان دیده می شود «امر بإنشاء هذا المسجد، ملک عادل نورالدین محمود بن زنگی و احسن خاتمته سنه ۵۶۳».

۶. مقام ابراهیم علیه السلام و رأس یحیی علیه السلام

در راهروی ورودی قلعه- در سمت راست- ایوانی است که داخل آن قبر و

صندوقی قرار دارد. گویند پاره ای از سر حضرت یحیی علیه السلام، فرزند زکریا علیه السلام در آن است.

اینصندوق در ۴۳۵ هجری کشف شده و مکان آن به مقام ابراهیم علیه السلام و مقام خضر نیز معروف و در کنار آن نیز باب الجنان یا مشهد علی علیه السلام است. وجه تسمیه آن به مشهد علی علیه السلام به خاطر سنگ نبشته ای است که یاقوت حموی گوید خط علی بن ابی طالب علیه السلام است «(۱)».

تصاویر شماره ۴۹ و ۵۰

ج- مساجد تاریخی حلب

۱. مسجد اموی یا جامع الکبیر

یکی از مساجد بسیار قدیمی و تاریخی شهر حلب جامع الکبیر یا مسجد اموی است. در ابتدا مکان آن به کنیسه بزرگ روم تعلق داشته و پس از فتح حلب توسط مسلمانان به مسجد تبدیل شده است. بنای کنونی مسجد مذکور از دوران ولید بن عبدالملک اموی است که آن را همزمان با جامع اموی دمشق ساخته و سلیمان بن عبدالملک نیز آن را تکمیل کرده است. هر چند بنای آن از لحاظ زیبایی به جامع اموی دمشق نمی رسد ولی نمونه کامل و مظهری از معماری اسلامی (در قرن اول هجری) است که بر خلاف جامع اموی دمشق، معماری رومی در آن تأثیری نداشته و مهندسان رومی در ساخت آن دخیل نبوده اند.

این جامع در ۳۱۵ هجری پس از فتح شهر به وسیله ناکفور فوکاس- امپراطور روم- به آتش کشیده شد و سیف الدوله حمدانی پس از باز پس گیری شهر دوباره آن را ترمیم کرد. در دو مرتبه دیگر، یکی در دوره زنگیان و دیگری در دوره مغول نیز دچار آتش سوزی شد که آن را بازسازی کردند «(۲)». مأذنه آن که ۴۵ متر ارتفاع دارد در ۱۰۹۰ میلادی

۱- معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب فی تاریخ مملکه الحلب، باب نهم؛ ابن بطوطه، الرحله، ص ۵۲؛ محمد کردعلی، خطط الشام، ج ۶، ص ۴۹؛ محمد راغب الطباخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ الحلب الشهباء، ج ۲، ص ۶۹. کامل غزی، همان کتاب، ج ۲، ص

ترمیم شده است «(۱)». این مسجد دارای چهار درب اصلی به نامهای «باب النحاسین»، «باب الجراکسه»، «باب المسامیریه» و «باب سوق الطیبه» بوده که اکنون تنها دو باب آن مورد استفاده است.

جامع کبیر در نزدیکی قلعه حلب و کنار بازار اصلی این شهر (سوق الذرب) قرار دارد و نمای آن از بالای قلعه دیده می شود. این مسجد که تا حدودی شبیه جامع اموی دمشق است؛ دارای صحنی بزرگ و دیواره های سنگی است. در وسط صحن، دو قبه شبیه قبه های صحن جامع اموی دمشق ساخته اند. مأذنه چهار گوشه در کنار درب ورودی و سمت شمال غربی جامع ساخته اند.

در سمت جنوب صحن، شبستان بسیار بزرگ و زیبایی است که دارای منبری چوبین و منبت کاری شده است. بر بالای محراب، کتیبه ای به نام منصور بن قلاوون و کتیبه دیگر از ۷۴۰ هجری - در سمت راست منبر - دیده می شود. در سمت چپ منبر و محراب، مرقد مطهر «زکریای نبی علیه السلام» است. سقف شبستان بر ستون های متعددی استوار گشته و به نظر نمی رسد از آن دوران یعنی قرن هشتم به بعد تعمیراتی در آن صورت گرفته باشد.

تصویر شماره ۵۱

۲. جامع توتنه

شاید جامع توتنه از لحاظ قدمت، قدیمی تر از جامع کبیر حلب باشد ولی مسجدی است کوچک و چندان مورد توجه نیست. این جامع نخستین مسجدی بوده که پس از فتح حلب توسط مسلمانان، به سال شانزده هجری بنا شده است. نامهای دیگر آن «جامع عمری»، «جامع غضائری» و «جامع شعیه» است. در دوران زنگی ها به سال ۵۴۵ هجری و در عصر ممالیک به سالهای ۸۰۴ ه و ۹۷۲ ه تعمیر «(۲)» و نمای آن همچنان از آن دوران باقی است. جامع توتنه در سمت شمال جامع کبیر و حدود یکصد متری آن در کنار میدانی واقع

۱- عقیف البهنسی، الشام الحضاره، ص ۱۵۸

۲- کامل غزی، همان کتاب، ج ۲، صص ۷۱ و ۸۷ و ۱۵۲؛ خیرالدین اسدی، احیاء حلب و اسواقها، ص ۹۴

۳. سایر مساجد حلب

این شهر به علت اینکه در دوران سیف الدوله و همچنین زنگیها و ایوبیها در تاریخ شام نقش بسیار مهمی داشته است، همواره توجه خاصی به آن مبذول و مساجد و ابنیه های فراوانی در آن احداث گشته است. غیر از دو مسجد قدیمی که ذکر شد، سایر مساجد حلب از بناهای قرون ششم به بعد است که در این جا به ذکر نام و سال بنای آنها اشاره می کنیم.

۱- جامع دباغه: از دوران ایوبی در میدان سبع بحرات.

۲- جامع مقامات: ساخته ۷۰۳ هجری.

۳- جامع طنبا: ساخته ۷۲۳ ه توسط علاءالدین طنبا امیر مملوکی در میدان نمک.

۴- جامع ابن: ساخته ۷۰۷ ه در زقاق الطویل.

۵- جامع رومی: ساخته ۷۶۸ توسط منگلی بغا، نائب مملوکی حلب.

۶- جامع زکی: ساخته ۷۰۰ هجری «(۱)».

د- بیمارستان ها و حمام های تاریخی حلب

حلب به عنوان یکی از مظاهر تمدن اسلامی دارای شاخصه های تمدن در قرون اسلامی از جمله بیمارستان، حمام، مدرسه و کتابخانه بوده است که در این جا به قدیمی ترین آنها اشاره می گردد.

۱. بیمارستان نوریه

این بیمارستان همزمان با بیمارستان نوریه دمشق به سال ۵۹۹ هجری به دستور نورالدین محمود زنگی و توسط حارثی دمشقی - مهندس و پزشک حلب - ساخته شد «(۲)».

۱- پیشین، همان جا؛ خیرالدین اسدی، همان کتاب، ص ۱۳۳؛ عبدالله حجاز، همان کتاب، صص ۶۱، ۷۸ و ۱۰۰

۲- خیرالدین اسدی، همان کتاب، ص ۱۶۷؛ محمد راغب الطباخ الحلبي، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج ۲، ص ۶۸

بعضی بنای آن را ۴۵۸ هجری می دانند که در دوران نورالدین زنگی تجدید بنا گشته است. بیمارستان مذکور که دارای بخشی مخصوص زنان بوده، امروزه به صورت مخروبه ای است.

۲. بیمارستان ارغونی

توسط ارغون بن طیجو کاملی، نائب حلب به سال ۷۵۵ هجری ساخته شده و دارای معماری و بنایی بسیار عالی است «(۱)».

۳. حمام جوهری

از قدیمی ترین حمام های حلب است که در ۷۸۷ هجری توسط امیر علاءالدین جوهری ساخته شده است.

۴. حمام یلبغا (ناصری)

یکی از زیباترین حمام های دمشق است که توسط امیر یلبغا ناصری به سال ۸۹۲ هجری تجدید بنا شده است. تاریخ بنای آن روشن نیست ولی در حمله مغول از بین رفته و دوباره مرمت گشته است. این حمام در میدان قلعه حلب و سمت راست درب قلعه است که اکنون به موزه ای تبدیل شده است. امروزه چند حمام دیگر از قرون نهم و دهم نیز همچنان در حلب فعال هستند.

ه- مدارس و کتابخانه های حلب

اهمیت علمی و تاریخی هر شهری و نقش آن در فرهنگ و تمدن، بسته به میزان وجود کتابخانه و مدارس آن است که در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه ای دارد. شهر حلب به عنوان یکی از شهرهای متمدن اسلامی در قرون چهارم و پنجم هجری کتابخانه های فراوانی داشته که متأسفانه بسیاری از آنها در حمله مغول تخریب و ویران شده اند. یکی از قدیمی ترین و مهم ترین کتابخانه های حلب که دچار این سرنوشت غم

۱- کامل غزی، همان کتاب، ۲، ص ۸۲؛ عقیف البهنسی، همان کتاب، ص ۱۵۸

انگیز شده کتابخانه بزرگ «جامع کبیر اموی» است که حدود ده هزار نسخه خطی از موقوفات سیف الدوله حمدانی را در خود جای داده بوده است. کتابخانه های «سلطانیه»، «حلاویه» و «عصرونیه» و چند کتابخانه دیگر، نیز متأسفانه از هجوم مغول در امان نبوده و نسخ خطی نفیس آن همگی از بین رفته اند.

کتابخانه هایی که اکنون در این شهر موجود هستند اغلب پس از حمله مغول بنا شده که به بعضی از آنها اشاره می شود.

۱- کتابخانه شیخ عبدالرحمن عجمی در مدرسه اشرفیه: (۶۵۸ هجری).

۲- کتابخانه جامع منگلی بغا: (۷۶۰ هجری).

۳- کتابخانه مولویه: (قرن یازدهم) ساخته شیخ احمد قاری.

۴- مدرسه حلاویه: قدیمی ترین مدارس حلب است که ابتدا کنیسه بوده و در قرن چهارم هجری به مسجد تبدیل و در عصر نورالدین محمود زنگی دوباره به مدرسه تبدیل شده است (۱).

۵- مدرسه شرفیه: ساخته ۵۶۰ ق توسط ابن عجمی در شرق جامع کبیر.

۶- مدرسه ظاهریه: ساخته ملک ظاهر بیبرس در قرن هفتم و در ضلع جنوبی قلعه حلب.

۷- مدرسه شابختیه: در ۵۸۹ ه ساخته امیر شابخت اتابکی.

۸- مدرسه فردوسیه: در ۶۳۳ ه ساخته برادرزاده صلاح الدین ایوبی (۲).

و- آثار تاریخی اطراف حلب

۱. قلعه سمعان

یکی از آثار دیدنی اطراف حلب، قلعه سمعان است که در فاصله ۵۹ کیلومتری شمال غربی حلب قرار دارد. سمعان، همان شمعون الصفا یکی از قدیسان معروف

۱- کامل غزی، نهر الذهب فی تاریخ الحلب، ج ۲، ص ۲۱۹

۲- نک: شوقی شعث، حلب، تاریخها و معالمها التاریخیه، جامعه حلب ۱۹۹۱ م.

مسیحی است «(۱)». قلعه را رومی ها ساخته و در جنگهای صلیبی به عنوان دژ نظامی مورد استفاده مسلمانان بوده است. قلعه سمعان در دامنه «جبل سمعان» واقع و کنار آن نیز دیر معروف سمعان است که مخروبه آن همچنان در پنج کیلومتری شرق شهرک «معره النعمان» باقی است. در کنار آن دیر یک مسجد و در شمال آن سه قبر دیده می شود «(۲)».

بسیاری از آثار داخل آن قلعه از بین رفته ولی دیواره ها و برجک ها و ستون های آن به طور کامل باقی مانده است. معماری آن ترکیبی از معماری رومی و اسلامی است و تعمیراتی که در دوران اسلامی در آن انجام شده است به وضوح دیده می شود.

۲. قلعه حارم

یکی دیگر از قلعه های دیدنی اطراف حلب است که در حدود هفتاد کیلومتری مغرب حلب- در مسیر انطاکیه- قرار دارد. این قلعه در جنگهای رومی ها با سیف الدوله حمدانی- به تصرف ناکفور فوکاس- امپراتور روم- در آمده و به عنوان یکی از استحکامات دفاعی و نظامی آنان در جنگ با نیروهای مسلمانان مورد استفاده قرار بود.

در دوران سلاجقه شام و ممالیک نیز از پایگاههای نظامی و نقاط استراتژیکی اطراف حلب در جنگهای صلیبی بوده است.

قلعه حارم در حمله مغول تخریب و عثمانی ها در قرن سیزدهم هجری آن را تجدید بنا کردند.

۳. معره النعمان

شهرکی است در مسیر «ادلب- حماه» و به فاصله ۸۳ کیلومتری جنوب شرقی حلب، آن جا زادگاه و مدفن ابوالعلاء مَعری شاعر و فیلسوف قرن پنجم هجری است. شهرک مذکور که کمی پایین تر از قریه «الدانا» واقع شده، دارای آثار و قلاع فراوانی از دوران

۱- کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۶۸-۳۵۷؛ تیودور بیشوف، همان کتاب، صص ۲۷ و ۲۸؛ عقیف البهنسی، همان کتاب، صص ۱۲۴

۲- ابن شحنه، الدر المنتخب، صص ۹۹، اولین آن متعلق به شیخ زکریا یحیی بن منصور مغربی، زاهد معروف بوده و دومین آن قبر فاطمه دختر عبدالملک مروان و همسر عمر بن عبدالعزیز است.

ایوبی ها و کاروانسراهایی از دوران عثمانی ها است «(۱)».

۴. شهرک دانا

این شهرک در مسیر «حلب- حماه» و به فاصله ۴۵ کیلومتری شمال غربی حلب قرار دارد. شهرکی است بسیار قدیمی و مخروبه که آثار معماری دوران رومی ها- در قرون قبل از اسلام- در آن دیده می شود. این شهرک با «قریه الدانا» که بالاتر از معره النعمان است، تفاوت دارد. شهرک دانا در جنوب قلعه و دیر سمعان است.

۵. شهرک کرکمیش (جرابلس)

یکی از شهرک های بسیار قدیمی سوریه است که در ۱۲۰ کیلومتری شمال شرقی حلب، نزدیک مرز ترکیه قرار دارد. این شهر در هزاره های قبل از میلاد، دارای تمدنی عالی و درخشان بوده و هم اکنون نیز آثاری از آرامی ها در آن موجود است. این شهر امروزه به جرابلس معروف است «(۲)».

۶. شهرک عین دارا

این شهرک در چهل کیلومتری شمال غربی حلب و کمی بالاتر از قلعه سمعان (شمال آن) قرار دارد. آثار تاریخی آن از دوره آرامی ها و هزاره های قبل از میلاد است.

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به محمد سلیم الجندی، تاریخ معره النعمان، دمشق، وزارة الثقافة ۱۳۸۳ ق.

۲- تیودور بیسوف، همان کتاب، ص ۱۳

ص: ۱۹۱

نقشه

ص: ۱۹۲

سفید

ص: ۱۹۳

فصل ششم: استان رقه: منطقه صفین

اشاره

۱- باب علی علیه السلام و دیوار قدیمی رقه

۲- مزار و مقبره عمار بن یاسر

۳- مرقد و مزار اویس قرنی

۴- مزار و مرقد منسوب به ابی بن کعب

۵- آثار تاریخی اطراف رقه و صفین

یکی از مناطق تاریخی سوریه که در تاریخ اسلام و بویژه شیعه، جایگاه ویژه ای دارد «شهر رقه» و یا «منطقه‌صفین» است. صفین در حقیقت به ساحل روخانه و جایی که خشکی به داخل آب راه یافته باشد گفته می‌شود. این منطقه در ۳۷ هجری شاهد یکی از وقایع بسیار مهم در تاریخ اسلام و شیعه و در حقیقت مکانی برای رویارویی حق و باطل و نبرد با قاسطین بوده است. معاویه، به عنوان سردمدار جریان قاسطین به همراه بزرگان و اشراف القبایل اموی به ظاهر برای انتقام و خوانخواهی عثمان و در حقیقت، برای انتقام خون پدران و خاندان خود در جنگ بدر - که به وسیله امام علی علیه السلام ریخته شده بود - در محلی به نام صفین (در کنار رودخانه فرات) اردو زد. هدف وی از مبارزه و نبرد با امام علی علیه السلام این بود که در صورت پیروزی، سلطنت و ریاستی که از دوران عبدمناف، از قبیل و خاندان وی بیرون رفته بود را دوباره بازگردانده و عرب را تحت انقیاد بنی عبد شمس و بنی امیه در آورد.

در این مکان خون بهترین صحابه و شیعیان علی علیه السلام از جمله عمار بن یاسر، اویس قرنی و تعداد ۲۵ نفر از صحابه بدری و حدود ۲۵ هزار نفر از یاران علی علیه السلام بر زمین ریخته شد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در دوران حیات خویش از کشته شدن عمار در این منطقه خبر داده بودند [\(۱\)](#).

«شهر رقه» و یا «رافقه» در مجاورت منطقه‌صفین قرار دارد نام این شهر را از این

۱- نصر بن مزاحم المنقری، وقعه الصفین، ص ۳۰۰ به بعد؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۴

جهت رَقَه گذاشته اند که در کنار آن، فرات آب خود را بر آن می گسترانید و در اصطلاح به ساحل و یا زمین های رملی کنار فرات گفته می شد. شهر رَقَه را جزو اقلیم چهارم دانسته اند. در سال هفدهم هجری عیاض بن غنم فرمانده سپاه سعد بن ابی وقاص مردم آن را به اسلام دعوت کرد و آنان به این دین جدید گرویدند «(۱)».

این شهر به «رَقَه البیضاء» نیز معروف بوده است. در سمت غربی آن، شهر دیگری به نام «رَقَه واسط» ساخته شده بود و در مجاورت آن نیز شهرک دیگری به نام «رَقَه السوداء» قرار داشت. این شهرک را منصور- خلیفه عباسی- ساخته و به رافقه معروف بود. بعدها در دوران هارون، شهر رافقه به شهر رَقَه متصل و هر دو اکنون یک شهر هستند که هم به رافقه و هم به رَقَه معروف اند «(۲)».

از حلب تا رَقَه- که در شرق آن واقع شده- ۱۸۰ کیلومتر فاصله است و در حقیقت، این شهر در ۵۴۷ کیلومتری شمال شرقی دمشق و شصت کیلومتری مرز جنوبی ترکیه قرار دارد. در آن مظاهر تمدن و شهرنشینی کمتر به چشم می خورد و حالت روستایی و قدیمی خود را حفظ کرده است. در میان مردم آن جمعیت اندکی از کردها نیز زندگی می کنند.

تعداد ساکنان استان حمص بر اساس آخرین سرشماری (۲۰۰۲ م- ۱۳۸۱ ش) ۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر است. در این شهر چند اثر تاریخی مذهبی را می توان بازدید و زیارت کرد از جمله:

۱- باب علی علیه السلام و دیوار قدیمی رَقَه

در دوران منصور عباسی به سال ۱۵۵ ق اطراف این شهر با دیواری از خشت و گل و چهار برجک محصور و دروازه ای نیز بر آن نهاده شده بود. این دروازه بالنسبه در همان مکانی ساخته شد که حضرت علی علیه السلام برای ورود به منطقه صفین از آن عبور کرده ولذا به باب علی علیه السلام شهرت یافته است. اکنون این باب و همچنین نیمی از دیواره شهر رَقَه سالم باقی مانده و جلوه زیبایی به شهر بخشیده است ولی به علت گسترش شهر، دیواره مذکور کمی در داخل شهر واقع شده است.

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۵۸؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۶۹ و ۳۷۰

۲- کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، صص ۳۷۵-۳۷۲

ارتفاع آن حدود چهار متر و عرض آن حدود پنج متر است که در دوران هارون عباسی به سال ۱۸۰ هجری تجدید بنا شده است. باب علی علیه السلام در قرن پنجم هجری- در دوران سیف الدوله، که این شهر نیز یکی از پایگاههای نظامی سیاسی او بوده تجدید و بازسازی قرار شده است. شایان گفتن است که شهر رقه در حمله مغول دچار ویرانی شد ولی دوباره عمران و آبادی یافت.

تصاویر شماره ۵۲ و ۵۳

۲- مزار و مقبره عمار بن یاسر

عمار بن یاسر بن مالک بن کنانه از قبیله بنی ثعلبه، کنیه اش ابویقظان و مادرش سمیه و پدرش یاسر نخستین شهیدای اسلام بودند. پدر و مادر عمار از کسانی بودند که در راه اسلام شکنجه فراوانی متحمل شدند. بارها مشرکان بدن عمار را می سوزانیدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام شکنجه آنان دعا می کرد، «خدایا خاندان یاسر را بیامرز! ای آل یاسر! شکیبایی کنید؛ زیرا موعد شما بهشت است». عمار بن یاسر یکی از صحابه خاص و فداکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و در تمامی غزوات آن حضرت حضور داشت. در نبرد یمامه نیز برای سرکوبی مرتدین حضور یافته، مجروح شد و با گوش بریده، سپاهیان را به جنگ و پایداری ترغیب می کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حق او سخنان بسیاری فرموده است، از جمله: «عمار تا استخوان سرش از ایمان آکنده است، هر که عمار را دشمن بدارد، پروردگار، او را دشمن می دارد» (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله در جای دیگری، از شهادت عمار به دست گروهی ستمکار خبر می دهد «يَقْتُلُ الْعَمَّارَ الْفِتْنَةَ الْبَاغِيَةَ» (۲).

سرانجام عمار در نبرد با گروه یاغی و ستمکار در جنگ صفین- در رکاب علی علیه السلام- به شهادت رسید. وقتی عمار کشته شد، در سپاه معاویه اضطرابی پدید آمد که عمار کشته

۱- واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۶۷۴؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۰۹

۲- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۷۳؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۴۰

شده و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند عمار به دست گروهی ستمکار کشته می شود؛ و لذا سپاه معاویه پس از شهادت عمار به تردید و سستی گرویدند. معاویه که می خواست به گونه ای روحیه سپاهیان را بازگردانده و تقویت کند، می گفت: راست می گویند ولی تأویل آن این است که ما بر کشندگان عثمان باغی هستیم تا به گرفتن انتقام خون او پاک شویم [\(۱\)](#).

روایت شده است، مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند اگر فتنه روی آورد و اختلاف پدید آمد ما را چه دستور می دهید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بر شما باد پسر سمیه، به درستی که او هرگز حق را ترک نمی کند تا اینکه بمیرد [\(۲\)](#). سرانجام اینصحابی فداکار در سن ۷۳ سالگی و هنگام شب به شهادت رسید. علی علیه السلام او را بدون غسل در همان میدان جنگ مدفون ساخت [\(۳\)](#).

امروز بارگاه مقدس و ملکوتی آن یار فداکار علی علیه السلام در کنار شهر رقه - در منطقه صفین - یعنی در همان جایی که به دست آن گروه ستمکار کشته شد قرار دارد. این مقبره در سمت راست باب علی علیه السلام است. چند سالی است به اهتمام جمهوری اسلامی مقبره ای بسیار بزرگ و باشکوه در حال ساخت است. بر فراز مقبره عمار، گنبدی مرتفع از بتون و سیمان قرار دارد و ارتفاع و سقف مقبره نیز بسیار زیاد است. قبر مطهر او در زیر این گنبد قرار دارد.

تصاویر شماره ۵۴ و ۵۵

۳- مرقد و مزار اویس قرنی

مزار و مرقد اویس قرنی یکی از صحابه بزرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از شیعیان فداکار علی علیه السلام در سمت چپ قبر عمار در شبستانی دیگر قرار دارد. [\(۴\)](#) وی یکی از صحابه زاهد و

۱- ابوبکر تلمسانی، جوهره در نصب و شرح حال امام علی علیه السلام ترجمه فیروز حریرچی، ص ۱۰۶

۲- ابن عبدالبر، همان کتاب، ج ۲، ص ۴۷۲

۳- مسعودی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۸۰

۴- مسعودی به قبر وی در رقه اشاه کرده و قبر دیگری نیز در اسکندریه و دیار بکر به او منسوب داشته است همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۸. البته چون اویس قرنی در جنگ صفین به شهادت رسید بطور قطع باید مزار او همان جا باشد.

متقی و از شیعیان خالص علی علیه السلام بود که در رکاب آن حضرت در جنگصفین به شهادت رسید. بر فراز قبر آن شهید بزرگوار نیز گنبدی مرتفع استوار یافته است. قبر او را با پارچه ای سبز پوشانیده اند.

۴- مزار و مرقد منسوب به ابی بن کعب

در شبستان سمت چپ قبر اویس قرنی مقبره دیگری قرار دارد که به ابی بن کعب منسوب است. از آنجا که نام ابی بن کعب جزو شهدایصفین ذکر نشده و قبر او نیز در بقیع قرار دارد «(۱)»، به طور قطع این انتسابصحیح نیست. احتمال می رود این جا یکی دیگر از شیعیان علی علیه السلام که در جنگصفین به شهادت رسید به خاک سپرده شده باشد؛ زیرا چنانکه می دانیم در جنگصفین بسیاری از شیعیان خالص علی علیه السلام که مقامی کمتر از اویس قرنی نداشته اند کشته شده و بعضی از آنان در همان منطقه به خاک سپرده شده اند که امروزه هیچ اثری از قبور آنان نیست.

۵- آثار تاریخی اطراف رقه و صفین

۱. شهر رُصافه

این شهر به «رُصافه هشام» معروف است و در ۲۴ کیلومتری غرب شهر رقه واقع شده است. بنای آن را به هشام بن عبدالملک اموی نسبت می دهند که در هنگام طاعون شام، این شهر را بنا کرده بود «(۲)». البته چون قبل از اسلام به «راسابا» نیز معروف بوده و در دوره بیزانس نیز به نام «سرجیوبولیس» قدیس، متوفی قرن چهارم هجری مشهور بوده است لذا به نظر می رسد هشام بن عبدالملک دیوار و بناهای آن را تجدید و بازسازی

۱- بنگرید تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره تألیف نگارنده این سطور، نشر مشعر، سازمان حج و زیارت ۱۳۷۲

۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۳، ص ۴۶؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۷۲

کرده است.

در این شهر آثاری از رومی ها مانند کلیسا، دیوار، برج و چند قصر متعلق به دوران هشام بن عبدالملک قرار دارد که ویرانه های آنها همچنان وجود است.

۲. شهرک عین دیوار

این شهرک در شمال شرقی سوریه و در تلاقی مرز سه کشور ترکیه، عراق و سوریه است. در این شهر تاریخی یکی از آثار رومی ها یعنی پل رومی، که بر رودخانه دجله ساخته شده همچنان پابرجا است.

۳. قلعه جَعْبَر

یکی از نقاط بسیار دیدنی و جذاب اطراف صفین و رقه، قلعه زیبای جعبر است که در کنار رودخانه فرات واقع و چون در نزدیکی آن سد عظیمی ساخته شده این قلعه چون جزیره ای در وسط دریاست.

قلعه مذکور در مسیر حلب و حدود سی کیلومتری جنوب رقه و صفین قرار دارد. در این مسیر یک دوراهی ما را به سوی شهرک الثوره راهنمایی می کند. حدود ده کیلومتر به طرف این شهرک، پس از سد جدید الاحدائی، تابلویی با عنوان الی جعبر، مسیر قلعه را نشان می دهد. از این نقطه تا قلعه حدود دوازده کیلومتر راه است. پس از طی این مسافت به حاشیه رودخانه فرات می رسیم. از دور یک خشکی که همانند جزیره ای آب اطراف آن را فرا گرفته چشمان ما را به خود متوجه می سازد. قلعه مذکور بر فراز تپه ای ساخته شده که هر سه طرف آن را آب احاطه کرده است.

قلعه در گذشته به «دُوسر» معروف بوده است. از تاریخ بنای نخستین آن اطلاعی در دست نیست ولی به گفته یاقوت حموی در دوران بنی عباس فردی از بنی قُشیر اعمی به نام جَعْبَر بن مالک، این قلعه را به تملک درآورده است. وی که فردی راهزن بوده، پس از راهزنی در این قلعه پناه می گرفته است. در ۴۷۷ هجری سلطان ملکشاه سلجوقی این قلعه را از تصرف وی خارج ساخت و بنی قشیر را از آن بیرون راند.

پس از چندی نورالدین محمود زنگی به سال ۵۴۱ هجری آن را متصرف شد. این

قلعه پس از چندی توسط ملک عادل برادر سلطانصلاح الدین ایوبی بازسازی شد اما هولاکو آن را تخریب و در ۷۳۵ ق «امیر طنبغا» نائب حلب از بیست هزار نفر برای بازسازی آن کمک گرفت. این قلعه در دوران ایوبی ها یکی از مراکز مهم نظامی و پایگاههای استراتژیکی آنان بوده است. «(۱)»

قلعه جعبر دو دیوار دفاعی داشته که اطراف آن را خندق تشکیل می داده است.

ارتفاع آن تا سطح رودخانه ۳۴۵ متر است. در سمت جنوب غربی آن مدخل ورودی قلعه است، پل متحرکی بر آن قرار یافته و بعدها به جای آن پلکانی از سنگ ساخته اند.

اطراف قلعه و دیواره آن، برجهای دفاعی فراوانی به شکل مربع یا مدور و مسدس برای دیدبانی قرار دارد. در گوشه جنوبی قلعه، باقی مانده بنای محکمی دیده می شود که محتمل است قصر الاماره بوده باشد. امروزه بیشتر دیوارهای قلعه که از آجر و خشت است تخریب شده و یا روبه ویرانی است بعضی از قسمتهای کنگره ها و برجک های آن نیز به مرور از بین رفته است.

در حدود دو کیلومتری آن و در وسط رودخانه، تپه ای بهصورت جزیره نمایان است که بر بالای آن بنایی دیده می شود. گویا این جا پایگاه رصد یا کمین قلعه بوده است.

برای رفتن به آن مکان باید از قایق استفاده کرد. هم اکنون این قلعه و اطراف آن بصورت تفرجگاه تابستانی مردم اطراف است.

تصویر شماره ۵۶

۱- یاقوت حموی همان کتاب، ج ۲، ص ۱۴۲؛ کامل غزی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۷۵؛ صلاح الدین ابیکصفدی تحفه ذوی الالباب، ج ۲، ص ۷۳

ص: ٢٠٣

فصل هفتم: استان حماه

اشاره

ص: ۲۰۴

الف- مساجد تاریخی حماه

ب- قلعه های حماه

ج- قصرهای حماه

د- سایر آثار تاریخی حماه

یکی دیگر از شهرهای تاریخی سوریه، شهر «حماه» (۱) است که در ۱۸۵ کیلومتری شمال دمشق، ۴۵ کیلومتری شمال حمص، و ۸۵ کیلومتری جنوب حلب قرار دارد. سابقه تاریخی این شهر به قرن‌ها قبل از اسلام می‌رسد و نام آن در اشعار جاهلی شاعر عرب امرئ القیس دیده می‌شود (۲). در آن دوران، شهر یا قریه حماه یکی از قرای تابعه حمص بوده است ولی اکنون یکی از استان‌های بزرگ سوریه است (۳).

گرداگرد شهر، چون سایر شهرها، دیواری عظیم کشیده شده که اکنون بعضی از ابواب و پایه‌های آن نیز دیده می‌شود. شهر حماه همانند حمص در سال هفدهم هجری به دست ابو عبیده بن جراح و با پرداخت خراج به‌صالح فتح شد. جمعیت استان حماه بر اساس سرشماری ۲۰۰۲ م ۱،۴۰۰،۰۰۰ نفر است. در این شهر آثار متنوعی از دوران اسلامی و حتی قبل از اسلام وجود دارد. این آثار عبارتند از:

-
- ۱- حماه در زبان مردم سوریه به معنی ام یعنی مادر و حماه المرأه یعنی مادر همسر. آنان به وابستگان همسر احماء گویند.
 - ۲- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۰۰
 - ۳- محمد علی پاشای مصری که این شهر را در قرن هیجدهم میلادی مورد بازدید قرار داده آن را بزرگتر از حمص دانسته و ساکنینش را بی نهایت در دینداری متعصب و جدی دیده است. انیس الابيض، رحلات فی بلاد الشام، ص ۶۹

الف- مساجد تاریخی حماه

۱. جامع کبیر حماه

این مسجد که به جامع الاعلی نیز معروف است و در مرکز شهر واقع شده، قبل از اسلام معبد بت پرستان بوده و سپس به کلیسا و در هفدهم هجری به مسجد تبدیل شده است.

جامع کبیر صحنی بزرگ و دو مناره از آثار دوره سلجوقی، ساخته (۵۲۹ ه) و (۸۲۵ ه) دارد که در ۵۲۹ و ۸۲۵ ق ساخته و دوران مهدی عباسی (۱۶۹ ق.) ممالیک بازسازی شده است.

۲. جامع ابی الفداء

این مسجد به دست مورخ مشهور سوریه یعنی ابوالفداء، صاحب تاریخ المختصر که در سالهای ۷۱۰ ه تا ۷۳۲ ه والی این شهر بوده ساخته شده است. جامع ابی الفداء همچنان زیبایی خود را حفظ کرده و مکان آن کمی بالاتر از جامع کبیر است.

۳. جامع نوری

جامع نوری به دستور نورالدین محمود زنگی در ۵۵۸ هجری بنا گردیده است.

داخل شبستان، منبر زیبایی از سنگ که ساخته دوره زنگیان (۵۵۹ هجری) است و در جنوب نیز مناره ای از آثار معماری قرن نهم به چشم می خورد.

۴. جامع حسنین

این جامع نیز به دستور نورالدین محمود زنگی همزمان با جامع نوری که در آن زمان به وسیله زلزله تخریب شد بود تعمیر گردید. جامع حسنین به جامع حسین نیز معروف و در جنوب قلعه حماه قرار دارد.

ب- قلعه های حماه

به علت موقعیت خاص استراتژیکی شهر «حماه»، همواره برای دفاع از آن و یا

ایجاد پایگاههای نظامی، در دوران قبل و بعد از اسلام، قلعه های بسیار مستحکم و زیبایی در شهر و اطراف آن ساخته شده که تمامی آنها امروزه موجود است. این قلاع عبارتند از:

۱. قلعه حماه

این قلعه سابقه ای بس دراز در تاریخ دارد. بنای آن به سه قرن قبل از میلاد یعنی حدود ۲۲۰۰ سال قبل باز می گردد. آن را می توان پس از قلعه مشهور حلب و بصری زیباترین قلاع سوریه دانست. خندقی بزرگ اطراف قلعه را محصور کرده که در گذشته از آب رودخانه «العاصی» پر می شده و دشمن را یارای دستیابی به آن نبوده است.

قلعه به وسیله پلی چوبی به بیرون مرتبط شده که امروزه پلی از سنگ بر جای آن قرار گرفته است. در داخل قلعه، همانند قلعه حلب، مرکزی برای فرمانروا و فرماندهی قلعه، حمام و خانه هایی ساخته شده بود که اکنون جز دیواره های آن باقی نمانده است.

قلعه حماه در جنگهای با روم یکی از پایگاههای نیروهای سیف الدوله و در جنگهای صلیبی نیز مقر نظامی سپاه اسلام بوده است. این قلعه یک بار توسط هولاکو و بار دیگر به وسیله تیمور ویران گشته است.

۲. قلعه ابوقییس

بنای آن از دوران رومی ها است و سلاجقه شام و ایوبی ها از آن به عنوان پایگاه نظامی خود در جنگهای صلیبی استفاده کرده و تغییراتی در آن انجام داده اند. این قلعه زمانی نیز در تصرف فدائیان اسماعیلی قرار داشته و به وسیله نجم الدین شعرانی در قرن هفتم هجری بازسازی شده است.

۳. قلعه شیزر

این قلعه در هیجده کیلومتری شمال غربی شهر حماه است که یکی دیگر از پایگاههای نظامی سیف الدوله در جنگ با ناکفور فوکاس بوده است.

. قلعه شمیس

در سی کیلومتری جنوب شرقی حماه قرار دارد. آثار این قلعه که در دوران مغول ساخته شده به طور کامل باقی مانده است.

۵. قلعه صفیق

قلعه مذکور در نزدیکی شهر، «افامیه» قرار دارد که در قرن هفتم هجری بنا شده است.

۶. قلعه مصیاف

در چهل کیلومتری غرب حماه، در شهر مصیاف قلعه ای از آثار قرن پنجم هجری است. این قلعه که از پایگاههای اسماعیلیان بوده به دست هولاکو تخریب گشته و اکنون جز دیواره های آن باقی نمانده است.

۷. قلعه رحیه

در ۵۲ کیلومتری شرق حماه است. بنای آن به نیم قرن قبل از میلاد می رسد.

ج- قصرهای حماه

۱. قصر العظم

یکی از کاخهای بسیار زیبایی است که در دوران عثمانی (۱۱۵۳ ق.) توسط اسعدپاشا همزمان با قصر العظم دمشق ساخته شده است. این قصر امروزه به موزه تبدیل شده است.

۲. قصر ابن وردان

این قصر در شصت کیلومتری شرق حماه و از آثار رومیان است. قصر ابن وردان دو طبقه بوده و کلیسا و سربازخانه آن از بین رفته است.

۳. قصر اسرایا

این قصر در نزدیکی «قصر ابن وردان» بوده و از بناهای رومی است.

د- سایر آثار تاریخی حماه

۱. دیر الصلیب

این دیر که از آثار قرن چهارم میلادی است در غرب حماه و در مسیر مصیاف واقع شده است. اکنون در آن دیر مخروبه است و آرامگاهی نیز در آن دیده می شود.

۲. آسیاب های آبی

در دوران اسلامی برای توسعه کشاورزی و آبیاری، شهر حماه دارای چندین آسیاب آبی بود که این آسیاب ها بر روی نهر الحامی استقرار یافته بود. در عصر حاضر هنوز یکی از آنها فعال است.

تصویر شماره ۵۷

۳. بیمارستان نوریه

در قرن ششم همزمان با بیمارستان نوری دمشق توسط نورالدین محمود زنگی ساخته شده است.

ه. شهر باستانی افامیه: فامیه

یکی از شهرهای تاریخی استان حماه که سابقه ای بس دراز در تاریخ سرزمین شام دارد، شهر باستانی افامیه است. اکنون خرابه های آن در ۵۶ کیلومتری شمال غربی حماه دیده می شود. شهر افامیه در تاریخ ایران قبل از اسلام جایگاه خاصی داشته است؛ زیرا در دوران خسرو دوم ساسانی از تصرف رومی ها در آمده و از جانب ایران حاکمی بر آن جا گماشته شده است.

بنای اصلی شهر را به سلوکوس اول مؤسس سلسله سلوکیه- نسبت داده اند «(۱)». این شهر، در هفده هجری به دست سپاه مسلمانان فتح گردید. در قرن ششم هجریصلیبی ها

آن را به تصرف درآوردند ولی نیروهای نورالدین محمود زنگی آن را آزاد کردند، اکنون بقایای این شهر بویژه ستون ها و سرستون های سنگی، پایه های دیواره ها موجود است.

ص: ۲۱۱

فصل هشتم: استان حمص

اشاره

الف: جامع و مقبره خالد بن ولید

ب: جامع و قبور فرزندان جعفر طیار

ج: جامع و مقبره عمر بن عبدالعزیز

د: سایر صحابه مدفون در حمص

حُمصُ یا در عرف مردم سوریه حُمصُ یکی از شهرهای قدیمی سرزمین شام است که در ۱۴۵ کیلومتری شمال دمشق و بین راه دمشق و حلب قرار دارد. از حماه تا این شهر ۴۵ کیلومتر فاصله است. بنای آن را به مردی به نام «حمص بن مهر بن جان بن مکنف» یا «حمص بن مکنف عملیقی» نسبت داده اند. حمص جزو اقلیم چهارم است که قبل از اسلام در تصرف یونانیان بوده است. در دوران خلافت عمر بن خطاب پس از آنکه ابو عبیده بن جراح دمشق را فتح کرد، خالد بن ولید را به سوی حمص فرستاد و خود به دنبال وی آمد. مردم شهر تقاضای صلح کرده، امان خواستند؛ لذا طبق معاهده صلح، ۱۷۰ هزار دینار جزیه مقرر شد [\(۱\)](#).

مردم حمص از ابتدا گرایش و تمایل شدیدی نسبت به بنی امیه داشتند. آنان در جنگ‌گصفین معاویه را یاری داده و عداوت سختی نسبت به امام علی علیه السلام و شیعه نشان دادند. با این حال عده ای از غلات شیعه از فرقه نُصَیره نیز در این شهر زندگی می کنند.

حمص در عصر حاضر که از لحاظ جمعیت سومین شهر سوریه است بیشتر اهالی آن سنی بوده و تعداد خیلی کمی نیز مسیحی و علوی دارد.

از آنجا که برای تبلیغ اسلام در این سرزمین، بسیاری از صحابه و قراء به آن رو آورده و ساکن شدند، [\(۲\)](#) امروزه مشاهد و مزارات فراوانی از آنان در حمص وجود دارد که به آن اشاره می کنیم.

۱- یاقوت حموی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۰۴

۲- ملکه ابیض، التریبه والثقافه العربیه الاسلامیه فی الشام والجزیره، ص ۴۰۸

الف: جامع و مقبره خالد بن ولید

یکی از آثار باشکوه و جذاب حمص، مسجد خالد بن ولید و مقبره اوست. مسجد مذکور در محله خالدیه و در مرکز شهر- خیابان اصلی شهر حمص- قرار دارد و نمای زیبای آن چشمها را متوجه خود می سازد. از بنای نخستین آن اطلاعی در دست نیست لیکن چون این جا خالد بن ولید به سال ۲۱ هجری مدفون شده است باید جامع آن نیز همان زمان ساخته شده باشد. با این وجود روشن است که این مسجد در ابتدا توسط ملک ظاهر بندقداری به سال ۶۶۴ هجری و سپس به وسیله ملک اشرف قلاوون در ۶۹۱ هجری تجدید و ترمیم شد.

در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی به وسیله ناظم پاشا- حاکم شام- بنای نخستین آن به کلی تخریب و سپس مسجد بسیار بزرگ و باشکوهی به جای آن ساخته شد. این جامع دارای پنج گنبد بسیار زیبا به رنگ خاکستری بوده و مأذنه ای بزرگ به زیبایی آن افزوده است. مسجد خالد را از لحاظ زیبایی و معماری می توان با مسجد ایاصوفیه در ترکیه مقایسه کرد که ترکیبی از معماری اسلامی و رومی است. در داخل مسجد و در شبستان بزرگ آن، مقبره خالد بن ولید فاتح این شهر قرار دارد که دارای قبه و ضریحی بزرگ با پایه ها و دیواره های مرمرین و ضریحی نقره ای است. قبر وی در گوشه شمال غربی شبستان با پوششی سبز و عمامه ای که بر آن نهاده شده دیده می شود. مقبره خالد را همانند مقام رأس یحیی در جامع اموی ساخته اند.

در همین مکان همسر خالد و پسرش عبدالرحمان نیز به خاک سپرده شده اند.

یاقوت حموی گوید: بعضی این قبر را از خالد بن یزید بن معاویه می دانند و خالد بن ولید در دو کیلومتری حمص به خاک سپرده شده است «(۱)». در ضلع شمال غربی شبستان مسجد، قبر عبیدالله بن عمر دیده می شود. وی فرزند خلیفه دوم و همان کسی است که در قصاص خون پدر خود سه تن را به قتل رسانید و امام علی علیه السلام سوگند خورد که عبیدالله را بخاطر قتل بیگناهان قصاص خواهد کرد لذا وی به هنگام حکومت علی علیه السلام از مدینه

گریخت و نزد معاویه به شام رفت. سرانجام در جنگصفین در رکاب قاسطین و به دست امام به قتل رسید.

تصویر شماره ۵۸

ب: جامع و قبور فرزندان جعفر طیار

کمی بالاتر از جامع خالد بن ولید، در خیابان سمت چپ این جامع - حدود سیصد متر به سمت جنوب - جامع کوچکتری است که به جامع طیار معروف است. در شبستان این مسجد دو قبر وجود دارد که تابلویی بر بالای آن نام عبدالله و عبیدالله را به عنوان دو شهید نشان می دهد تا آنجا که می دانیم جعفر طیار یک فرزند به نام عبدالله داشته که در مدینه وفات یافته است و در بقیع به خاک سپرده شده است. شاید این قبور نوادگان او باشد.

ج: جامع و مقبره عمر بن عبدالعزیز

حدود دویست متر بالاتر از جامع طیار در سمت چپ خیابان، جامع عمر بن عبدالعزیز قرار دارد که مقبره او نیز در داخل شبستان است. بنای آن از به دوران عثمانی برمی گردد. قبر عمر بن عبدالعزیز والی عادل اموی با سنگ و پوششی سبز، بدون ضریح و قبه در حجره ای قرار دارد. بعضی گویند قبر عمر بن عبدالعزیز در نزدیکی شهرک معره النعمان در اطراف حلب است که قبلاً در مورد دیر سمعان و آن شهرک سخن گفتیم «۱».

تصویر شماره ۵۹

د: سایر صحابه مدفون در حمص

۱- عمرو بن عبسه.

۲- ابو امامه باهلی، (م ۸۱ ق.).

۳- عبدالله بن بسرمانی (م ۸۸ ق.).

۴- شداد بن شرحبیل.

۵- شرحبیل بن اوس کندی.

۶- عبدالرحمن بن عمیره مزنی.

۷- عبدالله بن سفیان ازدیصحابی.

۸- سعید بن عامر بن حذیم (م ۲۰ هجری) «(۱)».

همچنین چند تن دیگر نیز در اینجا به خاک سپرده شده اند:

۹- قنبر غلام امام علی علیه السلام که به دست حجاج کشته شد.

۱۰- سفینه، مهران بن فروخ، غلام ایرانی پیامبر خداصلی الله علیه و آله.

۱۱- کعب الاحبار، یکی از راویان یهودی که در دوران ابوبکر مسلمان شد.

۱۲- هلال بن حرث معروف به ابو حمراء غلام ایرانی پیامبر خداصلی الله علیه و آله و از شیعیان علی علیه السلام که خزانه دار او نیز بوده است «(۲)».

۱۳- ثوبان، غلام پیامبر خداصلی الله علیه و آله متوفی ۴۵ هجری.

۱- بنگرید، یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۰۴

۲- کمونه حسینی، آرامگاههای پاک خاندان پیامبر و ... ص ۱۰۳

فصل نهم: استان های ساحلی

اشاره

۱- استان طرطوس

۲- استان لاذقیه

۱- استان طرطوس

«طرطوس» یکی از استان های ساحلی سوریه است که در ۹۶ کیلومتری «مغرب حمص» قرار دارد. شهر طرطوس که در ساحل مدیترانه قرار دارد، و بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۷۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. بانضمام «لاذقیه» در آغاز قرن ششم هجری به تصرف صلیبی ها درآمد. در این شهر آثاری از دوران تسلط صلیبی ها موجود است، از جمله:

۱- استان طرطوس

اشاره

«طرطوس» یکی از استان های ساحلی سوریه است که در ۹۶ کیلومتری «مغرب حمص» قرار دارد. شهر طرطوس که در ساحل مدیترانه قرار دارد، و بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۷۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. بانضمام «لاذقیه» در آغاز قرن ششم هجری به تصرف صلیبی ها درآمد. در این شهر آثاری از دوران تسلط صلیبی ها موجود است، از جمله:

الف- قلاع طرطوس

۱- قلعه حصن

در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی طرطوس است که در سال ۱۱۱۰ میلادی به تصرف صلیبی ها درآمد. پنج سال بعد آلب ارسلان سلجوقی آن را تصرف و سپس به دست ایوبی ها افتاد. قلعه مذکور بارها بین مسلمانان و رومیها دست به دست گشته و سرانجام در سال ۱۲۷۰ میلادی «ملک ظاهر بیبرس» آن را از رومی ها باز پس گرفت.

۲- قلعه یحمور:

بین طرطوس و صافیتا قرار دارد.

۳- حصن سلیمان:

در شرق طرطوس بوده و از آثار قبل از میلاد است. در قرن اول میلادی به معبد الهه زنوس و در دوران روم به کلیسا تبدیل شده است.

۴- حصن طرطوس:

از آثار صلیبی ها در سال ۱۱۸۳ میلادی است که به دستصلاح الدین تسخیر گشت.

۵- قلعه الخوابی:

در شمال شرقی طرطوس قرار دارد.

ب- سایر آثار طرطوس

۱- ارادوس:

جزیره ای است در سه کیلومتری مقابل ساحل طرطوس. این جزیره پایتخت فنیقی ها بوده و اکنون در آن آثاری از آن دوران موجود نمی باشد.

۲- تل الکزل:

مرکز شهر قدیمی «سمیرا» بوده و در فاصله ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی طرطوس در مسیر حمص واقع است. آثاری از دوره قبل از اسکندر مقدونی در آن موجود است.

۳- موزه طرطوس:

در آن آثاری از دوره یونان، روم و اسلام نگهداری می شود «(۱)».

۲- استان لاذقیه**اشاره**

لاذقیه یکی از استان های ساحلی سوریه است «بندر لاذقیه» در ۳۴۸ کیلومتری شمال غربی دمشق و در ساحل مدیترانه قرار گرفته است. جمعیت آن بر اساس آمار ۲۰۰۲ م، ۸۸۰،۰۰۰ نفر است. این شهر به همراه حمص در سال هفده هجری فتح گردید و در دوران ایوبی ها و زنگیان- در سال پانصد هجری- به اشغال نیروهای رومی درآمد.

هنگامی که درمساجد لاذقیه اذان بلند می شد، رومیان دستور می دادند کلیساها ناقوس خویش را بهصدا درآورند تا صدای اذان شنیده نشود «(۱)». سرانجام مسلمانان این شهر را دوباره فتح کردند. آثاری بسیار زیبا از دوران های مختلف در آن باقی مانده است که عبارتند از:

الف: قلعه صلاح الدین

این قلعه که در ۲۲ کیلومتری شرق لاذقیه است به دست رومیان ساخته شده بود، در ۱۱۸۸ م توسط صلاح الدین ایوبی تسخیر شد. در داخل قلعه، آثاری از دوره بیزانس و دوره اسلامی مثل مسجد، مناره، حمام و ... موجود است. مسجد قلعه را سلطان قلاوون ساخته است.

تصویر شماره ۶۰

ب: سایر قلاع لاذقیه

- ۱- قلعه كهف: در شصت كيلومتری جنوب لاذقیه.
- ۲- قلعه مهالبه: در جنوب قلعهصلاح الدین.
- ۳- قلعه بنی قحطان: در بیست كيلومتری شرق شهر جبله.
- ۴- قلعه مرقب: در شصت كيلومتری شهر لاذقیه و نزدیک بانياس.

فصل دهم: استان تدمر: پالمیرا

اشاره

تدمر و آثار تاریخی آن**اشاره**

یکی از مناطق سرزمین شام که از هزاران سال پیش دارای تمدن و فرهنگی درخشان بوده و در تاریخ ایران نیز اهمیتی بسزا دارد تدمر است. این شهر که در ۱۶۰ کیلومتری شرق حمص واقع شده است در عصر ساسانیان در تصرف ایرانیان بوده است.

در حدود ۷۵ هزار سال پیش در سرزمین تدمر با مساحت شصت کیلومتر مربع، انسانهایی می زیستند که امروزه بقایا و آثاری از آنان در غارها و ... یافت شده است. بنای این شهر را به هزاره هفتم قبل از میلاد نسبت می دهند. در آغاز هزاره دوم قبل از میلاد، نام تدمر در متون آشوری دیده شده و تا عصر هلنی و رومی نیز این نام همچنان مشهور بوده است.

در این دوران اسم تدمر با پالمیرا، که مشتق از نخل بوده همراه گشته است؛ چون در شمال این سرزمین نخلهای خرما کاشته می شده است «(۱)».

گفته اند: تدمر، دختر حسان بن اذینه از نوادگان سام بن نوح علیه السلام، دارای عجیب ترین خانه بوده که بر ستون های سنگی و مرمر ساخته شده و مردم گمان می کردند این بنا به وسیله جنیان برای «سلیمان» نبی علیه السلام ساخته شده است. گویند وقتی «مروان بن محمد»- آخرین خلیفه اموی- به تخریب دیوار تدمر پرداخته و مخالفین خویش در این شهر را می کشت؛ به شکافی بزرگ در کنار دیوار بر خورد و پس از داخل شدن در آن، صخره ای یافت که شبیه خانه بود. در آن جنازه زنی بر روی تختی که با هفتاد پارچه و حله پوشیده شده بود دیده می شد و بر کتیبه ای بالای آن نوشته بود به نام خداوند، من تدمر،

دختر حسان هستم. خداوند کسی را که داخل خانه من گردد، دچار ذلت و خواری کنید لذا مروان نیز آن جا را به حال خود باقی گذاشت و باز گشت «(۱)».

تدمر که در هزاره اول قبل از میلاد مسکن آرامی ها و دارای تمدن درخشانی بوده، در هفدهم هجری باصلح توسط خالد بن ولید بهصلح فتح شده است. «(۲)»

در شهر تدمر آثار فراوانی از دوران قبل از اسلام وجود دارد که بسیاری از آنها رو به ویرانی رفته است. آثاری که اکنون در این شهر تاریخی موجود هستند عبارتند از:

قوس النصر: باب النصر

در ابتدای ورود به شهر تدمر، دروازه ای است که ما را به داخل شهر راهنمایی می کند. از اینجا خیابان اصلی شهر تدمر، آغاز می شود در اطراف این خیابان، رواقها و ستون هایی قرار داشته که بر روی آن، تصاویر بزرگان شهر حجاری شده و در سمت راست آن نیز چهار ستون عظیم دیده می شود که مجسمه ای از زنان ساقی بر آن ساخته شده قرار یافته است. مقابل آن ستون ها، «قوس نصر» قرار دارد. این باب یکی از دروازه هایی است که این خیابان از آن می گذشته و کنار آن دو دروازه کوچک دیگری نیز قرار دارد. این دروازه اکنون بطور سالم پای برجا مانده است.

تصویر شماره ۶۱

معبد بل

یکی از بناهای اعجاب انگیز و جذّاب تدمر، معبد خدای بل، یعنی خدای خورشید مردم تدمر است. این معبدصحن مقدسی بهصورت چهار دیواری داشته که با چهار ستون و رواق احاطه شده و در وسط آن هیكل و مجسمه مرکزی قرار گرفته است. در حقیقت این بنا، خانه رب (بل) بوده که بت و مجسمه وی در آن قرار داشته است.

۱- احسان عباس، تاریخ بلاد الشام من قبل الاسلام حتی بدایه العصر الاموی، صص ۹۸-۹۶

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۹

در معبد بل کشتارگاه و حوضی برای تطهیر نیز وجود داشته است. معبد یاد شده یکی از بزرگترین معابد جهان بوده و مساحت آن به حدود چهل هزار متر مربع می رسیده است. گفته می شود بیست معبد داخل آن بوده و هزاران گروه و دسته از قبایل سرزمین شام و شهرهای تابعه و همچنین از شبه جزیره در مراسم خاص طواف برگرد بت بعل در آن حضور می یافته اند. بنای ساختمان مرکزی آن در ۳۲ میلادی انجام شده و بنای سایر قسمتهای آن تا دو قرن بعد نیز ادامه داشته است (۱).

تصویر شماره ۶۲

معبد نبو

کنار قوس النصر در قرن اول میلادی، معبدی مخصوص پرستش خدای «نبو» ساخته شده است. بر روی این معبد چهل کتیبه وجود دارد.

حمام های تدمر

در سمت راست خیابان مذکور، حمام های تدمر قرار دارد که از قرن دوم میلادی است. این حمام ها هر کدام چهار درب داشته و داخل آن سالن استراحت و حوضی برای آب سرد و آب گرم اختصاص می یافته است. وجود حمام در قرن دوم میلادی حاکی از تمدن و فرهنگ مردم تدمر است.

تئاتر و مجلس شیوخ تدمر

در سمت مقابل این خیابان، «مسرح» یا «تئاتر تدمر» قرار دارد که در قرن دوم میلادی ساخته شده است. امروزه از این مسرح تنها ستون ها و بعضی از پلکان های آن بر جای مانده است. در جنوب غربی مسرح، «مقر مجلس شیوخ» شهر که آن را اداره می کردند بوده و سالنی برای نشستن مردان و سالنی برای شیوخ قبایل - که از اطراف تدمر

۱- المعجم الجغرافی للقطر السوری، صص ۱۳۳-۱۳۲؛ احسان عباس، همان کتاب، ص ۸۹۸ و ۱۰۰-۱۰۳

به این سرزمین می آمدند- اختصاص داشته است. و بر دیواره های آن نیز تصاویری است که گویا از فرماندهان جنگی و رؤسای قبایل بوده است.

معبد بعل شمین

پس از مسرح و میدان بازار تدمر که اکنون آثار حجره ها و دکاکین آن دیده می شود بنای «معبد بعل شمین»- که خدای آسمان در میان تدمریان بوده- قرار دارد. این معبد در ۱۳۲ میلادی ساخته شده و اهمیت فراوانی نزد اعراب ساکن در تدمر داشته است.

قبور تدمر

آثار بعضی از قبور مردم تدمر هم اکنون موجود است. این قبور یا بصورت جمعی و یا فردی بوده و هر خاندانی برای خود مقبره و محلی خاص با تصاویر مخصوص داشته است. قبور آنان یا در برجهای هندسی که به وسیله پلکانهایی به آنها راه می یافتند و یا در زمین و یا در خانه ها قرار داشته و بیشتر آنان از قرن اول قبل از میلاد است. امروزه دهها برج هندسی که داخل آن قبور مردم شهر بوده منظره جالبی به شهر تاریخی تدمر بخشیده است.

تصاویر شماره ۶۴

دیوار تدمر

بر گرد شهر، دیواری به طول دوازده کیلومتر ساخته بودند که اکنون آثاری از آن پا برجاست. بر اطراف و گوشه های این دیوار هنوز برجکهای دیدبانی از آثار «ژوستین»- امپراطور روم- ساخته قرن ششم میلادی موجود است.

موزه تدمر

در ۱۹۶۱ میلادی در میدان ملکه زنوبیا- مقابل ساختمان شهرداری کنونی- موزه ای

ساخته شد که بعضی از آثار هنری و معماری تدمر در آن نگهداری می شوند [\(۱\)](#)». شایان گفتن است متأسفانه بسیاری از آثار تاریخی و فرهنگی تدمر در دوران تسلط فرانسویها از این شهر خارج شده است.

فصل یازدهم: استان سویدا

اشاره

الف- بُصرى و آثار اسلامى و تاريخى آن

ب- شهر تاريخى سویدا

ج- شهباء: فيليوبوليس و آثار تاريخى آن

د- شهر كصلخدا ياصرخذ

یکی از استان های بزرگ جنوب سوریه است که شهرهایی چون سویدا، بصری و شهباء در آن قرار دارند. هر یک از توابع آن، پیشینه تاریخی قابل توجه و جایگاه ویژه ای در تاریخ این سرزمین داشته اند و کوله باری از فرهنگ و تمدنی بس درخشان را در دهها قرن به دوش کشیده اند. یکی از شهرهای تابعه استان سویدا که اهمیتی بسیار ویژه در تاریخ اسلام و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، شهر تاریخی بصری است.

الف- بصری و آثار اسلامی و تاریخی آن

اشاره

بُصری در ۱۳۲ کیلومتری جنوب دمشق است. قدمت بصری از لحاظ تاریخ و تمدن شهرنشینی به قرن ها پیش از میلاد می رسد و هم اکنون نیز آثاری از آن دوران بر جای مانده است. این شهر در قبل و بعد از اسلام، واسطه تجارتي شبه جزیره و شام بوده و کاروان هایی که از شبه جزیره برای تجارت به شام می آمدند، ابتدا توقف کوتاهی در شهر بُصری داشته و پس از انجام تجارت مقدماتی و استراحت لازم به سوی دمشق حرکت می کردند.

بُصری نزد مسلمانان و مورخان اسلامی نقش و موقعیتی ویژه دارد؛ زیرا حدود سی سال قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شاهد قدم مبارک آن حضرت در سن نه یا ده سالگی بوده است. سرانجام این شهر در سیزده هجری توسط خالد بن ولید با صلح فتح گردید.

آثار شهر قدیمی بُصری، آن را بصورت ویرانه و یا مخروبه ای جلوه گر ساخته که این آثار خود بیانگر تمدنی درخشان در ورای قرنهاست. پس از قلعه و مسرح بصری که

از آن سخن خواهیم گفت، تا انتهای شهر چیزی جز ویرانه و آثار مخروبه باقیمانده از بازارها، حمام ها، معابد و ... عصر رومیها دیده نمی شود. در بعضی از همین ویرانه ها، مردمی بسیار فقیر، با قرار دادن سقفی از برگ درختان یا چوب و سنگ زندگی می کنند.

گویی وقتی انسان وارد شهر بصری می شود بنظر می رسد حداقل به هزار سال قبل برگشته است. اگرچه مردم آنجا خانه های محقری دارند اما قلبها و دلهایشان بزرگ و مهربان است.

در این شهر آثاری تاریخی و حائز اهمیت که کوله باری از قرنهای حوادث، آنها را راست قامت تر نموده وجود دارند که به شرح آنها می پردازیم.

۱. دروازه اصلی و تاریخی شهر

این شهر در دوران رومی ها و قبل از اسلام دارای دیوار و استحکامی قوی بوده که اکنون بعضی از قسمتهای خراب شده آن موجود و در سمت غرب آن دروازه بزرگ و اصلی شهر با بخشی از دیوار قدیمی آن همچنان پابرجاست. دروازه یاد شده که از آثار قرن دوم قبل از میلاد است امروزه در حدود دویست متری داخل شهر واقع شده و اطراف آن میدان کوچکی است.

۲. قلعه و تئاتر بصری

یکی از آثار قدیمی شهر بصری، مجموعه ای است که دارای قلعه، حمام، ورزشگاه و تئاتر بوده و اطراف آن خندق نسبتاً بزرگی حفر شده است. این مجموعه در مرکز شهر قرار دارد و به وسیله پلی از سنگ که بر روی خندق ساخته شده با داخل مرتبط می شود.

در دو طرف این پل مجسمه های سنگی از آثار رومی ها نصب و از سمت راست با عبور از درب قلعه به مسرح یا تئاتر بصری راه می یابیم. پس از عبور از راهرویی بسیار تاریک- در سمت راست- سالی بدون سقف دیده می شود که نیم ستون های سنگی از دوران روم در آن باقی است و گویا ستون های سقف را تشکیل می داده که تخریب شده اند. احتمال می رود این جا تالار بزرگ و میهمانسرای این قلعه بوده است. در سمت چپ این محل پلکان های بسیار باریک ما را به طبقه بالا راهنمایی می کنند که در حقیقت

به بالاترین نقطه ورزشگاه یا تئاتر قلعه مرتبط است. در بالای این مکان به یکی از اعجاب انگیزترین و جذاب ترین اثر تاریخی و هنری یعنی ورزشگاهی از دوران روم مُسرف می شویم. محوطه و شکل این مکان مشابه ورزشگاههای کنونی است که پلکانهایی بصورت نیم دایره در حدود چهل ردیف از کف تا بالا داشته و محل نشستن تماشاچیان بوده است.

فضای میدان به طول ۱۰۲ متر و ارتفاع ۲۶ متر است. که حدود پانزده هزار نفر را در خود جای می داده است. در آن دوران، این جا عرصه رزم و تنازع بقا بوده است.

گلادیاتورها، در مقابل تماشاچیان بی عاطفه به طور بیرحمانه ای به جان یکدیگر افتاده و شرط آزادی خویش یعنی کشتن رقیب را با وحشیگری هر چه تمام تر تحقق می بخشیدند. آنان با ریختن خون یکدیگر ساعاتی از نشاط را برای مردمی که از دیدن جان دادن دیگران لذت می بردند فراهم می کردند.

در این میدان گاهی اسرا و بردگان به کام شیران گرسنه می افتادند و کمتر کسی بود که می توانست از این معرکه جان سالم بدر برد. در سمت جنوب ورزشگاه و در قسمت تحتانی آن، جایگاه اصلی و محل نشستن امرا، پادشاهان و بزرگان بوده است. در پشت این مکان یعنی در طبقه بالای سمت راست، سالن بزرگ دیگری است که اکنون بهصورت موزه ای مخروبه در آمده است. در این سالن نیم تنه ها و سرهای سنگی فراوانی از مجسمه های خدایان، بزرگان و اشراف برده دار رومی به نمایش درآمده ولی بیشتر آثار این سالن به سرقت رفته اند. در سمت راست این سالن، یک نقاشی دیواری بسیار زیبایی از عصر روم و هیزانی که از اتصال هزاران قطعه کوچک سنگی رنگین ایجاد شده به جلوه هنری این سالن افزوده است. بنظر می رسد از دوران رومی ها تاکنون در این مجموعه عظیم هیچ ترمیم و تجدید بنا بصورت نگرفته باشد.

تصویر شماره ۶۵

۳. بازار، حمام ها و معابد بصری

کمی پایین تر از قلعه و ورزشگاه بصری، ویرانه قدیمی شهر آغاز و ابتدای آن دروازه ای کوچک که تنها ستون های آن باقی مانده اند دیده می شود که دروازه بازار

بزرگ بصری بوده است. پس از آن بازار شهر قرار داشته که روزگاری همواره یکی از مراکز مهم اقتصادی سرزمین شام محسوب می شده است. در کنار بازار، بقایای چند حمام از قرون اولیه اسلامی که سالمتر از بقیه آثار است دیده می شوند. در کنار آن نیز بقایای ویرانه یک کلیسا و یا معبد متعلق به قرون دوم و سوم میلادی است.

تصویر شماره ۶۶

۴. جامع عمری

حدود دویست متر بالاتر از بازار و در انتهای قسمتی از شهر قدیمی بصری کلیسایی در قرن اول هجری به مسجد تبدیل شده است و در ۱۳۲۷ میلادی تعمیراتی بسیار جزیی یافته ولی ترکیب بنای آن از همان دوران تاکنون باقی مانده است. مسجدی است بسیار کوچک و مأذنه ای چهار گوش و کوچک دارد. هم اکنون اهالی در این مسجد نماز می گزارند.

۵. دیر و کلیسای بُحیرای راهب

در سمت راست مسجد عمری، در کوچه های باریک و قدیمی در حدود پانصد متر بالاتر- در سمت راست کوچه- به بنای مخروبه کلیسایی بر می خوریم که زمانی بُحیرای راهب در آن به عبادت و تهجد، روزگار می گذرانیده است. این مکان نزد مسلمانان اهمیت و قداست ویژه ای دارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران نوجوانی زمانی که برای انجام تجارتی همراه ابوطالب به شام آمده بود؛ مورد توجه راهب این دیر قرار گرفته وی با دیدن علائمی که در کتاب آسمانی خود از پیامبر صلی الله علیه و آله آینده دیده بود به ابوطالب گفت که وی را محافظت کن و من در ناصیه او پیامبری می بینم. این واقعه «(۱)»، صرف نظر از شاخ و برگهای فراوان و معجزات بدون دلیلی که اغلب از جانب مسیحیان و مستشرقان در منابع تاریخی آمده است، ارزش و قداستی ویژه به این مکان می بخشد.

کلیسایی که اکنون مخروبه آن دیده می شود به ظاهر در دوره بیزانس (قرن چهارم

۱- ابن هشام، سیر هالنبی، ج ۱، صص ۱۹۷-۱۹۴؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۲، ص ۱۰-۶

میلاادی) یعنی سه قرن قبل از اسلام ساخته شده و در دوران های بعدی از حیث ارتفاع خارج گردیده و تعمیراتی در آن صورت نگرفته است. مساحتی حدود یکصد متر دارد و در ورودی آن آهنی و اکنون مسدود است. در دیوار انتهایی کلیسا آثار محراب آن نیز باقی است. شایان گفتن است که سقف آن نیز به مرور زمان از بین رفته و امروزه تنها دیواره های مرتفع آن باقی مانده است. علامتصلیبی کوچک بر دیواره غربی یعنی بالای در ورودی کنده شده و کتیبه ای به زبان سریانی نیز بر آن دیده می شود.

تصویر شماره ۶۷

۶. جامع مبرک یا ناقه

در آخرین نقطه شهر یعنی حدود سیصد متر بالاتر از کلیسای بحیرا- در سمت راست- نمای مسجدی دیده می شود که دارای مناره ای کوچک و در ورودی بسیار کوتاهی است و برای ورود به آن باید خم شد و سپس داخل آن گردید. این جا جامع مبرک است. در این مکان ناقه و شتر پیامبر صلی الله علیه و آله بر زمین نشسته که بعدها مسجدی به جای آن ساخته اند و «مبرک» نیز یعنی محل نشستن شتر.

در داخل مسجد، شبستان کوچکی است که در عصر حاضر تعمیراتی در آن انجام شده و اکنون مردم محل در آن نماز می گزارند. در سمت راست این شبستان، حجره ای کوچک و تاریک است و داخل آن قطعه سنگی بر روی زمین به ابعاد ۱/۵*۱ متر دیده می شود. نگارنده این سطور چهار گودال کوچک باندازه زانو و یا پای یک شتر که بر این سنگ فرو رفته را دیده است. ریش سفیدان محل می گفتند: این نشانه همان جای زانوی شتر پیامبر خداصلی الله علیه و آله است. «والله اعلم بالصواب».

تصویر شماره ۶۸

ب- شهر تاریخی سویدا

شهر سویدا مرکز استان سویدا است که در فاصله ۱۰۶ کیلومتری جنوب دمشق قرار گرفته است. سویدا را به ابو محمد سویدانی، که فردی بزرگوار و خیر بوده و نزد ابو حامد

غزالی در بغداد فقه می خوانده نسبت داده اند «(۱)». امروزه در این شهر موزه بسیار جذاب و زیبایی از آثار دوره یونان و بیزانس از جمله کتیبه هایی از قرن سوم میلادی به نمایش درآمده است. شهر در حال حاضر ترکیبی جدید داشته و اکثر بناها و خانه های آن جدید است. اهالی آن به علت موقعیت بسیار مطلوب آب و هوایی و جغرافیایی آن، به زراعت مشغول و بیشتر زمین های آنان به کاشت زیتون اختصاص یافته است. قلعه ای از دوران بیزانس نیز در این شهر وجود دارد که بالنسبه کوچک و دیدنی است.

ج- شهباء: فیلوبولیس و آثار تاریخی آن

این شهر نیز یکی از شهرهای قدیمی استان سویداست که در ۸۹ کیلومتری دمشق و کمی بالاتر از سویدا واقع شده و بنای آن را به فیلیپ، امپراتور روم- در قرن سوم- نسبت داده اند. شهباء دارای چند اثر تاریخی و مهم از جمله «معبد فیلیون» است که در پنجاه متری غرب میدان اصلی شهر قرار دارد. امروزه تنها چند ستون از آن باقی مانده است.

آثار مخروبه چند حمام، قنات و تئاتر نیز از قرن سوم میلادی در آن دیده می شود ولی بیشتر آثار تاریخی آن در موزه شهر که دو طبقه است نگهداری می شود.

د- شهرک صَلْخَد یا صَرْخَد

شهرک صرخد یا صلخد کنونی در بیست کیلومتری شرق بصری قرار دارد. در این شهرک قلعه ای از دوران رومی هاست که در قرون بعدی به وسیله ممالیک و ایوبی ها تجدید بنا و بازسازی شده و به عنوان یک پایگاه نظامی مهم در جنگهای صلیبی استفاده می شده است.

از آثار تاریخی دیگر این شهرک، مناره یکی از مساجد دوران ایوبی است که تنها برپا مانده و مسجد آن مخروب شده است. امروزه اطراف این مناره میدان اصلی شهرک قرار دارد.

ص: ۲۳۹

فهرست منابع

اشاره

الف. منابع عربی

ب. منابع فارسی

ج. منابع انگلیسی

الف. منابع عربى

- ١- قرآن كريم.
- ٢- آيبكصفدى، صلاح الدين خليل بن آيبك (٧٦٤ ق.). تحفه ذوى الالباب فيمن حكم بدمشق من الخلفاء و الملوك و النواب. حققه احسان بنت سعيد خلوصى و زهير حميدان الصمصام، دمشق، وزاره الثقافه ١٩٩١ م.
- ٣- ابن اثير جزرى الشيبانى، عزالدين ابى الحسن على بن عبدالكريم (٦٣٠ ق.). الكامل فى التاريخ. بيروت، دارصادر، دار بيروت ١٩٦٥ م و قاهره ١٢٩٠ ق.
- ٤- اسدالغابه فى معرفه الصحابه. بيروت دارالاحياء التراث العربى، [بى تا] و قاهره دارالكتب المصريه ١٣٥٨ ق.
- ٥- ابن اعثم كوفى، خواجه احمد بن محمد (٣١٤ ق.). الفتوح. هند، حيدرآباد دكن، دائرهالمعارف العثمانيه، چاپ اول ١٣٨٨ ق و بيروت، دارالكتب العلميه ١٤٠٦ ق.
- ٦- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن ابراهيم (٦٨٣-٧٥٦ ق.). تحفه النظار فى غرائب الامصار و عجائب الاسفار: الرحله، بيروت، دارالكتب اللبنانى، مكتبه المدينه [بى تا] و دارالكتب العالمى ١٩٩١ م.
- ٧- ابن بكار، ابى عبدالله زبير بن بكار بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبير (١٧٢-٢٥٦ ق.). الاخبار الموفقيات. تحقيق سامى كلى العانى، بغداد، مطبعه العانى ١٩٧٢ م.
- ٨- كتاب نسب قريش، تصحيح و تأليف ليفى. بروفسال، مصر، دارالمعارف، چاپ دوم [بى تا].
- ٩- ابن تغرى بردى (٨٧٤ ق.). النجوم الزاهره فى اخبار ملوك مصر و القاهره. قاهره، دارالكتاب المصريه ١٩٢٩.
- ١٠- ابن جبير اندلسى، ابى الحسن محمد بن احمد. رساله اعتبار الناسك فى ذكر الاثار

الكريمه و المناسك، معروف به الرحله ابن جبير، بيروت. دار مكتبه الهلال، چاپ دوم ١٩٨٦ م.

١١-- الجامع الاموى بدمشق. تحقيق محمد مطيع الحافظ، بيروت، دار ابن كثير، چاپ اول ١٤٠٥ ق.

١٢- ابن جوزى، يوسف بن حسام الدين قراوغلى سبط. تذكره خواص الامه فى معرفه احوال الائمة. فى هامشه مطالب السؤل، شافعى، به خط محمد باقر عبدالحسين اصفهانى، چاپ سنگى ١٢٨٥ ش.

١٣- ابن حجر عسقلانى، الاصابه فى تمييز الصحابه. مصر، مطبعه مصطفى محمد ١٣٥٨ ق و بيروت، دارالكتب العلميه [بى تا].

١٤-- تهذيب التهذيب، هند، مجلس دائره المعارف النظاميه، حيدر آباد دكن ١٣٢٥ ق.

١٥- ابن حورانى، عثمان بن احمد السويدى الدمشقى. زيارات الشام. دمشق، مكتبه الغزالى ١٩٨١ م.

١٦- ابن رجب حنبلى، عبدالرحمن بن احمد (٧٣٦-٧٩٥ ق.). الذيل على طبقات الحنابله. تصحيح محمد حامد الفقى، مصر، السنه المحمديه ١٣٧٢ ق.

١٧- ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منيع زهرى بصرى (١٦٨-٢٣٠ ق.). الطبقات الكبرى. بيروت دارصادر، داربيروت ١٣٧٦ ق.

١٨- ابن شاکر الداراني، صلاح الدين محمد بن شاکر. فوات الوفيات. تحقيق محى الدين عبدالحميد، قاهره مكتبه النهضه، ١٩٥١ م.

١٩- ابن شحنه، الدرالمنتخب من تاريخ الحلب. دمشق، دارالكتاب العربى، چاپ دوم ١٤٠٤ ق.

٢٠- ابن شداد، عزالدين محمد بن على بن ابراهيم. الاعلاق الخطيره فى ذكر امراء الشام و الجزيره. حقه يحيى زكريا عباره، دمشق، وزارهالتقافه ١٩٩١ م و تحقيق سامى الدهان و يحيى عباره ١٩٥٦ م.

٢١- ابن شهاب زهرى، محمد بن مسلم بن مسلم بن عبيدالله (٥١-١٢٤ ق.). المغازى النبويه. تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر ١٤٠١ ق.

٢٢- ابن شهر آشوب، ابى جعفر رشيد الدين (٥٨٨ ق.). المناقب الائمة: مناقب آل ابى طالب. قم، مطبعه العلميه [بى تا].

٢٣- ابنصباغ مالکى، على بن محمد بن احمد (٨٥٥ ق.). الفصول المهمه فى معرفه احوال الائمة. بيروت، دارالاضواء، چاپ دوم ١٤٠٩ ق.

- ٢٤- ابن طولون، القلائد الجوهريه فى تاريخ الصالحيه. تحقيق محمد احمد دهمان، دمشق [بى تا] ١٩٥٦ م.
- ٢٥-- بهجه الانام فى فضل دمشق الشام، بيروت، بى تا.
- ٢٦- اعلام الورى بمن ولى نائباً من الاتراك بدمشق الشام الكبرى. تحقيق احمد دهمان، دمشق، وزاره الثقافه ٢٨٣ ق.
- ٢٧- ابن طيفور، ابن ابى طاهر (٢٨٠-٢٠٤ ق.). بلاغات النساء. بيروت، دارالنهضه الحديثه ١٩٧٢ م.
- ٢٨- ابن عبدربه اندلسى، احمد بن محمد (٣٢٨ ق.). العقد الفريد. تحقيق عبدالحميد استرچينى، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ سوم ١٤٠٧ ق.
- ٢٩- ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله ثمرى قرطى اشعري (٣٦٨-٤٦٠ ق.).
الاستيعاب فى معرفه الاصحاب. مصر، مطبعه مصطفى ١٣٥٨ ق.
- ٣٠- ابن عبدالهادى، يوسف. ثمار المقاصد فى ذكر المساجد، تحقيق محمد اسعد طلس. بيروت، مكتبه لبنان ١٣٦١ ق.
- ٣١- ابن عديم (٦٦٠ ق.). زبده الحلب من تاريخ الحلب. تحقيق سامى الدهان، دمشق، معهدالفرنس ١٩٥٩ م.
- ٣٢-- بغيه الطلب فى تاريخ الحلب. تحقيق سهيل زكار، دمشق، [بى تا] ١٩٨٨ م.
- ٣٣- ابن عساكر، على بن حسن الشافعى (٤٩٩-٥٧١ ق.). تاريخ مدينه دمشق و ذكر فضلها و تسميه من حلها من الامائل اواجناز بنواحيها. دمشق، مجمع اللغه العربيه ١٣٩٨ ق و تحقيقصلاح الدين المنجد، المجمع العلمى العربى ١٣٧١ ق.
- ٣٤- ابن عماد حنبلى، ابوالفلاح عبدالحمى. شذرات الذهب فى اخبار من ذهب. بيروت، دارالفكر، ١٣٩٩ ق.
- ٣٥- ابن عنبه، جمال الدين احمد بن على الحسن (٨٢٨-٧٤٨ ق.). عمدته الطالب فى انساب آل ابى طالب، بيروت. دار مكتبه الحياه [بى تا].
- ٣٦- ابن قلايسى، حمزه بن على بن محمد (٤٧٠-٥٥٥ ق.). ذيل تاريخ دمشق. قاهره، مكتبه المتنبي [بى تا] و تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارحسان، چاپ اول ١٤٠٣ ق.
- ٣٧- ابن قيم جوزى، زاد المعاد فى هدى خير العباد. فهرسه محمد اديب الجاور، بيروت، الرساله ١٤١٢ ق.
- ٣٨- ابن كثير القرشى الدمشقى، عمادالدين ابوالفداء اسماعيل بن عمر (٧٠٠-٧٧٤ ق.).

البدايه و النهايه فى التاريخ. مصر، مطبعه السعاده ١٣٥١ ق و بيروت ١٤٠٩ ق.

٣٩- ابن منظور، محمد بن مكرم (٦٣٠-٧١١ ق.). مختصر تاريخ دمشق لابن عساكر.

تحقيق رياض عبدالحميد مراد، محمد مطيع الحافظ. بيروت، دارالفكر ١٤٠٤ ق.

٤٠- ابن هشام، محمد بن عبدالملك بن ايوب حميرى (٢١٨ ق.). سيره النبي صلى الله عليه و آله. تحقيق محى الدين عبدالحميد، قاهره ١٣٥٦ ق و مصطفى البابى الحلبي ١٣٥٥ ق.

٤١- ابراهيم حسن. حسن. تاريخ الاسلام السياسى و الدينى و الثقافى و الاجتماعى.

بيروت، دارالاحياء التراث العربى، چاپ هفتم ١٩٦٤ م.

٤٢- ابيض، ملكه. الترييه و الثقافه العربيه- الاسلاميه فى الشام و الجزيره خلال القرون الثلاثه الاولى للهجره. بيروت، دارالعلم للملايين ١٩٨٠ م.

٤٣- ابيض، انيس. رحلات فى بلاد الشام خلال القرون الثامن عشر و التاسع عشر و القرن العشرين. بيروت، دارالندوه الجديده ١٤١٠ ق.

٤٤- احسان عباس. تاريخ بلاد الشام من ما قبل الاسلام حتى بدايه العصر الاموى.

عمان، مطبعه جامعه الاردنيه ١٤١٠ ق.

٤٥- ازدي بصرى، محمد بن عبدالله. تاريخ فتوح الشام. تحقيق عبدالله عامر، بيروت، دارناصيف ١٩٧٠ م. و تصحيح وليام ناسوليس ايرلندى، كلكته ١٨٥٤ م.

٤٦- اسدى، خيرالدين، احياء حلب واسواقها. تحقيق عبدالفتاح رواس قلعه جى.

بيروت، دارقريبه ١٩٩٠ م.

٤٧- الامين، حسن. دائره المعارف الاسلاميه الشيعيه. بيروت، دارالتعارف للمطبوعات ١٤١٠ ق.

٤٨- الامين، محسن. اعيان الشيعه. حققه حسن الامين، بيروت، دارالتعارف ١٤٠٦ ق.

٤٩- باسميل، محمد احمد. العرب فى الشام قبل الاسلام. بيروت. دارالفكر، چاپ دوم ١٤٠٨ ق.

٥٠- البحره، نصرالدين. دمشق الاسرار. دمشق. [بى نا] بى تا].

٥١- بدرى، ابى البقاء عبدالله (قرن نهم). نزهه الانام فى محاسن الشام. بيروت، دارالرائد ١٩٨٠ م.

٥٢- بدیری، احمد الحلاق و حوادث دمشق الیومیہ (١١٥٤ - ١١٧٥ ق.) تحقیق، احمد عزت عبدالکریم. مصر، مطبوعات الجمعیہ المصریہ والدراسات التاریخیہ ١٩٤٦ م.

٥٣- بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر (٢٧٩ ق.). فتوح البلدان. تعلیق رضوان محمد رضوان، مصر. المطبعه المصریہ بالازهر ١٣٥٠ ق.

٥٤-- انساب الاشراف. حقه محمد باقر المحمودی. بیروت، مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات چاپ دوم ١٩٧٤ ق و مصر، دارالمعارف ١٩٥٩ م.

٥٥- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمان، سیده زینب، عقیلہ بنی هاشم. بیروت، دارالکتب

العربي ١٤٠٦ ق.

٥٦-- سكينه بنت الحسين عليه السلام، بيروت، دارالكتب العربي ١٤٠٦ ق.

٥٧- البهنسي، عفيف. الشام الحضاره. دمشق، وزاره الثقافه ١٩٨٦ ق.

٥٨- بيشوف، تيودور. تحف الانباء في تاريخ حلب الشهباء. تعريب و تحقيق، شوقي شعث. دمشق، دارالوسيم للخدمات الطباعيه، چاپ دوم ١٩٩٢ م.

٥٩- جعفرى، بشار. السياسه الخارجيه السوريه (١٩٨٢-١٩٤٦ م). دمشق، دارطلاس ١٩٨٧ م.

٦٠- الجندى، محمد سليم. تاريخ معره النعمان. دمشق، وزاره الثقافه ١٣٨٣ ق.

٦١- حافظ، محمد مطيع. حريق الجامع الاموى و بناوه (١٣١١ - ١٣٢٠ ق) نصوص و وشائق للقاسمى، واصف، كرد على والعظمى، كويت، مكتبه دارالعروبه للنشر و التوزيع ١٤٠٩ ق.

٦٢- حجاز، عبدالله. معالم حلب الاثريه. حلب، جامعه حلب، جمعيه العاديات [بى تا].

٦٣- خمّاس، نجدت. الشام فيصدر الاسلام. (من الفتح حتى سقوط الخلافه بنى الاميه). دمشق، دارطلاس ١٩٨٧ م.

٦٤- خوارزمى زمحشرى، موفق الدين احمد بن محمد (٦٦٥ ق.). المناقب. خطى كتابخانه مركزى دانشگاه تهران شماره ٦٢١.

٦٥- الخيمى، صلاح محمد. نزهه الرفاق فى شرح حاله الاسواق، من كتاب رسائل دمشقيه، بيروت [بى نا] ١٩٨٨ م.

٦٦- دائرهالمعارف الاسلاميه، احمد الشتاوى، ابراهيم زكى خورشيد، عبدالحميد يونس. تهران، بوذرجمهرى [بى تا].

٦٧- دارقيو، فارس. وصف دمشق فى القرن السابع العشر، من مذاكرات الرحاله الفرنسى. تعريب احمد ايش، دمشق، دارالمأمون للتراث ١٤٠٣ ق.

٦٨- دهمان، محمد احمد. فى رحاب دمشق. بيروت، دارالفكر، چاپ اول ١٤٠٢ ق.

٦٩- زكى ابراهيم، محمد. مراقداهل البيت بالقاهره. مصر، مطبوعات العشيره المحمديه، چاپ چهارم ١٤٠٦ ق.

٧٠- زيبدى، ترويح القلوب فى ذكر الملوك بنى ايوب. تحقيقصلاح الدين المنجد.

بيروت دارالكتاب الجديد ١٩٨٣ م.

٧١- سابقى، حسنى. مرقد العقيله زىنب عليها السلام بيروت [بى تا].

٧٢- سلطان، على. تاريخ السورىه (١٩١٨-١٩٠٨ م). دمشق، دارطلاس ١٩٨٧ م.

٧٣- سمهودى، ابوالحسن على بن احمد (٩١١ ق.). وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفى.

حقيقه محمد محيى الدين عبدالحميد، قاهره، مطبعه السعاده، چاپ اول ١٣٧٤ ق.

٧٤-- سوفاجيه، جان، الآثار التاريخيه فى دمشق. تعريب اكرم حسن العلبى.

دمشق، دار الطباع ١٤١٢ ق.

٧٥-- لمحہ تاريخيه منذ العصور القديمه حتى الانتداب. تعريب فؤاد افرام البستانى، دمشق، الوارف ١٩٨٩ م.

٧٦- سيد عليخان، سيد عبدالكريم. مقتل سيد الشهداء حسين بن على عليه السلام. بيروت، دارالزهراء، چاپ اول ١٤٠٢ ق.

٧٧- سيل، پاتريك. الصراع على سوريه (دراسه للسياسه العربيه بعد الحرب ١٩٥٨-١٩٤٥). تعريب سمير عبده و محمود كلامه، دمشق، دارطلاس [بى تا].

٧٨- شريف القرشى، باقر. حياه الامام حسين بن على عليه السلام. بيروت، دارالبلاغه، چاپ اول ١٤١٣ ق.

٧٩- شهابى، قتيبه. اسواق دمشق القديمه و مشيداتھا التاريخيه. دمشق. وزاره الثقافه ١٩٩٠ م.

٨٠-- مآذن دمشق، تاريخ و طراز. دمشق، وزاره الثقافه ١٩٩٣ م.

٨١- شوقى، ابوخليل. اطلس التاريخى العربى، دمشق، دارالفكر ١٤٠٤ م.

٨٢- شوقى، شعث. حلب، تاريخھا و معالمھا التاريخيه. حلب، جامعه الحلب ١٩٩١ م.

٨٣-- نقشه و راهنماى قلعه حلب، حلب، مطبوعات المديرية العامه لاثار والمتاحف ١٩٨٦ م.

٨٤- طبياخ الحلبي، محمد راغب. اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء. صححه و علق عليه محمد كمال، حلب، دارالقلم العربى، چاپ دوم ١٤٠٨ ق.

٨٥- طبرى، ابى منصور احمد بن ابى طالب (م قرن ششم). الاحتجاج على اهل اللجاج.

تعليق سيد محمد باقر الموسوى الخراسانى. مشهد، نشر المرتضى ١٤٠٣ ق و بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات ١٤٠٣ ق.

٨٦- طبرى، محمد بن جرير بن يزيد (٢٢٤-٣١٠ ق.). تاريخ الرسل و الملوك: تاريخ الطبرى، قاهره، مطبعه الاستقامه ١٣٥٧ و مطبعه الحسينيه ١٣٢٤ ق.

٨٧- طبرى، محب الدين احمد بن عبدالله. ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى. بيروت.

٨٨- طبرى، ابى جعفر محمد بن جرير بن رستم. دلائل الامامه. بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم ١٤٠٨ ق.

٨٩- طلس، محمد اسعد. الآثار الاسلاميه و التاريخيه فى حلب. دمشق، مطبعه الترقى

- ٩٠- طنطاوى، على. دمشق، صور ... من جمالها و عبر ... من نضالها، دمشق، دارالفكر چاپ دوم ١٤٠٧ ق.
- ٩١- طه حسين، على و بنوه، مصر [بى تا]، [بى نا].
- ٩٢- عظيمى الحلبي، محمد بن على. تاريخ الحلب (٥٥٦-٤٨٢ ق) تحقيق ابراهيم ذرور، دمشق [بى تا] ١٩٨٤ م.
- ٩٣- العلبى، اكرم حسن. خطط دمشق، دارسه تاريخيه شامله، دمشق، دارالطباع ١٤١٠ ق.
- ٩٤-- دمشق بين عصر مماليك و العثمانيين (٩٢٢-٩٠٦ ق). دمشق، الشركه المتحده للطباعه و النشر، چاپ اول ١٤٠٢ ق.
- ٩٥- العمرى، فضل الله. الجامع الاموى بدمشق. حققها و قدم لها محمد مطيع الحافظ، بيروت، دارابن كثير ١٤٠٥ ق.
- ٩٦- عيسى بك، احمد. تاريخ البيمارستانات فى الاسلام. بيروت، دارالرائد العربى، چاپ دوم ١٤١٠ ق.
- ٩٧- غزى البابى الحلبي، كامل. نهرالذهب فى تاريخ حلب، تحقيق و تصحيح شوقى شعث، محمود الفاخورى، حلب، دارالقلم العربى، چاپ دوم ١٤١٢ ق.
- ٩٨- قمى، عباس. سفينهابحار و مدينه الحكم والاثار. تهران، كتابخانه سنایی [بى تا].
- ٩٩- كرد على، محمد. غوطه دمشق. بيروت، دارالفكر، چاپ سوم ١٤٠٤ ق.
- ١٠٠-- خطط الشام. بيروت، دارالعلم للملايين، چاپ دوم ١٣٩١ ق.
- ١٠١- كمال، منير. الحمامات الدمشقيه، دمشق، ابن خلدون ١٩٨٦ م.
- ١٠٢- گيلانى، هيثم. الاستراتيجيات العسكريه للحروب العربيه الاسلاميه. بيروت، مركز الدراسات الوحده العربيه ١٩٩١ م.
- ١٠٣- لحام، ماجد. دمشق فى نصف قرن. بيروت، دارالفكر المعاصر ١٤١٠ ق.
- ١٠٤- مجلسى، محمد باقر. بحارالانوار. تهران، اسلاميه [بى تا].
- ١٠٥- محمد نرسى، محمد. الامارات العربيه فى بلاد الشام فى القرنين الحادى العشر و الثانى العشر للميلادى، مصر، الهيئه المصريه العامه للكتاب ١٩٨٠ م.
- ١٠٦- محمد سالم، لطيفه. الحكم المصرى فى الشام (١٨١٤-١٨٣١ م). قاهره، مكتبه مدبولى، چاپ دوم ١٤١٠ ق.

١٠٧- مسعودى، ابوالحسن على بن الحسين (٣٤٥ ق.). مروج الذهب و معادن الجواهر.

مصر، مطبعه البهيه المصريه ١٣٤٦ ق و بيروت، دارالقلم ١٤٠٨ ق.

١٠٨- المعجم الجغرافى للقطر العربى السورى، اشراف، العماد مصطفى طلاس، دمشق،

مركز الدراسات العسكريه ١٩٩٠ م.

١٠٩- معروف الحسنى، هاشم. سيره الاثمه الاثنى عشر، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات ١٤١١ ق.

١١٠- مقدسى، طاهر بن مطهر (١٠١٠ ق.). البدء و التاريخ. باريس، تحت اشراف كلمان هوار فرانسوى ١٩٠٧ م و تهران مكتبه الاسلاميه ١٩٧٢ م.

١١١- ملوجى، عدنان. الطريق الى دمشق. (مذاكرات)، كتاب الاول. دمشق، دارالطباعه والنشر، چاپ دوم ١٩٩٢ م.

١١٢- منقرى، نصر بن مزاحم بن سيار (٢١٢ ق.). وقعه الصفين. حققه و شرحه عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتبه آيه الله المرعشى النجفى ١٤٠٣ ق.

١١٣- موسى المقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسين او حديث كربلا. قم، مكتبه بصيرتى ١٣٩٤ ق.

١١٤- مهاجر، عبدالحميد. حجر بن عدى لايساوم فى الحق. بيروت، دارالكتاب و العتره ١٤١٣ ق.

١١٥- نزار ابساظه و محمد مطيع الحافظ. علماء دمشق و اعيانها فى القرن الثالث عشر الهجرى. بيروت، دارالفكر المعاصر، چاپ اول ١٤١٢ ق.

١١٦- نسيم يوسف، جوزف. العدوان الصليبي على بلاد الشام، مصر، دارالمعرفه الجامعه [بى تا].

١١٧- نصرالله، ابراهيم. حلب و التشيع. بيروت، دارالوفاء ١٤٠٣ ق.

١١٨- نعيسه، يوسف جميل، مجتمع مدينه دمشق (١١٨٦-١٢٥٦ ق.). دمشق، دارطلاس ١٩٨٦ م.

١١٩- نعيمى دمشق. عبدالقادر بن محمد (٩٧٨ ق.). الدراس فى تاريخ المدارس. تنظيم فهارس، ابراهيم شمس الدين. بيروت، دارالكتب العلميه ١٤١٠ ق.

١٢٠-- دور القرآن بدمشق. تحقيقصلاح الدين المنجد، بيروت، دارالكتاب الجديد، چاپ سوم ١٩٧٢ م.

١٢١-- الجامع الاموى بدمشق، حققها و قدم لها مطيع الحافظ، بيروت، دارابن كثير ١٤٠٥ ق.

١٢٢- واقدى، محمد بن عمر بن سعد بن كاتب (٢٠٧ ق.). المغازى. تحقيق مارس جونس، بيروت [بى تا].

١٢٣-- فتوح الشام. بيروت، دارالجيل، [بى تا].

١٢٤- ياقوت حموى، شهاب الدين ابو عبدالله (٦٢٦-٥٧٤ ق.). معجم البلدان. بيروت،

۱۲۵- یوسف الدبس، مطران. تاریخ سوریا. بیروت، مطبعه العمومیه ۱۹۰۰ م.

ب. منابع فارسی

۱۲۶- تلمسانی، ابوبکر محمد بن ابوبکر انصاری بری. جوهره در نسب و شرح احوال علی علیه السلام و آل او. ترجمه فیروز حریرچی، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۱ ش.

۱۲۷- رابینوویچ، آینامار. جنگ برای لبنان (۱۹۸۵-۱۹۷۰ م) ترجمه جوادصفایی و غلامعلی رجبی، تهران، سفیر ۱۳۶۸ ش.

۱۲۸- شیروانی، زین العابدین. ریاض السیاحه. به اهتمام آقاسی اوغلی، مسکو، ادبیات خاور ۱۹۷۴ م.

۱۲۹- فتال نیشابوری. روضه الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی ۱۳۶۳ ش.

۱۳۰- فهری زنجانی، سید احمد. مراقد اهل بیت در شام. تهران، امیر کبیر ۱۳۶۷ ش.

۱۳۱- قائدان، اصغر. تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران، سازمان و زیارت، نشر مشعر ۱۳۷۲ ش.

۱۳۲- قزوینی رازی، عبدالجلیل نصیرالدین. بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض. ترجمه سید جلال الدین محدث ارموی، تهران [بی تا] ۱۳۷۱ ش.

۱۳۳- قمی، عباس. منتهی الامال. تهران، جاویدان [بی تا].

۱۳۴- دمع السجود. ترجمه نفس المهموم. ابوالحسن شعرانی، تهران، علمیه اسلامیة ۱۳۷۴ ق.

۱۳۵- کمونه حسینی، سید عبدالرزاق. آرامگاههای خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگانصحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلیصاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ش.

۱۳۶- گروه نویسندگان آکادمی شوروی. تاریخ معاصر کشورهای عربی. ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، توس ۱۳۶۷ ش.

۱۳۷- گیتاشناسی کشورها. گرد آورندگان محمود محبوب، فرامرز زیارودی، تهران، گیتاشناسی چاپ اول ۱۳۶۲ ش.

۱۳۸- مطهری، مرتضی. تماشاگه راز. تهران، صدرا، ۱۳۶۴ ش.

۱۳۹- نویری، شهاب الدین احمد (قرن هشتم). نهایه الارب فی فنون الادب. ترجمه

محمود مهدوی دامغانی، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۴ ش.

ج. منابع انگلیسی.

egdirbmaC -۱۴۱ .۱۹۷۴ ,asu ۱۷ .V ,acinatirb aidepolcycne wen eht -H .R .A -۱۴۰ ,

malsI fo yrotsiH ehT

, sserp ytisrevinueht ta .sdnal cimalsI lartnec ehT ۱۹۷۰ .

۱۴۲Encyclopedia of Islam-

. H .A ,inaruoH -۱۴۳ .۱۹۸۷ nlok nvahneboR .kroy weN .nedieL .llirB .jE.

yasse lacitilop a nonabel dna airys

. sserp ytisrevinu drofxo ۱۹۸۶ .

yelsmeh nehpets ,girgnoL -۱۴۴ .

etadnom hcnert rednu nonabeL dna airyS.

sserp yt isrevinudrofxo ۱۹۶۸ .

mailliW ,riuM -۱۴۵ .

llaf dna enilceD ,esir sti etahpilac ehT.

suiluj ,nesuoh lleW -۱۴۶ .۱۸۹۱ ,nodnol,

llaf sti dna modgniK barA ehT.

nerp nezuc ,nodnol ۱۹۷۳ .

ص : ۲۵۱

فهرست اعلام

اشاره

۱- فهرست اشخاص

۲- فهرست اماکن

۱- فهرست اشخاص

آدم، ۱۵۱، ۱۴۵

آذر، ۴۲

آرامی ها، ۴۱، ۱۹۰، ۲۲۶

آشوریان، ۲۵، ۲۶، ۴۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۳۶

آل ابی سفیان، ۷۳

آل ابی شعبه، ۱۷۵

آلب ارسلان سلجوقی، ۲۱۹

آل سعود، ۱۱۳

آل فرعون، ۱۶۵

آمنه، ۹۲

اباباسل، ۳۲

ابان بن عثمان، ۱۰۲، ۱۰۳

ابراهیم، ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۷۳

ابراهیم بن سلیمان الحموی، ۱۱۰

ابراهیم بن عبدالرزاق حنفی، ۱۱۱

ابراهیم بن علی فخرومی مصری، ۵۲

ابراهیم پاشای عثمانی، ۱۲۵، ۱۳۵

ابراهیم قونری، ۱۱۷

ابراهيم نصرالله، ١٧٦

ابن اثير، ٩٤، ٩٥، ١٠١، ١٠٣، ١٠٤، ١٦٦

ابن اعثم كوفي، ٢٨، ٢٩، ٩٩

ابن المحدث، ١١٨

ابن اياس، ٧٥

ابن بطوطه، ٥٣، ٦١، ٦٢، ٦٧، ٦٩، ٧٢، ٧٤، ١٢٨، ١٤٥، ١٤٦، ١٥٨، ١٥٩، ١٧٣، ١٨٤

ابن تغري بردي، ٥٣، ١٢١

ابن تيميه، ١١٨، ١١٩، ١٢٠

ابن جبير، ٥٣، ٦١، ٦٢، ٦٧

ابن جوزي، ٧٥

ابن حجر، ٥٠، ٩٥، ١٠٠، ١٠١، ١٠٤، ١٦٠

ابن حجر عسقلاني، ١٩٧

ابن حوراني، ٥٣، ٥٤، ٦٩، ٧٠، ٧٦، ٨٦، ١٠٠، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٦، ١٠٧، ١٠٨، ١١١، ١١٣، ١١٤، ١١٦، ١١٨، ١٤٣، ١٤٤، ١٤٥

ص: ٢٥٣

١٥٨، ١٦٠، ١٦٥، ١٦٧

ابن خلكان، ٨٧

ص : ٢٥٣

ابن دقماق، ٥٣

ابن رجب حنبلي، ١١٢

ابن زبير، ٥٢

ابن زياد، ٩٧

ابن سعد، ٢٩، ٥٣، ٩٤، ١٠٢، ١٦٦

ابن سعود، ١١٣

ابن سينا، ١٣٤

ابن شحنة، ١٧٣، ١٧٧، ١٨٤، ١٨٩

ابن شهاب زهري، ١٦٣

ابن شهر آشوب، ٧٤، ٤٧

ابن شهر آشوب، ١٧٨

ابنصباغ، ٤٨

ابنصباغ مالكي، ٤٧، ٥٧، ٧٤، ٩٢، ٩٧

ابن طاووس، ٧٤

ابن طولون، ٢٦، ٤٤، ١١٤، ١١٦، ١٤٣

ابن طيفور، ٥١، ٩٤

ابن عبدالبر، ١٠٤، ١٩٧، ١٩٨

ابن عبد ربه، ١٦٦

ابن عجمي، ١٨٨

ابن عديم، ١٧٤

ابن عربي، ١٤٧

ابن عساكر، ٦٢، ٧٠، ٧٥، ٩٢، ١٠٠، ١٠٦، ١١١

ابن عماد، ٨٨

ابن عمري، ٧٠، ٧٢، ٧٧

ابن عنبه، ٤٧، ٤٨، ٥٠

ابن فارض مصري، ١٤٨

ابن قيم جوزي، ١٠٦

ابن كثير، ٤٧، ٧٤، ٧٧، ١٠٠، ١١١، ١١٢، ١١٣، ١١٦، ١٣١، ١٦٦

ابن مالك، ٨٧، ١٠٧

ابن معلى، ٦٢

ابن منظور، ٥٧، ١٠٠

ابن منظور، ٢٣٦

ابن منير طرابلسي، ١٧٩

ابن نفيس، ١٣٣

ابن هشام، ٢٣٦

ابوالحسن العمري، ٤٨

ابوالحسن شعراني، ٩٧، ٩٨

ابوالحسين يحيى بن الحسن، ٥١

ابوالعباس وليد بن عبدالملك بن خالد بن يزيد المنيحي، ١٦٦

ابوالفداء، ٢٠٦

ابوالفضل العباس، ٩٨

ابوالقاسم عليّ بن محمد، ٨٨

ابوالمكارم حمزه بن زهره حلبى، ١٧٩

ص: ۲۵۴

ابو امامه باهلی، ۳۰، ۲۱۵

ابو برزه اسلمی، ۷۴

ابوبکر، ۲۷، ۵۰، ۱۰۴، ۱۶۶، ۲۱۶

ابوبکر تلمسانی، ۱۹۸

ابو حامد غزالی، ۲۳۸

ابو حمراء غلام ایرانی، ۲۱۶

ابو دردا، ۲۹، ۳۰

ابو دردا، ۲۹، ۸۲، ۱۰۳

ابوذر غفاری، ۱۷۵

ابوسفیان، ۱۱۵، ۱۶۱

ابوطالب، ۲۳۶

ابوعبدالله محمد بن علی بن محمد حاتمی طائی اندلسی مکی شامی، ۱۴۷

ابوعبیده، ۲۸

ابوعبیده بن جراح، ۲۰۵

ابوعبیده بن جراح، ۲۷

ابو عبیده بن جراح، ۲۱۳

ابو عمرو محمد بن یوسف کنندی، ۵۲

ابوقتاده، ۱۴۳

ابو محمد حسن بن ابراهیم بن ذولاق لیثی مصری، ۵۲

ابو محمد سويدانى، ٢٣٧

ابو مسلم خولانى، ٢٩

ابويقظان، ١٩٧

ابى ابراهيم، ١٤٤

ابى البقاء عبدالله البدرى، ٢٦

ابى بكر بن ايوب، ٨٦

ابى دردا، ١٠٣

ابى سليمان دارانى، ١٦٥

ابى مسلم خولانى، ١٦٥

ابى يعقوب بن عبدالرحمان عبدالله الجعبرى، ١١٤

ابى يعلى حمزه ابن قلانسى، ١٢٠

اتحاديه سوسياليست هاى عرب، ٣٣

احسان عباس، ٢٦، ٢٩، ٤١، ٢٢٦، ٢٢٧

احسن خاتمه، ١٨٣

احمد، ٩٦

احمد البديرى، ٤٥، ١٢٨

احمد باسميل، ٤٢

احمد بن بدرالدين الحنفى، ١١٠

احمد بن سليمان بن محمد البكرى الصابونى، ٩٠

احمد بن عبدالرحمان بن هشام الأنصارى، ١٠٦

احمد بن قدامه، ۱۵۱

احمد پاشا، ۱۵۸

احمد پاشای عثمانی، ۱۴۶

احمد پاشای وزیر، ۱۴۶

احمد حسین اسحاقی، ۱۷۹

احمد دهقان، ۴۴

ص: ٢٥٥

احمد دهمان، ٨٢، ١٥١

احمد عيسى، ١٣٤، ١٣٥، ١٥٠

اخشيديون، ٤٣

ارغون بن طيجو كاملي، ١٨٧

اسامه بن زيد، ٢٧، ١٦٤

استاد مطهري، ١٤٨

اسرائيل، ١٦٨

اسعد پاشا، ٢٠٨

اسكندر، ٤٢

اسكندر مقدوني، ٢٦، ٤٢، ١٥٨، ٢٢٠

اسماعيل بن امام، ١٨٠

اسماعيليان، ٢٠٨

اسماء بنت عميس، ١٠٤

اسود عنسي كذاب، ١٦٥

اشرف بن قلاوون، ١٨٢

اصطخري، ٢٥

افضل، ٤٤

اكبر بن عقيل، ٤٨

اكرم العلبى، ٤٤، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٩٠، ٩١، ١٢١

أم سلمه، ١٠٤

ام عبدالله، ٥٠

أم كلثوم، ٤٧، ٤٨، ٤٩، ٥٠، ٥٤، ٩٣، ٩٤، ١٠٠، ١٠٥

ص: ۲۵۶

امّ کلثوم، ۹۷

ام کلثومصغری، ۵۴

اموی، ۲۶

امیر اسعد پاشا العظم، ۱۲۸

امیر تنکز، ۱۲۲

«امیر سیبای بن بختجا، ۸۳

امیر سیف الدین جقمق، ۸۹، ۱۱۹

امیر سیف الدین قیمری کردی، ۱۵۰

امیر شابخت اتابکی، ۱۸۸

امیر طنبا، ۲۰۱

امیر علاءالدین جوهری، ۱۸۷

امیر ناصر الدین بن منجک، ۸۱

امیر یلبغا ناصری، ۱۸۷

امین السلطان، ۵۹

امیه بن خلف، ۹۹

انصار، ۱۶۶

انیس الابيض، ۲۰۵

اوس بن اوس، ۶۹، ۱۰۲

اویس قرنی، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹

اهل شوری، ۱۱۶

اهلصّفه، ۱۰۲

اینامار رابینوویچ، ۳۲

ایوب، ۱۴۵

ایوب نبی، ۱۴۳

ایوبی، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶

ایوبیان، ۴۴، ۷۸، ۱۱۷، ۱۵۲

ایوبی ها، ۳۰، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۷۴، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۸

ایوبیها، ۱۸۶

بابلی ها، ۴۱

باقر شریف القرشی، ۷۴، ۹۷، ۱۰۲

بخیت المطیعی، ۵۱

بدرالجمالی، ۷۷

بدرالدین بن جمال الدین، ۱۰۷

بدرالدین طیب، ۱۳۴

برذعه، ۱۷۳

بشار اسد، ۳۲

بشار الجعفری، ۳۱

بکری، ۲۵

بلاذری، ۱۶۰

بلال، ٩٩، ١٠٠، ١٠٦، ١٦٦

بلال بن ابي الدرداء، ١٠٠

بلال بن رباح، ٩٩

بلال حبشي، ٩٩

بنی اسرائيل، ٢٤، ٧٠

بنی امیه، ٢٦

بنی امیه، ٢٦، ٥٢، ٧٥، ١١٥، ١١٦، ١٦١

بنی امیه، ٥٢، ٦٩، ٧٣، ١١٥، ١٩٥، ٢١٣

بنی ثعلبه، ١٩٧

بنی حمدان، ١٧٥

ص: ٢٥٧

بنی زهره، ١٧٨

بنی عبد شمس، ١٩٥

بنی قریظہ، ١٦٣

بنی قُشیر اعمی، ٢٠٠

بنی مرداس، ١٧٤، ١٧٥

بنی ہاشم، ٥٢، ٧٣

بُولُس حواری، ١٣٦

بہاء الدین بن زهره بن احمد حلبی، ١٧٩

بیزانس، ٢٣٦، ٢٣٨

بیوراسف، ٤٢

پاتریک سیل، ٣٢

پدرش علی، ٤٩

پیامبر، ١٧، ٢٦، ٣٣، ٤٧، ٧٤، ٩٤، ٩٧، ٩٩، ١٠١، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٥، ١١٢، ١٢٥، ١٤٣، ١٤٤، ١٤٦، ١٥٨، ١٦٣، ١٦٥، ١٧٧،

١٨٠، ١٩٥، ١٩٧، ١٩٨، ٢١٦، ٢٣٣، ٢٣٦، ٢٣٧

پیامبر ٩، ٣٣

پیامبر خدا ٩، ٢٦، ٢٧، ٣٣

پیامبر خدا، ٢٦، ٢٧، ٢٩، ٣٣، ٤٩، ٥٤، ٥٥، ٦٩، ٧٤، ٨٢، ٩٢، ٩٩، ١٠١، ١٠٢، ١٠٥، ١١٢، ١١٣، ١٦٠، ١٦٣، ١٦٤، ١٦٥، ١٦٦،

١٦٧، ١٧٥، ١٩٧، ١٩٨، ٢١٦، ٢٣٣، ٢٣٧

تابعہ حمص، ٢٠٥

تارخ، ٤٢

تتش بن آلب ارسلان، ٧٨

تدمر، ٢٢٥

ترکان عثمانی، ٣٠

تفتازانی، ١٤٧

تقی الدین ابوالعباس احمد بن شهاب الدین عبدالحمیم دمشقی حنبلی، ١١٢

تقی الدین بنصلاح، ١١٠

تمیم، ٩٧

توران شاه ایوبی، ٩٠

توما، ١٢٢

تیمور، ٤٥، ٨٩، ١٢٩، ١٧٤، ١٨٢، ٢٠٧

تیمور لنگک، ١٢١، ١٣١، ١٥٠

تیودور بیشوف، ١٧٣، ١٧٤، ١٨١، ١٨٢، ١٨٩، ١٩٠، ٢١٥

ثوبان، ٢١٦

جامی، ١٤٨

جان سوفاجیه، ١٢٢، ١٢٣، ١٢٤، ١٢٥، ١٢٨، ١٣٧

جبرئیل ٧، ١٦٣

جرجس حواری، ١٣٦

جَعْبَر بن مالک، ٢٠٠

جعفر، ٤٩

جعفر اکبر، ٥٠

ص: ٢٥٨

جعفر بن ابى طالب، ١٠٤

جعفر بن عقيل، ٩٩

جعفر بن على، ٩٩

جعفر طيار، ٥٠

جلال الدين رومى، ١٣٠

جلال الدين سيوطى، ١٤٨

جمال عبدالناصر، ٣١

جوزيف نسيم يوسف، ٤٤

جوهر صقلى، ٩٨

جيرون، ٤١

جيرون بن سعد بن عاد بن ارم بن سام بن نوح، ٤١

چركسيان، ١٥١

حاج عبدالنبي عبدالله القطان كويتى، ١٦٣

حارثى دمشقى، ١٨٦

حافظ، ١٤٨

حافظ اسد، ٣٢، ٣٣

حاكم شافعى، ٧٦

حام بن نوح، ١٧٣

حبيب بن مظاهر، ٩٨

حجر، ۱۶۲

حجر بن عدی، ۱۶۱

حجر بن عدی بن معاویه بن جبله، ۱۶۰

حججهالاسلام فهري زنجاني، ۵۸

حَدَد، ۱۳۷

حَزْرِيَا حِي، ۹۹

حَزْرِ عَامِلِي، ۴۷

حزب سوسياليست بعث، ۳۱

حزقييل بن بوري، ۱۶۵

حسن ۷، ۹۲

حسن، ۱۰۴

حسن ابراهيم، ۲۹

حسن ابراهيم حسن، ۶۲

حسن الأمين، ۹۲، ۹۸

حسن الامين، ۹۴

حسن امين، ۵۳

حسن قاسم مصري، ۵۱

حسن مثنى، ۹۵

حسن و حسين ۸، ۴۹

حسين، ۱۰۴

حسین بن عبداللہ، ۹۹

حسین بن علی، ۴۹

حصکفی، ۱۴۸

حضرت ابراہیم، ۷، ۴۲

حضرت ابراہیم، ۱۴۳

حضرت امام، ۱۴۸

حضرت خدیجہ، ۱۲۵

حضرت خضر، ۱۵۸

حضرت خضرِ نبی، ۷، ۶۹

حضرت زکریای نبی، ۱۸۰

حضرت سجاده، ۷۴

حضرت علی، ۷۵، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۹۶

حضرت علی اکبر، ۹۸

حضرت عیسیٰ، ۷، ۶۷

حضرت عیسیٰ بن مریم، ۶۹

حضرت لوط، ۱۵۹

حضرت مریم، ۱۶۷

حضرت مسیح، ۱۴۳

حضرت موسیٰ، ۶۹، ۱۵۸

حضرت مهدی، ۱۴۸

حضرت مهدی (عج)، ۶۹

حضرت نوح، ۴۲

حضرت هابیل، ۶۵، ۱۴۴

حضرت هود، ۶۹

حضرت یحییٰ، ۵۰، ۷۳

حضرت یحییٰ، ۷، ۶۹، ۷۰، ۱۸۴

حمدانیان، ۱۷۴

حمد عیسیٰ، ۱۳۴

حمزه ابن قلانسی، ۴۳

حمص بن مکنف عملیقی، ۲۱۳

حمیده دختر مسلم بن عقیل، ۱۰۵

حنابله، ۱۵۲

حواریون، ۱۴۵

حواریون حضرت مسیح، ۱۳۶

حیثون، ۴۱، ۱۷۳

خالد بن ولید، ۲۷، ۲۸

خالد بن ولید، ۲۳۳

خالد بن یزید بن معاویه، ۲۱۴

خاندان بنی قدامه، ۱۴۴

خاندان مروانیان، ۱۱۵

خسرو دوم ساسانی، ۲۰۹

خلافت بنی امیه، ۱۰۲

خلافت معاویه، ۱۰۳

خلیفه (ابوبکر)، ۹۹

خواجه ابراهیم اسعری، ۹۱

خوارج، ۱۱۵

خوارزمی، ۷۴

خواهر علی اصغر، ۵۷

خیانت سادات، ۳۲

خيرالدين اسدى، ۱۷۶، ۱۸۵، ۱۸۶

دارانى، ۱۶۵

دانتە، ۱۴۷

داود قيصرى، ۱۴۸

دَحِيه كلبى، ۱۶۳

دختر امام حسين، ۹۴

دختر حسان بن اذينه، ۲۲۵

دختر نجم الدين ايوب، ۹۰

دخواريه، ۱۳۳

ص: ۲۶۰

دروزیه، ۳۳

درویش احمد پاشا، ۸۳

درویش پاشا، ۱۲۷

دکتر عقیف البهنسی، ۴۳

دماشق بن قالی بن مالک بن ارفخشد بن سام بن نوح، ۴۲

دوران ایوبی، ۲۳۸

دوران خلافت عبدالمک مروان، ۱۰۲

دوران خلافت عثمان، ۱۰۲

دوران زنگی ها، ۱۸۵

دوران عثمانی، ۱۴۹

دوران فاطمی ها، ۱۵۹

دوران محمود زنگی، ۴۴

دوران ممالیک، ۸۲

دوران ناصر، ۳۱

دوره ایوبی، ۱۵۱

دولت اخشیدی ها، ۴۳

دولت اشکانی، ۲۷

دولت ساسانی، ۲۷

ذوالجناحین، ۱۰۱

ذولاق لیثی مصری، ۵۲

را، ۲۱۵

رامون، ۶۰

رباب بنت امرء القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن علیم بن جناب، ۹۲

رژیمصهیونیستی، ۱۶۹

رسول ۹، ۱۶۲

رسول اللہ، ۴۹، ۹۵

رشاء بن نظیف بن ماشاء اللہ، ۸۵

رشدی پاشا، ۱۲۶

رضوان خراسانی ساعاتی، ۶۵

رقیه، ۱۸، ۱۹، ۴۷، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۷۵، ۸۱، ۸۹، ۹۴، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۶۳

رقیه، ۴۷

رقیه دختر صہباء، ۴۸

روم شرقی (بیزانس)، ۲۷

رومی، ۱۸۴

رومیان، ۱۷۴، ۱۸۱

رومی ها، ۴۱، ۱۷۳، ۱۸۹، ۲۰۰، ۲۰۹، ۲۳۸

رومیها، ۲۳۴

زبیدی، ۱۱۷، ۱۱۸

زبیر بن بکار، ۵۰، ۹۴

زکریا ۷، ۱۸۴

زنگیان، ۱۸۴، ۲۲۱

زنگیها، ۱۸۶

زهیر بن معاویه، ۹۵

زیاد، ۱۶۱، ۱۶۲

زیاد بن ابیه، ۱۶۱

زیاد بن امیه، ۸۱

زیاد بن سفیان، ۱۶۱

ص: ۲۶۱

زید، ۴۷

زید بن عمر، ۹۴

«زید بن واقد»، ۷۰

زین العابدین، ۹۵، ۹۶، ۹۸

زین العابدین شیروانی، ۴۲، ۷۰

زین العابدین شیروانی، ۱۴۴

زینب، ۱۸، ۱۹، ۳۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۶، ۶۳، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۷۶

زینبصغری، ۹۴

زینب کبری، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۹۴، ۱۸۰

ژوپیترا، ۶۰، ۱۳۷

ژوستینین، ۲۲۸

ساسانیان، ۲۲۵

سام بن نوح، ۲۲۵

سامی آموری، ۲۶

سبط بن جوزی، ۷۴، ۸۹

سپاه سعد بن ابی وقاص، ۱۹۶

سخاوی، ۵۲، ۱۴۷

سخاوی حنفی مصری، ۵۳

سرجیوبولیس، ۱۹۹

سردوس، ۷۰

سریانی، ۴۱

سعد، ۲۹

سعید القاسمی، ۴۵، ۱۲۸

سعید بن عامر بن حذیم، ۲۱۶

سفینه، ۲۱۶

سکینه، ۵۲، ۵۷، ۷۳، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۶۶

«سکینه» دختر رباب بنت امرء القیس، ۵۷

سلاجقه شام، ۱۸۹

سلجوقی، ۲۰۶

سلجوقیان، ۴۴

سلطان سلیمان شمس احمد پاشا، ۱۳۰

سلطان سلیمان عثمانی، ۱۵۸

سلطان سلیمان قانونی، ۱۲۹

سلطان سلیم اول، ۱۴۹، ۱۵۰

سلطان سلیم اول پادشاه عثمانی، ۱۴۹

سلطان سلیم عثمانی، ۱۳۰، ۱۴۹

سلطانصلاح الدین ایوبی، ۸۶

سلطان عبدالحمید عثمانی، ۱۲۶، ۱۷۸

سلطان قلاوون، ۲۲۱

سلطان ملكشاه سلجوقى، ٢٠٠

سلطان نجم الدين ايوب، ١٥٠

سلطان نورالدين محمود بن ابى سعيد زنگى بن سيف الدين، ١١٨

سلطان نورالدين محمود زنگى، ١٣٣

سلطان، ١٠٣، ٣٣

ص: ۲۶۲

سلوکوس، ۱۸۱

سلوکوس اول، ۲۰۹

سلوکیان، ۲۷

سلوکیه، ۲۰۹

سلوکیه (یونانیان)، ۱۸۱

سلیمان ب عبدالملک، ۶۳

سلیمان بن داوود، ۴۲

سلیمان بن عبدالملک، ۷۵، ۱۸۴

سلیمان» نبی، ۲۲۵

سمهودی، ۹۵

سمیر عبده، ۳۲

سمیساطی، ۸۸

سمیه، ۱۶۱، ۱۹۷، ۱۹۸

سنان پاشا، ۸۴

سوسیالیست های عرب، ۳۳

سون بن زینی حسینی، ۵۳

سهروردی، ۱۸۰

سهیل زکار، ۱۷۴

سید الشهداء، ۵۷

سیدالشہداء، ۹۵

سید حسن الامین، ۵۷

سید عبدالکریم سید علیخان، ۹۵

سید علی مکی، ۳۴

سید محسن امین، ۴۷، ۹۸

سید محمود مرعشی، ۵۱

سیف الدولہ، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۹۷، ۲۰۷

سیف الدولہ حمدانی، ۱۷۴

سیف الدولہ حمدانی، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹

سیف الدولہ حمدانی شیعہ، ۱۷۶

سیف الدین جقمق، ۸۹

سیف الدین قیمری، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۰

سیف بن فوارس قیمری، ۸۲

سینا، ۱۳۳

سیوطی، ۵۳

شام، ۶۸

شداد بن شرحبیل، ۲۱۶

شرحبیل بن اوس کندی، ۲۱۶

شرحبیل بن حسنہ، ۱۱۳

شریف تفتازانی، ۹۱

شريف مرتضى، ٤٧

شريك بن شداد حصرمى، ١٦٢

شعبه، ١٦١

شعرانى، ١٦٢

شكرى الغوتلى، ٣١

شمر بن ذى الجوشن، ٩٧، ١٧٥

شمس احمد پاشا، ٨٤

شمس الدين ابن قيم جوزى، ١١٣

شمس الدين انصارى مصرى، ٥٢

شمس الدين سخاوى، ٥٢

شمس الدين عثمان الذهبي، ١٠٦

شمعون الصفا، ١٨٨

شوقي شعث، ١٨٨

شيخ ابراهيم نصرالله، ١٧٥، ١٧٧

شيخ ابوالبيان محمد بن محفوظ القرشي، ١٠٧

شيخ ابو عمر بن قدامه مقدسي، ١٥٢

شيخ احمد قارى، ١٨٨

شيخ الاطباء، ١٣٥

شيخ الطائفة بيانيه، ١٠٧

شيخ تاج الدين حسنى، ٣١

شيخ رشا بن نظيف بن ماشاء الله، ٩٠

شيخ زكريا يحيى بن منصور مغربى، ١٨٩

شيخ شهاب الدين سهروردى، يحيى بن حبش بن اميرك، ١٧٩

شيخصالح البركه، ١٥٨

شيخ عباس قمى، ٥٣، ١٦٢

شيخ عبدالغنى نابلسى، ١٥٢

شيخ عقل، ٣٣

شيخ علاء الدين سمنانى، ١٤٧

شيخ محمد جواد بلاغى، ٤٧

شیخ مصطفیٰ، ۱۵۲

شیخ مفید، ۴۷

شیخ نصر اللہ خلخالی، ۵۸

شیروانی، ۱۴۶، ۱۴۷

صدام حسین، ۳۲

صدرالدین قونوی، ۱۴۸

صفایی و رجبی، ۳۲

صفدی، ۶۵

صفّہ، ۱۶۷

صلاح الدین، ۴۳، ۴۴، ۸۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰

صلاح الدین، ۲۲۰

صلاح الدین ایبکصفدی، ۲۰۱

صلاح الدین الصفدی، ۱۱۸، ۱۲۰

صلاح الدین المنجد، ۸۵

صلاح الدین المنجد، ۱۱۷

صلاح الدین ایبکصفدی، ۴۳

صلاح الدین ایبکصفدی، ۴۳

صلاح الدین ایوبی، ۱۸، ۳۰، ۴۴، ۸۸، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۷۹

صلاح الدین ایوبی، ۱۱۰، ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۰۱

صلاح الدین بن ایوب بن محمد بن شاذی بن مروان بن یعقوب تکریتی، ۱۱۷

صلاآ الءنصفءى؁ ١١٧؁ ١١٩

صلىبى؁ ١٨٢

صلىبى ها؁ ١٧٤؁ ١٧٩؁ ٢٠٩

صىفى بن شبل شىبانى؁ ١٤٢

ص: ٢٦٤

ضحاك، ٤٢

طايفه اوس، ١١٣

طبرسى، ٤٧، ٥١، ٩٤، ٩٥، ١٠٤

طبرى، ٣٠، ٧٤، ١٦٢

طوسى، ٤٧

عاد بن عوض، ٤٢

عادل نورالدين محمود زنگى، ٦٥

عاص، ١١٥

عايشه بنت الشاطى، ٥٠

عباده بنصامت، ٢٩

عباس، ٢٩، ٤١، ٤٧، ٥٠، ٧٥، ٩٧، ٩٨، ١٠٨، ٢٠٠

عباس بن على، ٩٧

عباس قمى، ٧٥

عباسى، ٢٠٦

عباسيان، ٤٣، ١٢٨

عبدالحميد عثمانى، ٢١٤

عبدالرحمان، ٢١٤

عبدالرحمان بن احمد بن عطيه دارانى، ١٦٥

عبدالرحمان بن حسان، ١٦٢

عبدالرحمان بن عبدالحكم مصرى، ٥٢

عبدالرحمان سيوطى، ٥٣

عبدالرحمن بن عميره مزنى، ٢١٦

عبدالرزاق كاشانى، ١٤٨

عبدالرزاق مكرم، ٤٧، ٥١، ٩٤، ٩٥

عبد الرزاق موسى المكرم، ٩٧

عبدالعزيز بن محمد البرزى، ١٥٩

عبدالعليصاحبى، ١٠١، ١٧٧

عبدالقادر مقرزى، ٥٢

عبدالله، ٢٦، ٢٨، ٤٧، ٤٨، ٥٠، ٥٤، ٥٦، ٩٦، ٩٩، ١٠٠، ١٠١، ١٠٤، ١٠٥، ١٠٧، ١٠٨، ٢١٥

عبدالله اكبر بن عقيل، ٩٤

عبدالله باهر، ٩٦

عبدالله بن امّ مكتوم، ١٠١

عبدالله بن بسرمانى، ٢١٦

عبدالله بن ثوب خولانى، ١٦٥

عبدالله بن جعفر، ٤٧، ١٠٠، ١٠١

عبدالله بن جعفر بن ابى طالب ٧، ٥٠

عبدالله بن حسن ٧، ٩٢

عبدالله بن حنظله غسيل الملائكة، ٥٢

عبدالله بن زبير، ٥٤، ١٦٣

عبدالله بن سفيان ازديصحابي، ٢١٦

عبدالله بن عباس، ٩٥

عبدالله بن عقيل، ٩٩

عبدالله بن علي، ٩٨

عبدالله حجاز، ١٧٦، ١٧٧، ١٨٦

عبدالمملك بن مروان، ٦١، ١٠٢، ١١٦، ١٧٦

عبدالمملك مروان، ١٨٩

عبدالمنعم عبدالله عامر، ٢٨

عبداله حجاز، ١٨١

ص: ٢٦٥

عبدمناف، ١٩٥

عبرانيان، ٤١

عبيدالله، ٩٧، ٢١٤

عبيدالله، ١٦١

عبيدالله ابن زياد، ٩٥

عبيدالله بن زياد، ٥١

عبيدالله بن عمر، ٢١٤

عبيدلى، ٥١، ٥٢

عثمان، ٢٩، ٣٠، ٥٢، ٧٢، ٧٦، ١٠٢، ١٠٣، ١٩٥، ١٩٨

عثمان بن على، ٩٩

عثمان پاشا، ٦٥

عثماني، ١٨، ٣٠، ٤٥، ٦٧، ٧٢، ٧٨، ٨١، ٨٣، ٨٤، ٨٨، ١١٧، ١٢٠، ١٢٣، ١٢٦، ١٢٧، ١٢٨، ١٣٠، ١٤٩، ١٥٧، ١٥٨، ١٧٤، ١٨٢،

١٨٩، ١٩٠، ٢٠٨، ٢١٥

عثمانيها، ١٧٦

عدنان الملوحي، ٣١

عرب، ٢٦

عزالدين محمدصيادى شافعى، ٥٣

عزيز، ٤٤

عزيزه الدين خاتون - دختر ملك قطب الدين ماردىنى، ١٥٢

عظیمی حلبی، ۱۴۶

عقیف البهنسی، ۲۶، ۱۷۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۲۰

عقیله بنی هاشم، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۶

علامه حسنین سابقی، ۵۳

علّامه بحر العلوم، ۵۳

علاءالدین طنبا امیر مملوکی، ۱۸۶

علوی، ۲۱۳

علویان، ۳۳

علی، ۲۹، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۷۳، ۱۰۴، ۱۶۰

علی ۷، ۴۷، ۱۶۲، ۱۹۸

علی اکبر، ۹۸

علی بن ابی بکر، ۹۹

علی بن ابی طالب، ۱۸۴

علی بن حسین بن هبه الله بن عبدالله، ۱۰۶

علی سلطان، ۳۰

عمادالدین ابن کثیر، ۱۱۱

عمادالدین ابو عبدالله دینسری، ۱۳۶

عمار، ۱۹۷

عمار بن یاسر، ۳۳، ۱۰۲، ۱۹۵، ۱۹۷

عمار بن یاسر بن مالک بن کنانه، ۱۹۷

عماليق، ١٧٣

عمر، ٢٩

عمر بن خطاب، ٤٧، ٤٨، ٥٣، ٥٤، ١١٦، ١٦٦، ٢١٣

ص: ۲۶۶

عمر بن خطاب، ۱۰۰

عمر بن سعد، ۹۴، ۹۷

عمر بن عبدالعزیز، ۴۳، ۶۳، ۶۷، ۷۵، ۸۸، ۱۸۹، ۲۱۵

عمر بن علی، ۹۹

عمرو بنصلاح حلبی، ۱۷۸

عمرو بن عاص، ۲۷

عمرو بن عبسه، ۲۱۵

عموی حضرت ابراهیم، ۴۲

عون، ۵۰، ۱۰۱، ۱۰۴

عون اکبر، ۵۰

عویمر بن مالک بن زید، ۱۰۳

عیاض بن غنم، ۱۹۶

عیاض بن غنم فهری، ۱۷۴

عیسی، ۷، ۶۷، ۷۰، ۱۴۳، ۱۵۹

عیسی، ۱۴۵

غازان خان، ۴۵

غلام ایرانی پیامبر خدا، ۲۱۶

غلام حضرت ابراهیم به نام دماشق، ۴۲

فارس دارقیو، ۱۳۶، ۱۶۷

فاطمه، ۴۷، ۴۸، ۵۷، ۷۳، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۴، ۱۷۷

فاطمه» دختر امّ اسحاق بنت طلحه بن عبیداللّه، ۵۷

فاطمه‌صغری، ۹۴

فاطمه زهرا، ۴۸

فاطمه‌صغری، ۹۶

فاطمیان، ۴۳

فاطمی ها، ۱۷۵

فتال نیشابوری، ۷۴

فخر الدین عراقی، ۱۴۸

فخر بن عساکر، ۱۱۱

فدائیان اسماعیلی، ۲۰۷

فرامرز زیارودی، ۲۴

فرانسویها، ۲۲۹

فرقه سعديه، ۸۳

فرقه نُصَیریّه، ۲۱۳

فریدون العجمی ایرانی، ۹۱

فضل بن‌صالح بن علی العباس، ۶۴

فضه نوبیه، ۱۰۴

فهری زنجانی، ۵۵، ۵۸، ۶۸، ۱۰۴، ۱۴۸

فیروزآبادی، ۱۴۸

فیصل بن حسین، ۳۰

فیلیپ، امپراطور روم، ۲۳۸

فینیقی ها، ۴۱، ۲۲۰

قایل، ۶۵

قاسم بن الحسن، ۹۸

قاسم بن محمد بن جعفر طیار، ۵۰

قاضی بدرالدین بن هرمز، ۸۲

قاضی سلامه قضاعی، ۵۲

ص: ۲۶۷

قاضی نوراللہ شوشتری، ۱۴۸

قیصہ بنصیعه عیسی، ۱۶۲

قبیلہ «حَدَدُ»، ۶۰

قبیلہ خزرج، ۱۶۶

قبیلہ کنده، ۹۷، ۱۶۰

قبیلہ هوازن، ۹۷

قتیبه شهابی، ۵۸، ۶۸، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۹۱، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۰

قتیبه شهابی، ۸۲

قراطمه، ۴۳

قرشی الدمشقی، ۱۱۱

قریش، ۱۲۵

قزوینی رازی، ۴۷

قلقشندی، ۷۵

قنبر غلام امام علی، ۲۱۶

قتیبه شهابی، ۱۲۳، ۱۲۶

قیسی ها، ۲۹

کامل غزی، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۱

کثیر بن مره حضرمی، ۲۹

کدام بن حیان، ۱۶۲

کردعل، ۱۳۶

کردعلی، ۱۵۱، ۱۸۴

کردها، ۱۹۶

کعب الاحبار، ۲۱۶

کلبی ها، ۲۹

کلدانی، ۴۱

کلینی، ۴۷

کَمونَه حسینی، ۱۰۱

کمونَه حسینی، ۱۰۸، ۱۷۷

کمونَه حسینی، ۱۰۱

کَنَاز الصَّحابی، ۱۶۷

کنعان، ۲۵

کورانی، ۱۴۸

گلادیاتورها، ۲۳۵

گنجی شافعی، ۴۷

گورباچف، ۱۴۸

لطیفه محمد سالم، ۴۴

لودی ها، ۴۱

لوط ۷، ۱۴۳

لوط، ۱۴۵

ماجد اللحام، ٣٣، ٤١

مادرش، ١٤٥

مادر مریم، ١٤٣

ماهان، ٢٨

مجلسی، ٧٥، ٩٢، ٩٤، ٩٧، ٩٨

محب الدین طبری، ٤٧

محب طبری، ٥٣، ٩٤، ١٠٠

ص: ٢٦٨

محدث قمی،، ٥٣

محرز بن شهاب فہری، ١٦٢

محسن، ١٧٧

محسن الأمين، ٣٤، ٥٨

محسن امین، ٤٨، ٩٣

محسن امین عاملی، ٥٤، ٥٥

محسن بن الحسین، ١٧٨

محمد، ٥٠، ١٠١، ١٨٤، ٢٢٥

محمد، ٩٦

محمد احمد، ١٤٣

محمد احمد دھمان، ١٤٣، ١٥٩

محمد اصغر، ٥٠

محمد بن ابی بکر، ٥٠، ١٠٤

محمد بن اشعث کندی، ٩٧

محمد بن جریر بن رستم طبری، ٤٧

محمد بن جریر طبری، ٥٧

محمد بن عبدالکریم، ٦٥

محمد بن عبداللہ ازدی، ٢٨

محمد بن عبدالوہاب، ١١٣

محمد بن عقيل، ٩٤، ٤٨

محمد بن علي، ٩٩

محمد بن علي العظيمي الحلبي، ١٦٦

١٤. محمد بن مسلم، ٩٩

محمد پاشا بن مصطفى العظم، ١٢٦

محمد حسين روحاني، ٣٣

محمد راغب الطباخ الحلبي، ١٧٤، ١٨٤، ١٨٦

محمد زكي ابراهيم، ٥١، ٧٥، ١٠٨، ١١٢

محمد سليم الجندی، ١٩٠

محمد علي پاشای مصری، ٢٠٥

محمد كرد علي، ٢٥، ٢٦، ٨٥، ٩٠، ١٢٢، ١٤٩

محمد محمد نرسی الشیخ، ٤٥

محمد هاشم خراسانی، ٤٧

محمود شبستری، ١٤٨

محمود كلام، ٣٢

محمود محبوب، ٢٤

محي الدين ابوالفرج يوسف بن عبدالرحمان بن جوزي، ٨٩

محي الدين بن عربي، ١٤٨

محيي الدين، ١٤٨

محيي الدين ابن عربي، ١٤٨

مدحت پاشا، ۱۲۷

مراد پاشا، ۸۳

مرتضی، ۵۸

مروان بن حکم، ۴۳، ۱۶۳

مروانیان، ۴۳

مریم، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۸۰

مسعودی، ۴۲، ۶۵، ۶۷، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۹۵، ۱۹۸

مسلم، ۶۹

ص: ٢٦٩

مسلم بن عقبه، ٥٤

مسلم بن عقيل، ٤٨

مسلمه بن مخلد، ٥٢

مسلمه بن مخلد حاكم، ٥٢

مسيحي، ٢١٣

مصحف عثمان، ٧٨

مصريان، ١٧٤

مصري ها، ١٧٣

مصعب بن زبير، ٥٧، ٩٢

مصعب بن عبدالله زبيري، ٤٧، ٩٤

مصعب بن عبدالله زبيري، ٥٠

مطيع الحافظ، ٦١، ٦٢، ٦٥، ٧٢، ٧٨، ٨٨

مظفر الدين كوكبوري - داماد صلاح الدين، ١٥٢

معاذ بن جبل، ٢٩، ١١٣

معاويه، ٢٩، ٤٣، ٦١، ٦٦، ٦٧، ٦٩، ١٠٢، ١٠٣، ١١٤، ١١٥، ١٢٨، ١٢٩، ١٦٠، ١٦١، ١٦٢، ١٩٥، ١٩٧، ١٩٨، ٢١٣، ٢١٥

معاويه دوم، ٤٣

معاويه بن ابى سفيان، ١٦٠

٢. معاويه بن يزيد بن معاويه (معاويه ثاني)، ١١٥

معاويه بن يزيد بن معاويه بن ابوسفيان، ١١٥

معجم البلدان، ٢١٤

معروف بن جمر، ١٨٠

مغول، ٤٤، ٤٥، ٧٠، ٨٩، ١١٢، ١٧٤، ١٨٢، ١٨٤، ١٨٧، ١٨٨، ١٨٩، ١٩٧، ٢٠٨

مغولان، ١١٢

مقداد، ٣٣

مقدسی، ٢٦، ١٩٧

مقریزی، ٧٥

ملاصدرا (صدرالمتألهین)، ١٧٩

ملاهادی سبزواری، ١٧٩

ملقب به شهید، ٨٦

ملک اشرف قلاوون، ٢١٤

ملک اشرف موسی، ١١٩، ١٥١

ملک اشرف موسی ایوبی، ٨٢

ملکصالح نجم الدین ایوب، ١٢٤

ملک ظاهر الدین بیبرس، ١٧٨

ملک ظاهر بندقداری، ٢١٤

ملک ظاهر بیبرس، ٤٤، ١٢٩، ١٣٣، ١٨١، ١٨٨، ٢١٩

ملک ظاهر بیبرس، ١٨٠

ملک ظاهر بیبرس بُندقداری، ٨٧

ملک ظاهر بیبرس بُندقداری، ١١٩

ملک عادل، ۴۴، ۸۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۲۰۱

ملک عادل ابوبکر بن ایوب، برادر سلطان

ص: ۲۷۰

صلاح الدين ايوبى، ۱۱۷

ملك عزيز، ۸۸

ملك ناصر بن ملك العزيز، ۱۵۱

ملك نورالدين شهيد، ۱۳۳

ملكه ابيض، ۲۱۳

مماليك، ۱۸، ۴۴، ۶۴، ۷۲، ۷۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۵۰، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۰۶، ۲۳۸

منصور بن قلاوون، ۱۸۵

منصور - خليفه عباسى، ۱۹۶

منصور عباسى، ۶۴

منگلى بگا، ۱۸۶

موسى، ۶۷، ۱۴۵

موسى ۷، ۱۴۳

مولوى بلخى، ۱۴۸

مونه حسينى، ۲۱۶

مهدوى دامغانى، ۷۴

مهران بن فروخ، ۲۱۶

ميديون، ۴۱

ميرزا بابا مستوفى گيلانى، ۵۸

ميرزا تقى بهبهانى، ۵۴

میرزا حسین نوری، ۵۳

میرزا علی اصغر خان امین السلطان، ۵۸

میمونه دختر امام حسن، ۱۰۵

نابلسی، ۱۴۸

ناپلتون بناپارت، ۳۰

ناصرالدین شاه، ۵۸، ۵۹

ناظم پاشا، ۲۱۴

ناکفور فوکاس، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۰۷

نایب سلطان، ۷۶

نجدت خماس، ۲۵، ۲۶، ۲۹

نجم الدین اللبودی، ۱۳۶

نجم الدین شعرانی، ۲۰۷

نجم الدین لبودی، ۱۳۳

نصرالدین البخره، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۹، ۱۴۳

نصر الدین البخره، ۱۳۷

نصر بن مزاحم المنقری، ۱۹۵

نعیمی، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۹۰

نقیسه، ۴۸

نقشبندیه، ۸۳

نمرود، ۴۲

نورالدين، ۱۱۸

نورالدين زنگى، ۱۳۷

نورالدين زنگى شهيد، ۱۱۷، ۱۲۴

نورالدين زنگى شهيد، ۱۷۸

نورالدين زنگى شهيد، ۱۸۳

نورالدين شهيد، ۱۲۳، ۱۳۴

نورالدين محمود بن زنگى، ۱۸۳

نورالدين محمود زنگى، ۱۸، ۴۴، ۶۵، ۸۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۰۰، ۲۰۶

ص: ٢٧١

٢٠٩، ٢١٠

نورالدّين محمود زنگي، ٨٦

نويري، ٢٩، ٤٢، ٧٤، ٧٥

واقدي، ٢٨، ٢٩، ١٩٧

وليد، ٢٧، ٢٨، ٤٣، ٤١، ٤٢، ٤٣، ٤٤، ٤٦، ٤٩، ٧٠، ٧٣، ٩٥، ١١٦، ١٣٤، ٢١٣، ٢١٤، ٢١٥، ٢٢٦

وليد بن عبدالملك، ٤٣، ٤٢، ٧٠، ١٣٤

وليد بن عبدالملك، ٤٣

وليد بن عبدالملك اموي، ١٨٤

وليد بن عبدالملك بن مروان، ١١٦

وليد بن عتبه بن ابي سفيان، ١١٦

وليد بن مسلم، ٧٠

هايليل، ٤٥، ١٤٣، ١٤٤، ١٤٥، ١٥٧

هارون، ١٩٦

هارون عباسي، ١٩٧

هاشم الاتاسي، ٣١

هاشم معروف الحسيني، ٩٨

هراكليوس، ٢٨

هرقل، ٢٨

«هرودوت»، ٢٥

هزیزانی، ۲۳۵

هشام بن عبدالملک، ۲۰۰

هشام بن عبدالملک اموی، ۱۹۹

هلاکو خان مغول، ۴۴، ۸۹

هلال بن حرث، ۲۱۶

همسر عبدالله اصغر بن عقیل، ۴۸

همسر عبدالله بن جعفر، ۴۸

همسر مسلم بن عقیل، ۴۸

همو، ۴۳

هود، ۱۱۴

هود بن جلود بن عاد، ۶۸

هولاکو، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۸

هیشم گیلانی، ۳۱

هیشم گیلانی، ۳۲

هیرو گلیفی، ۴۱

یاسر، ۱۹۷

یاقوت حموی، ۲۴، ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶

۲۲۱، ۲۲۶، ۲۳۸

یحیی، ۵۰، ۱۰۴، ۱۸۰

یحیی بن زکریا، ۱۴۵

يزيد، ٥١، ٥٢، ٩٥

يزيد بن ابي سفيان، ٢٧

يزيد بن ابي سفيان، ٢٩

يزيد بن عبدالملك، ١٠٣

يزيد پسر ابوسفيان، ٢٩

ص: ۲۷۲

یقطان بن عامر، ۴۲

یوسف بن عبدالهادی، ۵۸، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۴۶

یوسف جمیل نعيسه، ۴۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۵۰

یوسف نعيسه، ۴۳، ۴۴، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۹

یونان، ۲۳۸

یونانیان، ۱۷۴

یونانی ها، ۴۱، ۱۷۳

۱- فهرست اماکن

شام، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶

دمشق، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴

۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸،
۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴،
۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۶،
۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸

، ۶۶، ۲۲۲

آرامگاه حضرت زکریای نبی، ۷، ۱۸۰

آسیا، ۲۳، ۲۶

آسیاب های آبی، ۲۰۹

آق بای، ۶۸

آلمان هیتلری، ۳۱

ابراهیم قونوی، ۱۱۰

ابن المحدث، ۱۱۱

ابن تیمیه، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

ابن حورانی دمشقی، ۱۰۷

ابن رجب حنبلی، ۱۰۶

ابن عساکر، ۱۰۶

ابن عمری، ۶۳، ۶۵

ابن قیم جوزی، ۱۰۶

ابن کثیر دمشقی، ۱۱۱

ابن مالک نحوی، ۱۰۷

ابن منظور، ۹۲

ابن هشام نحوی، ۱۰۶

ابوالحسن بن علی بن ... امام زین العابدین ۷، ۱۰۷

ابوالقاسم بن محمد بن الحسن ۷، ۱۶۴

ابو عمرو بنصلاح، ۱۱۰

احد، ۱۷، ۱۸، ۴۲، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۸۵، ۹۰، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۶۸، ۱۷۸، ۱۸۶

احسان اسلامی جعفری، ۱۷۷

احمد بن بدرالدین، ۱۱۰

احمد دهمان، ۸۷

اذلب، ۲۴

ادلب- حماه، ۱۸۹

ارادوس:، ۲۲۰

اردن، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۱۴۶

ارم ذات العماد، ۴۱

اریحا، ۴۱

استان حوران، ۱۶۸

اسدالدین محمد شیره کوه، ۱۲۰

اسد پاشای عثمانی، ۱۴۹

اسرائیل، ۳۱، ۳۲

ص: ٢٧٤

اسراى، ٤٤

اسكندريه، ١٩٨

اسماء بنت عميس، ١٠٥

افاميه، ٢٠٨

افسوس، ١٤٤

اكرم العلبى، ٤٤، ٧٢، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٨٧، ١٢٣، ١٢٤، ١٢٤، ١٣١، ١٣٢، ١٣٣

الاربعين، ١٤٤، ١٤٥، ١٤٦

البدايه والنهايه، ١٦٦

البسه، ١٢٩

الثغور، ٢٥

الخيلى، ١٣١

السجن، ٧٦

الطويله، ١٢٧

العروس، ٤٨

الفجر، ١٦٨

المزّه، ١٦٣

المسكيه، ٤٤

النعمان، ٢١٥

أم الحسن، دختر حمزه بن جعفر الصادق ٧، ١٠٨

امّ حبيبه، ۱۰۵

امّ سلمه، ۱۰۵

امّ كلثوم، ۹۳

امّ كلثوم، ۹۵، ۱۰۱

ام كلثوم، ۱۰۰

امّ كلثوم صغرى، ۹۳

امّ كلثوم كبرى، ۴۸

امّ كلثوم كبرى - همسر عمر بن خطاب مادر زید، ۵۳

اندلس، ۱۴۸

انطاكيه، ۳۳

انگليس، ۳۱

اور، ۱۵۹

اورشليم، ۱۸۰

ایران، ۱۸، ۱۹، ۳۲، ۴۷، ۵۵، ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۷۹، ۲۰۹، ۲۲۵

ایله، ۲۴

ایوانصفه، ۱۰۲

ایوبیان، ۱۷۹

باب، ۶۶، ۶۷

«باب الاسدين»، ۱۸۲

باب الجايه، ۹۱، ۱۲۱، ۱۲۴

باب الجراكسه، ١٨٥

باب الجناز، ١٢٤

باب الجنان، ١٨٤

باب الحديد، ١٢٤، ١٢٨

باب الحميديه، ٦٧

«باب الحيات»، ١٨٢

باب الخلفاء، ٦٧

ص: ٢٧٥

باب الزيادة، ٦٧

باب الساعات، ٩٧، ٦٧، ٦٥

باب السرّ، ١٣١

باب السلام، ١٢٣، ١٢٤، ١٢٥

باب الشرقي، ١٢١، ١٢٥

باب الصغير، ٧٥، ٨٣، ٨٤، ٩١، ٩٢، ٩٦، ٩٧، ٩٨، ١٠٠، ١٠١، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٥، ١٠٧، ١١٤، ١١٦، ١٢١، ١٢٣، ١٦٦

باب الصغير، ٩٥، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٦، ١٠٧، ١١٠، ١١٥، ١١٦

باب الصغير الأولى، ١٠٦

باب العماره، ٦٦، ٦٧

باب العماره، ١٢٣

«باب الفراديس»، ٥٧

باب الفراديس، ٥٧، ٥٩، ٦٧، ٧٥، ٨١، ١٢٣، ١٢٤، ١٢٨

باب الفرج، ١٢٤، ١٧٩

باب القصر، ٧٤

باب القوافين، ٦٧

باب الكعبه، ٤١

باب المساميره، ١٨٥

باب الناطفين، ٦٧

باب الناطفين، ٨٩

باب النحاسين، ١٨٥

باب النصر، ١٢٤

باب توما، ٣٤، ٤١، ٨٠، ١١٣، ١١٤، ١٢٢، ١٢٣، ١٢٥

باب جيرون، ٧٨

باب دارالسعادة، ١٢٤

باب ساعات، ٧٨

باب سوق الطيبه، ١٨٥

باب شرقي، ٨١، ١١٣، ١١٤، ١٢٢، ١٢٤، ١٣٤

باب علي ٧، ١٩٦، ١٩٧، ١٩٨

باب كيسان، ١٢٤، ١٣٦، ١٣٧

بابل، ١٨٠

(باديه الشام)، ٢٣

باروا، ١٧٤

بازار «اليزوريه»، ٩١

بازار العماره، ٨٩

بازار «المناخليه»، ١٢٤

بازار حميديه، ٤٧، ٤٨، ٨٢، ٨٣، ٨٤، ٨٧، ٩٠، ١١٨، ١٢٠، ١٢٦، ١٢٧، ١٣٥، ١٣٨

بازار خياطين، ١١٨

بازار مدحت پاشا، ١٢٥، ١٢٧

بازار و ميدان حميديه، ١٣٢

باغ ارم، ۴۲

بانیاس، ۲۴

ص: ۲۷۶

«بَرْدِي»، ۱۵۹

برزه، ۱۴۳

بشري، ۲۳

بُصْرِي، ۲۸، ۷۸، ۲۳۳

بصري، ۲۰۷، ۲۳۸

بعلبک، ۷۰، ۱۱۷، ۱۵۸

بغداد، ۲۳۸

بقعاث، ۱۶۸

بقعه مقام رقيه، ۵۸

بقيع، ۵۳، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۶۴، ۱۹۹، ۲۱۵

بندر، ۲۲۱

بنی اسرائیل، ۲۴

بهلول، ۱۰۷

بيت المقدس، ۲۸، ۱۱۷

بيت المقدس، ۷۰، ۱۱۹، ۱۴۴

بيت رامون، ۴۱

بيروت، ۳۰، ۱۵۷، ۱۷۵

بیمارستان ارغونی، ۱۸۷

بیمارستان دو طبقه جولان، ۱۶۹

بیمارستان عسکری (نظامی)، ۱۳۵

بیمارستان قیمری، ۱۳۵، ۱۵۰

بیمارستان قیمریه، ۱۵۰

بیمارستان نوریه، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۸۶، ۲۰۹

بیمارستان ولید بن عبدالملک، ۱۳۴

بین السویقه، ۸۱

پالمیرا، ۲۲۵

تبوك، ۲۷

تپه ای به نام «صراع»، ۱۶۸

تپه جوشن، ۱۷۶

تدمر، ۲۲۷

تراکونیت، ۱۶۸

ترکیه، ۲۳، ۳۱، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۶، ۲۰۰

ترکیه کنونی، ۱۱۲

تکریت عراق، ۱۱۷

تکیه سلیمانیه، ۱۲۹، ۱۳۰

تکیه سلیمیه، ۱۳۰، ۱۴۹

تکیه سلیمانیه، ۱۲۹

تکیه شمس احمد پاشا، ۱۳۰

تکیه مولویه، ۱۳۰

تل، ۲۲۰

تمسقو، ۴۱

توارن شاه، ۹۰

توران شاه، ۱۲۰

توران شاه بن ایوب، ۱۲۰

جامع، ۱۳۰، ۱۴۸

«جامع ابراهیم ۷»، ۱۵۹

جامع ابن، ۱۸۶

جامع ابی الفداء، ۲۰۶

ص: ٢٧٧

جامع الاعلى، ٢٠٦

جامع الافرم، ١٥١

جامع الحمادى، ٨٠

جامع الحميديه، ١٢٦

جامع العمرية، ١٢٨

«جامع القدم»، ١٥٨

جامع الكبير، ١٨٤

جامع النطافين، ١٢٨

جامع اموى، ٢٩، ٥٩، ٦١، ٦٢، ٦٤، ٦٦، ٦٩، ٧٠، ٧١، ٧٢، ٧٣، ٧٦، ٧٧، ٧٨، ٨٠، ٨٢، ٨٦، ٨٧، ٨٨، ٨٩، ٩٠، ١١٤، ١١٥، ١١٦،
١١٧، ١١٨، ١١٩، ١٢٠، ١٢٤، ١٢٦، ١٢٨، ١٢٩، ١٣٢، ١٣٣، ١٣٥، ١٣٨، ١٤٤، ١٨٠، ١٨٤، ١٨٥، ٢١٤

جامع باب المصلى، ٨٠

جامع توته، ١٨٥

جامع حسنين، ٢٠٦

جامع حميديه، ٨٤

جامع خالد بن وليد، ٢١٥

جامع خراطين يا مدرسه سيائيه، ١٢٧

جامع دباغه، ١٨٦

جامع درويش پاشا، ١٢٧

جامع درويشيه، ٨٣، ٨٤، ١٢٠

جامع رومی، ۱۸۶

جامع زکی، ۱۸۶

جامع سنانیہ، ۸۴

جامع سیبائیہ، ۱۲۷

جامع سیبائیہ، ۸۳

جامع شعبیہ، ۱۸۵

جامع شیخ عبدالغنی نابلسی، ۱۵۲

جامعصغیر، ۱۸۳

جامع طنبنغا، ۱۸۶

جامع طیار، ۲۱۵

جامع عمری، ۱۸۵

جامع عُمری، ۲۳۶

جامع غضائری، ۱۸۵

جامع فتحیہ، ۸۲

جامع قیمریہ، ۸۲

جامع کبیر، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۸، ۲۰۶

جامع واردانیہ، ۹۱

جامع مبرک یا ناقہ، ۲۳۷

جامع محیی الدین، ۱۴۹

جامع مظفریہ، ۱۵۲

جامع مقامات، ۱۸۶

جامع منجك، ۸۱

جامع نقشبنديه، ۸۳

جامع نوري، ۲۰۶

جامع و قبور فرزندان جعفر طيار، ۲۱۵

جامع و مسجد محله محي الدين بن عربي، ١٥١

جامع و مقبره خالد بن وليد، ٢١٤

جامع و مقبره عمر بن عبدالعزيز، ٢١٥

جامع و مقبره محيي الدين ابن عربي، ١٤٧

جامع هشام، ٨٢، ١٢٧

جامع يا مقبره اسامه بن زيد، ١٦٤

جبل الدرروز، ٢٣

جبل دروز، ٣٣

جبل سمعان، ١٨٩

جبل شيخ، ٢٣، ١٦٨

جبله، ٢٢٢

جرا بلس، ١٩٠

جزيره، ٢٩، ١١٨

جسر الابيض، ١٥٢

جقمقيه، ٨٩، ٩٠، ١٢٠

جَلِقْ، ٤١

جلولاء، ١٦٠

جمهوري اسلامي، ٣٢، ٥٥، ٥٨، ١٦٣، ١٩٨

جنگ بدر، ١٩٥

جنگصفین، ۳۰، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۱۵

جنگ نهروان، ۱۶۰

جنگهای جمل وصفین، ۱۶۰

جنگ هایصلیبی، ۱۸، ۲۵، ۸۶، ۸۷، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۱

جوشن، ۱۷۵

جوعیه، ۱۴۵

جولان، ۳۲، ۱۶۸

حبشه، ۵۰، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴

حجاز، ۱۱۸

حجر بن عدی، ۸۱، ۱۶۰، ۱۶۱

حدیبیه، ۴۹

حران، ۱۱۲

حرم حضرت رقیه، ۷۵، ۸۱، ۸۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳

حرم حضرت زینب، ۵۴

حرم مطهر حضرت زینب، ۵۵

حزب کمونیست، ۳۳

حسام الدین، ۹۰

حسکه، ۲۴

حسن ابراهیم حسن، ۶۳

حسن بن عبدالله بن ... عمر بن علی، ۷، ۱۰۷

حصن سليمان:، ٢١٩

حصن طرطوس، ٢٢٠

حضرت رقيه، ٥٩

حضرت زينب، ٥٤

حضرت عيسى، ٧، ١٥٩

حضرت هود، ٦٨، ٦٩

حضرت موت، ١١٨

ص: ٢٧٩

حکمت اشراق، ١٧٩

حلاویه، ١٨٨

حلب، ٢٤، ٤٤، ٤٥، ٧٠، ١١١، ١١٨، ١٤٤، ١٤٦، ١٧٣، ١٧٤، ١٧٥، ١٧٦، ١٧٧، ١٧٩، ١٨٠، ١٨١، ١٨٢، ١٨٤، ١٨٥، ١٨٦، ١٨٧،
١٨٨، ١٨٩، ١٩٠، ١٩٦، ٢٠٠، ٢٠١، ٢٠٥، ٢٠٧، ٢١٣، ٢١٥

حَلَب، ٢٤

«حلبا و حلباس»، ١٧٣

«حلب - حماه»، ١٩٠

حلوان، ١٧٤

حمام جوهری، ١٨٧

حمام زهور، ١٥١

حمام ظاهریه، ١٣٣

حمام نورالدین شهید، ١٣٣

حمام یلبغا (ناصری)، ١٨٧

حَمَاه، ٢٤

حماه، ٢٠٨

حماه، ٢٤، ١١٨، ١٩٠، ٢٠٥، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٣

حمزه بن اسد بن قلانسی، ١٥١

حمص، ٢٤، ٢٧، ٢٨، ٢٩، ٤٢، ٧٠، ١١٨، ١٢٠، ١٤٤، ١٧٣، ١٩٦، ٢٠٥، ٢١٣، ٢١٤، ٢١٥، ٢١٩، ٢٢٠، ٢٢١، ٢٢٥

حُمص، ٢٤، ٢٩

حميده دختر مسلم بن عقيل، ١٠٥

حنفيه، ١١٠

حوران، ١٦٦

حي الانصاري، ١٧٦

خابور، ٢٣

خارج باب شرقي، ١١٣

خان الدكه، ١٢٧

خان الدكه و سوق الصدف، ٨٢

خان الزيت، ١٢٧

خان جقمق، ١٢٧

خان سليمان پاشا، ١٢٧

خانقاه احمديه، ٨٤

خانه «امير تنكز»، ١٢٨

خانه عمر بن عبدالعزيز، ٦٧

خديجه دختر امام زين العابدين ٧، ١٠٧

خراسان، ٦٥

خيابان المزه، ١٥٧

خيابان ملك فيصل، ١٢٨

خيابان «ميدان»، ٨٣

دارالاماره، ١٨٣

دارالاماره معاويه، ١٢٨

دارالحديث الأشرفيه، ١١٩

دار الحديث الأشرفيه البرانيه، ١٥١

ص: ۲۸۰

دار الحديث القلانسيه، ۱۵۱

دار الحديث الناصريه، ۱۵۱

دارالحديث نوريه، ۱۱۸

دارالقرآن افريدونيه، ۹۱

دارالقرآن الاسعريه، ۹۱

دارالقرآن الرشائيه، ۹۰

دارالقرآن تفتازانيه، ۹۱

دارالقرآن تنكز، ۱۳۰

دارالقرآن تنكزيه، ۹۱، ۱۱۲

دارالقرآنصابونيه، ۹۰، ۹۱

دارالكتب الظاهريه، ۸۷

داريا، ۳۴، ۹۴، ۱۰۰، ۱۶۵، ۱۶۶

دجله، ۲۳

دَرعا، ۲۴

دروازه اصلي و تاريخي شهر، ۲۳۴

درويش پاشا، ۱۲۰

درويشيه، ۸۳، ۸۴، ۱۲۰، ۱۲۷

دريای روم، ۲۴

دريای مدیترانه، ۲۳، ۲۴

دماسکو، ۴۱

دوره بیزانس، ۱۹۹

«دُوسر»، ۲۰۰

دولت های عرب شام، ۴۱

دوما، ۱۲۲

دیار بکر، ۱۹۸

دَیر الزُّو، ۲۴

دیر الصلیب، ۲۰۹

دیر سمعان، ۲۱۵

دیر لاتین، ۸۰

دیر و کلیسای بُحیرای راهب، ۲۳۶

دینسریه، ۱۳۴

دیوار قدیمی رقه، ۱۹۶

رابعه العدویه، ۸۲

راسابا، ۱۹۹

«رافقه»، ۱۹۵

رافقه، ۱۹۶

راوییه، ۵۴

راوییه، ۴۹

رأس الحسین ۷، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸

رأس محمد بن ابي بكر، ١٠٨

رأس يحيى ٧، ٧١، ٧٨

رجيب، ١٤٦

رصفه هشام، ١٩٩

رَفْح، ٢٤

رَقَّة، ٢٤

رَقَّة، ٢٤، ٣٠، ١٨١، ١٩٥، ١٩٦، ١٩٧، ١٩٨، ١٩٩، ٢٠٠

رَقَّة واسط، ١٩٦

رَقَّة البيضاء، ١٩٦

رَقَّة السوداء، ١٩٦

ص: ٢٨١

«العاصي»، ٢٠٧

رودخانه فرات، ١٩٥

رودخانه يزید، ١٥١

رودخانه دجله، ١٦٥

روم، ٢٤، ٢٥، ٢٧، ٢٨، ٦٢، ١٢٥، ١٢٦، ١٤٦، ١٨٢، ١٨٤، ٢٠٧، ٢١٩، ٢٢٠، ٢٢٨، ٢٣٤، ٢٣٥

زقاق معاويه، ١١٥

زمزم، ٩٥

زنجان، ١٧٩

زنوس، ٢١٩

زينب، ٥٣، ٥٤

زينب بنت علي، ٥٣

زينب بنت يحيى بن زيد بن علي، ٥١

زينب بنت يحيى بن متوج بن حسن بن حسن بن علي، ٥٣

زينبصغرى، ٤٨

زينبصغرى دختر امام علي، ٩٣

زينب كبرى، ٤٨، ٤٩، ٥١

زينبيه، ٥٤

زينبيه، ٥١

ساحل مديترا نه، ٢١٩

ساحه الاموين، ١٥٨

ساحه الامويين، ١٥٧

سبع طوالع، ٨٧، ٨٨

سته زينب، ٥٣

سعد، ١٦٨

سقيفه بنى ساعده، ١٦٦

سكينه دختر يكي از امراى دمشق، ٩٣

سلاح، ١٢٩

سلسله جبال قلمون، ١٤٤

سلسله جبال لبنان، ١٤٤

سلطانيه، ١٨٨

سليمان بن علي بن عبدالله بن عباس و همسرش، ١٠٨

«سميرا»، ٢٢٠

سوريه، ٢٣، ٥٥، ٢٠٠

سوق البزوريه، ١٢٧، ١٢٩، ١٣٣

سوق الجاييه، ٨٤

سوق الجقمق، ١٢٧

سوق الحميديه، ٨٤، ١٢٦، ١٢٧

سوق الخياطين، ٨٦، ١٣٤

سوق الخياطين و سوق العصريه، ٨٦

سوق الذرب، ١٨٥

سوق الزرب، ١٨١

سوق الساروجيه، ٨٤

سوق الصاغه، ٧١

سوق الطويل، ١٢٧

ص: ٢٨٢

سوق العصريه، ٨٦، ١١٨

سوق العماره، ٥٩، ٨١، ١٢٨

سوق «العماره»، ١٢٣

سوق القيمريه، ٨٢

سوق المصلى، ٨١

سوق مدحت پاشا، ٨٢، ١٢٧

سُويدا، ٢٤

سويدا، ٣٣

سهرورد، ١٧٩

سهل بن ربيع انصارى، ١٠٣

سيف الدين جقمق، ١١٩

شارع الكلاسه و باب البريد، ٨٩

شارع الكلاسه و سبع طوالع، ٨٧

شارع المستقيم، ٨٣

شارع الميدان، ١٠٦

شارع جراح، ٨٣

شارع سعد زغلول، ٨٤

شارع كلاسه، ٨٨، ١١٨، ١١٩، ١٣٣

شارع مستقيم، ٨٣، ٩١، ١٢٥، ١٢٧، ١٣٧

شارع میدان، ۹۱، ۱۰۷

شامات، ۲۶، ۲۷

شاهنشاہ بن ایوب، ۱۲۰

شاهنشاہ بن ایوب، ۱۲۰

شبستان جامع، ۷۱، ۱۴۹، ۱۵۷

شبستان مسجد اموی، ۷۱

شبستان مقام امام سجاد، ۷، ۷۴

شبستان های مدرسه، ۸۷

شبه جزیره، ۱۲۵، ۲۲۷، ۲۳۳

شرحییل بن حسنه، ۱۱۳

شمس الدین الذہبی، ۱۰۶

شوروی، ۳۱

شہبا، ۲۳۳

شہباء، ۲۳۸

شہر باستانی افامیہ: فامیہ، ۲۰۹

شہر تاریخی سویدا، ۲۳۷

شہر تدمر، ۲۲۶

شہر تدمر سوریه، ۱۳۸

شہر حماہ، ۲۰۷

شہر رُصافہ، ۱۹۹

شهر رقه، ١٩٥، ١٩٦، ١٩٧، ١٩٨، ١٩٩

شهر ك الثوره، ٢٠٠

شهر ك دانا، ١٩٠

شهر كصلخدا ياصرخدا، ٢٣٨

شهر ك عين دارا، ١٩٠

شهر ك عين ديوار، ٢٠٠

شهر ك كركميش (جرابلس)، ١٩٠

شهر ك معره، ٢١٥

شيخ ارسلان دمشقى، ١١٤

شيخ حسن جزايرى، ١٤٩

صافيتا، ٢١٩

صالحيه، ١٣٠، ١٣٥، ١٣٧، ١٤٣، ١٤٤، ١٤٧، ١٤٨، ١٥١

صخره قربان، ٦٥، ٧٨، ١٤٤

صفين، ٣٠، ١٩٥، ٢٠٠

صيدنايا، ١٣٧، ١٦٧

ضرار بن ازور اسدي، ١١٣

ضريح حزقييل، ١٦٥

طرائفين، ٧٧

طرسوس، ٢٤

طرسوس، ١٤٦

طرسوس، ٢٤، ٣٣، ٢١٩

عاصي، ٢٣

عالي قابوي اصفهان، ١٨٣

عائشه بنت الشاطي، ٩٣

عبدا، ١٠٣

عبدالرحمان بن عباس بن عبدالمطلب، ١٠٨

عبدالرحمان بن نوح، ١١١

عبدالعزيز، ٢٣

. عبدالله بن امام محمد باقر ٧، ١٠٨

عبدالله بن جعفر طيار، ١٠٠

عبدالله بن سجاد ٧، ٩٦، ١٠٥

عبدالله بن محمد بن اطرف، فرزند امام علي ٧، ١٠٧

عبدالمطلب بن ربيعه بن حارث بن عبدالمطلب، ١٠٨

عبدالوهاب المقدسي، ٦٥

عذراء، ١٦٠

عذراء، ٤١، ١٦٣

عراق، ٢٣، ٣٠، ٣١، ٤٣، ١٦٥، ١٧٥، ٢٠٠

عسقلان مصر، ٧٥

عصرونيه، ١٨٨

عفرين، ٢٣

عقاب، ٦٣

عقبه بنى هاشم، ٥١

علويين، ٢٣

علي بن عبدالله بن عباس، ١٠٨

عمان، ١٤٦

عمرو بنصلاح، ١١١

عهد قديم، ١٨٠

عين، ١٦٨

عين الشرق، ٤١

غار معروف اصحاب كهف، ١٤٥

غار منسوب به اصحاب كهف، ۱۴۶

غزاليه، ۶۸

غزوه موته، ۵۰

فاطمه بنت الحسين، ۹۶

فحل، ۲۸

فخر بن عساكر، ۱۱۱

ص: ۲۸۴

فراٲ، ۲۳، ۲۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۰

فراٲسه، ۳۰، ۱۷۴

فسطاط المسلمین، ۴۱

فضاله بن عبید، ۱۰۳

فلسطین، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۱۵۹

فلسفه افلاطونی، ۱۷۹

فیلوبولیس، ۲۳۸

قایل، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۷

قاسیون، ۲۳، ۶۵، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹

قاضی القضاة اخنایی شافعی، ۹۰

قاهره، ۴۴، ۵۱، ۵۳، ۷۵، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۰

قبر، ۵۳

قبر ابی مرثد، ۱۶۷

قبر ام حنه، ۱۵۸

قبر ام کلثوم، دختر امام علی، ۷، ۹۳

قبر اوس بن اوس، ۱۰۲

قبر برادرش شرف الدین عبیدالله، ۱۱۲

قبر بلال، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۶۶

قبر «بلال بن ابی درداء»، ۱۶۶

قبر تميم الدارى انصارى، ١٦٧

قبر جرجس حوارى، ١٣٦

قبر حضرت هاييل عليه السلام، ١٥٧

قبر دكتور صالح شهندي، ٨٨

قبرستان باب الصغير، ٩٥، ١٠٣

قبرستان باب توما، ١١٣

قبرستان صوفيه، ١١٠، ١١١

قبر سعد بن عباده خزرجى، ١٦٦

قبر سكينه، ٩٣، ٩٥

قبر سكينه بنت على، ١٦٦

قبر سكينه دختر امام حسين ٧، ٩٢

قبر شيث بن آدم، ١٥٨

قبر شيخ ارسلان دمشقى، ١١٣

قبر عبدالله بن امام زين العابدين ٧، ٩٦

قبر عبدالله بن جعفر الصادق ٧، ٩٦

قبر عبدالله بن جعفر صادق ٧، ١٠٥

قبر عبدالله بن سجاد ٧، ٩٦

قبر عمرو بنصلاح، ١١١

قبر فاطمه، ١٨٩

قبر فاطمه صغرى، ٩٦

قبر فضه، ١٠٤

قبر كناز صحابي، ١٦٧

قبر محسن بن الحسين بن علي، ٧، ١٧٧

قبر محمد بن حسن، ٧، ١٦٤

قبر محيي الدين، ١٤٩

قبر مرحوم شريعتي، ٥٦

قبر معاويه، ١١٤، ١١٦

قبر معروف بن جمر، ١٨٠

قبر معروف بن جمر، ١٨١

قبر ملك ظاهر ببيرس، ٨٧

قبر ملك عادل، ۱۱۸

قبر منسوب به ابان بن عثمان، ۱۰۲

قبر منسوب به بلال حبشی، ۹۹

قبر منسوب به حضرت موسی ۷ در قریه نَیْرَب، ۱۵۸

قبر منسوب به سعد بن ابی وقاص، ۱۶۴

قبر منسوب به عبداللہ بن ام مکتوم، ۱۰۱

قبر منسوب به عبداللہ بن جعفر بن ابوطالب ۳، ۱۰۰

قبر منسوب به فاطمه صغری دختر امام حسین ۷، ۹۴

قبر هاییل، ۱۴۵

قبر هود، ۶۸، ۱۱۵

قبر سکینه، ۱۰۰، ۱۰۱

قبر علمای بنی زهره، ۱۷۸

قبه نسر (عقاب)، ۷۹

قبه الساعات، ۶۵، ۶۷

قبه الغواره، ۶۵

قبه المال، ۶۴، ۷۸

قبه النسر، ۶۶، ۷۱

قتیبه شهابی، ۶۸

قحطان، ۲۲۲

قُدس، ٤١، ١١٧، ١٤٨

قدیس یوحنا، ٦٠

قریه البجدلیه، ١٦٧

«قریه الدانا»، ١٩٠

قریه المَزّه، ١٦٤

قریه برزه، ١٣٧

قریه بیت أرانس، ١٦٧

قریه دیر مُرّان، ١٦٧

قریه «الدانا»، ١٨٩

قریه «المَزّه»، ١٥٩

قریه داریا، ٣٤، ٩٤، ١٦٥، ١٦٦

قریه راویه، ٣٤

قریه راویه دمشق، ٥٤

قریه «زُبدانی»، ١٥٧

قریه منیحّه، ١٦٦

قریه «نیرب»، ١٥٩

٤. قریه المَنیحّه، ١٦٦

قصر ابن وردان، ٢٠٨

قصر اسرایا، ٢٠٨

قصر الأبلق، ١٢٩

قصر الاماره، ٢٠١

قصر الأموى، ١٢٨

قصر الخضراء، ٦٧

قصر الخضراء، ١١٥

قصر الخضراء، ١٢٨، ١٢٩

قصر الضيافه سيف الدوله، ١٨٣

قصر العظم، ١٢٨، ١٢٩، ١٣٣، ١٣٥، ٢٠٨

قصر العظم، ٢٠٨

قصر العظم: قصر اسعد پاشا، ١٢٨

قصر دارالاماره فاطمی ها، ١٢٩

قصر زمرد، ٧٥

قصر عاتکه دختر یزید و همسر عبدالملک، ١٢٨

قصر معاویه، ١٢٩

قطب الدین نیشابوری، ١١١

قلاع طرطوس، ٢١٩

قلعه، ١٢٥

قلعه ابوقیس، ٢٠٧

قلعه الخوابی، ٢٢٠

قلعه حصن، ٢١٩

قلعه حلب، ١٨١

قلعه سمعان، ١٩٠

قلعه شمیس، ٢٠٨

قلعه صنفیق، ٢٠٨

قلعه صلاح الدین، ٢٢٢

قلعه كهف، ٢٢٢

قلعه مشهور حلب، ۲۰۷

قلعه و تئاتر بصری، ۲۳۴

قلعه های حماه، ۲۰۶

قلعه یحمو، ۲۱۹

قلعه جعبر، ۲۰۰، ۲۰۱

قلعه حارم، ۱۸۹

قلعه حلب، ۷۰

قلعه حماه، ۲۰۶

قلعه دمشق، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱

قلعه رَحیبه، ۲۰۸

قلعه سمعان، ۱۸۸

قلعه شَیْر، ۲۰۷

قلعه صلاح الدین، ۲۲۱

قلعه مصیاف، ۲۰۸

قنطره السباع، ۵۱

قنطره، ۲۴

قنطره، ۲۴، ۳۲، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۶۹

قنطره و جولان، ۱۶۸

قوس النصر: باب النصر، ۲۲۶

قوس نصر، ۲۲۶

قویق، ۲۳

کاخ معاویه، ۱۱۵

کامل ناصرالدین محمد، ۵۸

کتابخانه جامع منگلی بغا، ۱۸۸

کتابخانه شیخ عبدالرحمن عجمی در مدرسه اشرفیه، ۱۸۸

کتابخانه مولویه، ۱۸۸

کربلا، ۱۸، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۶، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۴، ۱۷۵

ص: ۲۸۷

کرج، ۱۱۸

کرنک، ۴۱

کلاسه، ۷۶

کنده، ۱۶۰

کنیسه حوبریا الیاهو، ۱۳۶

کنیسه سریانیه، ۲۵

کنیسه قدیس پطرس، ۱۲۴

کنیسه قدیس حانیا، ۱۳۷

کنیسه مریم عذراء، ۱۳۷، ۱۶۷

کنیسه باب توما، ۶۱

کنیسه بزرگ دمشق، ۱۳۸

کوفه، ۵۱، ۹۴، ۹۷، ۱۶۱

کوه جوشن، ۱۷۸

کوه طور، ۶۹

کوه قاسیون، ۶۵، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹

گنبد عقاب، ۶۶

گنبد نوفره، ۷۸

لاذقیه، ۲۴، ۳۳، ۲۱۹، ۲۲۲

لبنان، ۲۳، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲

لبنان شرقى، ٢٣، ٢٥

مئذنه شرقى، ٦٨

مارت مروثا، ١٧٥

مارى يوحنا، ٦٠

مأذنه شرقى، ٦٧، ٦٩

مأذنه شمالى، ٦٨

مأذنه غربى، ٦٨

مجد الشمس، ١٦٨

محراب الصحابه، ٧٢

محراب و مسجد «امام زين العابدين ٧»، ٧٤

محراب و مقام حضرت زين العابدين، ٧٥

محسن الأمين، ٩٣

محسن بن جعفر بن هادى ٧، ١٠٧

محل تدريس امام محمد غزالى، ٦٨

محل غسل تعميد مسيحيان، ٧٣

محلّه الامين، ٥٨

محلّه «اعاطله»، ١٣٤

محلّه الاربعين، ١٤٤

محلّه الجزماء، ١١٣

محلّه خالدويه، ٢١٤

محلہ شویکہ، ۱۱۰

محلہ محی الدین، ۹۱

محلہ محی الدین، ۱۴۶

محلہ محیی الدین کنونی، ۱۴۸

محمد ۹، ۱۳۷

محمد بن ابو حذیفہ عتبہ بن ربیعہ بن عبد شمس، ۱۰۸

محمد کرد علی، ۸۷

محمود خربوطلی، ۱۴۹

مدرسه احمدیه، ۸۴، ۱۲۶

مدرسه الدینسریه، ۱۳۵

مدرسه الرشائیه، ۸۵

مدرسه العمریه، ۱۵۱

مدرسه اللبودیه، ۱۳۶

مدرسه پزشکی دخواستیه، ۱۳۵

مدرسه جُمُقیه، ۸۹، ۹۰

مدرسه حلاویه، ۱۸۸

مدرسه سمیساطیه، ۶۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰

مدرسه شایختیه، ۱۸۸

مدرسه شرفیه، ۱۸۸

مدرسه شرکسیه، ۱۵۱

مدرسه ظاهریه، ۸۷، ۸۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۸۸

مدرسه «ظاهریه»، ۱۳۳

مدرسه عادلیه کبری، ۸۶

مدرسه فردوسییه، ۱۸۸

مدرسه ماردینییه، ۱۵۲

مدرسه محیی الدین بن عربی، ۱۴۸

مدرسه نوريه، ٨٦، ١١٨

مدرسه اخنائيه، ٩٠

مدرسه بادرائيه، ٩١

مدرسه جوزيه، ٨٩

مدرسه شاميه، ٩٠، ١٢٠

مدرسه هصابونيه، ١٠٢، ١٠٦

مدرسه عادليه، ٨٦، ٨٨، ١١٨، ١١٩

مدرسه عزيزيه، ٨٨، ١١٧

مدرسه نوريه كبرى، ٨٦

مدفن ابوالعلاء مُعري، ١٨٩

مدينه، ٢٧، ٤٣، ٤٧، ٥١، ٥٢، ٥٣، ٥٤، ٩٣، ٩٤، ٩٦، ٩٩، ١٠١، ١٠٢، ١٠٤، ١٠٥، ١١٢، ١١٣، ١١٤، ١٢٩، ١٤٩، ١٦٦، ١٩٩، ٢١٤،

٢١٥

مدينه النبي، ٢٦

مرج الصفرة، ٢٨

مرج دابق، ٤٥

مرج راهط، ١٦٣

مرج عذراء، ٨١، ١٦٠

مَرْجِ عَذْرَاءٍ: مرقد، ١٦٠

مرقب، ٢٢٢

مرقد حضرت رقيه، ١٢٨

مرقد درویش پاشا، ۱۲۷

مرقد سکینه - دختر امام حسین ۷، ۹۳

مرقد عبدالله بن جعفر صادق ۷، ۱۰۴

مرقد مطهر حضرت زینب، ۳۴

مرقد مطهر «زکریای نبی ۷، ۱۸۵

مرقد منسوب به ابی بن کعب، ۱۹۹

مرقد و آرامگاه زینب کبری، دختر امیر مؤمنان، ۴۷

مزار اویس قرنی، ۱۹۸

مَزَّه الكلب، ١٦٣

مسجد ابي بن كعب انصاري، ٨١

مسجد ابي دردا، ٨٢

مسجد الاقصاب، ١٦٣

مسجد الاقصاب: القصب، ٨١

مسجد الاقصي، ٦٩

مسجد الجوزه، ٨٩

مسجد السادات، ٨٠، ١٢٨

مسجد الصغير، ٨٠

مسجد النبي، ٤٩

مسجد النبي ٩، ٩٥، ١١٢، ١١٦

مسجد النبي ٩، ٩٦، ١٠٢

مسجد النقطه، ١٧٥

مسجد النقطه، ١٧٥، ١٧٦

مسجد اموي، ٦٠، ٦٣، ٦٨، ٦٩، ٧٣، ٧٥، ٩٧، ١١٦، ١٢٨، ١٣٤، ١٣٨، ١٨٤

مسجد اياصوفيه، ٢١٤

مسجد حمص، ٢٩

مسجد دمشق، ٦٣

مسجد عقيق، ٧٨

مسجد هشام، ۸۲

مسجدی به نام «رأس الحسين»، ۵۸

مسرح، ۲۲۷، ۲۲۸

مسعودی، ۶۵، ۶۷

مسیر انطاکیه، ۱۸۹

مشهد ابی بکر، ۷۶

مشهد ابی بکر، ۷۷

مشهد الحسين، ۱۱۱، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸

مشهد الحسين، ۷، ۱۷۵

«مشهد الدّکّه»، ۱۷۷

مشهد المحسن، ۱۷۶

مشهد المحسن بن الحسين، ۷، ۱۷۷

مشهد النقطه، ۱۷۶

مشهد عثمان، ۷۶

مشهد عروه، ۷۶

مشهد علی، ۷، ۷۶، ۱۸۴

مشهد عمر، ۷۶

مصر، ۱۷، ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۲، ۵۳، ۶۰، ۷۵، ۷۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۷۹

مصلاى زینبیه، ۵۵

مصیاف، ۲۰۸، ۲۰۹

مطبع الحافظ، ٦٥

معاذ بن جبل، ١١٣

معاوية اول، ٦٩

معاوية دوم، ١١٥، ١١٦

معاوية بن ابى سفيان، ١١٤

معيد، ٢٢٦، ٢٢٨

ص: ٢٩٠

معبد آتش پرستان، ٦٠

معبد ابى دردا، ١٠٣

معبد اله آرامى، ١٣٧

معبد بل، ١٣٨، ٢٢٧

معبد ژوپيتر، ٦٠، ٩٠، ١٢٦، ١٢٨، ١٣٧

معبد فيليون، ٢٣٨

معبره النعمان، ١٨٩

معهد الدراسات الشرعيه، ٦٧

معهد الدراسات الشرعيه، ٨٩

معهد العلوم الشرعيه للجمعيه القراء، ٨٩

مغارهاالجوع، ١٤٥

مغارهاالجوع، ١٤٥، ١٤٦

مغارها الدم، ١٤٤، ١٤٥، ١٤٦، ١٥٧

مغارها الدم، ١٤٦

مقابر سكينه، ١٠٣

مقابر سكينه و امّ كلثوم، ١٠٥

مقابر صوفيه، ١١١، ١١٢، ١٣٥

مقام، ٥٩

مقام ابراهيم، ١٣٧، ١٨٣، ١٨٤

مقام خضر، ۱۸۴

مقام رأس الحسين، ۷۳

مقام رأس يحيى، ۶۸، ۲۱۴

مقام سيف الدين قيمرى، ۱۵۰

مقام شيخ ارسلان، ۱۱۴

مقام و محل دفن سر يحيى، ۶۹

مقام و مرقد حضرت رقيه، ۱۲۸

مقام هود، ۶۸، ۶۹، ۱۱۴، ۱۱۵

مقبره حضرت على ۷، ۷۵

مقبره «حضرت هود»، ۶۸

مقبره شيخ حسن جباوى، ۸۳

مقبره محى الدين بن عربى، ۱۵۰

مقبره و حرم «رقيه»، ۵۷

مقبره ابن شهر آشوب، ۱۷۸

مقبره ابى سليمان دارانى، ۱۶۵

مقبره امير تنكز، ۹۱

«مقبره باب الفرديس»، ۵۷

مقبره باب شرقى، ۱۱۳

مقبره حضرت زينب، ۵۷

مقبره سهروردى، ۱۸۰

مقبره شاهنشاہ بن ایوب، ۱۲۰

مقبره شهید شیخ شہاب الدین سہروردی، ۱۷۹

مقبره صلاح الدین، ۸۸، ۱۱۷

مقبره عمار، ۱۹۸

مقبره عمار بن یاسر، ۱۹۷

مقبره فضہ، ۱۰۳

مکان اصحاب کھف، ۱۴۶

مکان نزول عیسیٰ، ۶۹

مکہ، ۵۴، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۶۱، ۱۹۹

ص: ۲۹۱

ملک، ۵۸

ملک اشرف موسی، ۱۱۹

ملک ظاهر بیگز، ۱۱۹

ملک عادل ایوبی، ۱۸، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳

ملکه زنویا، ۲۲۸

مناره، ۱۲۷

مناره عروس، ۷۸

مناره عیسی، ۶۷

مناره البیضاء، ۶۷

مناقب الائمه، ۱۷۸

منصور عباسی، ۱۹۶

منطقه صفین، ۳۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸

موزه های مردم شناسی، ۱۲۹

موزه طرطوس، ۲۲۰

موصل، ۱۸۱

مولوی خانه، ۱۳۰

مهالبه، ۲۲۲

میدان سیع بحرات، ۱۸۶

میدان قلعه حلب، ۱۸۷

میدان نمک، ۱۸۶

میدان یرموک، ۸۱

میمونه دختر امام حسن، ۱۰۵

مؤته، ۲۷، ۵۰، ۱۰۴

ناحیه اسکندرون، ۳۱

نبرد انطاکیه، ۱۸۱

نبرد یمامه، ۱۹۷

نبو، ۲۲۷

نجف اشرف، ۷۵

نسر، ۶۳

نصرالدین البحره، ۶۵

نعیمی، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۸

نورالدین محمود زنگی شهید، ۱۱۸

واثله بن اسقع، ۱۰۲

واسط، ۱۶۵

والتین، ۶۳

ورود، ۶۶

ولید بن عبدالملک بن مروان، ۱۱۶

همدان، ۱۱۸

همسرش محمد بن شیرکوه، ۹۰

هند، ۳۳، ۴۸، ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۸۱، ۹۷، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۹۹، ۲۲۵، ۲۲۸

یرموک، ۲۸، ۸۱، ۱۶۸

یزید، ۲۹، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۹۷، ۹۸، ۱۱۵، ۱۲۸، ۱۵۱، ۱۶۷

یمن، ۲۵، ۶۹، ۱۱۸، ۱۶۵

ص: ٢٩٢

يوسف العَظَمه، ٩٠، ١٢٠

يوسف العَظَمه، ١٢٩

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹